



برنامه اقتصاد مقاومتی، خیالی و توهمی نیست و عملاً و حتماً
ممکن است؛ چون این کشور، دارای ظرفیتهای فوق العاده است.

آرام

نشریه تربیتی بصیرتی معرفتی
شجره طیبه صالحین
صاحب امتیاز:

معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج مستضعفین
با همکاری مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

مدیر مسئول: سعید دسمی

سر دبیر: مجتبی صمدی

هیئت تحریریه: صادق سبحانی، طه رضانی، محمود

کریمی بیرانوند، حسن عباسی متقیان و سامان مظاهری.

همکاران: اشکان صفری، علی کرمی، سجاد سیف‌لو، علیرضا مقصودی، رضا تنهای‌مقدم، محمد صالح صابری‌مقدم، زهره جعفری، علی عرب‌صالحی، حمیدرضا محمدی نجف‌آبادی، امیر عسکری، یاسر سلیمانی، محمدابراهیم قطبی، سیدعبدالرسول علم‌الهدی، علی مصطفوی، وحید عزیزی، محسن کشاورز، حامد یوسفی، سید مجتبی حسینی فاضل، سجاد شیخها، محمدحسین دلدار، محمدامین حقگو، سعید سیدحسین‌زاده و مصطفی کوچک‌زایی

ویراستاری: محسن احمدی، زهرا فتحی و نعمیه آقائوری

صفحه آرا: قاسم رستم‌پور

طرح جلد: محمد طالب‌زاده

داده‌نما: سیدمصطفی شفیعی

نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه شهید باقری و رسالت، خیابان رشید، خیابان نوکار، خیابان برادران شهید صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲، کدپستی: ۱۶۵۱۶۷۴۱۱۱

نمابر: ۰۲۴۶۱-۷۶۷۰

تلفن: ۰۲۴۴۵-۷۶۷۰

تارنما: www.tarbiateslami.com



۳۱ پرونده
ابزارهای دشمن



۵۱ پرونده
اهداف دشمن در جنگ اقتصادی



پرونده رمز عملیات | ۵



پرونده نقشه جنگ اقتصادی | ۱۷



پرونده پیشینه جنگ تاکنون | ۲۳



پرونده نقشه عملیات | ۲۳

۵۹

پرونده
جنگ اقتصادی را
بشناسیم



۶۷

پرونده
ابزارهای موجود ما
برای مقابله با جنگ
اقتصادی



۸۱

پرونده
ناکارآمدی‌های
اقتصادی، دشمنان
داخلی در جنگ



۹۷

پرونده
نقشه‌خوانی پیش از
عملیات



مخزن خبر



استقلال اقتصادی و تربیت اقتصادی

شده، اما کم کم مشخص می‌شود که همه این موارد سراب و آرزویی بیش نبوده است.

خداوند متعال در قرآن کریم از انسان‌هایی یاد می‌کند که در عین فعالیت اقتصادی، همیشه به یاد او هستند و در تمامی حالات تولید، مصرف و ... مطیع دستورات او می‌باشند. ذات اقدس الهی در قرآن کریم می‌فرماید: «رَجُلًا لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود. (نور/۳۷)

انسان، نه تنها از فعالیت اقتصادی نهی نشده بلکه در صورتی که آن را با نیت خالص و رعایت دستورات الهی همراه نماید، عبادت انجام داده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءَ تِسْعَةُ أَجْزَاءَ فِي طَلَبِ الْخَلَالِ عِبَادَت، ده جزء دارد که نه جزء آن

طلب حلال است (بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹).

ایشان همچنین در روایت گرانقدر دیگری می‌فرمایند: «بنده به حقیقت ایمان دست نمی‌یابد مگر هنگامی که از سه خصلت برخوردار باشد: تقه در دین، تقدیر معیشت و صبر بر بلاها» (المحاسن ج ۱، ص ۵). بنابراین اگر بخواهیم به حقیقت ایمان دست پیدا کنیم، باید اندازه نگاه داشتن نیکو را در زندگی بیاموزیم و رعایت کنیم.

امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله) که ادامه‌دهنده راه و مسیر ائمه معصومین (ع) هستند، همواره بر رعایت دستورات الهی در زمینه اقتصاد تأکید کرده‌اند. امام خمینی (ره)، تربیت انسان در ابعاد مختلف را لازم و ضروری برشمرده و می‌فرماید: «ابعاد انسان، ابعاد همه عالم می‌باشد و اسلام برای تربیت انسان در همه ابعاد است». (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۲۱)

یکی از ابعاد مرتبط با انسان، جنبه‌های اقتصادی

پرونده اول:

رمز عملیات



اقتصادمان چگونه باشد

در کلام امام خمینی (ره)



باطل السحر نفوذ اقتصادی دشمن

در کلام امام خامنه ای (مدظله)



گفتمان اقتصاد مقاومتی در سیر زمان

مروری بر رویدادها و اقدامات سیاستی

اقتصادی، راهنمایی و هدایت کردند.

با این وجود، مردم در مسیر عمل به شعارهای اقتصادی چند سال اخیر و تحقق اقتصاد مقاومتی با ابهامات و سؤالات مختلفی روبه‌رو شده‌اند. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین اقدامات دشمن در جنگ اقتصادی، ایجاد و تقویت عملیات روانی در حوزه مسائل و مشکلات اقتصادی می‌باشد. به عنوان مثال، دشمن با بزرگ‌نمایی برخی از مشکلات اقتصاد ایران و غافل نمودن مردم از توانایی‌های کشور، چنین وانمود می‌کند که پیشرفت اقتصاد و حل مشکلات منوط به خواست و اراده آن‌ها است و در صورتی که دولت و مردم تسلیم نشوند، مشکلات ادامه خواهد یافت.

به طور کلی، دشمن در صدد این است که شرایط اقتصادی کشور و وضعیت معیشت مردم را بحرانی جلوه دهد که این کار را با طرح مشکلات و شبهات غیرواقعی دنبال می‌کند.

حل این مشکلات نیازمند تبیین ابهامات، پاسخ به سؤالات و رفع شبهات می‌باشد. این اقدام می‌تواند در تحلیل صحیح شرایط اقتصادی کشور و وضعیت معیشت جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. به عنوان مثال، کسی که از ظرفیت‌های کشور و توانمندی‌های آن، اطلاع دقیق و درست داشته باشد، شرایط اقتصادی کشور را به صورت صحیح تحلیل خواهد کرد و عاملی برای اطمینان‌بخشی مردم خواهد شد.

ویژه‌نامه حاضر به دنبال راهی برای تبیین ابعاد مختلف جنگ اقتصادی، اشاره به ظرفیت‌های عظیم اقتصاد ایران برای مقابله با آن و در نهایت تعیین نقش ما در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان بهترین راهکار پیروزی می‌باشد. بر همین اساس تلاش می‌کند تا الگوهای عملیاتی و گام به گام، جهت طرح و جریان‌سازی را در تمامی سطوح حلقه‌های شجره طیبه صالحین، پیاده سازی نماید. امید است که این تلاش مورد استفاده علاقمندان و دغدغه‌مندان این عرصه قرار بگیرد.

خشتی کردن اقدامات آن‌ها را تبیین و تصریح کردند و در همین زمینه فرمودند: «من سال ۸۶ در صحن مطهر علی‌بن موسی‌الرضا (ع) در سخنرانی اول سال گفتم که این‌ها مسئله اقتصاد را پیگیری می‌کنند. همچنین می‌توان فرض کرد که این شعارها در طی سالیان متوالی، حلقه‌هایی برای ایجاد یک منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد بوده‌است. به عنوان مثال، اصلاح الگوی مصرف، مسئله جلوگیری از اسراف، مسئله همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله جهاد اقتصادی و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی می‌باشد. ما تمامی این موارد را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکرده‌ایم بلکه این شعارها مواردی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند. می‌تواند ما را پیش ببرد و ما باید دنباله‌رو این راه باشیم».

جنگ اقتصادی به مرور زمان شدت یافت که در اواخر سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسید. امام خامنه‌ای (مدظله)، در این باره می‌فرمایند: «خوب تحریم‌ها از قبل بوده، منتها این تحریم‌ها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست بلکه یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن نیز، نه مسئله هسته‌ای، نه مسئله حقوق بشر، نه مسائل دیگری از این قبیل است. علت آن را خود آن‌ها هم می‌دانند، ما هم می‌دانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است. علت، داشتن یک حرف نو بر پایه مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد. می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدان‌ها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمی‌شود گرفت و این یک حرکت مهمی است. مسئله این است».

بنابراین شعارهای سال با تیزبینی، هوشیاری و بصیرت همیشگی امام خامنه‌ای (مدظله) و متناسب با ضعف‌های اقتصادی کشور - که باید جبران می‌شد- انتخاب گردید. ایشان همچنین با طرح «اقتصاد مقاومتی» در شهریور ۱۳۸۹، همگان را بر اجرای این مهم برای اصلاح اقتصاد کشور و نیز افزایش توان مقابله با جنگ

زندگی او می‌باشد و اسلام به تربیت انسان در این زمینه نیز توجه نموده است.

امام خمینی (ره)، حفظ استقلال اقتصادی کشور را یکی از تربیت‌های اقتصادی لازم برشمرده و در این باره می‌فرمایند: «اگر ما در هجوم اقتصادی نیز واقع شدیم که هجوم اقتصادی اسباب این بشود که وابسته به یک کشور دیگری باشیم، این نیز یک وظیفه شرعی است که ما باید خود را نجات دهیم. از هر کسی هر کاری که راجع به اقتصاد برمی‌آید، باید انجام دهد. یک طبقه ننشیند تا طبقه‌ای دیگر کاری انجام دهد. رعیت‌ها کم کاری نکنند. آن‌هایی که در کارخانه‌ها کار می‌کنند، کم کاری نکنند، سستی نکنند، امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است. این طور نیست که یک وقت آرامش باشد، بگویید خوب ما نمی‌خواهیم زیاد منفعت ببریم. این اختیار با خودتان است. اینجا دیگر اختیار با مردم نیست. این اختیاری است که در دست خدا است و او به این معنا امر کرده است. یعنی نمی‌شود که ما تحت نظارت یک کشوری باشیم که به دین اعتقاد ندارد یعنی نمی‌توانیم تحت بیرق کفر برویم. این یکی از مسائل مهم است. ما باید کوشش کنیم و اقتصاد خودمان را خود اداره کنیم».

امام خامنه‌ای (مدظله)، نیز با طرح مسائل و عناوین اقتصادی در شعار سال‌های مختلف (سال ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ...) بر لزوم اصلاح برخی رفتارها و فرهنگ‌های غلط اقتصادی تأکید کردند و توجه همگان را خواستار شدند. ایشان همچنین با رصد دقیق و کامل وضعیت اقتصادی کشور و نیز اقدامات خصمانه دشمنان انقلاب اسلامی، حفظ و ارتقاء نقاط قوت اقتصاد ایران و برطرف کردن نقاط ضعف آن را گوشزد نمودند.

امام خامنه‌ای (مدظله)، در سال ۱۳۸۶ نسبت به تمرکز دشمنان بر تخریب اقتصاد کشور هشدار دادند و مطابق با پیش‌بینی ایشان، دشمنان انقلاب اسلامی با وضع تحریم‌های یک‌طرفه از سال ۱۳۸۸، رسماً «جنگ اقتصادی» را آغاز نمودند.

ایشان پس از آن هشدار، از طریق انتخاب شعارهای اقتصادی برای چندین سال متوالی، مسیر



صالحین



شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصادمان چگونه باشد

در کلام امام خمینی(ره)

امور به‌سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت می‌فرمایند: «دولت چنانچه کراراً تذکر داده‌ام بی شرکت ملت و توسعهٔ بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجهه خواهد شد. کشاندن امور به‌سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت بیماری مهلکی است که باید از آن اجتناب شود»^۱.

ایشان همچنین در مورد دولتی نکردن همه چیز می‌فرمایند: «دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید. نه! دولتی در یک حدودی است، آن حدودی که معلوم است قانون هم معین کرده ولیکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید»^۲.

ایشان همچنین ضرورت شرکت دادن بازاریان و فعالان در امور اقتصادی را این‌گونه بیان می‌فرمایند: «یک دولت محدود نمی‌تواند کار کند، باید چهل میلیون جمعیت را در صحنه نگه دارد و نگهداری به این است که شما بازار را می‌خواهید نگه دارید، بازار را در کارها شریک کنید، بازار را کنار نگذارید»^۳.

حضرت امام خمینی (ره) در مورد لزوم ایجاد تسهیلات برای بخش خصوصی می‌فرمایند: «همین طور شرکت دادن مردم در امور -این را کراراً گفتم شما هم خودتان گفتید- که [اگر] یک کشوری را بخواهید اداره کنید، تا شرکت مردم نباشد نمی‌شود صحیح اداره

شود. وقتی بنا شد که مردم در کارها شرکت کنند، شما مردم را شرکت دادید؛ آن‌ها که الآن خدمت می‌کنند و سابق هم به شما خدمت کردند، به ما، به همه، به اسلام و شما را به اینجا رساندند آن‌ها را کنار نگذارید؛ رد نکنید آن‌ها را در کار وارد کنید. وقتی در کار وارد کردید و آن‌ها دیدند که شما می‌خواهید با آن‌ها همکاری کنید آن‌ها هم با شما همکاری می‌کنند»^۴.

۲- تقویت فرهنگ کار و تولید

حضرت امام خمینی (ره) در این ارتباط می‌فرمایند: «یک مملکتی که بخواهید از خودتان باشد و دیگران نتوانند در آن دخالت کنند اول باید آن چیزی که مربوط به اوراق خودتان است (از حیث رزق) احتیاج به دیگران نداشته باشیم؛ نان ما را دیگران ندهند. آخر برای ما عیب است که ما بنشینیم و نان آن را دیگران بگویند که ما به شما می‌دهیم یا ما به شما نمی‌دهیم. باید خودمان تهیه کنیم و این به این است که کشاورزی را توسعه بدهیم. اگر قبلاً کم‌کاری می‌کردند حالا زیادت‌ر کار بکنند»^۵.

۳- کاهش وابستگی به ذخایر زیرزمینی

ایشان در مورد حرکت به‌سوی اقتصاد بدون نفت می‌فرمایند: «ما چاه‌های نفت را نمی‌بندیم ولیکن چوب حراج هم بر آن نمی‌زنیم ولی کسی هم نمی‌تواند بر ما تحمیل کند که استفاده کردن ما از نفت

فقط باید از طریق فروش نفت به دیگران باشد. چرا ما نباید به‌جای پول نفت خود آن را در اقتصاد کشور جا بدهیم»^۶.

۴- اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف

حضرت امام خمینی (ره) مبارزه با مصرف‌گرایی را یکی از راهکارهای رسیدن به استقلال و خودکفایی اقتصادی می‌داند و درباره ضرورت مبارزه با مصرف‌گرایی می‌فرمایند: «با تمام قدرت جلوی چیزهایی که به ضرر کشورمان است را می‌گیریم. ما هرگز به کشورها اجازه نمی‌دهیم تا ایران را بازار مصرف خود کنند. ما وابستگی تجاری را از بین خواهیم برد»^۷. ایشان همچنین در مورد پرهیز از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی مسئولان و کارگزاران اقتصادی می‌فرمایند که «باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچک‌ترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند»^۸.

ایشان در مورد کمک به اقتصاد کشور می‌فرمایند: «برای کمک به اقتصاد کشور -که امروز از اهم مسائل است- از اسراف، تبذیر و استعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند»^۹.

۵- حمایت از تولید ملی

ایشان همچنین در مورد تقویت تولید می‌فرمایند: «ما نه چاهای نفت را می‌بندیم و نه درهای مملکت را به روی خود می‌بندیم و نه کشور را به بازار مصرف هرچه که غرب می‌سازد و می‌خواهد به ما تحمیل کند تبدیل می‌کنیم. ما از نفت استفاده خواهیم کرد ولی دلیلی ندارد که همیشه صادر کننده آن باشیم. ما چیزی را که نداریم و به آن نیاز داریم، از خارج می‌خریم ولی چرا خود تولیدکننده مایحتاج خود نباشیم، سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم»^{۱۰}.

۶- استفاده حداکثری از همه ظرفیت‌ها

ایشان در مورد استفاده از امکانات و ظرفیت‌ها برای تقویت تولید می‌فرمایند: «ایران امکانات و ظرفیت‌های مختلف و فراوانی برای رشد اقتصادی دارد که اگر نفت هم نباشد بتواند در رشد خود و از بین بردن فقر پیروز شود. از قبیل معادن مختلف که در صنایع اهمیت زیادی دارد و همچنین امکانات کشاورزی و دامداری و مهم‌تر از همه وجود استعدادهای سرشار و خلاق انسانی»^{۱۱}.

صالحین



بومی و جلوگیری از کالاهای تجملاتی می‌فرمایند: «بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند»^{۱۲}.

ایشان در مورد به حرکت در آوردن چرخ‌های اقتصاد کشور با فکر و تلاش خود می‌فرمایند «من ضمن تشکر از گردانندگان صنایع کشور خصوصاً صنعت نفت و گاز از همه آنان می‌خواهم که با تلاش خود به دنیا ثابت کنند که می‌توانند با فکر و تلاش خود چرخ‌های اقتصاد کشور را به حرکت در آورند»^{۱۳}.

حضرت امام (ره) در مورد مبادله علمی و تجربی و گرفتن اطلاعات مفید اقتصادی نیز می‌فرمایند: «ما باید از این کارشناس‌های قدرت‌های بزرگ بعضی مطالب را یاد بگیریم. این‌ها از طول مدتی که شاید قریب بیش از سیصد سال است در این ممالک راه پیدا کردند همه چیز این مملکت را خصوصاً آن‌هایی که مورد اهمیت است ... مطالعه کرده‌اند. هرچه ما داریم از دارایی‌های زیرزمینی و از دارایی‌های روی زمین و از چیزهایی که در یک کشور وجود دارد مثل فرهنگ، اقتصاد، امثال ذالک، این‌ها مطالعه کرده‌اند و مطالعاتشان بیشتر از ماست. این‌ها در آن وقتی که این وسایل تقلیه فعلی نبوده است می‌آمدند در ایران و با کاروان‌ها راه می‌افتادند

۷-روح خودباوری و خوداتکایی

حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرمایند: «بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیاید و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان‌ها شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب»^{۱۴}.

۸- توجه به اقتصاد دانش‌بنیان

ایشان در مورد حمایت از کارشناسان و متخصصان



با تمام قدرت جلوی چیزهایی

که به ضرر کشورمان است را

می‌گیریم. ما هرگز به کشورها

اجازه نمی‌دهیم تا ایران را بازار

مصرف خود کنند. ما وابستگی

تجاری را از بین خواهیم برد

صالحین



می‌خواهی دلیل باشی؟ برو پیوند کن با آمریکا، همه این حرف‌ها تمام می‌شود جنگ هیچ نمی‌شود؛ پیوند کن با شوروی، باز هم نمی‌شود! اما چی؟ این است که یک ملت عقب ماندهٔ تو سری خوردهٔ ضعیف و تا آخر؛

۹- ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور

حضرت امام خمینی (ره) در مورد پیوند مادیات و معنویات می‌فرمایند: «قانون مالی مثلاً در اسلام که برای اداره کشور و احتیاج زندگانی مادی وضع شده به طوری وضع شده است که جنبه زندگانی معنوی در آن منظور است و کمک‌کاری به زندگانی معنوی می‌کند از این جهت در دادن بیشتر مالیات‌ها قصد تقرب به خدا که به واسطه آن زندگانی معنوی تأمین و روح انسانی بزرگ می‌شود شرط شده است.»^{۱۶} ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «بحمدالله مملکت از نظر منابع طبیعی همه چیزش خوب است. آب و زمین خوب دارد و مردمش آگاه و در فکر کشاورزی هستند و دولت باید آن‌ها را تشویق و تقویت بنماید و امکانات لازم را در اختیار آن‌ها بگذارد»^{۱۷}. حضرت امام در جای دیگری می‌فرمایند که «سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید»^{۱۸}.

۱۰- استقلال اقتصادی و عدم وابستگی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین مسائل ساختاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران حفظ استقلال اقتصادی است. حضرت امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند: «ما قطعاً با جهان صنعتی در رابطه کامل خواهیم بود ولی حق تصمیم‌گیری برای جهتی که اقتصاد ما انتخاب

خواهد کرد به عهده خود ما خواهد بود»^{۱۹}.

حضرت امام (ره) همچنین در مورد ضرورت حرکت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد بدون نفت می‌فرمایند: «ما چاهای نفت را نمی‌بندیم ولیکن چوب حراج هم بر آن نمی‌زنیم. کسی هم نمی‌تواند بر ما تحمیل کند که استفاده کردن ما از نفت، فقط باید از طریق فروش آن به دیگران باشد. چرا ما نتوانیم به جای پول نفت خود آن را در اقتصاد کشور جا بدهیم؟»^{۲۰}.

۱۱- مقابله با تهدیدات و جنگ اقتصادی خارجی

حضرت امام خمینی (ره) در مورد مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی می‌فرمایند: «ملت ما هم با قدرت و قوت پیش برود و هیچ از این نوع چیزها پاک نداشته باشد. چیزی است که بر ملت بر ملت بیدار- ثابت شده است که می‌خواهی بیدار باشی می‌خواهی مستقل باشی باید جورش را بکشی! می‌خواهی دلیل باشی؟ برو پیوند کن با آمریکا، همه این حرف‌ها تمام می‌شود جنگ هیچ نمی‌شود؛ پیوند کن با شوروی، باز هم نمی‌شود! اما چی؟ این است که یک ملت عقب ماندهٔ تو سری خوردهٔ ضعیف و تا آخر؛ اما وقتی یک ملتی بخواهد سربلند باشد، بخواهد ارزش داشته باشد این دیگر نباید فکر این باشد که حالا این ارزشی که داریم، ببینیم به‌اندازه این هست که ماستمان گران باشد! یا دوغمان چه باشد! اگر این‌طور است که ما از حالا هم رفتیم؛ اما می‌بینیم این‌جور نیستند، ملت ما الحمدالله این‌طور نیست»^{۲۱}.

ایشان در مورد مسئله تحریم‌ها نیز می‌فرمایند: «من اعتقاد است که اگر ما را در محاصرهٔ اقتصادی یک ده سال، پانزده سال واقع بشویم شخصیت خودمان را پیدا می‌کنیم یعنی همهٔ مغزهایی که راکد بودند در آن وقت و نمی‌توانستند فعالیت بکنند به فعالیت می‌افتند ...»^{۲۲}.

۱۲- داشتن روحیه جهادی

حضرت امام خمینی در مورد کار کردن با روحیهٔ مقدس فداکاری و سرباز نظام بودن می‌فرمایند: «خداوند تعالی این روحیهٔ مقدس سربازی و فداکاری را در کلیه کارگران و کارمندان و متخصصان تا رسیدن به استقلال و خودکفایی کامل حفظ فرماید»^{۲۳}.
آن بزرگوار همچنین در مورد داشتن روحیه تعهد و خدمت به مملکت می‌فرمایند: «بی همکاری امثال

بازار، کارگرها -نمی‌دانم- زارعین، بدون این قشرهای مختلفی که هستند کار پیش نمی‌رود؛ باید آن‌ها هم وارد باشند در کار و کمک کنند. کارهایی که آن‌ها می‌توانند انجام دهند مثلاً بازرگانانی که می‌توانند کارهای بازرگانان متعهد، نه هر چیز، آن‌هایی که درصدد این‌اند که برای کشور خدمت بکنند، آن‌ها را دستشان را باز بگذارید خدمت بکنند»^{۲۴}.

۱۳- امنیت اقلام راهبردی

حضرت امام (ره) در مورد امنیت غذایی می‌فرمایند: «در رأس همه چیزها این است که یک کشوری راجع به ارزاقش به خارج محتاج نباشد. راجع به گوشتش و راجع به ناننش و راجع به این‌طور چیزهایش محتاج نباشد؛ و این لازم است که دامداری‌ها رواج پیدا کنند و همین‌طور کشاورزی به‌طور وسیع درست بشود»^{۲۵}. ■

پی‌نوشت:

- صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۱۵۸
- صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۰۹
- صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۳۴
- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۰۹
- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۸۴
- صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۳۶
- صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۹۹
- صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۶
- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۸۸
- صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۴
- صحیفه امام، ج ۵، صفحه ۴۱۱
- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷
- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷
- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۹
- صحیفه امام، ج ۱۳، ۳۱۷
- کشف اسرار، ص ۳۱۲
- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۰
- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۷۳
- صحیفه امام، جلد ۵، ص ۱۵۷
- صحیفه امام، جلد ۵، ص ۱۳۶
- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۰۰
- صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۱۱۴ تا ۱۱۶
- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۳
- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۰۹
- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۱۴

صالحین

در کلام امام خامنه‌ای(مدظله)

باطل السحر نفوذ اقتصادی دشمن

واکاوی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، مفهومی است که در طی سالیان اخیر توسط امام خامنه‌ای (مد ظله) مطرح شده و سیاست‌های کلی آن، توسط ایشان با کمک نخبگان کشور در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ به سران سه قوه ابلاغ گردیده‌است. اگر چه در حوزه تصمیم‌گیری شاهد فعالیت‌های نمادین بسیاری در راستای اقتصاد مقاومتی بوده‌ایم اما شاید به جرأت بتوان گفت، در جهت تبیین اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به یک سیاست همیشگی در کشور و در عرصه اجرا هنوز با خواست و نظر رهبر معظم انقلاب فرسنگ‌ها فاصله داریم. ایشان راجع به همین موضوع و اهمیت آن فرمودند: «به عنوان مثال، فرض کنید یکی و فقط یک کلمهٔ «اقتصاد مقاومتی» را که ما گفتیم، دائم تکرار کند و به دنبال آن عملی نباشد. بله، از صرف گفتن این حرف، کاری ساخته نیست»^۱

توجه واقعی به مفهوم اقتصاد مقاومتی و پرهیز از شعارزدگی، از ضروریات حرکت در این راه مقدس برای انقلاب اسلامی می‌باشد.

با توجه به فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله)، به خصوص در فرمایشات چند ماه اخیر، ضروری است نقش اقتصاد مقاومتی را در مقابله با تهدیدات، نفوذ دشمن و همچنین استحکام درونی نظام، مورد واکاوی قرار دهیم.

یک ضلع از سه ضلع اساسی اقتدار ملی

توجه به اقتصاد قوی و مقاوم یک ضلع از سه ضلع مثلث اقتدار ملی است. امام خامنه‌ای (مد ظله)، در تأکید بر این موضوع مهم فرمودند: «سه عامل اساسی اقتدار ملی این موارد است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون و حفظ روحیهٔ انقلابیگری در همه، به خصوص در جوان‌ها می‌باشد. اینها است که می‌تواند کشور را حفظ کند و در این زمان است که دشمن مأیوس خواهد شد»^۲. به راستی، چرا اقتصاد قوی و مقاوم در کنار علم و روحیه انقلابی موجب



صالحین



خوب است، فهم وضع کنونی کشور می‌باشد. وضع کشور، منظور فقط وضع داخلی و مشکلات موجود و همین مطالبی که گفتند - مسائل مربوط به روستاها، عدالت‌خواهی، اقتصاد مقاومتی، مشکلاتی که هست، مشکلات مدیریتی، مدیریت جهادی و مانند اینها- نیست. اینها البته جزئی از واقعیت‌ها است»^۱.

از نظر ایشان پیش‌نیاز ورود مسئولان، نخبگان و آحاد جامعه به اقتصاد مقاومتی، شناخت وضع کنونی کشور است و این امر جز با شناسایی مزیت‌ها،



یکی از دوستان اینجا گفتند که

خیلی‌ها از اقتصاد مقاومتی که

شما می‌گویید، اطلاع ندارند. بله،

این یکی از ضعف‌های کار ما است.

ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای

تحقق پیدا کند، قدم اول این است

که این خواسته را به صورت یک

گفتمان پذیرفته‌شده در بیاوریم

ظرفیت‌ها و پتانسیل منطقه‌ای کشور در حوزه‌های مختلف امکان‌پذیر نمی‌باشد که متأسفانه با عدم درک این مطلب، هم در حوزه نخبگانی و هم در بین مسئولین امر، بیشتر مواقع دچار خطای محاسباتی و تنزل در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها می‌شویم.

ضرورت گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی

برای پیاده‌سازی و اجرای هر مقوله‌ای در سطح یک جامعه، پرداختن صحیح، اصولی و به معنای واقعی، گفتمان‌سازی درست، یک اصل غیر قابل انکار می‌باشد. امام‌خامنه‌ای (مد ظله) در این مورد، در جمع دانشجویان فرمودند: «یکی از دوستان اینجا گفتند که خیلی‌ها از اقتصاد مقاومتی که شما می‌گویید، اطلاع ندارند. بله، این یکی از ضعف‌های کار ما است. ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته‌شده در بیاوریم»^۲.

در واقع گفتمانی پذیرفته شده می‌باشد که شاخصه‌های لازم برای پیاده‌سازی و تبیین نقش‌های دقیق در قوه مقننه از نظر قانون‌گذاری، همچنین قوه مجریه در اجرایی بودن قانون و نقش مردم، فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان و علاوه بر آن نقش پر رنگ نخبگان علمی در تبیین علمی آن را داشته باشد.

صالحین

می‌توان به دقت و ظرافت‌های دیپلماسی در عرصه بین‌المللی پی برد. به زبان ساده‌تر، دیپلماسی در شرایط متوازن همیشه مقبول جمهوری اسلامی است؛ یعنی در شرایطی که سه اصل عزت، حکمت و مصلحت رعایت شود. در واقع باید توجه کرد که آیا این موضوع مورد پذیرش طرف مذاکره کننده در دیپلماسی می‌باشد یا خیر؟ آیا در تاریخ مذاکرات کشورهای مختلف با نظام سلطه، توازن در مذاکرات و حفظ کرامت طرف مقابل، توسط مستکبران، صورت پذیرفته است؟ حتی می‌توان به تاریخچه مذاکرات کشور خودمان در قبل از انقلاب - زمانی که کشور عملاً مستعمره غرب بوده است- نیز نیم نگاهی انداخت که آیا در مذاکرات و توافقات، اصول اولیه دیپلماسی با حفظ کرامت کشور و مردم صورت گرفته است؟

امام‌خامنه‌ای (مد ظله)، با تشکر از تیم مذاکره کننده هسته‌ای، در باب این موضوع می‌فرمایند: «کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست، در داخل کشور است و همه باید مسئولیت‌های متفاوت خود را در تقویت تولید داخلی به عنوان «تها راه علاج مشکلات اقتصادی»، انجام دهند»^۳

نتیجه‌گیری

با توجه به نگاه همه جانبه امام‌خامنه‌ای (مد ظله) به اقتصاد مقاومتی و تأکید همه صاحب نظران از هر تفکر و سلیقه سیاسی به ضرورت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، نقش و جایگاه نهادهای انقلابی در تبیین صحیح و اصولی اقتصاد مقاومتی، اهتمام به گفتمان‌سازی عالمانه و درست و بر عهده‌گرفتن نقش در عملیاتی‌سازی این موضوع مهم، از ضروری‌ترین کارها می‌باشد که باید با دقت صورت پذیرد. ■

پی‌نوشت:

۱. در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاهها در تاریخ ۹۴/۴/۲۰
۲. در دیدار قشرهای مختلف مردم در تاریخ ۹۴/۶/۱۸
۳. در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۹۴/۴/۱۸
۴. در دیدار کارگزاران نظام اسلامی در تاریخ ۹۴/۲/۹
۵. رهبر معظم انقلاب در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۹۴/۲/۹

می‌شود، کار و کارگر ارزش پیدا می‌کند. اشتغال عمومی می‌شود، بیکاری - که یک معضلی است در جامعه- به تدریج کم می‌شود و از بین می‌رود. اساس کار، مسئله تولید است»^۴.

متأسفانه به دلیل حاکمیت اقتصاد نفتی در شالوده تصمیم‌گیری کشور - که میراث ناخوشایند دوران ننگین پهلوی می‌باشد- انزوای تولید، خودنمایی واردات و مصرف‌گرایی در سطوح مختلف کشور به چشم می‌خورد و علیرغم تأکیدات بزرگان انقلاب، هنوز کار جدی در این مورد صورت نپذیرفته است.

اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اهتمام به اجرای ستون فقرات آن، تقویت تولید ملی، می‌تواند اقتصاد کشور را از حالت انزوا به حالت پویا، موثر و فعال دربیاورد.

کلید اقتصاد مقاومتی است

توجه به دیپلماسی و کمک گرفتن از آن برای نقش آفرینی در عرصه برون‌گرایی اقتصاد، قطعاً می‌تواند مؤثر باشد، اما با نیم نگاهی به مناسبات بین‌المللی و تسلط نظام سلطه بر منابع دنیا، کانالیزه کردن نهادهای به اصطلاح بین‌المللی و در اصل در دست گرفتن آن،



اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد

مقاومتی و اهتمام به اجرای ستون

فقرات آن، تقویت تولید ملی، می‌تواند

اقتصاد کشور را از حالت انزوا به

حالت پویا، موثر و فعال دربیاورد

تولید ستون فقرات اقتصاد مقاومتی

توجه و اهتمام صحیح و اصولی به تقویت تولید داخل در اقتصاد کشور را باید از دغدغه‌های همیشگی امام‌راحل (ره) و امام‌خامنه‌ای (مد ظله) دانست. امام‌خامنه‌ای (مد ظله)، تولید را ستون فقرات اقتصاد می‌دانند و خطاب به کارگزاران نظام می‌فرمایند: «ستون فقرات هم عبارت است از تولید. ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی. اگر این کار تحقق پیدا کرد و همت‌ها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار به تدریج حل

صالحين

گفتمان اقتصاد مقاومتی در سب

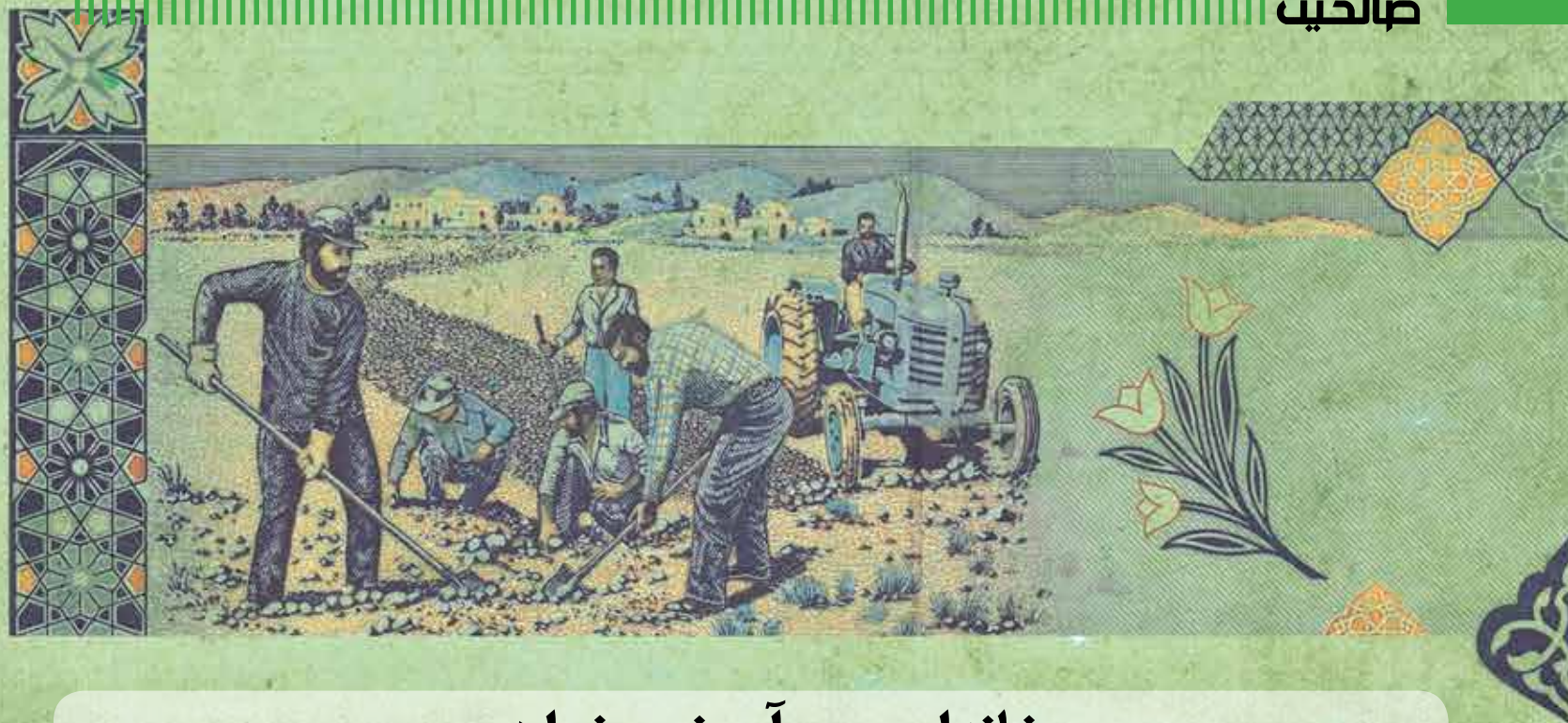
مروری بر رویدادها و اقدامات سیاسی

صالحين

زمان

طرح بحث اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار در فرمایشات رهبر معظم انقلاب، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از کارآفرینان براساس کشور، ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم، امروزه معنای کارآفرینی، همین می باشد، دستان صریح قویودند که ما تصمیم‌ها را از میان برمی داریم، بنده نیز یقین دارم که ملت ایران و مسئولین کشور، تصمیم‌ها را از میان برمی دارند و تصمیم‌کنندگان را ناگام می‌گذارند، همانند موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی ایجاد کردند که اشتباهی موهکی، شدیدا و جریکی را انجام دادند، سپس مجبور به برگشت شدند تا یکی یکی عذرخواهی نمایند، باید چندین مورد از این موارد را به یاد داشته باشیم، حال جوانان این مورد را نمی‌دانند، در این ده، بیست سال اخیر، چندین بار از این کارها را انجام دادند، این مورد نیز به همان صورت است، هر چند تصمیم برای ما موضوع جدیدی نیست، بلکه ما سی سال است که در تصمیم قرار داریم، همه این کارها و حرکت‌های عظیم ملت ایران، در فضای تحریم‌ها انجام گرفته است؛ بنابراین نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، خوبه، اما این دلیل برای همه مسئولان و دلسوزان کشور است که خود را موظف و مکلف به ایجاد کار، تولید، کارآفرینی، بر روی کردن روزافزون این کارگاه عظیم بدانند - کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است - همه باید خودشان را موظف بدانند. در مجموع، ایشان در طی سال ۱۳۸۹، ۵۰۹ بار، سال ۱۳۹۰، ۱۸۱ بار، سال ۱۳۹۱، ۲۵۷ بار، سال ۱۳۹۲، ۷۲۷ بار، سال ۱۳۹۳، ۵۵۲ بار، به این امر اشاره کردند و در سال جاری نیز این موضوع از واژه‌های پرسامد در فرمایشات ایشان است.	ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب رهبر معظم انقلاب، با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس سند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی - که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه شده است - تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ احتمالی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد. همچنین اقتصاد مقاومتی می‌تواند در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصتی متناسب را برای تقویت امنیت مردم و فعالان اقتصادی در تحقق برنامه اقتصادی فراهم نماید.	نامه رئیس‌جمهور به رهبر معظم انقلاب در پی ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» در پی ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» از سوی رهبر معظم انقلاب، رئیس‌جمهور در نامه‌ای به ایشان، تأکید کردند: دولت، در تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه با استفاده از همکاری دیگر قوا از همه فرصت‌ها بهره خواهد برد و با تقویت فرهنگ جهادی و تبیین اقتصاد مقاومتی، تلاش و ابتکار همه صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی، به ویژه جوانان و کارآفرینان را به میدان خواهد آورد.	موافقت مجلس با کلیات طرح نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نخستین جلسه علنی سه شنبه، یکم اردیبهشت (مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بحث و بررسی قرار داده و با ۱۵۱ رأی موافق، ۲۰ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۱ نماینده حاضر در جلسه، با کلیات این طرح موافقت کردند.	تشکیل شورای فرافره‌ای برای رفع موانع اجرایی تحقق اقتصاد مقاومتی نمایندگان در نشست علنی سه شنبه (۵ خرداد) مجلس شورای اسلامی، در جریان بررسی طرح نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، جهت تأمین نظر شورای نگهبان، با اصلاح ماده یک این طرح با ۱۲۹ رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۲ نماینده حاضر در صحن، موافقت کرد؛ براساس ماده ۴ اصلاحی طرح مذکور، شورای هماهنگی و پیگیری اقتصاد مقاومتی، موظف است تا پایان خردادماه هر سال، عملکرد سال گذشته و برنامه‌های یکساله هر قوه را در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، در کشور بررسی، جمع‌بندی و به منظور اطلاع عموم، جهت قرایت در صحن علنی به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.	تأیید قانون نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در شورای نگهبان قانون اساسی قانون فوق، مشتمل بر چهار ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پنجم خرداد، ماه چهارم و نود و چهار مجلس شورای اسلامی، تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. قانون نحوه پیگیری تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ماده ۱- شورای با عضویت معاون اول رئیس‌جمهور، نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی و معاون اول رئیس قوه قضاییه به منظور گستر اطلاع از برنامه‌های سه قوه و هماهنگی لازم در جهت رفع موانع اجرایی تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور به تناسب وظایف و اختیارات قانونی هر قوه تشکیل میشود. ماده ۲- کارگروه مشترکی از قوای سه‌گانه با انتخاب شورای مشاور در ماده (۱)، طرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این قانون، موظف است در صورت لزوم به کسب نظر کارشناسی صاحب‌نظران، قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را شناسایی کند، تا به منظور اصلاح، پالایش و یا لغو موارد مغایر و تسهیل موارد مطبق با این سیاست‌ها، اقدام قانونی متناسب با اختیارات هر قوه را به صورت پیشنهاداتی به ریاست آن قوه در ضمن گزارش‌های سه ماهه ارائه دهد. ماده ۳- دولت مکلف است اجرای قوانین مربوط به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در اولویت قرار داده و در ابلاغ ارسال، به خصوص برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سنواتی، این سیاست‌ها و احکام قانونی مربوط را مد نظر قرار دهد. بدین منظور با هماهنگی شورای مشاور در ماده (۱) و در صورت لزوم، کسب نظر کارشناسی صاحب‌نظران، باخص‌های مربوط به میزان تحقق اقتصادی مقاومتی را تعیین و به صورت مستمر پایش نماید. ماده ۴- شورای مشاور در ماده (۱) موظف است تا پایان خرداد ماه هر سال عملکرد سال گذشته و برنامه‌های یکساله هر قوه را در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور، بررسی، جمع‌بندی و به منظور اطلاع عموم، جهت قرایت در صحن علنی به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.	نامه رئیس‌جمهور، ضرورت رونق بخشی به اقتصاد در چارچوب اقتصاد مقاومتی رئیس‌جمهور در نامه مهمی به دکتر اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، با تأکید بر اینکه باید برنامه جامع اصلاح نظام بانکی و توسعه بازار اولیه سرمایه تدوین شود، رونق بخشی به اقتصاد، در چارچوب اقتصاد مقاومتی، را ضرورت ملی دانست.	طرح تشکیل شورای عالی اقتصاد مقاومتی کشور این طرح با مشخصات ذیل در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده بود که در سوم شهریور ماه سال جاری در دستور کار قرار گرفت.	اعلام وصول طرح/ارائه یک شورای دو شوری و دو شورای (یک شورای) ۱۳۹۲/۲/۲۰ در ادامه همین موضوع، لازم به یادآوری است تا آنچه که در وبگاه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IranDoc) ثبت شده است، در موضوع اقتصاد مقاومتی تا کون ۹۹ پایان نامه، ۲۵ طرح پژوهشی و ۴۲ همایش برگزار شده است.
--	--	---	---	--	--	--	--	---

صالحین



خانه‌ای روی آب نمی‌خواهیم

بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کلام رهبر معظم انقلاب

حل مسائل در جهان واقعی را ندارد. به اعتراف بسیاری از اقتصاددانان غربی، این مدل اجرایی به بن بست رسیده است. همچنین به عقیده پروفیسور استیگلیتز برنده دو نوبل اقتصادی- در کتاب سقوط آزاد، اقتصاد را اینگونه توصیف می‌کند: اقتصاد اروپا و آمریکا نیست که در حال فروپاشی است بلکه این علم اقتصاد است که در حال سقوط آزاد است.

تا کنون نزدیک به ۸۰۰۰ جلد، کتاب اقتصادی به چاپ رسیده است که همگی در موضوع بحران اقتصاد جهان منتشر شده‌اند.

وجود ربای جهانی که حاصل آن، فروپاشی چند هزار سال تجربه علم بشری است و نیز چاپ پول بدون پشتوانه، همانند ربا است. در این مدت مقدار بسیار زیادی دلار بدون پشتوانه به چاپ رسیده که ورود این مقدار پول بدون پشتوانه، مانند زهری بر

انسان برای زیستن نیازهایی دارد که به تنهایی نمی‌تواند تمامی نیازهای خود را تأمین کند. از گذشته تا به امروز نیز این نیازها به تدریج پیچیده‌تر شده‌اند. در حال حاضر تنفس، تنها نیازی که به رایگان تأمین می‌شود. به وجود آمدن یک ارتباط برای انتقال تولیدات، انسان‌ها را به یکدیگر وابسته کرده است. این ایجاد ارتباط موجب شده تا در راستای بهبود معیشت مردم قوانینی به وجود آید، که علمی به نام علم اقتصاد به وجود آمده است؛ یعنی منابع محدود را به نیازهای نامحدود اختصاص دهیم.

برای مثال، یک لیوان آب وجود دارد که نیاز به نوشیدن آن، نامحدود است. اقتصادی که امروزه در جهان اجرا می‌شود، اقتصادی بسیار پیچیده، همانند خانه‌ای بر روی آب است. به گونه‌ای که تنها قادر به حل فرمول‌ها و بازی با اعداد و ارقام است اما توانایی

بر مبنای مقدمه‌ای که گفته شد، هر کشور و هر موجودیتی نیازهایی دارد که باید به غیر متوسل شود. اما بر اثر تکبرها و خبثت سران استکبار، راه تأمین نیازهای ملت ما به بهانه‌های گوناگون از هسته‌ای تا حقوق بشر و... را مسدود کرده‌اند. در واقع آن‌ها خواستار تغییر اهداف ما که همان اهداف انقلاب می‌باشد، هستند.

با تمام این شرایطی که به وجود آمده است، باید راه‌حلی برای آن در نظر گرفته شود که هم عزت و استقلال کشور حفظ شود و هم موجب پیشرفت و جهش رو به جلو باشد.

همانگونه که از گذشته تاکنون مشاهده شده است در زمان‌های حساس و در بزنگاه‌های مهم، امام خامنه‌ای (مد ظله)، با درایت و تدبیر خود توانسته‌اند سکان این شیبه‌خانه‌ای را در دست گرفته و از این فتنه‌ها، فشارها و مشکلات عبور بدهند، تا اینکه ملت سربلند ایران بتوانند هر چه بهتر شایستگی و قابلیت خود را برای پشتیبانی از ظهور امام عصر (عج) به خدای سبحان نشان دهند.

در شهریور سال ۸۹ برای اولین بار رهبری نوش‌داروی مشکلات اقتصادی را تبیین نمودند. اقتصاد مقاومتی

اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت اقتصاد درون‌زا با نگاه برون‌گرا؛ یعنی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، بتوانیم نیازهای خود را تأمین کنیم، اما این امر دلیل بر قطع رابطه با جهان نیست.

امام خامنه‌ای (مد ظله)، می‌فرمایند: «اقتصاد مقاومتی؛ یعنی چشممان به دست دشمن نباشد که کی تحریم‌ها را برمی‌دارد، کی فلان نقطه را موافقت می‌کند، به درک، نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار می‌توانیم بکنیم»

در این رابطه امام خامنه‌ای (مد ظله)، مورخ ۲۰ اسفند ماه ۹۲ به تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازند که در اینجا به تحلیل این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

❧ مؤلفه اول: برای تحقق این مدل باید یکسری از شاخصه‌ها را بهبود بخشید تا اینکه تحرک ایجاد شود. مانند رشد اقتصادی، تولید ملی، کاهش تورم و... اما شاخص مهم این مدل، عدالت اجتماعی است؛ یعنی برچیدن تبعیض‌ها و اختلاف طبقاتی به گونه‌ای که طبقات محروم از پیشرفت کشور بهره‌مند شوند. اقتصاد مقاومتی باید بتواند عدالت و برابری را در جامعه نهادینه کند.

❧ مؤلفه دوم: همان‌گونه که گفته شد، کشور در بخش اقتصادی زیر فشارها و تهدیدها است که در این مدل با عوامل تهدیدزا و تکانه‌های شدید اقتصادی دنیا، مقابله می‌شود. علاوه بر این می‌تواند پس از وقوع بلاهای طبیعی یا تحریم‌ها و تخصم‌های اقتصادی، کشور را حفظ کرد.

❧ مؤلفه سوم: همان‌گونه که برای عوام و خواص آشکار است، کشور ما دارای ظرفیت‌های بسیاری می‌باشد. در مجموع ذخایر فسیلی موجود، بیشترین مقدار را دارا می‌باشد. وجود سرمایه‌های معدنی از سیمان و آهن تا فلزات گران‌بها و کمیاب که این تنوع در کمتر کشوری یافت می‌شود و یا در زیر ساخت‌هایی مانند: سد، راه و... که امروزه بیش از ششصد سد ساخته شده است.

همچنین واقع شدن ایران در مسیر ترانزیتی بسیار مهم از شرق و غرب تا شمال و جنوب، یک توان خارق‌العاده به ما داده، اما یک ظرفیت مهم‌تر ظرفیت انسانی است. یک کشور جوان با انگیزه بسیار بالا و استعداد درخشان و با اعتماد به نفس که می‌تواند هر سدی را از مقابل خود بردارد.

پس با وجود تمامی این نعمات و مواهب در مسئله اقتصاد مقاومتی، با تکیه بر توان داخلی و استفاده حداکثری از آن، می‌توان کشور را به شکوفایی رساند.

❧ مؤلفه چهارم: هر طرح، برنامه و مدل، هر چند که خوب و قابل اجرا باشد، برای عملیاتی شدن، نیاز به حرکت مداوم و ممارست دارد.

ایجاد انگیزه بسیار عالی است اما همت نیز می‌خواهد تا کار تداوم داشته باشد. نیاز اساسی اقتصاد مقاومتی، عمل جهادی است. نه اینکه یک حرکت

صالحین



اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان گفت اقتصاد درون‌زا با نگاه برون‌گرا

عادی بلکه حرکتی با شتاب و قدرت که ملاحظات علمی را مد نظر قرار داده و مجاهدانه باشد.

به همان صورت که ما در حال حرکت هستیم، دنیا نیز در حال حرکت است، پس نمی‌توان با سرعتی عادی پیش رفت باید سرعتی بیشتر داشت تا بتوان خود را در تمام عرصه‌ها مطرح کرد.

❧ مؤلفه پنجم: اقتصاد در کشور ما بیشتر به صورت اقتصاد دولتی است، اما در این مدل از اقتصاد، تکیه بر مردمی بودن و همکاری همگانی است. این مدل قطعاً بدون همکاری مردم نتیجه‌ای نخواهد داشت. دولت باید زمینه ورود جوانان، مبتکران، دانشجویان، سرمایه‌گزاران و در نهایت تمامی مردم را ایجاد کند. این زمینه‌سازی نیاز به اعتماد دو طرفه مردم و دولت به یکدیگر را دارد.

❧ مؤلفه ششم: نکته بسیار مهم در زمینه اقتصاد مقاومتی، ایجاد امنیت در کالاهای استراتژیک و اساسی می‌باشد که در اولویت اول غذا و دارو است. چرا که از نیازهای ضروری هر جامعه‌ای، بحث سلامت و قوت مردم است. به گونه‌ای که کشور باید در این زمینه‌ها به خود کفایی برسد.

❧ مؤلفه هفتم: مسئله وابستگی به نفت که یک معضل جدی می‌باشد و در ادبیات رهبری با عنوان بچه پولدار ملی یاد شده است. یک مسئله اساسی و حیاتی در این مدل اقتصادی این است که باید از خام فروشی جلوگیری کرد و در راستای فرآوری در داخل و تولید گام برداشت.

در این حالت علاوه بر مصونیت در برابر تحریم‌های نفتی، می‌توانیم با عدم فروش نفت خام، ابتکار عمل را به دست بگیریم و کشورهای استکباری را تحریم کنیم و این امر چیزی به دور از انتظار نیست.

صالحین

❧ مؤلفه هشتم: مصرف نابجا و بیش از حد، ریخت و پاش‌ها و اسراف است که در کشور ما بسیار دیده می‌شود. طبق انتظار رهبری، در وهله نخست این انتظار از مسئولین می‌رود. اصلاح الگوی مصرف یک الزام است اما به معنی ریاضت نیست بلکه رهبری معتقدند موجب بهتر شدن وضعیت مردم نیز می‌شود، چرا که در طبقات ضعیف، گشایش ایجاد خواهد شد. مصرف خوب و درست به غیر از اسراف و ریخت و پاش است.

❧ مؤلفه نهم: سرمایه به عنوان پرسودترین پدیده شناخته می‌شود. اگر در جایی امنیت وجود نداشته باشد نمی‌توان انتظار رونق اقتصادی را داشت. امنیت تنها بحث جانی و یا کم شدن مقدار سرمایه نیست، بلکه امنیت روانی و امنیت در سیستم نیز مطرح است. فسادستیزی باعث می‌شود تا مردم بتوانند با خیال راحت وارد عرصه اقتصادی شوند. کشور ما یک کشور سکولار نیست که در آن راه کسب درآمد اهمیتی نداشته باشد، بلکه باید معیشت مردم حلال باشد و شبهه‌ای

در آن وجود نداشته باشد. این امنیت، به رقابتی شدن فضا نیز کمک می‌کند و یک فضای با ثباتی را ایجاد می‌نماید.

❧ مؤلفه دهم: طرفیت بالقوه مراکز دانشگاهی و رشد تولیدات علمی کشور موجب طرح موضوع اقتصاد دانش‌بنیان از سوی رهبری شده است. یعنی تبدیل علم به عمل و محصول. باید فاصله میان صنعت و دانشگاه کم شود که این امر موجب ایجاد کارآفرینی، افزایش اشتغال و تولید می‌گردد. اقتصاد دانش‌بنیان بر سرمایه انسانی و قشر جوان تحصیل کرده، تکیه می‌کند. نیروی کار جوان در کشور از بزرگترین سرمایه‌های ما می‌باشد.

در پایان اگر بخواهیم یک جمع بندی کلی داشته باشیم باید بدانیم که در این وضعیت نابسامان جهان و کشور ما، باید به سمت استقلال و اتکا به خود برویم تا بتوانیم به سلامت این انقلاب را به صاحب اصلی آن امام زمان (عج) بسپاریم.

اقتصاد مقاومتی توانایی این را دارد که بتواند تمام

نیازهای ما را رفع کند، اما دلیل بر قطع ارتباط با دیگران نیست. به عنوان مثال باید در واردات اولویت‌بندی انجام گیرد. ما در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم و اقتصاد مقاومتی یک استراتژی نجات‌بخش و امیدوار کننده برای پیروزی در این جنگ نابرابر است. ■



**باید بدانیم که در این وضعیت
نابسامان جهان و کشور، ما
باید به سمت استقلال و اتکا به
خود برویم تا بتوانیم به سلامت
این انقلاب را به صاحب اصلی
آن امام زمان (عج) بسپاریم**



پرونده دوم:

نقشه جنگ اقتصادی

جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه ایران
داده‌نما

فرمانده به سوالانمان پاسخ می‌دهد
مسیریابی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی
در میدان جنگ اقتصادی



صالحین

خب تحریم‌ها از قبل بود
متتها این تحریم‌ها از
حدود سال ۹۰ تا امروز ،
تبدیل شده به جنگ
اقتصادی ، دیگر اسم آن
تحریم هدفمند نیست یک
جنگ تمام عیار اقتصادی
است که متوجه ملت
ماست.
رهبر معظم انقلاب ۹۲/۱۲/۲۰

صالحین



صالحین

فرمانده به سؤال‌اتمان پاسخ می‌دهد

مسیریابی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در
میدان جنگ اقتصادی

اشاره

« مبادرت ورزیدن دشمن به جنگ و فشار اقتصادی در برابر ملت ایران بی‌شک پرسش‌ها و شبهات فراوانی را در مورد اهداف و ابزارهای دشمن در این جنگ از یک‌سو و از سوی دیگر ظرفیت‌های کشور برای مقابله با این وضعیت به وجود آورده است. در واقع پیشرفت ملی و مسیریابی و مسیرگشایی درست در میدان جنگ اقتصادی نیازمند تبیین، اقناع و پاسخگویی به شبهات و پرسش‌های مرتبط با این مسئله است. با توجه به اینکه شاخص مسیریابی درست در میدان جنگ اقتصادی، رهنمودهای ارزشمند رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی است در ادامه به بررسی برخی از پاسخ‌های راهگشای ایشان به پرسش‌های احتمالی در حوزه جنگ اقتصادی می‌پردازیم.

چرا دشمن به فکر جنگ اقتصادی افتاد؟

«... هدف جبهه مخالف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و دشمن ما این است که راه را بن‌بست نشان بدهد. خودشان هم می‌گویند ما بایستی این کارها را بکنیم، این فشارها را وارد کنیم، این محاصره را بکنیم، این تحریم را بکنیم تا مسئولان جمهوری اسلامی در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند»

«...به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند. دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛

هدف فشار اقتصادی دشمن این است و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

دشمن برای پیشبرد اهداف خود در جنگ اقتصادی از چه ابزاری استفاده کرده است؟

«...همین‌طور که مکرر عرض کردیم، طرف مقابل ما جامعه جهانی نیست، دولت‌ها نیستند، ملت‌ها نیستند؛ چند دولت‌اند؛ منتها دستگاه رسانه‌ای قوی دارند. این چیزی که ما باید اقرار کنیم که آمریکائی‌ها و غربی‌ها انصافاً در این قضیه قوی هستند، قدرت رسانه‌ای است، قدرت تبلیغات به معنای پروپاگاندا است... آن چیزی که ما اقرار می‌کنیم که این‌ها در آن قوی هستند، قدرت تبلیغاتی و قدرت رسانه‌ای و وانمود کردن مطالبی است که می‌خواهند وانمود شود. امروز این‌ها با توان تبلیغاتی و رسانه‌ای بالای خود به‌شدت دارند این را تبلیغ می‌کنند و می‌گویند و این واقعیت دارد که چند دولت‌اند؛ منتها با همین نیروی رسانه‌ای، خودشان را به نام «جامعه جهانی» معرفی می‌کنند و دروغ می‌گویند؛ جامعه جهانی نیست...» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

هدف دشمن از به راه انداختن جنگ اقتصادی چیست ؟

«...واقعیت دیگری که در کنار این واقعیت باید دیده شود، این است که وانمود می‌شود این زورآزمایی به خاطر مثلاً مسئله هسته‌ای یا مسئله حقوق بشر است؛ و این دروغ است. دروغ بودن این ادعا، یکی از واقعیت‌هاست. نه اینکه ما بگوییم این واقعیت است... اینکه این‌ها می‌گویند مقابله ما با جمهوری اسلامی برای حقوق بشر است، دروغ است؛ این هم که می‌گویند مقابله با جمهوری اسلامی برای سلاح هسته‌ای است، دروغ است؛ این را ما اول با حدس بیان می‌کردیم، بعد در مذاکرات و مبادلات بین‌المللی برای ما روشن شد که آن‌ها می‌دانند جمهوری اسلامی دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ این را باور کردند و قبول دارند و واقعیت هم همین است؛ در عین حال مسئله سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کنند. پس ادعای اینکه این فشارها، این تحریم‌ها، این محاصره‌ها، این دشمنی‌ها و خصومت‌ها به خاطر مسئله سلاح هسته‌ای و مسئله

صالحین

نیاز کشور پیشرفت کردیم؛ در زمینه دارو، حمل و نقل، مسکن، آب، راه، کشور پیشرفت‌های برجسته‌ای کرده؛ که امروز بخشی از آمارها را آقای رئیس‌جمهور گفتند و شما شنیدید. با وجود همه این فشارها، کشور در طول این سال‌ها مرتب جلو رفته است. در حوزه بعضی از دانش‌های مهم و انحصاری و منحصربه‌فرد -در لیزر، در نانو، در سلول‌های بنیادی، در صنعت هسته‌ای- کشور رتبه پیدا کرده...»

«یک واقعیت دیگر این است که کشور در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها، در مقایسه با سال‌های اول انقلاب، به‌مراتب قوی‌تر شده. امروز ما در مواجهه با تهدیدها، از روز اول خیلی قوی‌تریم؛ هم اعتماد به نفسمان بیشتر است، هم توکل‌مان به خدا الحمدلله کم نیست، هم توانائی‌های عینی و موجود و محسوس و ملموس ما بیشتر از گذشته است. قدرت‌ها با همه توانشان دارند تلاش می‌کنند، اعتراف می‌کنند که نمی‌توانند پیش بروند؛ نتوانستند کار خودشان را پیش ببرند.»

«...یک واقعیت دیگر، توان افزایش‌یافته در درون جمهوری اسلامی است. ما کشور قدرتمندی هستیم. ما کشور دارا و توانائی هستیم. از لحاظ منابع، ما در رتبه‌های بالای جهانی هستیم. در بعضی از منابع، رتبه اولیم. در ترکیب نفت و گاز، ما در دنیا اولیم. از همه کشورهایی که دارای نفت هستند یا دارای گاز هستند، مجموع نفت و گاز ما بیشتر است. از لحاظ منابع و معادن اساسی، کشور غنای بالا و فراوانی دارد. از لحاظ نیروی انسانی، ما هفتاد و پنج میلیون نفر جمعیت داریم؛ این جمعیت عامل خیلی مهمی است.»

«...در حوزه بعضی از دانش‌های مهم و انحصاری و منحصربه‌فرد -در لیزر، در نانو، در سلول‌های بنیادی، در صنعت هسته‌ای- کشور رتبه پیدا کرده. خب، این‌ها الگوسازی در دنیای اسلام است؛ این یک واقعیتی است. ما متوقف نماندیم، ما دائم پیش رفتیم. نظام جمهوری اسلامی با همه این تهدیدهایی که وجود داشته است -از قبیل تحریم و غیر تحریم و تهدید و کارهای گوناگون پیچیده امنیتی و سیاسی و غیره- این پیشرفت‌ها را داشته است...»

«...من این را همین‌جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل‌کرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود، نقش جوان‌های تحصیل‌کرده و آگاه

توان هسته‌ای است، یک دروغ است؛ این دروغ بودن هم یک واقعیت است.»

«...واقعیت این است که مخالفت آن‌ها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است. این‌ها در این منطقه با خیال راحت داشتند حکومت می‌کردند. کشوری مثل ایران با این منابع سرشار، با این امکانات فراوان، توی مشت آن‌ها پوده است؛ هر کار می‌خواستند، می‌کردند؛ هر تصمیمی می‌خواستند، می‌گرفتند؛ از امکانات این کشور در پیشبرد مقاصد خودشان همه استفاده‌ها را می‌کردند، ولی الآن از آن محروم شده‌اند. فقط این هم نیست؛ این حرکت موجب شده است که این داعیه و این انگیزه در دنیای اسلام بیدار شود که امروز نشانه‌هایش را در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در همه کشورها و ملت‌ها داریم مشاهده می‌کنیم؛ این‌ها از این ناراحت‌اند. نقطه کانونی، جمهوری اسلامی است؛ می‌خواهند به جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند و این را عبرتی قرار بدهند برای دیگران؛ انگیزه واقعی این است...» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳)

اقتصاد ایران از چه ظرفیت‌هایی برای مقابله با جنگ برخوردار است؟

«...یک واقعیت دیگر این است که ما در همین شرایط تهدید، پیشرفت کردیم. در طول این سال‌های متمادی، ما در همه حوزه‌ها جلو رفتیم؛ در حوزه دانش‌های پیچیده پیشرفت کردیم؛ در حوزه فناوری‌های مورد



امروز ما در مواجهه با تهدیدها،

از روز اول خیلی قوی‌تریم؛ هم

اعتماد به نفسمان بیشتر است،

هم توکل‌مان به خدا الحمدلله

کم نیست، هم توانائی‌های

عینی و موجود و محسوس و

ملموس ما بیشتر از گذشته است

صالحین

و پرنشاط و پرنیرو را می‌بینید» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).

ضعف‌ها و نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران کدام‌اند؟

«...مشکلات آن‌ها با مشکلات ما فرق هم می‌کند. مشکلات اقتصادی و بحران اقتصادی اروپا با مشکلات اقتصادی‌ای که ما احیاناً دچارش می‌شویم، متفاوت است. مشکلات ما مثل مشکلات یک گروه کوهنورد است که دارد در راهی حرکت می‌کند. راه سختی است و البته مشکلاتی دارد؛ گاهی آب می‌خواهند، گاهی غذا می‌خواهند، گاهی مشکلات دارند، گاهی به یک مانعی برخورد می‌کنند؛ اما دارند طرف بالا می‌روند. مشکلات ما از این قبیل است...».

«...یک واقعیت دیگر این است، در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبهه دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجه‌هایی عقب‌نشینی کردیم -مثلاً یک‌وقت گفتیم بگذارید بهانه را از دست دشمن بگیریم، یک‌وقت گفتیم بگذارید سوءظن دشمن را از خودمان زایل کنیم- دشمن مواضع گستاخانه‌تری علیه ما گرفته. در آن روزی که ادبیات مسئولین ما آلوده شد به حرف‌ها و تعبیرات تملق‌آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غربی، در آن روز این‌ها ما را «محور شرارت» معرفی کردند! ...».

«...عقب‌نشینی‌ها آن‌ها را گستاخ‌تر کرد، طلبکارتر کرد. یک روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آن‌ها گفتند نمی‌شود! این‌ها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ بازهم گفتند نمی‌شود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ بازهم گفتند نمی‌شود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطاف‌ها را ادامه می‌دادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای هیچ خبری نبود...»

«...البته در کنار این واقعیت‌ها، این واقعیت هم هست که ما هنوز آن حالت لازم متناسب اسلامی را در میدان کار و این‌ها در خودمان به وجود نیاوردیم؛ یک‌قدری دچار تنبلی هستیم؛ این جزو میراث‌های دوران استبداد و تسلط دیکتاتوری بر کشور است...» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).



آحاد مردم هم مصرف تولید

داخلی را بر مصرف کالاهایی با

مارک‌های معروف خارجی -که

بعضی فقط برای نام و نشان، برای

پز دادن، برای خودنمایی کردن، در

زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های

خارجی می‌روند- ترجیح بدهند

عملیات‌های ممکن در زمینه اقتصاد مقاومتی (راهکارهای ما برای مقابله با جنگ)

«...یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن -از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها- مقاومت مدیرانه بکند، نه‌فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد...»

«...مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند -مثل قوه مقننه و قوه قضائیه- کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است...»

«...مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه

کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد.»

«...یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند -دستگاه‌های حاکمیتی مربوط به قوای سه‌گانه- سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی -که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند- ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.»

«...به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد؛ و بقیه چیزهایی که مورد نیاز کشور است.»

«...هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که این‌ها می‌تواند هم رونق ایجاد کند -در تولید، در اشتغال- و هم موجب رفاه شود؛ این‌ها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد ... استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود...»

«...حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳).


پرونده سوم:

سشینه جنگ تاکتون



چکمه پوشان رو در رو

ترسیم وضعیت کنونی جبهه جنگ اقتصادی



مؤسسات مالی در فشار

سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷)



فتنه پلاس

سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)



آتش باران تحریم

سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱)

صالحین



گزارشی از یک نبرد

چکمه‌پوشان رودرو

ترسیم وضعیت کنونی جبهه جنگ اقتصادی

ا امروزه دشمنی جبهه استکبار به سرمداری آمریکا با انقلاب اسلامی، بر هیچ کسی پوشیده نیست. نبرد و دشمنی‌ای که در حرکات براندازی اوایل انقلاب، از جمله حمله نظامی، تهاجم و شبیخون فرهنگی و مقابله‌های سیاسی نمایان شده‌بود و امروز وارد خاکریز اقتصادی شده‌است. اگرچه مقابله اقتصادی از ابتدای تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی آغاز شد، اما امروزه تمرکز اصلی دشمن به‌صورت ویژه بر روی عرصه اقتصادی قرار گرفته و به تعبیر رهبر معظم انقلاب از زمستان سال ۱۳۹۰، شکل یک جنگ تمام عیار اقتصادی به خود گرفته‌است.

اگرچه رهبر معظم انقلاب، حرکت دشمن در این عرصه را از مدت‌ها قبل رصد کرده و بر مقاوم‌سازی اقتصادی به عنوان تشکیل خط پدافندی در مقابل حمله اقتصادی دشمن، تأکید نموده بودند، اما متأسفانه غفلت مردم و مسئولین از اهمیت این امر، موجب شده‌است تا دشمن بتواند آسیب‌هایی را در این عرصه متوجه کشور سازد. در حالی‌که امروزه اهمیت این عرصه و شدت این جنگ روشن شده و حرکت جهادی به عنوان تنها راه پیروزی در این جبهه، در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی معین گشته‌است، لازم است تصویری از وضعیت کنونی جبهه اقتصادی پس از گذشت حدود چهارسال از آغاز این جنگ، ارائه گردد.

■ **استعداد قوا و توان دشمن**

به لحاظ استعداد قوا و توان دشمن، می‌توان موارد ذیل را به عنوان نقاط قوت جبهه استکبار در این جنگ ذکر کرد:

اشراف اطلاعاتی

به لحاظ استعداد و توان دشمن در این جنگ، با توجه به این‌که دشمن از مدت‌ها قبل و حتی با شروع انقلاب بر روی ضربه زدن به کشور از طریق این جبهه، مطالعه و طرح‌ریزی کرده، می‌توان گفت که متأسفانه دشمن به لحاظ اطلاعاتی اشراف خوبی به نقاط

آسیب‌پذیر اقتصاد کشور ما پیدا کرده‌است. تمرکز بر محدود کردن فروش نفت کشور و برنامه‌ریزی در سوء استفاده از فرهنگ‌های نادرست اقتصادی، نشان از اشراف اطلاعاتی دشمن در این جنگ دارد.

بهره‌گیری از عملیات روانی

یکی دیگر از نقاط قوت دشمن در جبهه جنگ اقتصادی، بهره‌گیری مناسب از عملیات روانی است. تجربه وضع تحریم‌های اقتصادی از سوی دشمن بر علیه کشورها به آنان فهمانده، آن‌چه بیش از اثرات حقیقی وضع تحریم مؤثر خواهد بود، اثرات روانی تحریم است. عملیات روانی دشمن در بزرگنمایی اثرات تحریم، القاء جو ناآرام در اقتصاد و شایعه‌پراکنی، علاوه بر ایجاد سوء رفتارهایی از سوی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان – که موجب تشدید اثرات منفی تحریم‌ها بر اقتصاد کشور خواهد شد– سهم عمده‌ای در احساس فشار اقتصادی از سوی مردم و ایجاد نارضایتی عمومی که هدف تحریم‌ها می‌باشد، خواهد داشت.

موفقیت نسبی و امیدواری به اثربخشی تحریم

در شرایطی که دشمن پس از گذشت حدود دو سال از اعمال دور جدید تحریم‌ها، نسبت به کارایی

حربه تحریم در به ثمر نشاندن اهداف خود دچار تردید شده‌بود، با آغاز دور جدید مذاکرات این امید در دشمن زنده شد که تحریم‌ها تا حدودی توانسته‌است، هدف تغییر رفتار کشور در مقابل جبهه استکبار را محقق سازد. هرچند ادعای گرفتن امتیازاتی همچون به رسمیت شناختن حق ایران در غنی‌سازی، برداشته‌شدن تحریم‌های هسته‌ای و همکاری کشورهای غربی در بازطراحی رآکتور اراک، صحیح باشد، اما آن‌چه دشمن از آن بهره‌برداری کرد، تبلیغاتی در جهت اثربخش بودن تحریم‌ها در تغییر رفتار نظام است که موجب شد، هم‌پیمانان آمریکا – به اعتراف رئیس جمهور آمریکا– که در تداوم تحریم‌ها دچار تردید شده‌بودند، به اثربخش بودن این حربه، امیدوار شوند. با این وجود، هرچند دشمن قطعاً نتوانسته به اهداف نهایی خود از اعمال تحریم‌ها که ایجاد فاصله بین مردم، نظام و تغییر رفتار و حتی ساختار نظام است دست یابد، اما باید گفت، در این عرصه موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌است.

■ **استعدادهای جبهه داخلی**

اما در طرف مقابل، در خصوص توانمندی‌ها و استعدادهای کشور در این جنگ، می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را در موارد زیر بررسی کرد:

فرماندهی بصیر و وجود نقشه عملیاتی

وجود نعمت فرماندهی رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا که با بصیرت کم‌نظیر خود، تحرک دشمن در عرصه اقتصاد را حتی مدت‌ها قبل از اعمال دور جدید تحریم‌ها و شروع جنگ تمام عیار اقتصادی رصد کرده و راه علاج و مقابله را در قالب دیدارهای عمومی مردمی و مسئولین و نیز در قالب شعارهای سال، گوشزد کرده، بزرگترین مزیتی است که در صورت تبعیت و عزم جدی بر تحقق فرمان‌های وی، پیروزی قطعی را در این عرصه، نصیب ملت ایران خواهد کرد. در این خصوص توجه به این نکته لازم و ضروری می‌باشد که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که از سوی ایشان ابلاغ گردیده و در آن اهداف و راهبردهای دشمن و نیز استعدادهای داخلی کشور مورد توجه قرار گرفته، نقشه عملیاتی‌ای است که مسیر حرکت در این جبهه را برای نیروهای خودی به خوبی ترسیم کرده‌است.

اشراف اطلاعاتی

همان‌طور که در بخش قبل نیز ذکر شد، دشمن در

این جنگ اقتصادی نسبت به نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد کشور دارای اشراف اطلاعاتی است. اما در طرف مقابل نیز با توجه به تجربه و شناخت ما از دشمن، در چند دهه گذشته و سال‌های اخیر، ما نیز نسبت به اهداف، راهبردها و شیوه‌های عملیاتی دشمن در این جنگ دارای اشراف اطلاعاتی هستیم.

مهم‌ترین مسئله قابل ذکر در این بخش، این است که با توجه به تبلیغات دشمن بر امکان تشدید تحریم‌ها و به کار بستن حربه‌های جدید در مقابل ملت ایران، او هرچه در توان داشته بر علیه کشور ما به کار بسته و دیگر تیری در ترکش او باقی نمانده‌است. این نکته که حتی در مقاطع گوناگون، مکرر از زبان مسئولین و مقامات ارشد غربی عنوان شده از آن جهت حائز اهمیت است که نگاهی به تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در صورت مدیریت صحیح و عملکرد



در صورت مدیریت صحیح و عملکرد هوشیارانه مردم، کشور ما توان مقابله در این جنگ را نیز داشته و

اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد کشور

چندان قابل توجه نیست و همچنین باید گفت، دشمن در این جبهه نیز در مقابل ملت ایران، خلع سلاح شده‌است

هوشیارانه مردم، کشور ما توان مقابله در این جنگ را نیز داشته و اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد کشور چندان قابل توجه نیست و همچنین باید گفت، دشمن در این جبهه نیز در مقابل ملت ایران، خلع سلاح شده‌است.

ظرفیت‌های غنی درونی

وجود ثروت‌های طبیعی سرشار و فراوان مانند نفت و گاز، معادن و خاک قابل کشت، تنوع اقلیمی و آب و هوای چهارفصل، موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده به لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد و صدها کیلومتر مرز خاکی و قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی، تاریخ تمدنی چند هزار ساله و برخورداری از صدها جاذبه توریستی

صالحین

و مهم‌تر از همه نیروی انسانی جوان، تحصیل کرده و متخصص، از جمله مزیت‌هایی است که در صورت برنامه‌ریزی و بهره‌مندی صحیح از این مزایا، ظرفیت و توان مقابله در این جنگ را برای کشور ایجاد می‌نماید.

مقاومت نسبی اقتصادی

تجربه مقابله با تحریم‌های اقتصادی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین مقابله با دور جدید تحریم‌ها، موجب شده که اولاً وابستگی اقتصاد کشور به خارج از مرزها نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر اندک باشد و ثانیاً تجربه شده که با وجود تبلیغات دشمن در خصوص اجماع بین‌المللی بر تحریم ایران، دور زدن تحریم‌ها در صورت اعمال دیپلماسی فعال خارجی، به‌راحتی امکان‌پذیر است.

تجربه خودکفایی در برخی حوزه‌های استراتژیک

با توجه به این‌که سابقه مخاصمه دشمن در عرصه اقتصاد و اعمال تحریم‌ها به ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد، این تجربه به مسئولین و مردم ثابت کرده است که در صورتی قادر به حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی خواهند بود که در بسیاری از حوزه‌ها به خودکفایی دست یابند.

خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها به خصوص حوزه‌های استراتژیکی مانند: حوزه نظامی، علوم و فناوری‌های پیشرفته مانند انرژی هسته‌ای، نانو و هوا و فضا و در برهه‌ای خودکفایی در تولید گندم، ضمن ایجاد مقاومت نسبی در اقتصاد کشور و کاهش آسیب‌پذیری، اعتماد به نفس لازم در جهت امکان رسیدن به خودکفایی در عرصه‌های دیگر را ایجاد کرده‌است.

جمع‌بندی

در جمع‌بندی عرصه این جنگ باید گفت در صورتی که نیروهای داخلی و فعالان اقتصادی اعم از مسئولین و مردم، مقهور عملیات روانی دشمن نشده و راه علاج مشکلات اقتصادی کشور را در داخل کشور جستجو کنند، با توجه به ظرفیت‌های درونی اقتصاد کشور و عدم توان رویارویی دشمن در عرصه حقیقی اقتصاد، پیروز این جنگ به لطف الهی ملت ایران خواهد بود. اما لازمه آن تبعیت از رهبر معظم انقلاب و تلاش در جهت پیاده‌سازی نقشه عملیاتی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خواهد بود. ■

صالحین



حملات دشمن

مؤسسات مالی در فشار

سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷)

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تقابل دو جبهه اسلام ناب به رهبری جمهوری اسلامی و استکبار به رهبری آمریکا به صورت جدی‌تری دنبال شد. این تقابل در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و ... بروز یافته است. در این نوشتار قصد بر این است که دشمنی استکبار در عرصه اقتصادی را - به خصوص در سال ۲۰۰۷ - مورد بررسی قرار دهیم. استکبار جهانی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با اعمال تحریم‌هایی علیه کشور ما، دشمنی خود را در عرصه اقتصادی به نمایش گذاشته است. این دشمنی در طول سال‌های متمادی پس از انقلاب به صورت تقابل ادامه داشته اما از سال‌های ۸۵-۸۴ و پس از اینکه جمهوری اسلامی تصمیم گرفت در مسائل هسته‌ای نرمش کمتری از خود نشان داده و به

حملات دشمن

فتنه پلاس

سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)

سال ۱۳۸۸ در تاریخ مواجهه دو جبهه اسلام ناب و استکبار، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با شکوه‌ترین انتخابات جمهوری اسلامی بعد از رفراندوم در این سال برگزار شد و نظام استکبار نیز با قدرت تمام سعی کرد تا با راه‌اندازی فتنه‌ای بعد از این انتخابات، نظام اسلامی را به شکست وادارد. تا کنون در مورد خیانت‌های دشمن در عرصه سیاسی و امنیتی در فتنه ۸۸ بسیار

صالحین

کانادا نیز اعلام کرد از اقدامات کاخ سفید در فشار به ایران حمایت خواهد کرد.

اتحادیه اروپا نیز اولین تحریم‌های خود علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را در همین سال اعمال می‌کند. اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و اتمی کاربرد داشته باشد، هدف این تحریم‌ها بود. تحریم‌های اتحادیه اروپا عمدتاً ذیل تحریم‌های حوزه علم و فن‌آوری می‌گنجد؛ تحریم‌هایی در حوزه فناوری تولید مواد پیشرفته و مواد شیمیایی، فناوری ارتباطات و امنیت اطلاعات، فناوری ساخت هواپیما و فناوری الکترونیک و کامپیوتر از جمله این تحریم‌ها می‌باشد.

همه این موارد، بخش کوچکی از اقدامات خیانت‌آمیز دشمن در جنگ تحمیلی علیه ملت ایران می‌باشد. جنگی علیه پیشرفت! ■



دچار دشواری‌های گسترده‌ای کرد. همچنین تحت فشار قرار دادن مؤسسات مالی که با ایران کار می‌کنند و بانک‌های ایرانی و در نهایت تهدید به تحریم‌های بعدی در صورت عدم تعلیق غنی سازی از دیگر بخش‌های قطعه‌نامه است.

در همین سال، شرکت‌های آمریکایی «مایکروسافت» و «یاهو»، ایران را از لیست کشورهایی که خدمات وب دریافت می‌کنند، خارج ساختند. همچنین وزارت خزانه‌داری آمریکا با وارد ساختن اتهاماتی مضحک، لیستی از بانک‌های ایرانی و تعدادی از نهادها و شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تحریم‌های خود قرار داد و با استفاده از قدرت لابی‌های صهیونیستی چون تشکیلات «آپیک»، بانک جهانی نیز اعلام کرد از ارائه خدمات به این بانک‌ها و مؤسسات خودداری خواهد کرد.

به دنبال آمریکا، کشورهای مطیع و گوش به فرمان سیاست‌های کاخ سفید، نظیر کانادا و انگلستان نیز به طور رسمی به آمریکا پیوستند. بانک (Barclays) انگلستان، با مسدود کردن حساب‌های ایرانیان از جمله بانک‌های صادرات و ملی ایران در کنار آمریکا قرار گرفت و اعلام کرد اقدامات این بانک انگلیسی در پی تصمیم دفتر کنترل دارایی‌های خارجی در وزارت خزانه‌داری آمریکا برای قراردادن نظام بانکی ایران در لیست سیاه تحریم‌های بین‌المللی صورت گرفته است.

نیز برنامه‌ریزی‌هایی برای اعمال تحریم‌های فلج‌کننده شروع می‌شود که در سال بعد این برنامه‌ریزی‌ها جنبه عملیاتی به خود می‌گیرند.

ویژگی سال ۸۸ در این است که دشمن اگر ذره‌ای امید داشت تا بتواند با اعتراضات اجتماعی و سیاسی، موجب سرنگونی نظام اسلامی شود، در این سال امید خود را از دست داد و به این نتیجه رسید که باید سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی عرصه اقتصاد انجام دهد. لذا می‌بینیم که از این سال به بعد شدیدترین تحریم‌ها را علیه کشور ما وضع می‌نماید و اگر تا قبل از آن مردم تحریم‌ها را در زندگی خود احساس نمی‌کردند، از این زمان به بعد حضور تحریم‌ها در زندگی مردم احساس می‌شود. ■

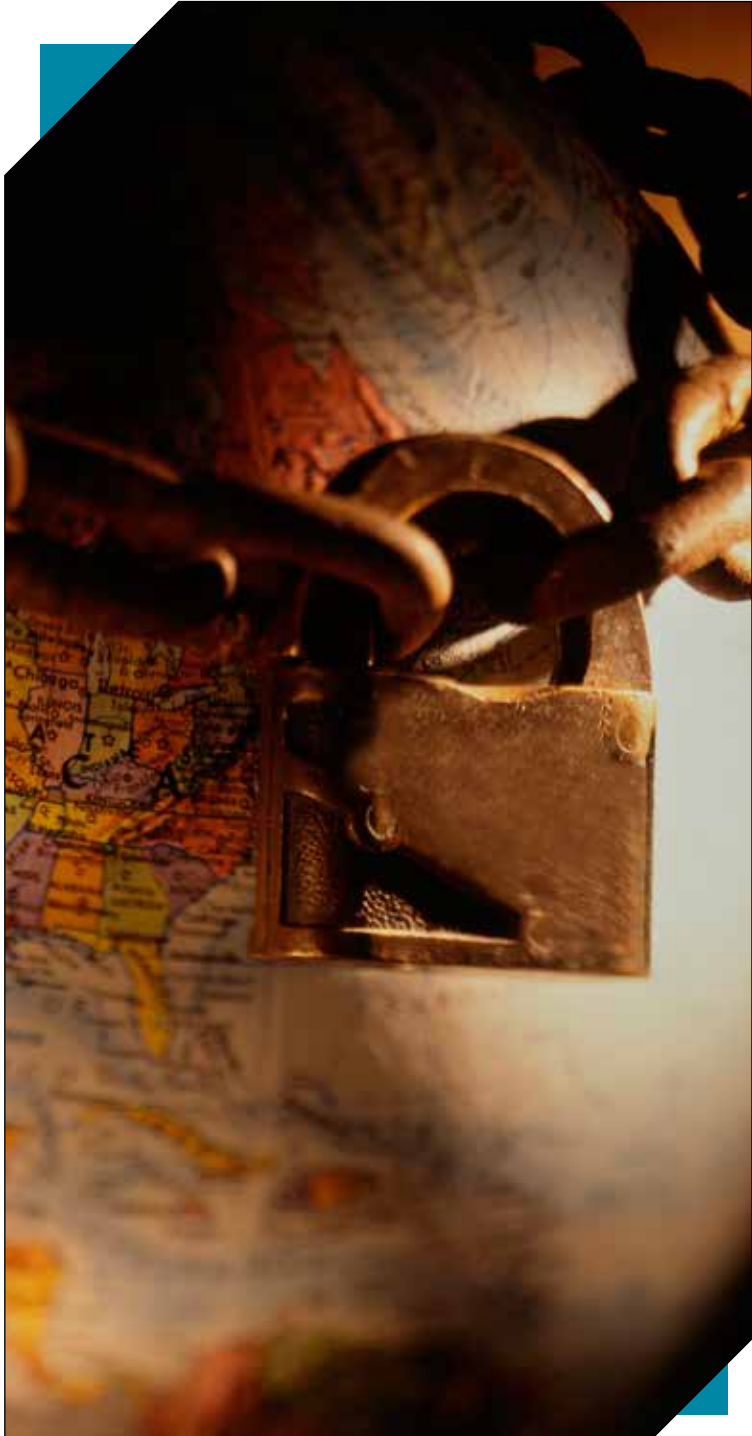
گستاخی‌های غرب واقعی ننهد، به صورت تنش در آمد. با ادامه مسیر عزت‌آفرین پیشرفت در عرصه علم و فن‌آوری به خصوص هسته‌ای، تنش‌های اقتصادی بالا گرفته و تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار از سوی استکبار شد. هدف از این جنگ اقتصادی که به صورت تحریم و عملیات روانی حول این تحریم‌ها بود، ایجاد نارضایتی در مردم، فاصله انداختن میان مردم و حکومت و تغییر رفتار حاکمیت در نظام اسلامی می‌باشد.

سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) هنوز در ابتدای دور دوم تحریم‌ها هستیم و جنگ تحمیلی اقتصادی به اوج خود نرسیده است اما آمارها نشان از اوج‌گیری این جنگ دارد. دو قطعه‌نامه ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳، شورای امنیت سازمان ملل متحد که در آن‌ها تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی هدف قرار گرفته بود، تجهیزات صنایع نظامی و موشکی را مورد تحریم قرار دادند. در قطعه‌نامه ۱۷۴۷ از کشورهای جهان خواسته شد که روابط اقتصادی خود را با ۲۳ شرکت و ۲۷ نفر از افراد مرتبط با صنایع نظامی و هسته‌ای قطع نمایند. در قطعه‌نامه ۱۸۰۳ نیز علاوه بر اضافه کردن افراد جدیدی به لیست تحریم‌ها، برای اولین بار تحریم‌هایی به‌طور کلی برای اقتصاد ایران وضع گردید که از جمله می‌توان به کنترل صادرات و واردات ایران و خصوصاً کالاهایی که دارای مصرف دوگانه در صنایع نظامی و غیرنظامی هستند اشاره نمود که اقتصاد ایران را برای تهیه مواد اولیه کارخانجات

صحبت شده است اما قاعدتاً راهی که دو سه سال قبل از این فتنه، توسط غرب با جدیت دنبال می‌شد در این سال نیز ادامه یافت و آن دشمنی در عرصه اقتصاد بود. اگر تا قبل از این، خیانت‌های دشمن در عرصه اقتصاد به جنگ «تشبیه» می‌شد بعد از سال ۸۸ به معنای واقعی کلمه یک جنگ «تمام‌عیار» اقتصادی آغاز شد.

اقدامات غرب پس از فتنه ۸۸ به گونه‌ای رقم خورد که می‌توان از سال ۸۸ به عنوان سال برنامه‌ریزی برای جنگ تمام‌عیار اقتصادی، نام برد. اواخر سال ۸۷ طرفین مذاکرات بر روی کلیات پیشنهاد انجام دو طرفه توافق می‌کنند و قرار بر این می‌شود که در مورد جزئیات مذاکره نمایند، اما دو هفته بعد از انتخابات سال ۸۸ اوباما اعلام می‌دارد که حکومت ایران مشروعیت ندارد و کلیه مذاکرات را تعطیل می‌کند. از این به بعد

صالحین



حملات دشمن

آتش باران تحریم

سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱)

سال ۱۳۹۰ را می‌توان اوج آتش باران دشمن در جنگ اقتصادی علیه کشور ما دانست. در این سال، نظام استکبار هم در جبهه واقعی و هم در جبهه روانی، هرچه در توان داشت را وارد نبرد با نظام اسلامی نمود. امام خامنه‌ای(مد ظله)، در ابتدای سال با عنایت به همین نکته فرمودند: «عوامل دولت آمریکا امروز در سراسر دنیا تلاش می‌کنند تا اینکه بتوانند تحریم‌ها را عملی کنند، به خیال اینکه به ملت ایران ضربه بزنند و میان ملت ایران و نظام اسلامی جدائی ایجاد کنند» (۹۰/۰۱/۰۱).

در این سال، بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها را برای از پا در آوردن اقتصاد کشورمان اعمال نمودند. تحریم‌هایی که گاهی یکی از آن‌ها برای زمین زدن یک اقتصاد کافی می‌باشد. لغو تمامی قراردادهای نفتی میان اتحادیه اروپا و ایران، تحریم بانک مرکزی و برخی بانک‌های تجاری ایران، تحریم مقامات و دارایی‌های وزارت اطلاعات، تحریم برخی مقامات و شرکت‌های ایرانی توسط اتحادیه اروپا و آمریکا، از جمله تحریم ۱۸۰ شرکت و مقام ایرانی توسط اتحادیه اروپا، مسدود کردن دارایی‌های ۱۸۰ شرکت و شخص حقیقی در بانک‌های سوئیس، تحریم سپاه قدس توسط اتحادیه اروپا، اعمال محدودیت بر تعامل شرکت‌های آمریکایی با مهم‌ترین شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی ایرانی، تحریم سوئیفت و ... از جمله مهم‌ترین این تحریم‌ها می‌باشند. البته برخی از تحریم‌ها نیز بیشتر جنبه روانی داشته‌اند؛ مانند تحریم برخی شرکت‌های ایرانی که توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفت.

در زمستان سال ۹۰، آمریکا بانک مرکزی جمهوری اسلامی را تحریم نموده و اعلام کرد که شرکت‌های خارجی‌ای را که با بانک مرکزی ایران دست به معامله بزنند، جریمه خواهد کرد. این تحریم – که تا کنون سابقه نداشته – اوج دشمنی نظام استکبار با انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد، چرا که نظام پولی یک کشور، به منزله دستگاه خون‌رسانی در بدن می‌ماند و بانک مرکزی در این نظام، نقش قلب را ایفاء می‌کند. حال تحریم بانک مرکزی به معنای ایجاد محدودیت در مسیر ورود و خروج خون به قلب می‌باشد و واضح است که می‌تواند چه اثراتی بر اقتصاد کشور داشته باشد. با اعمال این تحریم، آمریکا به معنای واقعی کلمه، یک جنگ تمام‌عیار را اعلان نمود.

هم چنین اعمال تحریم نفتی بر کشوری که وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد می‌تواند اثرات مخربی بر اقتصاد داشته باشد و اگر این تحریم‌ها را در کنار سایر تحریم‌ها نظیر تحریم‌های بانکی و تجاری بگذاریم باید گفت که در چنین فضایی انتظار این است که یک اقتصاد دچار فروپاشی شود اما این از توانمندی‌های نظام اسلامی است که مقابل همه این هجمه‌های غیر قانونی ایستادگی نموده و تسلیم زیاده خواهی‌های دشمن نگشته است. ■

صالحین

گذاشتن خوی استکباری و سلطه‌طلب خود بگیرد و بخواهد که بر اساس احترام به منافع سایر کشورها، با آن‌ها مذاکره نماید، می‌توان به ورود به مذاکره با آمریکا خوش‌بین بود؛ اما در این شرایط نیز بایستی با تدوین یک استراتژی مناسب که بر اساس جذب منافع حداکثری برای ایران و جهان اسلام است، وارد مذاکره با آمریکا شد. در اینصورت مذاکره و ایجاد رابطه می‌تواند مفید فایده باشد. اما این امر بسیار بعید است که خوی فرعون‌ی این مستکبر جهانی به او اجازه احترام به انسان‌ها و ملت‌های غیر آمریکایی را بدهد، اما به فرض هم که این تحوّل فکری و روحی در دولتمردان آمریکایی ایجاد شود و آنان تعهد باورپذیر ارائه دهند که دست از خرابکاری داخلی و خارجی علیه ایران بر می‌دارند، لذا ایران می‌تواند در کوتاه‌مدت و بلند مدت از رابطه اقتصادی با آمریکا سود برد.

۴. اقتصاددانان معتقدند که اصل اساسی جهت توسعه و پیشرفت یک کشور، حرکت و تلاش در ساختارهای درونی یک اقتصاد است و عوامل بیرونی صرفاً در تسریع یا کند نمودن فرآیند پیشرفت مؤثرند. بر این اساس، اگر روزی بین ایران و آمریکا رابطه‌ای نیز برقرار شود، این رابطه صرفاً به عنوان یک محرک بیرونی عمل کرده و بدون «همت و کار مضاعف» از سوی «مردم» و فعالین اقتصادی و حمایت و توجه ویژه به «کار و سرمایه ایرانی»، اقتصاد ایران باز هم به پیشرفت نخواهد رسید. باید به این نکته واقف بود که کلید پیشرفت یک ملت به دستان خود آن ملت است نه بیگانگان...

۴. نکته پایانی این سلسله نوشته را با فرمایشی از رهبر معظم انقلاب (مدظله) به پایان می‌بریم:

«ملت ایران اگر بخواهد وضع مالی و اقتصادی خود را اصلاح کند، این به عزم، به اراده، به تصمیم، به کار همه طبقات، به همکاری با دولت و حمایت از مسئولان کشور، به شجاعت در اقدام، به تأثیر نپذیرفتن از سیاست‌های خارجی خصمانه، به تأثیر نپذیرفتن از تبلیغات بیگانه احتیاج دارد؛ این‌هاست که وضع یک ملت را درست می‌کند نه رابطه با آمریکا» ■

□بی‌نوشت:

۱. پیام مقام عظمای ولایت به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۷.



که بایستی بر روی پای خود بایستد و نیازهایش را با توجه به توان داخلی تأمین نماید. به عبارت دیگر، تحریم‌ها عاملی جهت تحرک ساختارهای درونی برای رفع نیازها گشت.

۲. حتی اگر ایران با آمریکا رابطه داشته باشد و مشکلی بر سر راه تجارت بین‌المللی ایران وجود نمی‌داشت و ایران می‌توانست کالاهای مورد نیازش را به راحتی خریداری کند، باز هم مشکلات ساختاری و بلندمدتی که مانع درون‌زایی و رشد اقتصادی ایران می‌شد، به قوت خود باقی می‌ماند. در واقع، رابطه ایران و آمریکا از منظر اقتصادی صرفاً وضعیت ایران را در کوتاه مدت بهبود می‌بخشد، اما مشکلات نهادینه شده اقتصاد ایران را مرتفع نمی‌کند. همچنین بررسی تاریخ رابطه آمریکا با کشورهای دیگر و ایران قبل از انقلاب به خوبی بیانگر این امر است که آمریکا رابطه خود با سایر کشورها را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در بلند مدت، منافع استکباری‌اش تأمین شود و اجازه رشد و تحوّل ساختاری که می‌تواند به استقلال و خودکفایی و رشد دائم و پایدار یک کشور بینجامد را نمی‌دهد.

۳. حتی اگر بتوان فرض کرد (البته به نظر، فرض محالی می‌رسد!!) که روزی آمریکا تصمیم به کنار

در آرزوی دوستی با شیطان بزرگ

ارتباط با آمریکا به نفع اقتصاد؟!

ارتباط اقتصادی ایران با آمریکا همواره با سؤال‌ها و برداشت‌های مختلفی روبرو بوده‌است. بطور خلاصه درباره این رابطه می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱. به طور قطع، نداشتن رابطه اقتصادی با آمریکا برای ایران هزینه‌های اقتصادی‌ای را به همراه دارد؛ چرا که ایران به دلیل این عدم همکاری با آمریکا، در زمینه مبادلات تجاری بین‌المللی با مشکلاتی مواجه می‌شود که یا نمی‌تواند به برخی کالاها دسترسی داشته‌باشد یا اینکه برای تهیه آن‌ها، بایستی از کانال واسطه‌ها وارد شود و هزینه‌ای مضاعف بر قیمت جهانی کالا را بپردازد. اما نکته‌ای که نبایستی از آن غفلت ورزید، این است که با این فشارها و تحریم‌ها، ملت ایران فهمید

صالحین



آیا من سرباز جنگ اقتصادی ام؟

از جنگ تحمیلی تا جنگ اقتصادی

حدود چهار سال از طرح موضوع «اقتصاد مقاومتی» می‌گذرد. رویکردی که با توجه به شرایط خصومت‌های خارجی علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، نه‌تنها حفظ استقلال اقتصادی کشور، بلکه به تبع آن استقلال سیاسی کشور به آن وابسته است. اما آنچه تاکنون در عمل واقع شده است، نمی‌تواند حرکتی درخور توجه به سمت اقتصاد مقاومتی باشد.

■ مقصر کیست؟

سؤال اینجاست که چرا دستور فرمانده کل قوا در شرایط «جنگ اقتصادی» اجرایی نشده است؟ پاسخ‌های احتمالی این است:

■ متأسفانه دولتمردان و نمایندگان مجلس و به‌طور کلی مسئولین کشور، اقدام مؤثری در این زمینه انجام نمی‌دهند. حتی بعد از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم کاری نکرده‌اند. در حالت خوش‌بینانه شاید

به این دلیل که اهمیت آن را درک نکرده‌اند.

■ این توقع از مردم که در این شرایط اقتصادی، باز هم بر خود سخت بگیرند و قناعت بورزند، توقع به‌جایی نیست. وقتی خود مسئولین در رفاه کامل هستند، چه توقعی از مردم دارید؟!

■ در جامعه هرکسی به فکر نفع خودش می‌اندیشد و هیچ‌کس به فکر دیگری نیست. وقتی همه به فکر خودشان هستند، چطور می‌شود انتظار داشت که مردم به فکر اقتصاد کشور و انقلاب باشند؟

■ ...

آن پاسخی که جای آن خالی است، این پرسش از خود است که نقش من در این عرصه چیست؟ در این چهار سال که گذشت، آیا کاری در این زمینه می‌توانستم بکنم؟

■ جنگ تحمیلی نظامی و جنگ تحمیلی اقتصادی

شهریورماه سال ۱۳۵۹ کشور عراق به پشتیبانی جبهه استکبار، به‌طور رسمی تجاوز به مرزهای ایران اسلامی را آغاز کرد و جنگی هشت‌ساله را بر مردم ما تحمیل کرد. امام خمینی (ره) بلافاصله بعد از آغاز تجاوز، از دولتمردان و ملت خواست که به جبهه‌های نبرد بشتابند و صف مقاومت را تشکیل دهند. آنچه در این صحنه رُخ‌نمایی کرد، حضور حداکثری مردم در قالب بسیج مردمی در جبهه‌های نبرد بود به‌گونه‌ای که

به‌هیچ‌وجه نیروهای نظامی دولتی مانند ارتش و حتی سپاه (که در اوایل تأسیس تا حد زیادی یک نیروی نظامی مردمی بود)، نمی‌توانستند بدون حضور مردم کاری از پیش ببرند.

در آن زمان هیچ‌یک از کسانی که در جبهه‌ها حضور یافتند و یا فرزندان خود را اعزام کردند، چنین بحث‌هایی را مطرح نکردند:

■ وقتی برخی مسئولین فرزندان خود را به خارج از کشور فرستاده‌اند، چرا ما فرزندان خود را در معرض خطر قرار دهیم؟

■ در این آشفتگی بعد از انقلاب و شرایط سخت اقتصادی و صف‌های طولانی برای تهیه مایحتاج زندگی، توقع این‌که مردم خانه و زندگی خود را رها کنند و به جنگ بروند، توقع به جایی نیست.

■ وقتی همه به فکر خودشان و کسب درآمد و نفع خود هستند، چرا ما به جنگ برویم؟

■ حالا من یا فرزند من به جبهه برویم یا نرویم، چه میزان می‌توانیم اثرگذار باشیم؟

اگر در سال‌های ۵۹ تا ۶۷ مردم بر مبنای این تفکرات عمل کرده بودند، احتمالاً امروز انقلاب اسلامی هنوز برجای و استوار نبود و یا حداقل بخش‌های قابل‌توجهی از کشور خود را از دست‌داده بودیم. نقش اصلی را در این جنگ مردم ایفا کردند.

امروز کشور ما در چه شرایطی است؟ آیا شرایط صلح است و نیازی به جهاد مردمی و نقش‌آفرینی حداکثری مردم نیست؟ به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ما در یک «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» هستیم و فرمان «جهاد اقتصادی» صادر شده است. چه تفاوتی میان جنگ نظامی و جنگ اقتصادی است؟ با نگاهی به چند سال گذشته که جنگ اقتصادی در آن شدت گرفته است، روشن می‌شود که آسیب‌پذیری و تلفات ما در جنگ اقتصادی به‌مراتب بیشتر از جنگ نظامی بوده است؟ آیا از روزی که فرمان جهاد در عرصه اقتصاد صادر شده است ما در نقش یک جهادگر ظاهر شده‌ایم. با این تفاسیر و بعد از اندکی تفکر، بار دیگر مروری بر پاسخ‌های پرسش «مقصر کیست؟»، داشته باشیم و بار دیگر از خود بپرسیم: «نقش من در اقتصاد مقاومتی چیست؟» ■

پرونده چهارم:

ابزارهای دشمن



حملات نرم بر پیکر اقتصاد

ابزارهای نرم دشمن



تحریم‌های رنکارنگ

ابزارهای سخت دشمن



کاش در تحریم می‌ماندیم!

منافع تحریم برای ما



با فساد مبارزه کن!

مبارزه با مفسدان اقتصادی

ابزارهای نرم دشمن

حملات نرم بر پیکر اقتصاد

از ابتدای پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، تلاش‌های دشمنان به منظور بر هم زدن ساختار سیاسی جدید شکل گرفته در ایران آغاز شد. بر همین اساس دشمن برای نیل به این هدف خود از هیچ تلاشی از جمله تهدید و تطمیع فروگذار نکرد و از آن جمله جنگ تحمیلی هشت ساله را بر نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرد. دشمن با مشاهده ناکامی خود در عرصه‌های یاد شده، از اواخر دهه ۶۰ تاکنون، با تغییر در روش عملیاتی خود با حفظ رویکرد تهدید نظامی و جنگ سخت، به جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران روی آورده‌است.

چهار دیدگاه نسبت به جنگ نرم وجود دارد:

نخست: تهدید نرم به مثابهٔ عملیات روانی دشمن علیه افکار عمومی خودی است؛ با این دیدگاه، تهدید نرم مساوی با مجموعهٔ تهاجمات روانی- تبلیغاتی یک کشور علیه کشور دیگر محسوب می‌شود.

دوم: تهدید نرم مساوی با اقدامات پنهان و توطئه‌آمیز دستگاه‌های امنیتی حریف علیه جامعهٔ خودی است؛ با این دیدگاه، تهدید نرم مجموعه عملیات پنهانی تلقی می‌شود که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی به اجرا درمی‌آید.

سوم: تهدید نرم به عنوان هدف قرار گرفتن بنیان‌های ذهنی و اعتقادی سیستم سیاسی خودی از سوی محافل روشنفکری یا سایر مراجع فکری و مؤسسات فرهنگی است.

چهارم: تهدید نرم به عنوان ناآرامی‌های اجتماعی گسترده با هدف براندازی سیستم سیاسی خودی تلقی می‌شود.^۱

یکی از مهمترین عرصه‌های جنگ نرم، جنگ نرم اقتصادی است. در این جنگ (جنگ نرم اقتصادی) از یکسری ابزارها به منظور رسیدن به هدف استفاده می‌شود.



جنگ نرم اقتصادی، یکی از زیر شاخه‌های جنگ اقتصادی است؛ در جنگ اقتصادی به معنای عام از هر ابزاری اعمّ از ابزار سخت و ابزار نرم برای ضربه زدن به اقتصاد کشور هدف استفاده می‌شود؛ یعنی به عنوان مثال دشمن یا از ابزار سخت نظامی برای ضربه‌زدن به زیر ساخت‌های اقتصادی کشور هدف استفاده می‌کند یا از ابزار نیمه سخت اقتصادی مثل تحریم اقتصادی بهره می‌برد یا از ابزارهای نرم مرسوم در جنگ نرم به منظور ایجاد خلل در ساختار اقتصادی کشور هدف استفاده می‌کند.

در این مجال تمرکز ما بر روی ابزارهای نرم دشمن در جنگ اقتصادی است. همان‌طور که ذکر شد هدف از ابزارهای نرم در جنگ اقتصادی، ایجاد خلل در ساختار اقتصادی کشور هدف به منظور تسلیم کردن آن کشور می‌باشد.

ابزارهای نرم دشمن در جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، همان ابزارهای مرسوم در جنگ نرم است، با این تفاوت که در جنگ اقتصادی از این ابزارها در جهت نیل به اهداف اقتصادی استفاده می‌شود.

نکته قابل توجه در مورد ابزارهای جنگ نرم این است که موتور پیش‌برنده تمامی این ابزارها، مقوله فرهنگ است؛ یعنی به عبارت بهتر تمامی این ابزارها یک ابزار فرهنگی هستند که برای مقاصد مختلف و همچنین به منظور ایجاد تنوّع در روش عملیاتی جنگ نرم طراحی و اجرا می‌شوند.

۱- ابزارهای جنگ نرم^۲

۱،۱- رسانه

نقش رسانه‌ها در جنگ نرم به حدّی است که تعبیر جنگ رسانه‌ها^۳ را در خصوص آن به کار برده‌اند. دشمن در جنگ نرم در تلاش است با استفاده از رسانه‌ها بر نوع تفکر و بینش مخاطبین اثر بگذارد؛ علاوه برآن در تلاش است با استفاده از این ابزار، مطالبی را که واقعیت خارجی ندارد را مطرح کرده و به مدد ابزارهای رسانه‌ای، آن را واقعی جلوه دهد تا به این طریق، ذهن مخاطب را از واقعیت دور نگاه دارد.

از جمله مهم‌ترین ابزارهای رسانه‌ای می‌توان به رادیو و تلویزیون، اینترنت، ماهواره، شبکه‌های مجازی که از طریق اینترنت بر روی تلفن همراه و رایانه برای مخاطبین قابل دسترسی هستند.



جنگ نرم اقتصادی، یکی از زیر شاخه‌های جنگ اقتصادی است؛ در جنگ اقتصادی به معنای عام از هر ابزاری اعمّ از ابزار سخت و ابزار نرم برای ضربه زدن به اقتصاد کشور هدف استفاده می‌شود

۲،۱- فیلم و سینما

از آنجایی‌که بیشترین اطلاعاتی که مردم از اطراف کسب می‌کنند، از طریق قوای بینایی و شنوایی می‌باشد، و همچنین سطح مطالعه مردم نیز پایین آمده‌است، دستگاه رسانه‌ای دشمن بیشترین استفاده را از ابزار فیلم و سینما به منظور اثرگذاری بر سبک زندگی مردم برده‌است .

۳،۱- نشریات

نشریات، یکی از پرکاربردترین ابزارهای دشمن در تهاجم فرهنگی و جنگ نرم به شمار می‌روند. بسیاری از نشریات در سایه بی‌توجهی مسئولان فرهنگی کشور، در زمین دشمن بازی کرده و با روی‌آوری به تبلیغات تجاری و ترویج مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی، سبک زندگی غربی را ترویج می‌کنند که این مسئله یعنی توجه به الگوهای غربی و عدم توجه به الگوهای اسلامی و ایرانی، خود یک از خودباختگی فرهنگی است که موجب شده‌است این نشریات به ابزاری ارزان برای تحقّق سیاست‌های جنگ نرم دشمن تبدیل شوند.

۴،۱- ادبیات (ادبیات مکتوب شامل داستان و رمان)

یکی از اثرگذارترین قالب‌ها برای انتقال مفاهیم ارزشی و فرهنگی، قالب داستان است. دشمن از این ابزار هم برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود در قالب جنگ نرم بسیار بهره جسته است.

۵،۱- وسایل بازی (شامل عروسک و بازی‌های رایانه‌ای)

اسباب‌بازی یکی از ابزارهایی است که به واسطه

انواع متنوعی که دارد، این قابلیت را دارد تا در عرصه‌های مختلف جنگ نرم، مثل جنبه‌های اعتقادی و ارزشی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی ایفای نقش کند و ذهن کودکان و حتی بزرگسالان درگیر با این ابزارهای بازی را به صورت ناخودآگاه و غیر ارادی در دایره ذهنی طراح بازی قرار دهد؛ به نحوی که شخصی که مشغول بازی با آن ابزار بازی خاص است، به مرور زمان، منظومه فکری‌اش همان منظومه فکری طراح بازی می‌شود، و این همان اثر کردن اهداف جنگ نرم در جامعه هدف آن وسیلهٔ بازی است که این اهداف از طریق آن وسیله بازی به آن جامعه منتقل شده‌است؛ به عنوان مثال عروسک باری، یک نماد تمام‌عیار برای سبک زندگی غربی است یا مثلاً بازی‌های رایانه‌ای که در آن‌ها مسلمانان تروریست نشان داده می‌شوند و شخص قهرمان بازی باید بر آن‌ها غلبه کند.

۶،۱- پویانمایی و انیمیشن

دشمن از طریق ابزار پویانمایی بسیاری از مفاهیم مورد نظر خود را به کودکان انتقال می‌دهد. وقتی یک کودک به واسطه علاقه‌ای که به نمادهای کارتون‌ی دارد، جذب یک اثر پویانمایی شد، آنگاه این طراح پویانمایی است که می‌تواند به وسیله قهرمان پویانمایی‌اش، اثر مدّ نظر خود را بر ذهن کودک بگذارد؛ مثلاً از طریق پوشش قهرمان پویانمایی، علاقه به یک نوع پوشش خاص را در میان کودکان باب کند .^۴

۷،۱- استفاده از ظرفیت مراکز علمی

استفاده از ظرفیت مراکز علمی و آموزشی، یکی از مهم‌ترین و البته خطرناک‌ترین ابزارهای جنگ نرم است. همان‌طور که ذکر شد چون بستر جنگ نرم، مقوله فرهنگ و مباحث اندیشه‌ای می‌باشد؛ لذا هدف اصلی جنگ نرم در مراکز علمی تسلّط بر حوزه علوم انسانی است، چون این علوم انسانی است که جهت‌گیری‌های فکری اشخاص را شکل می‌دهد و اگر دشمن بتواند به وسیله سر فصل‌های آموزشی مطابق با مبانی اندیشه‌ای خودش در جامعه هدف نفوذ کند، در این صورت است که اندیشمندان آن جامعه سربازان بومی آن جنگ نرم برای دشمن می‌شوند، و مبانی ارزشی دشمن را ترویج می‌کنند و به عبارت ملموس‌تر جاده را برای ورود دشمن صاف می‌کنند و این ورود، لزوماً ورود فیزیکی نیست، بلکه ورود اندیشه‌ای دشمن است که به مراتب از ورود فیزیکی خطرناک‌تر است.

صالحین

۲- نحوه استفاده دشمن از ابزار نرم برای جنگ اقتصادی

دشمن ابزارهای نرم برای جنگ اقتصادی را در راستای نیل به اهداف و برنامه‌های زیر به خدمت می‌گیرد.

۱،۲- شکل‌دهی بستر اندیشه‌ای اندیشمندان اقتصادی بر اساس آموزه‌های غیر اسلامی و غیر بومی

دشمن برای نیل به این مقصود از ابزارهای ذیل بهره می‌برد:

۱،۱،۲- استفاده از ظرفیت مراکز علمی

نحوه استفاده از این ابزار به این نحو است که دشمن با پخش کتاب‌های آموزشی مطابق با مبانی اندیشه‌های اقتصادی خود و همچنین تعلیم دانش‌آموزان و دانشجویان بر اساس همان مبانی اندیشه‌ای سعی دارد تا جهت‌گیری فکری آن‌ها را -در اینجا مقصود جهت‌گیری فکری اقتصادی است - مطابق با جهت‌گیری فکری خودشان بکند، و این یعنی شکل‌گیری اندیشه اقتصادی بر اساس مبانی غیر اسلامی و غیر بومی.

۲،۱،۲- استفاده از ابزارهای وسایل بازی و پویانمایی

طراحی این ابزارها توسط دشمن به منظور شکل‌دهی اندیشه اقتصادی در کودکان و نوجوانان، به این نحو است که به صورت کاملاً ناخودآگاه، قالب اندیشه‌ای کودکان و نوجوانان در حوزه اقتصاد را مطابق قالب اندیشه‌ای و منظومه فکری طراحان بازی و پویانمایی می‌کند، و این مسئله موجب می‌شود آن کودک و نوجوان بر اساس الگوی اقتصادی اسلامی و بومی فکر نکند و بر اساس الگویی فکر کند و تصمیم بگیرد که برای او از طرف طراحان بازی و پویانمایی طراحی شده‌است.

۲،۲- دروغ‌پردازی و شانتاژ خبری نسبت به واقعیات اقتصادی کشور

۱،۲،۲- استفاده از ابزار رسانه (اعمّ از رسانه دیداری و شنیداری، مجازی و مکتوب)

دشمن از ابزار رسانه به چند منظور استفاده می‌کند:

- القای این مفهوم در سطح جامعه که مسئولان کشور توانایی اصلاح وضعیت اقتصادی کشور را ندارند.
- تحریک انتظارات در جانب عرضه و تقاضای

اقتصاد با یک خبر کذب در مورد تغییر در برخی از شاخص‌های اقتصادی.

- و...

۳،۲- ترویج سبک زندگی غیر اسلامی و غیر بومی در حوزه اقتصاد

۱،۳،۲- استفاده از ابزار رسانه‌های مجازی نظیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی

استفاده از ابزار رسانه‌های مجازی به این نحو است که دشمن در این شبکه‌ها، سبک زندگی^۵ غیر اسلامی و غیر بومی در حوزه اقتصاد، که به هیچ نحو با وضعیت جامعه تناسب ندارد را به عنوان سبک جدید و مدرن زندگی ترویج می‌کند.

۲،۳،۲- استفاده از ابزار سینما و تلویزیون

همانطور که در مورد قبل به آن اشاره شد، این سبک زندگی جدیدی که عمدتاً جریان رسانه‌ای غرب آن را ترویج می‌کند، توسط جریان سینمایی به صورت عینی در اذهان تثبیت می‌شود.

۳،۳،۲- استفاده از ابزار کتاب و نشریات

ابزار کتاب و نشریه نیز در راستای همین هدف ترویج سبک زندگی غیر اسلامی و غیر بومی در حوزه اقتصاد به تبلیغات در خصوص این سبک زندگی می‌پردازند.

۴،۳،۲- بهره‌گیری از ظرفیت مراکز آموزشی

مراکز آموزشی نیز توسط طراحان جنگ نرم

اقتصادی، نقش ویژه‌ای برای ترویج سبک زندگی غیر اسلامی و غیر بومی بازی می‌کنند؛ به این نحو که طراحان جنگ نرم با تولید محتوا و سرفصل‌های آموزشی مطابق با سبک زندگی غیر اسلامی و غیر بومی و آموزش آن از طریق مراکز آموزشی، این سبک زندگی را که آموزه‌های اقتصادی آن در تضاد با آموزه‌های اسلامی و بومی است نهادینه می‌کنند.

۳- نتیجه

همان‌طور که ذکر شد، دشمن با استفاده از جنگ اقتصادی و با کمک ابزار نرم سعی بر نفوذ اقتصادی و در نهایت نفوذ سیاسی بر کشور عزیز اسلامی را دارد که این مسئله هوشیاری و بصیرت ما را برای مقابله با این جنگ همه‌جانبه اقتصادی به منظور خنثی‌سازی اهداف آن می‌طلبد. ■

پی‌نوشت:

- ابزارهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران؛ طهماسبی، امیر هوشنگ
- منبع : پاورپوینت "جنگ نرم: مبانی، ابزارها، شگردها و راه‌های مقابله"؛ درس گفتارهایی از احمدحسین شریفی
- Media war
- در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر ما می‌خواهیم یک کار فرهنگی و یک مسئله ارزشی را در جامعه باب کنیم، می‌بایست ابتدا به وسیله یکسری کارهای فرهنگی از جمله پویانمایی، علاقه نسبت به آن مسئله فرهنگی را در جامعه ایجاد کنیم. البته در کارهای مثل پویانمایی نباید از مقوله مهم جذابیت غفلت کرد.
- Life style

ابزارهای سخت دشمن

تحریم‌های رنگارنگ

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و محدودیت‌های مالی و تجاری، همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه، برای تحمیل فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران در طی سی و دو سال گذشته بوده و دائماً بر حجم این تحریم‌ها افزوده است. این وضعیت با اجرای تحریم خرید نفت، بانک مرکزی، کشتیرانی، بیمه و... از سوی نظام سلطه به اوج خود رسیده است. البته باید توجه داشت که موضوع تحریم‌ها موضوع جدیدی نیست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره بر ایران تحمیل شده است. اما به چند دلیل، اهمیت بحث در شرایط امروزی به مراتب بیشتر از گذشته می‌باشد.

۱. تحریم‌هایی که در گذشته وجود داشته خفیف‌تر بوده‌اند، اما امروزه فشار تحریم‌ها در عرصه‌های مختلف اقتصادی بیشتر شده‌است.

۲. با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب، دنیا در حال حاضر در پیچ تاریخی خود به سر می‌برد. ایران

نیز به دلیل قرار گرفتن در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارای اهمیتی فراوان برای کشورهای غربی و استعماگر می‌باشد. از این جهت دشمن از هر حربه‌ای برای ضربه زدن به نظام اسلامی استفاده می‌کند. امروزه به‌روزترین تاکتیک دشمن در جبهه اقتصادی در حال انجام است. بنابراین ایران نیز برای مقابله با این تاکتیک جدید دشمن، باید به مقابله اصولی با آن بپردازد. لازمه این مقابله اصولی نیز مقاوم کردن بدنه اقتصاد در برابر حجم تازه تحریم‌هایی است که اعمال می‌شود.

۳. نوع تحریم‌های امروز، نقاطی از دایره اقتصاد کشور را هدف گرفته است که در واقع شاه کلید اقتصادی کشور می‌باشند. وابستگی اقتصاد کشور به نفت و درآمدهای حاصل از آن امری است که می‌تواند اسباب زحمت را در مقابله با موج جدید تحریم‌ها به وجود بیاورد. اختلالات بازار ارز در کشور نیز از نکاتی است که از مقوله تحریم بی‌بهره نبوده است. بخش نفت و گاز در حدود ۲۰ درصد از GDP کشور، ۷۰ تا ۸۰ درصد مبادلات خارجی کشور و همچنین بالغ بر ۶۰ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. حدود ۸۰ درصد ارز عرضه شده در بازار ایران توسط دولت عرضه می‌شود (با فروش ارز به بانک مرکزی)، که

صالحین



قسمت عمده آن از درآمدهای نفتی به دست می‌آید. ۴. تحریم‌هایی کهتا پیش از این اعمال شده بود علاوه بر اینکه در شدت و نوع متفاوت بودند در هدف‌گیری نیز تفاوت داشتند. به نظر می‌رسد، هدف اصلی از دور جدید تحریم‌ها، ایجاد جو نارضایتی در میان مردم است. در واقع دشمن با هدف‌گیری قشرهای مختلف، سعی بر ایجاد فشار و در نتیجه فراهم آوردن جو نارضایتی در میان مردم را دارد.

■ چستی تحریم

برای بیان چیستی تحریم باید به این نکته توجه داشت که تحریم لزوماً موضوع اقتصادی نیست. بلکه دارای ابعاد گوناگون: حقوقی، سیاسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و غیره می‌باشد. اما از منظر اقتصادی، اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم کننده، کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است.

یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی، تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. در واقع در بیشتر موارد تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی به کار

صالحین

می‌روند. در این صورت هدف از تحریم اقتصادی، تضعیف اقتصاد دشمن می‌باشد. دشمنی که در نتیجه مخالفت‌های سیاسی و ناهمسو با کشور تحریم‌کننده قرار دارد.

در تحریم‌ها نیز غالباً نقطه ضعف دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا در این حالت آسیب‌پذیری و روند تسلیم شدن او زودتر اتفاق می‌افتد. به همین دلیل تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران با هدف قرار دادن نقطه آسیب‌پذیر آن یعنی صنعت نفت، به عنوان یکی از شاخص‌های مؤثر از طرف آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی دیگر از اهداف تحریم‌های اقتصادی، ایجاد بی‌ثباتی در کشور مورد نظر از طریق فشارهای اقتصادی است. بررسی سوابق تحریم‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد که اگرچه آثار تحریم‌های اقتصادی برجای مانده است، اما از ابعاد دیگر به هدف نهایی خود دست پیدا نکرده‌اند.

■ سوابق اعمال تحریم‌های اقتصادی

آمریکا از گذشته‌های دور به استفاده از تحریم‌های اقتصادی مبادرت ورزیده است. در سال ۱۷۶۵ از واکنش به قانون «تون شند»، خرید کالاهای انگلیسی را تحریم کرد. در سال ۱۸۲۲ نیز تحریم‌هایی علیه انگلیس اعمال شد. در واقع پس از جنگ جهانی اول، ایده به‌کارگیری تحریم‌های اقتصادی به جای اقدامات نظامی قوت گرفت. جالب آنجا است که بکارگیری ابزار اقتصادی در منشور سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ قرار گرفت و از همین طریق، فشارهایی را بر کشورهای یوگوسلاوی و یونان وارد کرد.

در مورد تحریم‌های وارده بر ایران از سوی آمریکا باید عنوان کرد که رخدادهای انقلاب اسلامی علت اصلی تحریم‌های اقتصادی از جانب بلوک استعمار به سرکردگی آمریکا بود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تجارت میان دو کشور رونق بسیاری داشت. در سال ۱۳۵۷ واردات ایران از آمریکا بالغ بر ۴ میلیارد دلار، یعنی ۲۱ درصد کل واردات ایران بود و ایالات متحده آمریکا شریک بازرگانی اول ایران به حساب می‌آمد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین حوادث بعد از آن، از جمله اشغال سفارت آمریکا در ایران و مسئله گرونگان‌گیری، شروع و آغازی بر آن بود.

پس از تسخیر سفارت آمریکا، کارتر در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۷۹، کشتی حامل لوازم یدکی نظامی متعلق به ایران را به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار متوقف کرد. پس از این اقدام، کارتر با صدور دستور دیگری تمام دارایی‌های ایران در آمریکا را به تصرف خود درآورد. مجموع پس اندازها و اوراق بهادار بلوکه شده ایران بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بود. حدود ۱/۴ میلیارد دلار در بانک فدرال رزرو، ۵/۶ میلیارد دلار در شعب مختلف بانک‌های آمریکایی در خارج از آمریکا، ۲ میلیارد دلار در سایر بانک‌های آمریکا و حدود ۲ میلیارد دلار در اختیار شهروندان و مؤسسات خصوصی آمریکا بود. همچنین ۱/۶ میلیون انس طلا به حساب بانک مرکزی ایران در بانک فدرال رزرو نگه داشته می‌شد.

پس از آن، آمریکا اقدامات دیگری از جمله: منع صدور روادید برای ایرانی‌ها و بررسی ادعاهای



در مورد تحریم‌های وارده بر ایران از سوی آمریکا باید عنوان کرد که رخدادهای انقلاب اسلامی علت اصلی تحریم‌های اقتصادی از جانب بلوک استعمار به سرکردگی آمریکا بود.

مالی شهروندان آمریکایی علیه دولت، مؤسسات و اشخاص ایرانی و پرداخت دعاوی از محل دارایی‌های بلوکه شده، انجام داد. مجموعه تحریم‌های آمریکا و متحدان او تا امروزه ادامه پیدا کرده و این کشور هرگز سیاست‌های خصمانه خود را در قبال جمهوری اسلامی کنار نگذاشته است. در اواخر سال ۱۹۹۴، AIPAC طرح اجرایی «تحریم‌های جامع علیه ایران» را اجرا کرد.

اما موج جدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را می‌توان در سه دسته عنوان کرد:

■ الف – تحریم نفت و مؤسسات مالی و بانکی

تحریم‌های ضد ایرانی در سه بخش دسته‌بندی می‌شود:

۱– تحریم‌های شورای امنیت (۲۰۱۰–۲۰۰۶)

۲– تحریم‌های آمریکا (۲۰۱۲–۱۹۷۹)

۳– تحریم‌های اتحادیه اروپا (۲۰۱۲–۲۰۱۰)



✓ تحریم‌های شورای امنیت

قطعنامه ۱۷۳۷–۱۷۴۷–۱۸۰۳، تحریم بر روی صنایع نظامی و موشکی ایران بود و قطعنامه ۱۹۲۹ نیز علاوه بر ممنوع‌کردن کشورها از مشارکت با ایران در برنامه‌های نظامی و هسته‌ای و ممنوعیت سفر بعضی از مقامات ایرانی به دیگر کشورها، خواستار ممنوعیت باز کردن حساب توسط بانک‌های ایرانی برای سلاح‌های کشتار جمعی شد.



✓ تحریم‌های آمریکا از اول انقلاب

تحریم‌های آمریکا از سال ۱۳۵۸ هم‌زمان با تسخیر لانه جاسوسی آغاز شد. در موج جدید این تحریم‌ها بر اساس قانون مصوب ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ کنگره آمریکا، تمامی خریداران نفت از ایران از اول جولای ۲۰۱۲، مشمول تحریم‌های آمریکا می‌شوند (البته این قانون اکنون برای بعضی از خریداران نفت ایران در حالت تعلیق قرار دارد). بر اساس همین قانون بانک مرکزی ایران نیز تحریم شد.



✓ تحریم‌ها اتحادیه اروپا

• تحریم خرید نفت و بانک مرکزی اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲.

– تمام مبادلات ایران به‌وسیله طلا، فلزات گرانبها، الماس و محصولات پتروشیمی متوقف شد.

– تمام دارایی های بانک مرکزی ایران مسدود شد.

– دارایی‌های چندین شرکت دریایی ایرانی نیز توقیف شد. (به بهانه حمل سلاح به سوریه)

• تحریم سیستم سوئیت در ۲۳ مارس ۲۰۱۲.

■ ب– واردکنندگان نفت ایران



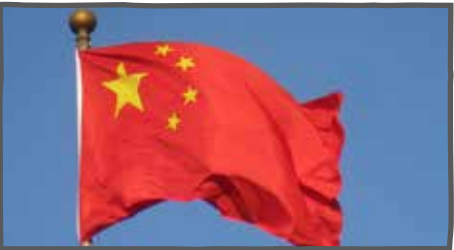
✓ کره جنوبی و ژاپن

این ۲ کشور پس از تحریم‌های شورای امنیت در سپتامبر ۲۰۱۰ به جمع کشورهای تحریم‌کننده ایران پیوسته و تأمین مالی تجارت برای ایران را کاهش دادند و روابط بانکی خود با ایران و سرمایه گذاری در پروژه‌های انرژی کشور را محدود کردند. هر دوی این کشورها، واردات نفت خود از ایران را به شدت کاهش دادند. لذا این دو کشور توانستند از معافیت تحریم استفاده کنند. معافیت ژاپن از ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۲ به مدت ۱۸۰ روز دیگر نیز تمدید شده است. این معافیت برای شرکت‌های ژاپنی سودمند بوده و موجب شده است تا گروه بانک‌های میتسوبیشی، میزوهو، سومیتو میتسویی، همکاری‌های خود را همچنان با بانک مرکزی ایران ادامه دهند.



✓ هند

هند، ابتدا تحریم‌های سازمان ملل در مورد ایران، در خصوص مبادلات نظامی را به اجرا گذاشت. این کشور به دلایل تاریخی، اقتصادی و فرهنگی در اعمال تمامی تحریم‌ها مردد است. بعد از اعمال تحریم‌های آمریکا به دلیل تحریم بانک مرکزی و نبود بانک واسط برای تبادل ارزش نفت توسط هند، این کشور به دلیل سختی انتقال ارز به ایران یک امتیاز مبنی بر پرداخت ۴۵ درصد پول نفت ایران را به ارز محلی هند یعنی روپیه دریافت کرد که موجب سهولت مبادله تهاتری میان ۲ کشور شده است. هند از سال ۲۰۰۸ واردات نفت از ایران را کاهش داده به نحوی که در سال ۲۰۱۲ تنها ۱۰ درصد از نفت این کشور توسط ایران تأمین می‌شده است (به نسبت ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۸). کاهش بیشتر در واردات نفت از ایران، نیازمند سرمایه‌گذاری برای انطباق پالایشگاه‌هایی که با نفت ایران کار می‌کنند با سایر نفت‌ها است، لذا هند تمایلی به قطع کامل واردات نفت از ایران ندارد.



✓ چین

چین نیز مانند هند به دنبال کسب منافع از طریق تحریم‌ها است. این کشور، در ابتدای سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که واردات نفت از ایران را نسبت به سال ۲۰۱۱ (۵۵۰ هزار بشکه در روز)، کاهش نخواهد داد، اما در مذاکرات با آمریکا قبول کرد که ۱۸ درصد واردات نفت خود از ایران را کاهش دهد.

صالحین

ملاحظه می‌شود که غرب به سرکردگی آمریکا تمام تلاش خود را برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی انجام می‌دهد. این بخش تنها قسمت اندکی از تحریم‌های یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد.

با این وجود، اقتصاد مقاومتی زمانی مطرح می‌شود که تحریم‌های یک‌جانبه علیه کشور اعمال می‌گردد. در این فضا است که اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی برای مقابله با جنگ اقتصادی همه جانبه دشمن اتخاذ می‌شود. در تحریم و جنگ اقتصادی، دشمن نقاط ضعف را شناسایی می‌کند و از آن‌ها برای ضربه زدن به ما استفاده می‌کند. نقاط ضعف اقتصادی کشور ما نیز بیشتر در حوزه‌هایی است که وابستگی در کشور به یک کالای خاص، وابستگی به یک واحد پولی در تجارت بین المللی و یا وابستگی به یک کالا به عنوان منبع درآمدی، داریم.

با این حال، هدف اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌های اقتصادی است و از سوی دیگر در تحریم‌ها از وابستگی برای ضربه زدن استفاده می‌کنند. با این وجود، تحریم می‌تواند بهترین بستر برای رهایی از وابستگی‌های اقتصادی باشد. دلیل این امر نیز این است که در تحریم، اولاً تمام مردم و مسئولین از نقاط ضعف خود مطلع می‌شوند، ثانیاً نسبت به قطع وابستگی و اصلاح نقطه ضعف‌ها اقدام می‌کنند (به نوعی نسبت به این کار مجبور می‌شوند). بنابراین این شرایط سخت تحریم، می‌تواند به یک فرصت ایده‌آل برای رسیدن به اقتصادی کارآمد و قدرتمند در نظر گرفته شود. 📈



نقاط ضعف اقتصادی کشور ما

نیز بیشتر در حوزه‌هایی است که

وابستگی در کشور به یک کالای

خاص، وابستگی به یک واحد پولی در

تجارت بین المللی و یا وابستگی به

یک کالا به عنوان منبع درآمدی، داریم

صالحین

ابزارهای تحریم

تحریم بانکی و مالی

تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۰، شدید و گسترده شد. قبل از این سال، تحریم‌ها صرفاً ناظر به صنایع مرتبط با موضوع هسته‌ای و نظامی بود و برخی محدودیت‌های مالی وضع شده بود اما در این دور از تحریم‌ها، حوزه انرژی (نفت و گاز) و حمل و نقل (کشتیرانی) نیز اضافه شد و فروش محصولات پالایشی به ایران محدود و بیمه کشتی‌های ایرانی ممنوع شد. همچنین تحریم‌های بانکی جدیدی اضافه شد، به گونه‌ای که تعامل بانک‌های ایرانی با اروپا بسیار محدود و شعب بانک‌های ایرانی در اروپا تعطیل



شد. تشدید یک‌باره تحریم‌های مالی و بانکی در کنار توسعه دامنه تحریم‌ها، به حوزه حمل و نقل و نفت و گاز، سازمان تحریم را تکمیل کرد و به نوعی ارتباط اقتصاد ایران با دنیا سخت گردید.

در حوزه بانکی و مالی آمریکا و اتحادیه اروپا، ابتدا برخی از شعب بانک‌های ایرانی را تحریم کردند و پس از آن کلیه شعب بانک‌ها و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد تحریم قرار گرفت. کارکرد اصلی تحریم بانکی و مالی، محدودیت در نقل و انتقالات مالی است که در نتیجه آن، تجارت کشور مختل می‌گردد. اتحادیه اروپا و آمریکا، در محدودیت‌های مالی، علاوه بر بلوکه کردن دارایی‌های برخی اشخاص، اعطای وام به ایران و هرگونه کمک مالی به نفع ایران را ممنوع کردند. همچنین اینکه نباید نهادهای مالی اروپایی وارد هیچ توافق جدیدی با بانک‌های ایرانی شوند.

در تحریم بانکی، از دسترسی ایران به شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بین‌المللی و زیرساخت‌های آن‌ها ممانعت شد و امکان استفاده ایران از شبکه سوئیفت قطع گردید. هر تراکنش بین بانکی در دنیا نیازمند انتقال اطلاعات میان بانک‌ها می‌باشد و این تبادل پیام در

بستر شبکه سوئیفت انجام می‌شود. ایران در این شبکه مالی نیز، محروم شد و هزینه جابه‌جایی پول بالا رفت.

بخش مهم و اصلی در تحریم بانکی، تحریم بانک مرکزی بود که بر ذخایر ارزی کشور تأثیر گذاشت و «مرکز مبادلات ارزی»، بدین منظور راه‌اندازی شد. به صورت کلی در تحریم بانکی و مالی اقدامات زیر علیه کشور ما انجام شد: محدود و مسدود کردن دارایی‌های افراد و مؤسساتی که با ایران همکاری می‌کنند، تشدید نظارت بر معاملات با بانک‌های ایرانی، محدودیت در فعالیت شعب خارجی بانک‌های ایرانی، محدود کردن معامله غیرمستقیم با کلیه بانک‌های ایرانی، تحریم استفاده از ریال در مبادلات با ایران در آمریکا، بر اساس این تحریم، شرکت‌ها و مؤسساتی که دارایی‌های بسیاری به «ریال» دارند نیز تحریم خواهند شد.

البته از زمان تحریم‌های گسترده بانکی و مالی علیه کشور، تاکنون گزارشات مختلفی از دور زدن تحریم‌ها توسط نهادهای مالی و بانکی در غرب گزارش شده است، هر چند که این نوع تحریم، تجارت و داد و ستد با اقتصاد ایران در فضای بین الملل را با مشکلاتی مواجه نمود. ■

تحریم‌های حوزه مالی و بانکی	تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیه اروپا
محدودیت و مسدود کردن دارایی‌های افراد و مؤسساتی که با ایران همکاری می‌کنند.	دسامبر ۲۰۰۶	جولای ۲۰۱۰ فوریه و جولای ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ آگوست ۲۰۱۲	فوریه ۲۰۰۷ ژانویه ۲۰۱۲
تشدید نظارت بر معاملات با بانک‌های ایرانی	مارس ۲۰۰۸			فوریه ۲۰۰۷ جولای ۲۰۱۰
محدودیت در فعالیت شعب خارجی بانک‌های ایرانی	ژوئن ۲۰۱۰			فوریه ۲۰۰۷ جولای ۲۰۱۰
محدود کردن معامله غیرمستقیم با برخی بانک‌های خاص ایرانی		سپتامبر ۲۰۰۶	جولای ۲۰۱۰	
محدود کردن معامله غیرمستقیم با کلیه بانک‌های ایرانی		نوامبر ۲۰۰۸		اکتبر ۲۰۱۲
تحریم بانک مرکزی ج.ا. ایران			۳۱ دسامبر ۲۰۱۱	اکتبر ۲۰۱۲
تحریم استفاده از ریال در مبادلات با ایران				۳ ژوئن ۲۰۱۳

ابزارهای تحریم

تحریم نفتی



مهم‌ترین و مؤثرترین تحریم علیه ایران، تحریم نفتی بوده است. به دلیل وابستگی بودجه دولت و نیازهای ارزی کشور به درآمد نفتی، این بخش دارای اهمیت بالایی است. تحریم‌های نفتی، ابتدا در جنگ جهانی توسط آمریکا علیه ژاپن اجرا شد و در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق، دولت انگلستان به دلیل ملی شدن نفت ایران، تحریم نفتی را اعمال کرد. بعد از انقلاب اسلامی، تحریم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران در سال ۱۹۹۵ اعمال شد و در «قانون تحریم ایران و لیبی» (ایلسا) شرکت‌هایی که در این عرصه وارد می‌شدند به صورت ثانوی تحریم می‌شدند.

اقتصاد ایران قبل از تحریم، روزانه بیش از دو میلیون صادرات نفتی داشته است و آمریکا و متحدان اروپایی او به بهانه پرونده هسته‌ای، در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، تحریم خرید نفت، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، فروش اقلام و تکنولوژی‌های مرتبط با صنعت نفت، گاز و پتروشیمی و فروش فرآورده‌های پالایشگاهی (از جمله بنزین) را اعمال کردند.

طبق تحریم نفتی سال ۲۰۱۱ آمریکا علیه ایران،

صالحین

هر کشوری که از ایران نفت بخرد، شامل تحریم‌های آمریکا می‌گردد و از نظام مالی و بانکی آمریکا محروم خواهد شد. در ابتدا، آمریکا تصویب کرد، کشورهایی که از ایران نفت می‌خرند، شش ماه فرصت دارند تا واردات نفت خود از ایران را – حدود ۲۰ درصد– کاهش بدهند و به این طریق، گام به گام تحریم نفتی را تشدید کرد و چون تحریم نفتی جامع، قابل تداوم نیست، چند کشور را استثنا کرد و این تحریم نفتی به صورت تدریجی نقش ایران در بازار انرژی را کم رنگ کرد و صادرات نفت ایران به زیر یک میلیون بشکه در روز رسید.

تحریم نفتی همراه با تحریم بانکی موجب تأثیر در حوزه‌های سرمایه‌گذاری نفت و گاز شد و درآمد نفتی که فروخته می‌شد نیز به کشور وارد نمی‌شد. کمبود منابع ارزی ناشی از تحریم نفتی و عدم سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در پروژه‌های نفتی و زیرساخت‌های عمرانی حوزه نفت و گاز موجب آسیب جدی بر اقتصاد ایران شد. کاهش درآمدهای نفتی به دلیل تحریم، یکی از عوامل جهش نرخ ارز و تورم ۴۰ درصدی در سال ۱۳۹۲ است. ■

تحریم‌های حوزه نفت و گاز	تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیه اروپا
سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران	مارس ۱۹۹۵		ژانویه ۱۹۹۶ جولای ۲۰۱۰	ژانویه ۲۰۱۲
مدیریت و تأمین مالی برای توسعه میدان نفتی ایران و پتروشیمی	مارس ۱۹۹۵		جولای ۲۰۱۰ آگوست ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۲
فروش اقلام و تکنولوژی‌های مرتبط با صنعت نفت، گاز و پتروشیمی	مارس ۱۹۹۶		جولای ۲۰۱۰ نوامبر ۲۰۱۱	جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۲
فروش فرآورده‌های پالایشگاهی (از جمله بنزین)			جولای ۲۰۱۰	
خرید نفت و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی از ایران			جولای ۲۰۱۲	ژانویه ۲۰۱۲
تسهیل خرید نفت و فرآورده‌های آن از ایران			۳ ژوئن ۲۰۱۳	
خرید گاز از ایران			۳ ژوئن ۲۰۱۳	اکتبر ۲۰۱۲

صالحین



تحریم علمی و فناوری

تحریم‌های اعمال شده علیه ایران عمدتاً به سه دلیل واهی عدم اشاعه (هسته‌ای و موشکی)، تروریسم و حقوق بشر و هدف اصلی آن جلوگیری از پیشرفت ایران است؛ تحریم علمی و فناوری این موضوع را نشان می‌دهد.

در تحریم علمی، ابتدا در سال ۲۰۰۷ تعاملات علمی و فنی در موضوعات نظامی و هسته‌ای محدود گردید و پذیرش دانشجو از ایران در رشته‌های مربوط به این حوزه‌ها ممنوع شد. پس از آن به بهانه کاربرد دوگانه، فناوری‌های حساس نیز ممنوع گردید. فناوری مختلفی در حوزه‌های ارتباطات و امنیت اطلاعات، ساخت هواپیما، کشتی‌سازی، فناوری‌های حوزه نفت و گاز و فناوری‌های مرتبط با خودروسازی مورد تحریم قرار گرفتند؛ به عنوان مثال صنعت خودروسازی کشور

تحریم شد و فروش، تهیه و انتقال تجهیزات و خدمات مرتبط با تولید یا مونتاژ خودروهای سبک و سنگین به ایران ممنوع گردید. این تحریم‌ها شامل تمام انواع خودروها می‌شود.

در این تحریم اشخاص و نهادها نیز مشمول تحریم واقع شدند و دارایی‌های برخی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با صنایع هسته‌ای بلوکه شد و چاپ مقالات در ژورنال‌های علمی ممنوع گردید؛ به عنوان مثال انتشارات هلندی الزویر بعنوان بزرگترین ناشر مجلات دانشگاهی در ابلاغیه‌ای به همه سردبیران و داوران آمریکایی خود اعلام نمود که می‌توانند با استناد به قوانین تحریم ایران، از پذیرش مقالات ایرانیان امتناع ورزند؛ مقالاتی که از نویسندگان ایرانی دولتی (و نه نویسندگان مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی) هستند، نمی‌توانند در مجلات آمریکایی با سردبیران آمریکایی یا داوران آمریکایی یا کارمندان مجلات آمریکایی پذیرش شوند.

در سال ۲۰۰۲، مؤسسه بزرگ‌ترین انجمن حرفه‌ای جهان (IEEE) که بعضی از استادان و محققان ایرانی عضو این مجموعه بوده‌اند و کار اصلی‌اش درواقع استانداردسازی و کمک به توسعه زیرساخت‌های علمی

و تکنولوژی است، تحریم علمی علیه ایران وضع کرد. همچنین در سال ۲۰۰۷، شرکت‌های مایکروسافت و یاهو، ایران را از لیست کشورهایی که خدمات وب دریافت می‌کنند خارج نمود.

در رفت و آمد متخصصان ایرانی محدودیت ایجاد کردند و تحریم‌های مسافرتی وضع شد تا مسافرت اشخاص خاصی را محدود کنند؛ یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحریم‌های مسافرتی، صادر نکردن ویزا و روادید برای آن اشخاصی است که در نظر گرفته شده‌اند.

بازداشت، زندانی کردن و اخراج حداقل ۱۰ فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف از آمریکا به دلیل شرکت در «گردهمایی فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف» در کالیفرنیا در سال ۲۰۰۶ میلادی از جمله این موارد است.

در حوزه تکنولوژی و فناوری، تحریم شدیدتری اعمال شد و علاوه بر حوزه هسته‌ای و فناوری نظامی و موشکی، دیگر فناوری‌های پیشرفته مانند تولید مواد پیشرفته و مواد شیمیایی و فناوری الکترونیک و کامپیوتر به بهانه کاربرد دوگانه و فناوری‌های حساس در لیست تحریم قرار گرفت. ■



تحریم‌های حوزه علم و فناوری	تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیهٔ اروپا
فناوری هسته‌ای	دسامبر ۲۰۰۶	می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	آوریل ۲۰۰۷ فوریه ۲۰۰۷ اکتبر ۲۰۱۲
فناوری نظامی و موشکی	مارس ۲۰۰۷ ژوئن ۲۰۱۰	می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	فوریه ۲۰۰۷ مارس ۲۰۱۲
فناوری تولید مواد پیشرفته و مواد شیمیایی		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	آوریل ۲۰۰۷
فناوری الکترونیک و کامپیوتر		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	آوریل ۲۰۰۷
فناوری ارتباطات و امنیت اطلاعات		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	آوریل ۲۰۰۷
فناوری ساخت هواپیما		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	آوریل ۲۰۰۷
فناوری‌های حوزه نفت و گاز	ژوئن ۲۰۱۰	می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰ آگوست ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ ژانویه ۲۰۱۲
فناوری کشتی‌سازی		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۰	اکتبر ۲۰۱۲
فناوری‌های مرتبط با خودروسازی		می ۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۳	



تحریم تجاری



تحریم اقتصادی همواره یکی از ابزارهای فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها در سطح بین‌الملل بوده‌است؛ هدف از تحریم، فشار بر کشور برای تغییر رفتار است. دو پایه جریان مالی و جریان حمل و نقل، «تجارت» را شکل می‌دهد.

به دنبال جریان تسخیر سفارت آمریکا در ایران در آبان ۱۳۵۸، ایالات متحده متقابلاً ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را بلوکه کرد، و آمریکا قانونی وضع کرد که به موجب آن به جز در مواردی مانند هدایای کوچک، مواد غذایی، بعضی از فرش‌ها و از این قبیل، از ورود محصولات تولیدی ایرانی به ایالات متحده ممانعت به عمل آید، و این ابتدای تحریم تجاری ایران بود. پس از آزادی اتباع آمریکایی، مصادره این دارایی‌ها پایان نیافت و تا به امروز ادامه دارد.

تحریم‌های وضع شده توسط شورای امنیت، ناظر به حوزه انرژی هسته‌ای و صنایع نظامی (سلاح‌های متعارف و غیر متعارف) است. در طول حدود ۶ سال، ۹ قطعه‌نامه علیه کشورمان صادر شد که ۴ قطعه‌نامه، محتوای جدید و مفصل دارد و ۵ قطعه‌نامه دیگر به نوعی

صالحین

تأکید بر قطعه‌نامه‌های پیشین است. اتحادیه اروپا و آمریکا به بهانه همین قطعه‌نامه‌ها، حوزه تجارت ایران را نیز تحریم کردند و کشتی‌رانی ایران که در حمل و نقل کالا و نفت بسیار مؤثر بود، مورد تحریم قرار گرفت.

در تحریم تجاری، مبادلات با ایران محدود شد و دارایی‌های خارجی بلوکه شدند؛ صادرات فناوری و محصولات فناورانه ممنوع شد و در حوزه نظامی و هسته‌ای، مخابرات، نیرو، نفت و دیگر بخش‌های اقتصادی، تجارت ممنوع یا محدود شد. در کنار تحریم تجارت بین‌الملل، خدمات پشتیبان حمل و نقل دریایی (مانند بیمه، بیمه اتکایی و خدمات رده‌بندی) نیز محدود شد. صادرات برخی کالاها و تجهیزات به ایران نیز ممنوع شد که عمدتاً مربوط به صنایع هسته‌ای، شیمیایی، مواد پیشرفته، الکترونیک، کامپیوتر، امنیت اطلاعات، هوا فضا، ساخت سنسور و مواردی از این قبیل است. بنابراین در تحریم تجاری، محدودیت در خرید از خارج اتفاق افتاد و تولید ایران که وابسته به واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای بود آسیب دید، و تورّم و بیکاری شدّت گرفت. ■

تحریم تجاری و نظامی	تحریم‌های شورای امنیت	تحریم‌های داخلی آمریکا	تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا	تحریم‌های اتحادیهٔ اروپا
تجهیزات صنایع نظامی و موشکی	مارس ۲۰۰۷ ژوئن ۲۰۱۰	۱۹۸۴	۱۹۸۴	فوریه ۲۰۰۷
کالاهای دارای کاربرد دوگانه		می ۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۰	ژانویه ۲۰۱۲ جولای ۲۰۱۰
صنعت هسته‌ای و فناوری‌های حساس	دسامبر ۲۰۰۶ ژوئن ۲۰۱۰	می ۱۹۹۵	ژوئن ۲۰۱۰	فوریه ۲۰۰۷
صنعت نفت و گاز و پتروشیمی		می ۱۹۹۵	آگوست ۱۹۹۶ جولای ۲۰۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ ژانویه ۲۰۱۲ اکتبر ۲۰۱۲	جولای ۲۰۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ ژانویه ۲۰۱۲ اکتبر ۲۰۱۲
فلزات پر کاربرد		می ۱۹۹۵	جولای ۲۰۱۲ ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲
فلزات گرانبها		می ۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	ژانویه ۲۰۱۲
مواد اولیه و تجهیزات صنایع دریایی		می ۱۹۹۵	ژانویه ۲۰۱۳	اکتبر ۲۰۱۲
تجهیزات و قطعات صنایع هوایی		می ۱۹۹۵		جولای ۲۰۱۰
تجهیزات مرتبط با بخش حمل و نقل		می ۱۹۹۵	۳ ژوئن ۲۰۱۳	
کالاها و خدمات بخش خودروسازی		می ۱۹۹۵	۳ ژوئن ۲۰۱۳	
مواد خام و نیم‌ساخته معدنی		می ۱۹۹۵		

صالحین



ابزارهای تحریم

ایران مادر قاب رسانه‌ها

رسانه‌های دنیای غرب، تلاش بسیاری در جهت وخیم نشان دادن اوضاع اقتصادی ایران دارند. به عنوان مثال می‌توان از خبرگزاری انگلیسی رویترز، نام برد که طی گزارشی مدعی شد: «هر روز مردم ایران به صورتی جدی و سخت تلاش می‌کنند تا برای خانواده خود غذا تهیه کنند. قیمت‌ها در حال افزایش هستند و زندگی در این کشور بسیار گران است»^۱

شبکه خبری بی بی سی نیز همین خط را پیش گرفته و سعی می‌کند در برنامه‌های اقتصادی و خبری خود، وضعیت موجود و وضعیت آینده ایران را وخیم جلوه دهد. به عنوان مثال جملاتی چون: «آیا اقتصاد ایران در حال سقوط است؟ آیا تحریم‌ها اقتصاد ایران

را به ورطه نابودی می‌کشاند؟ تورم ناشی از تحریم، دامن ایران را گرفته است. ایران در احاطه بحران‌های اقتصادی و سرنوشت نامعلوم اقتصاد ایران و ...»^۲ از مهم‌ترین تیتراژی است که بی بی سی از آن‌ها برای پوشش خبری اقتصاد ایران استفاده می‌کند.

پایگاه خبری رادیو فردا نیز که از سوی نظام سلطه تغذیه می‌شود، یادداشتی با عنوان «رکود سنگین در اقتصاد ایران» را بر روی صفحه خود قرار می‌دهد.

مثال‌هایی از این دست فراوان وجود دارند و رسانه‌ها دائماً در حال ارائه چنین تصاویری از اقتصاد ایران هستند که فرصت پرداختن به آن‌ها وجود ندارد. علت اصلی این تلاش‌ها را می‌توان، ناکارآمد نشان دادن انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران دانست که با توجه به تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، این تبلیغات رسانه‌ای نیز بیشتر شده و شدت گرفته است که شاید بتوان دو دلیل برای تشدید آن‌ها ذکر نمود:

۱- با توجه به هزینه‌های زیادی که تحریم علیه ایران، برای آمریکا و کشورهای اروپایی داشته‌است، این رسانه‌ها سعی دارند تا تحریم‌ها را مؤثر جلوه داده و

به این صورت وانمود کنند که ایران در اثر تحریم‌های اقتصادی، تحت فشار شدیدی قرار دارد و به زودی به زانو در خواهد آمد.

۲- این رسانه‌ها در داخل کشور نیز سعی دارند تا با وخیم جلوه دادن اوضاع اقتصادی، مردم را ناامید کرده و به سمت ناآرامی‌های اجتماعی سوق دهند تا از طریق فشارهای اجتماعی بتوانند، جمهوری اسلامی ایران را از موضع خود پایین آورده و به اهداف خود دست یابند. این هدف بیشتر از طریق رسانه‌های فارسی زبان خارجی، دنبال می‌شود که اغلب با مرفه نشان دادن دنیای غرب از طریق فیلم‌ها، سریال‌ها و ... همراه بوده‌است.

حجم بسیار تبلیغات سوء رسانه‌ای، تنها بخشی از پروژه استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی است و نظام سلطه در یک نبرد همه جانبه با انقلاب اسلامی قرار دارد که بخشی از آن را نبرد رسانه‌ای و تبلیغاتی پوشش می‌دهد. ■

بی‌نوشت:

۱. جام نیوز
۲. خبرگزاری فارس

منافع تحریم برای ما

کاش در تحریم می‌ماندیم!

< >>>> حوزه علم و فناوری

■ خودکفایی در صنایع نظامی و قدرت بازدارندگی

یکی از برکات تحریم‌های اعمال‌شده علیه کشورمان مربوط به تحریم کالاها و فناوری‌های نظامی است. این تحریم‌ها که دارای سابقه‌ای به قدمت انقلاب اسلامی است، موجب شد تا عملاً مسئولین بخش‌های نظامی امیدی به تأمین نیازمندی‌های فناورانه خود از دیگر کشورها نداشته باشند و لذا اقدام به طراحی برنامه‌های بلندمدت برای ارتقای توان تولید داخل در این حوزه کنند. همچنین باید توجه داشت که دانش

فنی موجود در صنایع نظامی -که به دلایل پیش گفته و نیز سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در حوزه‌های نظامی به دست آمده- در بسیاری از صنایع پیشرفته دیگر نیز قابل کاربرد است. این امر که در ادبیات علمی به «سرریز تکنولوژی» معروف است، می‌تواند سرعت رشد سایر فناوری‌های پیشرفته را افزایش دهد.

■ توسعه صنعت، فناوری و دانش بومی

قبل از تحریم‌ها خرید بسیاری از محصولات فناورانه از تولیدکنندگان خارجی توسط دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در عین وجود توان ساخت داخل امری رایج بود. این خریده‌ها، بعد از اعمال تحریم‌ها و سخت شدن تأمین کالاها از کشورهای دیگر، به سمت کالاهای داخلی سوق پیدا کرده است و عملاً امکان فروش محصولات فناورانه برای بسیاری از تولیدکنندگان این‌گونه کالاها فراهم شده است.

< >>>> حوزه تجارت خارجی

■ مدیریت پروژه‌های بزرگ صنعتی توسط شرکت‌های داخلی

توان اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی در صنایع

صالحین



مختلف، نیازمند دانش و فناوری بومی است که ایران تا پیش از انقلاب، عملاً فاقد آن بود. پروژه‌های بزرگی نظیر نیروگاه، سد، تونل، نفت و ... عمدتاً توسط شرکت‌های خارجی اجرا می‌شد و شرکت‌های داخلی تنها در اجرای بخش‌های کوچکی از این پروژه‌ها سهیم بودند. اما پس از انقلاب و با خروج شرکت‌های بزرگ خارجی از ایران، به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای در واگذاری پروژه‌های بزرگ به شرکت‌های خارجی و همچنین محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، دستگاه‌های مختلف اجرایی مجبور به برنامه‌ریزی بلندمدت برای افزایش توان فنی شرکت‌های داخلی در اجرای این‌گونه پروژه‌ها شدند.

■ باز مهندسی شرکای تجاری در اقلام اساسی

کالاهای اساسی خوراکی در سال‌های اخیر، همواره مهم‌ترین اقلام وارداتی کشور را تشکیل می‌داده است (دانه گندم، ذرت دامی، کتچاله سویا، برنج و شکر). کشورهای اروپایی همواره از مبادی اصلی واردات محصولات کشاورزی بوده‌اند. این در حالی است که بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ اقلام کشاورزی، همسایگان کشور ما، نظیر هند، پاکستان و قزاقستان و همچنین کشورهای آمریکای جنوبی نظیر برزیل و

صالحین



دولت باید بداند هیچ راه حل کوتاه مدتی وجود نداشته و در یک بازه بلند مدت، انتظار جواب‌دهی داشته باشد

حوزه مسائل امنیتی دسته‌بندی شده و با شدت عمل با آن برخورد می‌شود، مسائل حوزه ارزش پول ملی از منظر امنیتی اگر جایگاه بالاتری از مسائل نظامی نداشته باشد، پایین‌تر نیز نخواهد بود و لازم است با دقت نظر ویژه‌ای به آن نگریسته شود.

■ راهکار دوم: اصلاحات نهادی برای تنوع و رونق تولید (بلندمدت)

اولین مسئله‌ای که در حل بنیادین مشکلات بازار ارزی باید مورد توجه دولت قرار بگیرد، این است که علاج بازار ارز را نه در خود بازار بلکه بیرون از بازار جستجو نماید. به عبارت دیگر، دولت باید بداند که با دخل و تصرف در بازار، به هیچ وجه مشکلی از این بازار حل نخواهد شد و تنها راه حل ریشه‌ای مسئله ارز، توجه به اصلاحات نهادی به منظور تنوع و رونق تولید می‌باشد؛ زیرا با تنوع تولید و صادرات است که عرضه

ارز به صورت متنوع شکل گرفته و با خارج کردن انحصار فروش از دست دولت، می‌تواند به ایجاد یک بازار عمیق و با ثبات ارزی، منجر شود.

در این صورت، دولت با اخذ مالیات از تولیدکنندگان قدرتمند و متنوع، می‌تواند خود را از وابستگی به بودجه برهاند و از موضع حاکمیت به مدیریت بازار ارز بپردازد. البته حل مسائل حوزه تولید نیز پیچیدگی‌های خود را دارد، اما حداقل در این مقاله می‌توان گفت که تنها راه حل مشکل ارزی، حل مشکلات تولید و رونق صادرات است. به عبارتی دولت، قبل از توسل به تغییرات قیمتی در ارز، باید در قلمرو متغیرهای حقیقی اقتصاد، کاری انجام داده و بسترهای فنی، مادی و رقابت‌پذیری را تأمین کند. با تقویت و ارتقای توانمندی‌های بخش خصوصی، شفافیت در نظام تصمیم‌گیری، ایجاد بسترهای نهادمند و مستمر برای ارتباط با بخش خصوصی، تقویت نظام آموزش و تحقیقات، ترویج فرهنگ کار از طریق رسانه و دیگر ابزارهای مربوطه، رفع موانع رقابت‌پذیری، تصویب قوانین افزایش کیفیت و تقویت سازمان‌های مربوطه همانند سازمان ملی استاندارد، کمک به صادرکنندگان از راه‌های مختلف (نظیر یارانه دهی، فعال کردن رایزنان اقتصادی و ...)، باعث شود که کشور به مجاری متنوع و متعدد درآمدهای ارزی دست یابد. دقت به این نکته نیز

بسیار حائز اهمیت است که اولاً دولت باید بداند هیچ راه حل کوتاه مدتی وجود نداشته و در یک بازه بلند مدت، انتظار جواب‌دهی داشته باشد و ثانیاً به همان نسبت که مسائل مرتبط با ارز گسترده است، راه حل‌ها نیز طیف وسیعی از موضوعات را در بر می‌گیرد.

به عبارت دیگر، دولت باید با یک نگاه سیستمی و جامع‌الاطراف از تمامی ابزارهای خود نظیر رسانه‌های گروهی، برای فرهنگ سازی، ظرفیت سفارتخانه‌ها و رایزنان بازرگانی، تقویت و حمایت از سازمان‌های مرتبط با کیفیت تولید، نظیر سازمان ملی استاندارد، توجه به ظرفیت‌ها و موانع قانونی در چارچوب تصویب، حذف و یا تغییر آن‌ها در جهت رشد تولید و صادرات، تقویت شایسته‌سالاری و شفافیت تصمیم‌گیری در بدنه دولت و ... استفاده نماید. ■

📌 نویسنده:

۱. به عنوان مثال بانک‌های دی، اقتصاد نوین، سامان، ایران زمین و انصار به ترتیب ۹۷، ۸۷، ۶۹، ۹۱ و ۸۹ درصد از تسهیلات خود را در سال ۹۱ به بخش بازرگانی و خدمات ارائه کرده اند، گزارش وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص بازار ارز، ۱۳۹۲.

* با تلخیص و دخل و تصرف در مقاله راهکارهای تحقق مطلوب‌ترین نظام ارزی ممکن، تالیف امیر عسگری، اباذر براری، محسن اکابری



ابزارهای افساد

قاچاق ارز و کالا

از بین رفتن دو میلیون فرست شغلی

سازمان شبه‌نظامی راستگرای کلمبیا که در سرنگونی میلا سلائی، رئیس‌جمهور هندوراس، در سال ۲۰۰۹ و سقوط فرناندو لگو، رئیس‌جمهور پاراگوئه، در سال ۲۰۱۲ شرکت داشت، بخش قابل ملاحظه قاچاق بنزین و مواد سوختی و روغنی از ونزوئلا را کنترل می‌کند.

تغییر سلیقه و ایجاد مد و در نتیجه فرهنگ مصرف‌گرایی، ضربه زدن به تولید ملی و در نتیجه افزایش بیکاری، عدم پرداخت حقوق دولتی و در نتیجه کاهش درآمد دولت و کم شدن خدمات عمومی، ورود کالاهای بی‌کیفیت و غیراستاندارد به داخل کشور، اقتصاد غیرشفاف، آثار مخرب فرهنگی و ... از عوارض قاچاق است.

وقتی‌که پدیده قاچاق به امری معمول در یک اقتصاد تبدیل شود، وابستگی مردم به کالاهایی که هیچ‌گونه کنترلی بر آن‌ها وجود ندارد افزایش یافته و بدین‌وسیله دشمن می‌تواند افکار و علایق آن‌ها را هر طور که بخواهد جهت‌دهی کند. به عبارتی در چنین حالتی کالای قاچاق، نقش رسانه دشمن در کشور ما را بازی خواهد کرد. نمونه بارز این موضوع در صنعت نساجی دیده می‌شود به گونه‌ای که می‌بینیم لباس‌هایی که هیچ سختیتی با فرهنگ و آداب رسوم مردم ما ندارد در تن جوانان دیده شده و بعضاً ارزش‌های کشورهای

صالحین



غربی به‌طور کاملاً صریح توسط این لباس‌ها ترویج می‌شود. امروزه بیش از ۴۷ درصد از مصرف پوشاک کشور به‌صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شود به‌طوری که بر اساس آمار منتشر شده طی ۹ ماه منتهی به آذر ۹۳ بیش از دو میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور شده است که این به زیان تولیدکنندگان داخلی است. به عبارتی میزان قاچاق ۹ ماه آن‌هم فقط در بخش پوشاک کمی بیش از بودجه سال ۹۳ شهرداری مشهد و دو و نیم برابر بودجه سال ۹۳ شهرداری اصفهان و نصف بودجه همان سال شهرداری تهران است. حال حساب کنید که چنین حجم گردش مالی بی‌حساب و کتاب در یک اقتصاد چه اثرات مخربی خواهد داشت.

بنا به گفته مدیرکل فرهنگی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارز و کالا، طبق آمارهای سازمان بین‌المللی کار هر یک میلیارد دلار قاچاق ۱۰۰ هزار شغل و فرصت شغلی را از بین می‌برد که البته آمار برآورد شده در کشور ما عدد بیشتری را گزارش می‌کند. هم‌چنین بر اساس برخی آمارها حجم قاچاق در کشور ما ۲۰ میلیارد دلار است که با این اوصاف ۲ میلیون شغل از طریق قاچاق در کشور از بین رفته است. بیکاری ۲ میلیون نفری می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشور داشته باشد. ■

صالحین



ابزارهای تخریبی

بی کیفیت‌های
خارجی

ضرباتی به تولید ملی

تخریب تولید ملی به عنوان ابزار سخت دشمن

استفاده از تحریم‌های اقتصادی به منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند؛ برای مثال تحریم‌های اقتصادی و تجاری در دوران قاجاریه یکی از ابزارهای مورد استفادهٔ روس‌ها علیه ایران بود. از جملهٔ شاخص‌ترین موارد تحریم‌های اقتصادی می‌توان به تحریم نفتی ایران توسط دولت انگلستان در زمان نخست‌وزیری مرحوم دکتر محمد مصدق اشاره کرد. از این‌رو تخریب اقتصاد یک کشور خود می‌تواند راهی مناسب برای دستیابی به اهداف سیاسی باشد. از جمله آثار مخرب تحریم اقتصادی که نقشی بی‌بدیل در این حوزه دارد، کاهش سطح تولید در یک کشور است.

اقتصاد به ما می‌گوید که چنانچه تولید در یک کشور زمین بخورد، اقتصاد مذکور دیگر توان مقابله با

دو محور اصلی است؛ یکی ناظر بر بخش تولید است و دیگری که شاید مهم‌تر از بخش تولید باشد، ناظر بر بخش مصرف است. الزاماتی که رعایت و اجرای آن، افزایش تولید ملی را به دنبال خواهد داشت به شرح زیر است:

الف) اصلاح الگوی مصرف: نوع مصرف جامعه است که به تولیدکنندگان و تجار، این علامت را می‌دهد که چه چیزی را به چه مقدار تولید یا وارد کنند. اگر اسراف در جامعه حاکم باشد، ممکن است با کمبود عرضه مواجه شویم.

ب) ترجیح منفعت کل به منافع فردی: سرمایه‌دار، بازرگان و تولیدکننده ما باید به سمت تولید داخل بروند هرچند که ممکن است در این راه، سود کمتری نصیب آن‌ها شود. به عبارت دیگر، ترجیح منفعت کل به منافع فردی، همان قله‌ای است که برای فتح آن نیاز به همت و کار فراوان است. باید این باور در جامعه ایجاد شود که مصرف هر یک از کالای خارجی برابر است با بیکاری یک جوان ایرانی؛ مردم باید بدانند که رسیدن به استقلال اقتصادی نیازمند مصرف کالای داخلی است.

ج) جهاد اقتصادی: به‌ویژه در شرایط کنونی که تمرکز دشمن با ابزار تحریم و مانند آن، بر بخش اقتصادی کشور است، از ضعف اقتصاد ایران، به عنوان اهرم و ابزاری مناسب برای فشار به ملت و دولت ایران استفاده شده‌است. تولیدکنندگان باید از تمام ظرفیت تولیدی خود استفاده کرده و به رونق اقتصادی کمک کنند و مصرف‌کنندگان نیز با مصرف تولید داخل به بهبود اقتصاد کمک نمایند. علاوه بر این الزامات که بعضاً در بلند مدّت محقق می‌شود، اقدام‌های کوتاه مدت نیز باید در دستور کار قرارگیرد؛ اهمّ این اقدام‌ها عبارتند از:

الف) هدفمند کردن واردات؛

ب) تخصیص یارانه به تولید؛

ج) فراهم کردن روحیه کسب و کار در میان مردم و ایجاد زیرساخت‌ها؛

د) حمایت همه‌جانبه از کالای ایرانی با کیفیت؛

ث) حذف قوانین زائد و پرهیز از تغییر ناگهانی قوانین و سیاست‌ها؛

ت) تربیت اقتصادی جامعه؛

صالحین

با فساد مبارزه کن

مبارزه با مفسدان اقتصادی

یکی از بندهای مهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ناظر به مبارزه با مفساد اقتصادی است. در این بند چنین تأکید شده‌است: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...»؛ این بند با فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب (مدّظله) در زمینه مبارزه با مفساد اقتصادی نیز مرتبط است.

بدیهی است که نسل جوان جویای عدالت باید نسبت به مبارزه با مفساد حسّاس باشد و این امر مهم را مطالبه کند. رهبر معظم انقلاب (مدّظله) نیز در این‌باره می‌فرمایند: «مسابقهٔ رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنائی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سر برآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدام‌های بدون اولویت و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همهٔ گلوگاه‌های اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید و خلاصه پدیدهٔ بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آن را هزینه کسب قدرت سیاسی کنند و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند؛ این‌ها و امثال آن نقطه‌های استفهام‌برانگیزی است که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجّه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی، عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند»^۱

در این نوشتار سعی خواهد شد به آسیب‌های عدم



صالحین

اهتمام جدی برای مبارزه با مفاسد اشاره شود. بدیهی است توجه و دقت در این آسیب‌ها منجر به مطالبه بیش از پیش مبارزه و مقابله جدی با مفاسد خواهد شد. پیش از هر کار لازم است تعریف مشخصی از مفاسد ارائه شود.

فساد یعنی اینکه کسانی با زرنگی، قانون‌دانی، زبان چرب و نرم و چهرهٔ حق‌به‌جانب، از بیت‌المال سوءاستفاده بکنند و وضعیت مالی خود را رشد دهند. بنابراین مواردی مانند اخذ رشوه، دادن امتیازهای خوب به اشخاص خاص، مصادره امکانات عمومی به نفع خویش، سوءاستفاده از مناقصه و تجارت خارجی در راستای منافع شخصی از مصادیق فساد اقتصادی به حساب می‌آید. البته اشتباهات جزئی و غیرعمدی را نباید با مفاسد یکسان دانست و برخورد با هر یک از آن‌ها باید متناسب با همان شرایط صورت پذیرد. آسیب‌های مبارزه غیر جدی و نمایشی با فساد می‌تواند آثار نامطلوب زیر را به دنبال داشته باشد:

« تغییر تعریف زندگی مطلوب

برخی مردم و خصوصاً جوانان با مشاهده زندگی کسانی که از راه فساد به درآمدهای کلان و زندگی اشرافی دست یافته‌اند، با چشم حسرت به آن‌ها نگاه می‌کنند. آن‌ها می‌پندارند که دست یافتن به چنین سطحی از امکانات و وسایل از طریق عادی شکل گرفته‌است، لذا سطح انتظارات و توقع آن‌ها بصورت غیر معقول و غیر متعارف افزایش خواهد یافت و این مسئله به نوبه خود منجر به افزایش حرص، طمع، دنیا دوستی و ... خواهد شد و انسان را از آرمان‌ها و اهداف اصلی زندگی باز خواهد داشت. به عبارت دیگر، در صورت بی‌توجهی به مفاسد، زندگی مفسدین به عنوان الگو در جامعه مطرح خواهد شد و افراد ظاهرین نیز زندگی مطلوب را بر همان اساس تعریف و پیگیری خواهند کرد.

« کاهش رغبت و دقت برای فعالیت اقتصادی سالم

زمانی که دست‌یافتن به ثروت‌های کلان و عظیم از راه فساد امکان‌پذیر باشد، رغبت دیگران برای به دست‌آوردن رزق حلال و فعالیت اقتصادی سالم با مشکل روبرو خواهد شد. تأثیر این مسئله به گونه‌ای است که ممکن است برخی، از فعالیت اقتصادی سالم

دست بردارند و به فساد روی‌آورند؛ برخی دیگر، انگیزه لازم برای کار جدی و سخت را از دست بدهند؛ برخی دیگر، سختگیری لازم برای کسب رزق حلال را انجام ندهند؛ برخی، سرمایه‌گذاری در فضای اقتصادی موجود را ناامن تلقی کنند و مانند این موارد، تمامی این مشکلات باعث خواهد شد که انگیزه افراد برای به‌دست‌آوردن رزق حلال از راه تلاش و همت خود کاهش یابد و در نتیجه، رغبت و دقت لازم برای فعالیت اقتصادی را از دست بدهند.

« خدشه‌پذیری اعتماد به مسئولین و ساختار اقتصادی

در صورتی‌که بروز فساد اقتصادی در کشور، امری شایع و چشمگیر شود، مردم در اندیشه فرو خواهند رفت که چگونه این فسادها شکل گرفته‌است؟ اولین پاسخی که در مواجهه با این سؤال به ذهن می‌رسد این است که بخشی از مسئولین اقتصادی دچار فساد شده‌اند یا ساختارهای اقتصادی موجود، عزم و توان جدی برای مبارزه با مفاسد را ندارند. هر دو پاسخ منجر به خدشه‌دار شدن اعتماد به بخشی از مسئولین و ساختارهای اقتصادی کشور خواهد شد و ایدهٔ «قدرت برای ثروت و ثروت برای قدرت» را در ذهن تقویت خواهد کرد. این ایده با فرضیه «قدرت و ثروت عمومی برای خدمت به مردم» تقابل جدی خواهد داشت و آثار آن بصورت عقب‌افتادگی عمران کشور، کاهش رفاه عمومی و مانند آن بروز خواهد یافت و نارضایتی عمومی را به دنبال خواهد داشت.

« زمینه‌ساز فسادهای دیگر

انسان، ارگان، نهاد، سازمان و بطور کلی هر شخص یا مجموعه‌ای که به فساد اقتصادی آلوده شود، در معرض گرفتاری در سایر فسادها نیز هست. مقدمه و مؤخره فساد اقتصادی با فساد همراه است یا حداقل



آثار آن بصورت عقب‌افتادگی عمران

کشور، کاهش رفاه عمومی و مانند

آن بروز خواهد یافت و نارضایتی

عمومی را به دنبال خواهد داشت

زمینه‌ساز آن است. به‌عبارت دیگر، مُفسد اقتصادی برای دست‌یافتن به اهداف خود باید فسادهای دیگری را انجام دهد. همچنین زمانی که به اهداف خویش رسید، زمینه برای فسادهای دیگر فراهم می‌شود؛ بطور مثال ممکن است مفسد اقتصادی که درصدد مصادره کردن یک تجارت خارجی پُر سود و بزرگ به نفع خویش است، ابتدا باید به عده‌ای رشوه دهد و در پایان کار نیز باید بخشی از منافع تجارت را به آن‌ها واگذارد.

گاهی نیز فساد اقتصادی، مقدّمه فسادهای غیراقتصادی می‌شود؛ بطور مثال ممکن است کسی که غرق در ثروت و امکانات و تجهیزات شود، بخشی از ثروت و دارایی خود را برای مفاسد اخلاقی و فرو نشاندن شهوت خویش بکار گیرد. افزون بر موارد اشاره‌شده، مفسد اقتصادی در مسیر دستیابی به اهداف خویش، دیگران را نیز به فساد آلوده می‌کند و انسان‌های غیر عمیق و دنیاگرا را به فساد می‌کشاند. در نتیجه، مبارزه نکردن با فساد اقتصادی، باعث ایجاد یک جریان آلوده می‌شود. گسترش این جریان می‌تواند از منظر نوع فساد یا تعداد مفسدین صورت پذیرد. به عبارت دیگر، گاهی فساد اقتصادی باعث ایجاد و افزایش مفاسد غیر اقتصادی می‌شود. علاوه بر اینکه مفسد اقتصادی می‌تواند انسان‌های دیگر را نیز فاسد کند و کمّیت و کیفیت فساد اقتصادی را رشد دهد.

« ایجاد اختلاف طبقاتی غیرمنطقی و تشدید آن

در صورتی‌که ثروت و دارایی عده‌ای در جامعه دائماً از طریق مفاسد افزایش یابد، بخش دیگری از جامعه با محرومیت‌ها یا کمبود امکانات روبرو خواهند شد. این مسئله باعث بروز شکاف طبقاتی و افزایش آن خواهد شد و ادامه زندگی محرومین جامعه را با مشکلات جدی روبرو خواهد کرد. همچنین می‌تواند طبقه مرفه بی‌درد و بی‌مسئولیتی را شکل دهد که توان مقاومت در برابر کوچکترین مشکلات کشور را نداشته باشند و به راحتی به ابزار و عناصر دشمن تبدیل شوند. این طبقه، نه تنها در حل مشکلات دیگران کمک نخواهند کرد، بلکه مشکلات جدید و بیشتری برای کشور ایجاد خواهند کرد. ■

بی‌نوشت:

۱. پیام به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی در تاریخ

۱۳۸۱/۸/۶

پرونده پنجم:

اهداف دشمن در جنگ اقتصادی

دشمن به دنبال چیست؟

در جنگ اقتصادی

می‌خواهند ما را فلج کنند

چیستی جنگ اقتصادی با ما

مثلاً تحریم‌های فلج کننده!

گشوده شدن افق‌های گسترده برای اقتصاد

صالحین



در جنگ اقتصادی

دشمن به دنبال چیست؟

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و محدودیت‌های مالی و تجاری، همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران در طول ۳۵ سال گذشته بوده و مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزوده شده‌است. این وضعیت با اجرای تحریم خرید نفت، بانک مرکزی، کشتیرانی، بیمه و مانند آن از سوی نظام سلطه به اوج خود رسیده‌است، به گونه‌ای که از سال زمستان سال ۱۳۹۰ به تعبیر رهبر معظم انقلاب (مدظله) این تحریم‌ها شکل یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی به خود گرفته‌است.

اولین گام در دفاع و مقابله با تهاجم دشمن آن است که هدف دشمن از این تهاجم به‌طور دقیق و قطعی شناسایی شود تا بتوان بهترین تاکتیک دفاعی را در مقابل او برگزید و به‌طور مؤثر در مقابل حمله‌ها دفاع کرد. در پاسخ به این سؤال دو فرضیه را می‌توان طرح کرد:

- ◀ فشار بر دولت ایران به منظور تغییر رفتار نظام خصوصاً در برنامه هسته‌ای؛ این نظریه آن چیزی است

که غربی‌ها، هدف خود از اعمال تحریم‌ها بر کشور ایران بیان می‌کنند. آن‌ها مؤکداً تصریح می‌کنند که هدف از اعمال تحریم‌ها فشار بر دولت است و فشار بر مردم نیست و ابراز امیدواری می‌کنند که در صورت همکاری دولت ایران در مسائل مورد مناقشه، خصوصاً مسئله هسته‌ای عمده تحریم‌ها رفع گردد.

- ◀ فشار بر ملت به منظور ایجاد نارضایتی و شکاف بین مردم و نظام؛ سابقه وضع تحریم‌ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و به بهانه‌های گوناگون غیر از موضوع هسته‌ای نشان از آن است که موضوع هسته‌ای صرفاً بهانه‌ای برای اعمال فشار بر ملت ایران برای دست‌کشیدن از آرمان‌های اسلام و انقلاب است و تجربه دور جدید مذاکرات نیز در طرح مسائلی همچون حقوق بشر، حمایت از هسته‌های مقاومت و برنامه موشکی کشور مؤید این نظریه است که مسئله هسته‌ای صرفاً بهانه‌ای برای اعمال تحریم‌ها و فشار بر ملت ایران است، هرچند کند کردن روند پیشرفت کشور در صنعت هسته‌ای نیز برای آنان دارای اهمیت است.

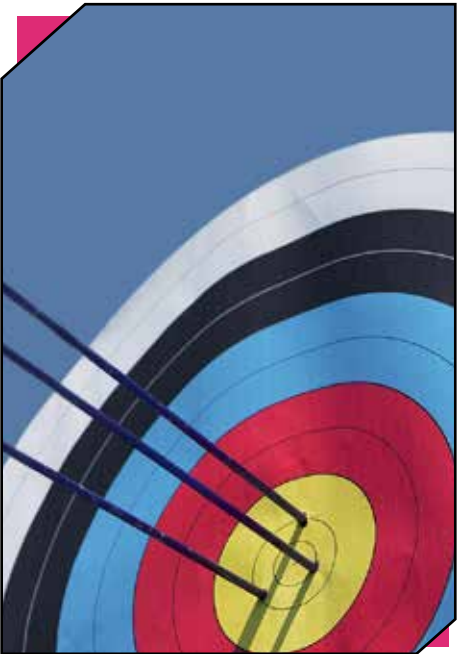
از سوی دیگر شواهدی همچون اعمال تحریم بر فروش دارو، قطعات هواپیماهای مسافربری و جنگ روانی دشمن در القاء جوّ ناامنی اقتصادی در میان مردم نیز این نظریه را تقویت می‌کند که هدف تحریم‌ها آن‌گونه که به دروغ عنوان می‌کنند دولت نیست، بلکه فشار آوردن به ملت ایران است.

- **مکانیزم تحقق اهداف دشمن در جنگ اقتصادی**

بر اساس آنچه عنوان شد، هدف دشمن از راه‌اندازی جنگ اقتصادی، اعمال فشار بر ملت و ایجاد جوّ نارضایتی عمومی است. حال اگر بخواهیم در این مورد، دقیق‌تر صحبت کنیم، می‌توان اهداف دشمن را به دو دستهٔ اهداف غایی و اهداف عملیاتی تقسیم‌بندی نمود:

▪ **اهداف غایی**

آن‌چه شناخت و تجربه بیش از سی و پنج ساله از خصومت‌های دشمن نشان داده آن است که استکبار جهانی، وجود نظامی شکل‌گرفته بر پایه آموزه‌های ناب اسلامی که در رأس آن‌ها نفی استکبار و سلطه طاغوت است را برنمی‌تابد و در همه اقدامات خصومت‌آمیز خود، از ایجاد ناآرامی‌ها و حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و منافقین، جنگ تحمیلی، شبیخون فرهنگی و تقابل‌های سیاسی همچون فتنه ۸۸، هدف غایی خود را تغییر ساختار نظام و براندازی حکومت اسلامی قرار داده‌است. اما با توجه به قدرت گرفتن روزافزون نظام اسلامی و حمایت‌های همه‌جانبه مردمی از آن، تجربه ناکام خصومت‌های دشمن به او نشان داد که تحقق هدف تغییر ساختار نظام در کوتاه‌مدت برای وی ممکن نیست و به ناچار، دشمن هدف تغییر رفتار نظام را در حوزه‌های گوناگون همچون استکبارستیزی، حمایت از هسته‌های مقاومت و مسائلی همچون پیگیری حقوق خود در برنامه هسته‌ای را دنبال کند؛ با این توضیح که عدول از آرمان‌ها و تسامح در رفتار از سوی نظام اسلامی در بلند مدّت، استحاله و تغییر ماهیت و ساختار



نظام را نیز در پی خواهد داشت.

بنابراین در جمع‌بندی این بخش می‌توان هدف غایی از جنگ اقتصادی را تغییر رفتار نظام در کوتاه‌مدّت و تغییر ساختار نظام در بلند مدّت نام برد.

▪ **اهداف عملیاتی**

اهداف عملیاتی یا به تعبیر دیگر اهداف میانی، آن‌دسته از اهدافی است که دشمن در مسیر تحقّق هدف غایی خود بر روی آن‌ها طراحی و برنامه‌ریزی می‌کند. این اهداف که انتظار می‌رود ثمره طبیعی آن‌ها محقّق شدن هدف غایی دشمن از جنگ اقتصادی یعنی تغییر رفتار نظام در کوتاه‌مدّت و تغییر ساختار نظام در بلند مدّت باشد را می‌توان به‌طور کلی اخلال در چرخه اقتصاد و معیشت مردم و ایجاد جوّ نارضایتی عمومی دانست، که به‌طور عمده دشمن آن‌را از سه طریق دنبال می‌کند که می‌توان آن‌ها را اهداف عملیاتی دشمن از جنگ اقتصادی دانست:

- ◀ ایجاد تورّم شدید؛

- ◀ بیکاری شدید؛

- ◀ کمبود کالا و ایجاد قحطی خصوصاً در کالاهای ضروری؛

در جمع‌بندی اهداف دشمن از جنگ اقتصادی،

می‌توان مکانیزم ذیل را در تحقّق اهداف دشمن از راه‌اندازی جنگ اقتصادی علیه ملت ایران عنوان کرد:

۱- اعمال تحریم‌های اقتصادی موجب ایجاد تورّم شدید، افزایش سطح بیکاری و در برخی موارد کمبود کالا و به‌طور کلی افزایش هزینه‌های زندگی و اخلال در معیشت مردم خواهد شد.

۲- این افزایش در هزینه‌ها موجب ایجاد جوّ نارضایتی عمومی در میان مردم خواهد شد و با توجه



در دنیای امروز، امکان تحریم کامل و منع از هرگونه داد و ستد اقتصادی میان کشورها وجود ندارد؛ لذا آن‌چه بیش از اثرات واقعی تحریم‌ها بر اقتصاد کشور موجب ایجاد جوّ نارضایتی عمومی خواهد شد، اثرات روانی تحریم و جنگ اقتصادی است.

نارضایتی عمومی خواهد شد، اثرات روانی تحریم و جنگ اقتصادی است

به تبلیغات رسانه‌ای دشمن، انتظار می‌رود مردم، نظام را در این اختلال‌ها مقصّر بشناسند، یا اصرار نظام بر برخی اهداف خود را عامل این مشکلات بدانند.

۳- لذا این مسئله موجب شکاف میان بدنه مردم و نظام شده و موجب خواهد شد نظام از طرف مردم خود مورد فشار قرار بگیرد و به‌منظور آرام کردن جوّ عمومی کشور، رفتار خود در قبال استکبار را تغییر داده و از آرمان‌های خود دست بکشد.

۴- انتظار می‌رود این تسامح در دنبال کردن آرمان‌ها و افزایش شکاف بین نظام و مردم، در بلند مدّت موجب تغییر ساختار نظام یا استحاله و تغییر ماهیت آن گردد.

▪ **نقش عملیات روانی دشمن در تحقّق اهداف عملیاتی**

همان‌طور که ذکر شد، عمده اهداف عملیاتی دشمن در جنگ اقتصادی را می‌توان ایجاد تورّم شدید، افزایش سطح بیکاری و کمبود شدید کالا برشمرد. ذکر این نکته در این بحث ضروری است که

صالحین

مطابق مطالعات انجام‌شده توسط دشمن قبل از اعمال تحریم‌ها، اثر واقعی تحریم‌ها بر سطح تورّم و بیکاری به‌اندازه‌ای قابل توجه نخواهد بود که موجب ایجاد نارضایتی عمومی در کشور گردد. همچنین اقتصاد ایران به میزانی به خارج از کشور وابسته نیست که تحریم آن موجب بروز کمبود شدید کالا و قحطی در کشور گردد، خصوصاً آن‌که با توجه به گسترش روابط بین‌المللی در دنیای امروز، امکان تحریم کامل و منع از هرگونه داد و ستد اقتصادی میان کشورها وجود ندارد؛ لذا آن‌چه بیش از اثرات واقعی تحریم‌ها بر اقتصاد کشور موجب ایجاد جوّ نارضایتی عمومی خواهد شد، اثرات روانی تحریم و جنگ اقتصادی است.

هدف از جنگ روانی و تبلیغات رسانه‌ای شدید خصوصاً قبل از اعمال تحریم‌ها و به‌کاربردن عبارت‌هایی همچون تحریم‌های همه‌جانبه، تحریم‌های کمرشکن، تحریم‌های هوشمند و مانند آن‌ها را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- ◀ اولاً پس از اعمال تحریم‌ها و حتی قبل از اعمال آن، مردم و فعالان اقتصادی احساس ناامنی اقتصادی کرده، از آینده بیمناک شوند و رفتارهای غیرطبیعی اقتصادی از خود نشان دهند که در سطح کلان موجب بر هم خوردن نظم اقتصادی کشور و اختلال در چرخه طبیعی آن خواهد شد؛ رفتارهایی مانند ولع افزایش مصرف، احتکار خانگی کالاها و اقدام به خرید ارز به‌منظور کسب سود از رشد قیمت آن، از جمله مصادیق ثمرات جنگ روانی دشمن است که اثرات واقعی تورّم شدید و کمبود کالا بر اقتصاد خواهد گذاشت. اثراتی که از اهداف عملیاتی دشمن بوده و به هیچ وجه صرفاً به دلیل اعمال تحریم‌ها از سوی دشمن رخ نمی‌داد.

- ◀ هدف دیگر از عملیات روانی دشمن در جنگ اقتصادی، ایجاد احساس فشار اقتصادی، حتی بدون اثرگذاری بر متغیّرهای واقعی اقتصاد است؛ توضیح آن‌که همان‌طور که مشخص است رضایت‌مندی اقتصادی افراد، مفهومی ذهنی است که می‌تواند تحت تأثیر عملیات روانی دشمن قرار گیرد. لذا ممکن است که در عین افزایش سطح رفاه عمومی جامعه نسبت به گذشته و یا نسبت جوامع دیگر، احساس رضایت‌مندی مردم آن از زندگی اقتصادی خود کمتر شود و این، آن چیزی است که دشمن در تحقّق اهداف خود از طریق عملیات روانی دنبال می‌کند. 🇮🇷

صالحین



می خواهند ما را فلج کنند

چپستی جنگ اقتصادی با ما

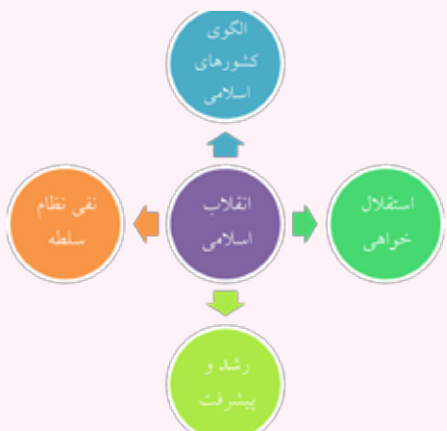
مفاهیم ممنوعیت و بایکوت، جهت آشنایی بیشتر با این واژه شناسی، پرداخته شده‌است. کشورهای مشارکت‌کننده در جنگ اقتصادی، در پی تضعیف اقتصاد دشمن از طریق قطع دسترسی آن به منابع فیزیکی، مالی و تکنولوژیکی، یا جلوگیری از بهره‌برداری آن کشور از مبادلات تجاری، مالی و تکنولوژیکی با کشورهای دیگر است.^{۱۰}

با بررسی بیانات رهبر معظم انقلاب نیز، مشخص می‌شود که ایشان اولین بار در سال ۱۳۸۶ مسئله «جنگ اقتصادی» را مطرح کردند و ضمن پیشبینی این امر، به ضرورت مقابله با جنگ اقتصادی، از طریق برنامه‌ریزی دولت، جهت تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز ورود افراد به میدان تحرک و فعالیت اقتصادی اشاره کردند.^{۱۱} همچنین در سال ۱۳۹۲، ایشان ضمن تحلیل وضعیت تحریم‌های هدفمند اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران، تصریح کردند که این تحریم‌های هدفمند، حدوداً از زمستان سال ۱۳۹۰ به جنگ تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شده است.^{۱۲}

در نمودار ۱، سطوح اهداف تحریم‌ها، به مثابه پازلی از جنگ تمام عیار، بیان شده‌است؛ به‌گونه‌ای که تحریم‌ها، ابتدا ناظر به تقابل جریان جبهه حق و باطل و اسلام ناب محمدی



نمودار(۱) سطوح اهداف تحریم‌ها از منظر رهبر معظم انقلاب



نمودار(۲) تهدیدهای موجود در ماهیت انقلاب اسلامی



نمودار(۳) اهداف تحریم‌های اعمال شده علیه انقلاب اسلامی

[۲]پی‌نوشت:

۱. Economic- Warfare.
۲. Embargo
۳. Boycott
۴. Sanction
۵. Tariff Discrimination
۶. Freezing of Capital Assets
۷. Suspension of Aid
۸. Prohibition of Investment
۹. Expropriation

۱۰. منبع: دانشنامه بریتانیکا، به آدرس؛

http://www.britannica.com/EBchecked/1۷۸۵۴۵/topic

۱۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر

رضوی ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

۱۲. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد

مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

صالحین



واللّٰه سؤال اولم این بود که هدف دشمن از راه انداختن جنگ اقتصادی چه بوده؟

اگر بخواهیم جنگ اقتصادی را در یک بستر تاریخی نگاه کنیم، ما از بعد از پیروزی انقلاب درگیری‌های زیادی با دشمن داشتیم؛ درگیری‌های نظامی، امنیتی، تهاجم فرهنگی. دشمن سعی کرده هر طور که می‌تواند هم انقلاب اسلامی را محدود کند و از گسترش انقلاب در خود ایران و در منطقه جلوگیری کند و هم اینکه الگو شدن انقلاب اسلامی برای دیگر کشورها را تاجایی که می‌شود کمرنگ کند. آن‌ها کارهای مختلفی را انجام دادند تا به جریان فتنه ۸۸ رسیدند که دیدند حتی با آشوب‌های خیابانی و ... هم نمی‌توانند به ما آسیبی برسانند. پاشنه آشیل ما در این شرایط، اقتصاد بود که این هم عمدتاً از بعد از دهه هفتاد شدید شد

مثلاً تحریم‌های فلج کننده!

گشوده شدن افق‌های گسترده برای اقتصاد



« علی سعیدی، دکترای معارف اسلامی و اقتصاد و مسئول واحد اقتصاد اسلامی مؤسسه پژوهشی میانی و مدل‌های اقتصادی بومی

صالحین



که ما به سمت سیاست‌های لیبرالی و باز کردن اقتصاد و اتکا به اقتصاد بازار و ... رفتیم. این مسئله باعث شد که اقتصاد ما یک حالت باز و آسیب‌پذیری را نسبت به هجمه‌های خارجی پیدا کند؛ بحث تحریم و تهدیدهای خارجی به‌صورت خاص. این بود که آن‌ها تمرکزشان را از سال ۶۸ و ۷۸ به این‌طرف به سمت اقتصاد متمرکز کردند. کم‌کم بحث تحریم نفتی به‌صورت جدی مطرح شد و تحریم بانکی هم که یک تحریم بی‌سابقه بود. ما اصلاً در ادبیات اقتصادی چیزی به نام -تحریم بانک مرکزی- نداریم که این تحریم بانک مرکزی علیه ایران اتفاق افتاد.

آن‌ها آمدند شهرگ‌های اقتصاد ایران را که یک بخشش نفت و درآمدهای نفتی بود -که بخش عمده‌ای از بودجه دولت را تشکیل می‌داد- و یکی هم



در فضای رسانه‌ای به مردم القا

کردند که تمام مشکلات اقتصادی‌ای

که ما داریم همه به تحریم‌ها مربوط

می‌شود و چنانچه تحریم‌ها برداشته

شود می‌توانیم یک اقتصاد موفق

و پویا و پر رونق داشته باشیم و

مشکل تولید و بیکاری حل می‌شود

نظام بانکی بود -که طی ده پانزده سال بعد از دهه هفتاد و اواسط دهه هشتاد به‌شدت رشد و گسترش پیدا کرده و بخش‌های مختلف اقتصادی را با خودش درگیر کرده بود- تحت فشار گذاشتند و تحریم‌هایی که به گمان خودشان -تحریم‌های فلج‌کننده- بود را علیه اقتصاد کشور اعمال کردند. در کوتاه‌مدت هدفشان این بود که جلوی رشد انقلاب اسلامی و پیشرفت‌های کشور را بگیرند؛ مخصوصاً در حوزه سیاست خارجی و اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی که ما می‌بینیم در بحث عراق، سوریه و لبنان جمهوری اسلامی حوزه نفوذ بسیار زیادی دارد. هدف بلندمدتشان هم این بود که بتوانند به نحوی در کشور شکاف ایجاد کنند تا بتوانند از آن آشوب و شکاف داخلی به سمتی بروند که یا نظام را سرنگون کنند -تا بعد حکومت دست‌نشانده خودشان روی کار بیاید- یا اینکه حداقل با حفظ ظاهر جمهوری اسلامی بتوانند از درون نظام را استحاله کنند؛ یعنی نظام ماهیت خودش را از دست بدهد. چون شما اگر به تمدن غرب نگاه کنید می‌بینید که تمدن غرب تقریباً برابر با مشکلاتی که در طی این دو‌یست ساله اخیر برای جوامع بشری ایجاد کرده به یک سری بن‌بست‌های تئوریک رسیده و این بن‌بست‌های تئوریک در فضای خود تمدن غربی هیچ راه‌حلی ندارند، اما یک بدیل قدرتمندی به اسم اسلام، در قالب انقلاب اسلامی ظهور پیدا کرده که داعیهٔ حکومت و جهانی شدن و دفاع از مستضعفین و یک رویکرد تهاجمی نسبت به غرب دارد و غرب هم بسیار از این مسئله در هراس است. به همین دلیل است که

تقابل‌های مختلفی داشته‌اند و الآن هم به سمت فضای اقتصادی آمده‌اند با این هدف که بتواند به هر نحوی که شده ایران را زمین گیر و به‌اصطلاح خودشان فلج کنند. با این تحریم‌ها توقع آن‌ها این بود که اقتصاد ایران کلاً از هم می‌پاشد و آن‌ها می‌توانند به‌راحتی به اهداف دیگرشان که مثلاً حمله نظامی باشد یا استحاله نظام، دسترسی پیدا کنند.

صالحین شما فکر می‌کنید چه میزان روی این اهدافی که دنبال می‌کردند، موفق بودند؟

-اگر موفقیت را بخواهیم اندازه بگیریم از دو جنبه می‌شود نگاه کرد. یکی آنکه اهداف آن‌ها چه بود و چه چیزی محقق شد؟ از این نظر آن‌ها دنبال این بودند که تحریم‌ها فلج‌کننده باشد؛ یعنی اقتصاد ایران فلج و قفل شود و سقوطی را تجربه کند. از این منظر که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که تحریم‌ها اتفاق افتاد و عده‌ای هم در داخل به همراه عواملشان کمک کردند که قیمت‌ها با شیب زیادی افزایش پیدا کرد. تورم زیادی داشتیم، نرخ دلار بالا رفت و از آن‌طرف هم بانک‌ها با کمبود نقدینگی مواجه شدند و فروش نفتمان هم کاهش پیدا کرد و یک فضای روانی هم در جامعه ایجاد شد. یک عده هم به آن دامن می‌زدند که مشکلات اقتصادی به دلیل تحریم‌هاست و بعد تمام این مشکلات اقتصادی از جمله تورم بالا، مشکل بیکاری، مشکل نرخ رشد پایین، ضعف در تولید داخلی همه را در فضای رسانه به تحریم‌ها گره زدند. اینگونه در فضای رسانه‌ای به مردم القا کردند که تمام مشکلات اقتصادی‌ای که



ما فرهنگ مقاومت را باید در

حوزه اقتصاد پیاده و تبلیغ کنیم؛

یعنی یک الگوی اقتصادی‌ای

ارائه کنیم که هم در راستای

ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد و

هم مربوط به شرایط تحریم نباشد

ما داریم همه به تحریم‌ها مربوط می‌شود و چنانچه تحریم‌ها برداشته شود می‌توانیم یک اقتصاد موفق و پویا و پر رونق داشته باشیم و مشکل تولید و بیکاری حل می‌شود. از آن‌طرف هم زیرساخت‌های تولیدی از آنجا که وابسته به خارج بود چه در عرصه صادرات و چه در عرصه واردات مواد اصلی و فناوری به دلیل تحریم‌هایی که اتفاق افتاد، تا حدی آسیب دید؛ یعنی ما از یک‌طرف به تولیدمان ضربه خورد و از یک‌طرف دیگر فضای روانی کمک کرد که مردم بپذیرند تحریم‌ها واقعاً اثرگذار بوده و چنین فضایی ایجاد شد که انگار تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شد به اهدافش رسیده است. از طرف دیگر واقعیت اقتصاد را که نگاه می‌کنیم علی‌رغم آن تحریم‌های فلج‌کننده -هرچند تورم هم بالا رفت- اقتصاد کشور و معیشت مردم دچار اختلال نشد؛ حتی ما به درجه بحرانی هم

نرسیدیم. هرچند که از لحاظ روانی رسانه‌های غربی و رسانه‌های غرب‌گرا خیلی اصرار داشتند که القا کنند ما در بحران قرار دادیم.

البته رکود اقتصادی اتفاق افتاد و طبیعی هم بود که اتفاق بیفتد ولی این اتفاق افتادن بیشتر از اینکه ناشی از تحریم‌ها باشد ناشی از سوءتعبیر مسئولین اقتصادی ما بود؛ خصوصاً در دولت قبلی. در دو سال آخر دولت قبل دیدیم که فضای مدیریتی اقتصادی یک فضای منفعلی حاکم بود که فاقد آن خلاقیت‌ها و پشتکار سال‌های قبل بود. دستاوردهای این تحریم‌ها را وقتی بخواهیم با عینیت مقایسه کنیم می‌بینیم که این تحریم‌ها فلج‌کننده که نبود اتفاقاً یک رگه‌هایی را در

صالحین

صالحین به عنوان آخرین سؤال با این توضیحاتی

که شما فرمودید شما فکر می‌کنید اهداف دشمن بیشتر ناظر به بخش‌های سخت اقتصاد یا همان بحث بخش روان و ذهن و ادراکات مردم بوده است؟ و اگر این بحث اقتصاد مقاومتی مطرح شده چقدر توانسته در این زمینه مؤثر باشد؟ به عبارت دیگر اگر بحث اقتصاد مقاومتی مطرح نمی‌شد الآن اقتصاد ما تغییری کرده بود نسبت به این چیزی که هست؟ یعنی از وقتی که اقتصاد مقاومتی مطرح شده اقتصاد ما چه تغییراتی پیدا کرده که ما بگوییم از زمانی که اقتصاد مقاومتی مطرح شده اقتصاد ما این تغییرات را پیدا کرده است و ما نسبت به اهداف دشمن این آرایش را به خودمان گرفتیم.

علی‌رغم تمام انتقادهایی که به فضای اقتصادی کشورمان وارد می‌شود تقریباً از اوایل انقلاب و همان دوران جنگ مسئولین کشورمان به این نتیجه رسیدند که در همه حوزه‌ها از جمله حوزه اقتصاد خیلی بر روی کارهای دشمن نمی‌توانیم حساب باز کنیم و ما ناچاریم که روی پای خودمان بایستیم. باید اقتصاد را مقاوم‌سازی کنیم؛ هرچند در قالب ادبیات دیگری مطرح می‌شد و یا حتی ممکن بود ادبیات علمی به آن معنا وجود نداشت ولی در عمل نقاط حساسی که برای اقتصاد بحران‌ساز بود را تا یک حدی سعی می‌شد یا حوزه آسیب‌پذیری ما به‌کلی مرتفع بشود یا با متنوع‌سازی و ایجاد راهکارهایی برای دور زدن تحریم‌ها بیایم راهکارهایی ایجاد کنیم که اقتصاد ما در تقابل با دشمن بتواند به حیات خودش ادامه دهد.



صالحین



درگیری با دشمن تا قبل از این جنگ اقتصادی‌ای که از قبل سال ۸۰ به این‌طرف شروع شد، با ابزار اقتصادی به آن معنا نبود. درست است که تحریم‌هایی دیدیم، فشارهای اقتصادی هم بود، منتها ابزارهای اقتصادی به‌صورت مؤثر و کارا استفاده نشده بود. بعد از این دوره که ابزار اقتصاد وارد می‌شود ما وارد یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی می‌شویم؛ یعنی جنگ اقتصادی ما مربوط به همین سال‌های اخیر نیست، جنگ اقتصادی ما با غرب الآن شروع نشده است، منتها این جنگ بعد از سال نود دیگر اسمش می‌شود «جنگ تمام‌عیار». من اعتقاد دارم این تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال شد حتی در مقابل با اقتصاد جدیدی مثل اقتصاد آمریکا اگر اتفاق می‌افتاد چه‌بسا اقتصاد آمریکا از هم می‌پاشید، منتها با همان درون‌مایه مقاومتی که در اقتصاد ما شکل گرفته بود ما توانستیم در این دوره مقاومت کنیم؛ اما این فضای اقتصاد مقاومتی یک افق‌های گسترده‌تری را برای اقتصاد ما باز کرد.

ما فرهنگ مقاومت را باید در حوزه اقتصاد پیاده و تبلیغ کنیم؛ یعنی یک الگوی اقتصادی‌ای ارائه کنیم که هم در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد و هم مربوط به شرایط تحریم نباشد. اینگونه نباشد که در دوره تحریم نیازهای کشور را به یک نوعی از یک طریق تأمین کنیم و بعد وقتی تحریم‌ها تمام شد اقتصاد مقاومتی را رها کنیم و دوباره برویم با همه کشورها دوست شویم و بعد دوباره واردات گسترش پیدا کند

شد و این رکود به دیگر کشورها سرایت کرد.

ما دنبال این هستیم که الگوی اقتصادی‌ای در کشور نهادینه شود و این الگوسازی شود، ادبیات علمی‌اش استخراج و برای بقیه کشورها تعریف و تبیین شود که آن‌ها با پیاده کردن این الگو در کشورشان بتوانند در مقابل مخاطرات بین‌المللی که ناشی از ماجراجویی‌های کشورهای غربی است، مقاومت کنند. خود اقتصاد متعارف به یک بن‌بستی رسیده و هیچ راه‌حلی ندارد که ما چگونه می‌توانیم بحران‌های اقتصادی را پیش‌بینی و درمان کنیم. تنها کاری که اقتصاد متعارف توانسته انجام دهد این است که بحران‌ها را مدیریت کرده و به تعلیق بیندازد. بحران ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که در اقتصاد آمریکا اتفاق افتاد ناشی از انباشت بحران‌های قبلی بود که هر چندسال یک‌بار در یک‌بخشی اتفاق می‌افتاد. این را مدیریت می‌کردند و از یک بخش به بخش دیگر وارد می‌شد تا نهایتاً مثل یک بهمن شده و وارد بورس نیویورک شد.

عمده فعالیت اقتصاد مقاومتی متعلق به دوران پس از تحریم است. خود ایده انقلاب اسلامی و ایده‌ای که نظام جمهوری اسلامی داشته و بر مبنای آن شکل گرفته مقاومت در برابر زور، ظلم و استکبار قدرت‌های غربی است اینجا در عرصه اقتصاد هم نمود و جلوه پیدا کند و اقتصاد هم در خدمت آن هدف قرار بگیرد. این‌ها نکاتی بود که به ذهن من رسید. ■

ما فرهنگ مقاومت را باید در

حوزه اقتصاد پیاده و تبلیغ کنیم؛

یعنی یک الگوی اقتصادی‌ای

ارائه کنیم که هم در راستای

ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد و

هم مربوط به شرایط تحریم نباشد

و رونق اقتصادی ما برگردد. اتفاقاً اینجوری بوده است که اقتصاد مقاومتی یک الگوی مبتنی بر مبنای انقلاب اسلامی ما ارائه کند و محدود به زمان تحریم هم نیست و اتفاقاً اگر بر فرض تحریم‌ها کاملاً برداشته شود، تازه میدان برای اقتصاد مقاومتی باز می‌شود. اقتصاد مقاومتی یعنی شما بتوانید یک الگویی را به تعبیر حضرت امام در مقدمه سیاست‌هایی که گفته بودند- از اقتصاد ایجاد کنید تا بتواند در مقابل مخاطرات بین‌المللی هم مقاوم باشد. یک بحران مالی بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ در آمریکا اتفاق افتاد و این بحران در بسیاری از اقتصادها و کشورهایی که به‌اصطلاح در کشور ما اقتصاد قوی گفته می‌شود آمد مثل اقتصاد اروپایی، اقتصاد جنوب شرق آسیا و اقتصادهای بزرگ همه را دچار تلاطم و رکود کرد. سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ اقتصاد اروپا دچار رکود

بخش ششم:

جنگ اقتصادی را بشناسیم



از کجاها آسیب دیده‌ایم؟

بررسی آثار جنگ اقتصادی



حال اقتصاد ما چگونه است؟

ویرانه‌های جنگ



چرا اقتصادمان ضربه خورده

رویکردی فرهنگی



صالحین



از کجاها آسیب دیده‌ایم؟

بررسی اثرات جنگ اقتصادی

خوشبختانه امروز کشور درگیر جنگ نظامی نیست، اما درگیر جنگ سیاسی است؛ درگیر جنگ اقتصادی است؛ درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است. یعنی این را اگر کسی نداند، آن‌وقت خواب خواهد ماند. اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین‌قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید. باید بدانید که دشمن چه می‌کند. امروز صحنه کشور این است.

اینکه ما می‌گوییم «جنگ فرهنگی»، «جنگ اقتصادی»، این هیچ منافات ندارد با اینکه آرامش هم در کشور احساس شود.^۱

هیچ شکی نیست که ملت ایران امروز جنگ اقتصادی را علیه کشور باور کرده‌اند، اما نمی‌توان مطمئن بود که آیا دفاع از حریم اقتصادی کشور را آغاز کرده‌اند یا نه؟ اگر نگاه خوشبینانه‌ای داشته باشیم می‌گوییم شروع کرده‌اند، اما با سرعت خیلی کمی که پاسخگوی حمله همه‌جانبه دشمن نیست.

فرمانده ی کل قوا (مدظله) علناً و با لفظ صریح هشت سال پیش در یک دیدار کاملاً مردمی در نوروز ۱۳۸۶، جنگ اقتصادی را به ملت ایران گوشزد کردند، اما متأسفانه ملت ایران همانند هشت سال دفاع مقدس که از حریم مرزی کشور در برابر تجاوز رژیم بعث دفاع کردند، امروز نتوانسته‌اند هشت سال دفاع مقدس از حریم اقتصادی کشور داشته باشند و نتیجه‌اش این است که ما امروز باید بنشینیم و تأثیرات جنگ اقتصادی را بر فرهنگ اقتصادی مردم بررسی کنیم.

از وجود جنگ تمام‌عیار اقتصادی ما امروز گرچه دیر است، اما کاملاً اطمینان داریم و شکی نیست جنگ با تخریب و آسیب‌زدگی همراه است. و در این که ملتی هم که مورد حمله و تجاوز قرار می‌گیرند باید از



یکی از مؤسسه‌های پژوهشی کنگره آمریکا گزارشی را در حوزه اقتصاد تحریم منتشر کرده بود که در آن اذعان شده بود که اگر مردم ایران ادراک روانی نسبت به اثربخشی و تأثیرگذاری تحریم‌ها پیدا کنند. یعنی یک دانه را ده تا ببینند. در این صورت تحریم‌ها در ایران اثر می‌گذارد و می‌تواند کشور را دچار مشکل کند

خود دفاع کنند ابهامی نیست و این را هم مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس با توکل به خدا و تجهیزات و امکانات کمتر از دشمن با فدا کردن جوانان‌شان رمز پیروزی بر دشمن آن بینش و نگرش‌شان نسبت به مسائل است و به بیانی دیگر به فرهنگ آن ملت بر می‌گردد، و در هر جنگی هم که اتفاق می‌افتد فرهنگ آن کشور اگر آسیب نبیند و تهدید نشود پیروز هستند.

حال در جنگ امروز ما که اقتصادی است فرهنگ اقتصادی ما چگونه است؟ آیا آسیب دیده است؟ این فرهنگ می‌تواند ما را در این کارزار پیروز کند؟ ایرانی‌ها در سی سال گذشته ثابت کردند که فرهنگ استکبارستیزی و فرهنگ ذلت‌ناپذیری سیاسی به اندازه کافی دارند، فرهنگ دفاع از خودشان را دارند، فرهنگ ایشار و شهادت را در عرصه سیاسی دارند؛ اما همین مردم ممکن است که ایشار در عرصه‌های اجتماعی، ایشار در عرصه‌های اقتصادی را نداشته باشند. ما حاضر نیستیم در خرید کالای ایرانی ولو این که قیمتش کمی بالاتر از کالای خارجی و کیفیت آن پایین‌تر باشد، اندکی ایشار کنیم. ما در باب خداوند و توحید و نبوت و معاد هیچ مشکلی نداریم ولی رزاقیت الهی را چقدر در زندگی روزمره مان لمس کرده ایم؟ می‌دانید که عدم سرمایه‌گذاری، عدم پس‌انداز، عدم جدیت در کار، راندمان پایین، بهره‌وری پایین، اسراف و تبذیر ما ایرانیان چقدر است؟ تاریخ و آمارهای اقتصادی و اجتماعی این حقیقت را به ما می‌گوید که ما ایرانیان

صالحین



نباشید و مبادی بندری هم پاسخ بدهد، اگر بخواهید کالایی را وارد هم کنید، خرید و ثبت سفارش و تخلیه و توزیع آن در شبکه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی حداقل دو ماه طول می‌کشد. پس یک تصور غلط ذهنی، یک عملیات روانی دشمن، یک تله روانی دشمن می‌تواند عرصه اقتصاد را دچار تلاطم‌های بزرگ کند. این چیزی است که ما باید در عرصه فرهنگ اقتصادی به آن توجه کنیم که این جزء ضعف‌های ما است. یکی از مؤسسه‌های پژوهشی کنگره آمریکا گزارشی را در حوزه اقتصاد تحریم منتشر کرده بود که در آن اذعان شده بود که اگر مردم ایران ادراک روانی نسبت به اثربخشی و تأثیرگذاری تحریم‌ها پیدا کنند. یعنی یک دانه را ده تا ببینند. در این صورت تحریم‌ها در ایران اثر می‌گذارد و می‌تواند کشور را دچار مشکل کند.

این وضعیت ما است. برای همین صحبت کردن از مقوله «فرهنگ اقتصادی» برای ما بسیار جدی است؛ بسیار بسیار راهبردی است و وظیفه در این زمینه، اصلاح و مقاوم کردن فرهنگ اقتصادی‌مان و تلاش در نهادینه کردن فرهنگ درست اقتصادی برای مردم است که ان‌شاءالله با شعار «ما می‌توانیم» در برابر تهاجمات اقتصادی دشمن ایستادگی نماییم و به نصرت الهی پیروز شویم. ■

□بی‌نوشت:

۱. از بیانات امام خامنه‌ای(مدظله) در دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان ۱۳۹۴/۰۲/۱۴

صالحين



ویرانه‌های جنگ

حال اقتصاد ما چگونه است؟

جنگ همواره و به خودی خود هیچگاه نمی‌تواند
مرمیتی باشد، مگر اینکه شرکت در آن پیشرفت و
صلاح آینده را در پی داشته باشد یا اینکه دشمن با
هجوم خود تو را وادار به این امر نماید. جنگی که
علیه کشور ما به صورت رسمی از سال ۱۳۹۰ آغاز
شد، یعنی سالی که بانک مرکزی کشور ما توسط
ستکبار تحریم شد دوره‌ای جدید در انقلاب اسلامی را
برای مردم کشور رقم زد. از نظر اقتصاددانان زمانی که
بانک مرکزی یک کشور تحریم می‌شود، عملاً به معنای
ارسال اولین موشک جنگ اقتصادی به درون خاک آن

کشور است، چرا که تمام مبادلات بین المللی آن کشور تحت الشعاع قرار می گیرد. از این رو جنگ اقتصادی علیه کشور ما اگر چه پیشتر (از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران با اعمال انواع تحریم ها) شروع شده بود، اما از سال ۱۳۹۰ به یک جنگ تمام عیار اقتصادی تبدیل شد.

اثراتی که این جنگ اقتصادی بر کشور ما برجا گذاشته است را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مستقیم و غیر مستقیم؛ منظور از اثرات مستقیم، آن دسته از مسائل و مشکلات اقتصادی است که به تبع وضع تحریم بر جای مانده است. مثلاً در ازای تحریم نفتی کشور، فروش نفت ما به حدود نصف کاهش یافت. اما منظور از اثرات غیر مستقیم مسائلی است که هدف اولیه وضع تحریم نبوده‌اند، بلکه به صورت غیر مستقیم می‌تواند اوضاع اقتصادی مملکت را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عنوان مثال اثرات روانی ناشی از اعمال تورّم بر احتکار خانگی کالا توسط مصرف‌کنندگان از

این دست عوامل هستند. در زیر به صورت کلی به برخی از این اثرات اشاره می‌کنیم:

■ اثرات مستقیم

همانطور که بیان شد، مقصود از اثرات مستقیم شامل مواردی می‌شود که بدون واسطه بر اوضاع اقتصادی اثرگذار هستند. برخی از این موارد را در زیر اشاره می‌کنیم:

۱. دولت یازدهم، طی نزدیک به دو سال گذشته برای کاهش تورم راه موفقی را طی کرده است. آنچه در حال حاضر به عنوان تهدید اصلی برای تداوم روند کاهش نرخ تورم محسوب می شود، بدهی بانکها به بانک مرکزی است. بانکهای کشور در شرایط نامساعدی به سر می برند و تراز مالی آنها با مشکل مواجه است که باعث افزایش اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی شده است. رشد این شاخص در سال

۱۳۹۳، معادل ۴۲ درصد محاسبه شده که رشد بسیار بالایی است.

۲. سال گذشته قیمت نفت با کاهش شدیدی مواجه شد و از حدود ۱۰۵ دلار به حدود ۶۰ دلار در هر بشکه رسید. این در حالی است که هم قیمت فروش نفت ایران به خاطر تحریم پایین تر است و هم ارز حاصل از فروش نفت نیز به طور کامل به دست ایران نمی‌رسد و تنها بخشی از آن وارد کشور می‌شود. کاهش درآمدهای نفتی باعث شده است دولت در شرایط بسیار بد مالی قرار گیرد. در اثر تحریم‌ها، صادرات نفت ایران از دو میلیون و صد هزار بشکه به یک میلیون و پنجاه هزار بشکه یعنی به نصف کاهش پیدا کرد که خسارت‌های آن به اقتصاد در سال ۲۰ میلیارد دلار است.

۳. در اثر تحریم‌ها هزینه مبادلات اقتصادی حداقل ۱۵ درصد افزایش یافت. یعنی اگر سالانه صد میلیارد دلار تبادل اقتصادی صورت گرفته باشد، این عدد به ۱۱۵ میلیارد دلار برای ایران افزایش یافته و نتیجه آن وارد شدن ۱۵ میلیارد دلار در سال هزینه اضافه بر کشور بوده‌است که می‌توانسته صرف اشتغال‌زایی شود. در سال ۹۱ که سازمان تحریم‌ها تقریباً به‌طور کامل در ایران شکل گرفت، رشد اقتصادی منفی شش و هشت‌دهم درصد (۶٫۸) شد و تورم به سی و نیم



اقتصاد ایران چیزی حدود ۱۰ درصد

به خارج از کشور وابسته است. اما طراحان تحریم در پاسخ به این شبهه به نکته‌ای اشاره کردند که بسیار حایز اهمیت است: ۱۰ درصد اقدام از خارج، ۹۰ درصد پیگیری از داخل

۴. سرمایه‌گذاری در بازار بورس و اوراق بهادار تهران، حدود ۹۵ میلیارد دلار است که از زمان آغاز دور نهایی مذاکرات هسته‌ای در ۲۶ ژوئن، شاخص بازار حدود ۳ درصد افزایش یافته‌است. دارایی‌های بانکداری ایران حدود ۴۸۲ میلیارد دلار تخمین زده شده‌است که با توجه به ۳۲ میلیارد دلار بدهی معوق و همچنین تحریم‌ها، ریال ایران حدود ۸۰ درصد از ارزش خود را از دست داد.

۵. اقتصاد ایران با دارایی ۴۱۵ میلیارد دلار، دومین اقتصاد بزرگ در خاورمیانه پس از عربستان سعودی است. تحریم‌های جهانی در سال ۲۰۱۲، عرصه اقتصادی را بر ایران تنگ‌تر کرد که طبق آن رشد اقتصادی را به رکود برای ۲ سال تبدیل کرد و بر اساس برآوردهای کنگره آمریکا در نتیجه تحریم‌ها، ۱۵ تا ۲۰ درصد از حجم اقتصاد ایران کاسته شده‌است.

۶. آمارهای جهانی نشان می‌دهد که تعداد کشورهایی که تورم زیر پنج درصد دارند، در حال حاضر ۱۲۶ است که در سال آینده به ۱۴۷ کشور افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۱۶ حتی نرخ تورم کشورهای عراق و افغانستان هم به کمتر از پنج درصد می‌رسد. اگر به رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۸۴ تاکنون دقت کنیم به

صالحين

این نتیجه می‌رسیم که عملکرد اقتصاد ایران در منطقه بسیار بد بوده‌است و تنها دو کشور یمن و لیبی هستند که نرخ رشدی کمتر از ایران را تجربه کرده‌اند.

۷. به اعتقاد برخی از کارشناسان امر اقتصاد، هزینه مبادلات تجاری بین المللی ایران به واسطه تحریم شبکه بانکی، بین ۲۵ تا ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

■ اثرات غیر مستقیم

این دسته از اثرات بسیار کارآمدتر از دسته نخست هستند و در واقع هدف اصلی طراحان تحریم این دسته بوده است.

در ابتدای شروع موج جدید تحریم‌ها، برخی اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی صراحتاً اعلام کردند که وضع تحریم نمی‌تواند اثرات زیانبار زیادی بر اقتصاد ایران داشته باشد، چرا که اقتصاد ایران چیزی حدود ۱۰ درصد به خارج از کشور وابسته است. اما طراحان تحریم در پاسخ به این شبهه به نکته‌ای اشاره کردند که بسیار حایز اهمیت است: ۱۰ درصد اقدام از خارج، ۹۰ درصد پیگیری از داخل. در واقع امید طراحان تحریم به ناکارآمدی‌های اقتصادی کشور بود که به‌درستی هم نشانه گرفتند. ما به مجموعه ناکارآمدی‌های داخلی اقتصادی، خصوصت‌های اقتصادی



صالحین

داخلی می‌گوییم. برخی از این خصوصت‌های داخلی را در زیر اشاره می‌کنیم:

۱. رفتارهای نامناسب مصرفی

اعمال تحریم‌های زیاد در چند سال اخیر این شبهه را در میان مردم ایجاد کرد که عرصه اقتصادی به یکباره تنگ شده‌است؛ همین امر باعث شد تا رفتارهای نامناسب اقتصادی توسط مصرف کنندگان انجام شود. احتکار خانگی کالا از مواردی است که در اثر جنگ روانی دشمن در میان مردم در چند ساله اخیر مشاهده شد. هجوم یکباره مردم برای خرید و انبار کردن کالاهای مصرفی همچون برنج، چای، روغن، پنیر و مانند آن، خود از عوامل تشدید تورّم در کشور شد. این رفتار غلط اقتصادی هم از دیدگاه دین مبین اسلام و هم از منظر اقتصاد روز به شدّت مضّر است که متأسفانه مواردی زیادی در داخل در این چند ساله از این امر مشاهده شد.

ولع افزایش مصرف هم از مواردی است که توسط مصرف‌کنندگان مشاهده شد که خود از مهمترین عناصر تشدید تورّم است. اصرار بر مصرف کالاهای خارجی و برندهای معروف امروزه از دیگر معضلات رفتارهای اقتصادی است که خانواده‌های ایرانی از خود بروز می‌دهند. باید توجه داشت که اصرار بر مصرف کالای خارجی نه مبنای عقلی اقتصادی دارد و نه در این برهه از تاریخ کشور حجت شرعی قاطع. باید دانست که مصرف کالای داخلی باعث کاهش تورّم و افزایش اشتغال در میان مدّت می‌شود و این یک مسئله اقتصادی، اثبات شده‌است. از دیگر معضلات رفتارهای نامناسب مصرفی می‌توان به تبدیل کالاهای مصرفی به



اصرار بر مصرف کالاهای

خارجی و برندهای معروف

امروزه از دیگر معضلات رفتارهای

اقتصادی است که خانواده‌های

ایرانی از خود بروز می‌دهند



۳. رفتارهای نامناسب مسئولین

از سوی دیگر مسئولین کشور در دولت‌های مختلف هم نتوانستند برنامه‌ریزی منسجمی برای مقابله با تحریم‌ها داشته باشند. بی‌توجهی به دانش و منطق علمی در سیاست‌گذاری، بی‌برنامگی، عدم ثبات سیاست‌ها از جمله مواردی است که توسط مسئولین در این چند سال به چشم خورد.

مجموع موارد ۱ و ۲ و ۳، اثرات تحریم‌ها را تشدید کرده‌است. حال می‌توان دریافت که چرا طّراحان تحریم به آن صورت به منتقدان وضع تحریم‌ها پاسخ دهند. در واقع نقطه هدف این اشخاص مورادی از این قبیل بوده است. مجموعه این خصوصت‌های داخلی باعث افزایش تورّم، افزایش بیکاری و کمبود کالا در سطح کشور می‌شوند. بنابراین در جنگ اقتصادی باید به مقوله فرهنگ اقتصادی و تربیت اقتصادی در سطح جامعه اهمّیت بیشتری داد که متأسفانه در نظام‌های آموزشی و تربیتی کشور جایگاهی ندارد. بخش اعظمی از مشکلات ناشی از جنگ اقتصادی از عدم آگاهی وشناخت مردم از رفتارهای اقتصادی است که البته باید در میان مدّت و بلند مدّت برای آن فکر نظام‌مندی

۲. رفتارهای نامناسب تولیدکنندگان

پس از وضع تحریم‌ها تولیدکنندگان نیز به مجموعه رفتارهایی دست زدند که اثرات تحریم‌ها را بر بخش تولید کشور بیشتر و بیشتر کرد. از دسته این رفتارها می‌توان به کاهش تولید، احتکار کالا، افزایش بی‌رویه کالا، عدم افزایش کیفیت، عدم توجه به افزایش سطح تکنولوژی، کاهش بهره‌وری و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها اشاره کرد.

صالحین

جامعه ایران را در جدول زیر می‌بینیم:

لایه‌های فرهنگ	بخش‌های اقتصادی: تولید، توزیع و مصرف
رفتاری	– سرمایه‌گذاری در واردات، ارز، طلا و زمین؛ – مصرف کالای خارجی؛ – مصرف نمایشی و تجمّلی؛ – مصرف بی‌رویه در برخی بخش‌ها همچون انرژی، آب و تغذیه؛ – سرهم‌بندی کردن و عدم تعهّد نسبت به مشتری؛ – تلاش و رقابت برای استخدام رسمی در سیستم دولتی به جای کار و تولید ثروت در سیستم خصوصی یا تعاونی.
نظام ارزشی	– قانون کار و سلب کردن اختیار مدیر؛ – فاصله طبقات اقتصادی در جامعه؛ – بالابودن ضریب جینی و توزیع ثروت؛ – خصوصی‌سازی ناقص و شکل‌گیری رانت‌های خاص (پدیده آقازاده‌ها)؛ – شکل‌گیری مافیای توزیع برخی کالاهای خاص.
ارزش‌ها	– ارزش شدن رفاه و لذّت بیشتر؛ – ارزش‌گذاری بر مبنای برخورداری از امکانات رفاهی و کالای تجمّلی بیشتر.
رفتار	– اعتماد به کالای خارجی و عدم اعتماد به تولید داخلی؛ – توجه به کسب سود بیشتر از هر راهی؛ – عدم شکل‌گیری درست مفاهیمی همچون زهد و کناره‌گیری از دنیا؛ – مغرور بودن سرمایه‌دار در نظام فکری ایرانیان.

پس از دوران دفاع مقدس، هر چند سیاست‌های خصوصی‌سازی و بازسازی کشور دنبال شد، اما سیستم یارانه‌ای در مصرف و فرآیندهای دولتی در تولید، سبب شکل‌گیری جامعه‌ای مصرفی در ایران شد که اگر این رویکرد اقتصادی جامعه را در کنار فاصله‌های طبقاتی ایجاد شده به سبب رانت‌های مختلف در طبقه



رویکردی فرهنگی

معرفی می‌شود، معضلاتی وجود دارد که مورد توجه رهبر معظم انقلاب (مدظله) در سال ۱۳۹۱ قرار گرفت و مهم‌ترین معنای انقلاب اسلامی را تحوّل و تکامل سبک زندگی معرفی کردند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های سبک زندگی رفتارهای اقتصادی مردم ایران است که دقّت و تذکّر بر آن‌ها از باب امر به معروف و نهی از منکر در تصحیح رفتار تسریع کرده و هدفهای اقتصادی خاصّ جمهوری اسلامی ایران همچون جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را محقّق خواهد ساخت.

به نظر می‌رسد فهم جامعه‌شناختی و توصیف مردم‌شناختی از چالش‌های رفتار اقتصادی مردم، یکی از مهمترین گام‌های رفع گره‌های اقتصادی در جامعه ایران باشد که اهمّیت آن بیش از رفع تحریم‌های دولت‌های غربی علیه اقتصاد ایران است. این فهم می‌تواند در همان سه بخش اقتصاد یعنی تولید، توزیع و مصرف توصیف شود که به طور دورانی نسبت به هم ارتباط داشته و بنابراین امکان تحلیل یک بخش بدون توجه به دو بخش دیگر غیرممکن است. اگر فرهنگ را در چهار لایهٔ رفتار، ساختار، ارزش و فکر تعریف کنیم؛ بنابراین به طور خلاصه چالش‌های فرهنگی اقتصاد مقاومتی در

چرا اقتصادمان ضربه خورده است؟

جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی، مدّعی تحول اسلامی در ساختارهای حکومتی و زندگی اجتماعی مردم است که مهم‌ترین ظهور آن، جاری شدن ارزش‌ها و آموزه‌های دینی در زندگی مردم است. اقتصاد به معنای تمام فعالیت‌های معیشتی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، عینی‌ترین بخش زندگی است که در معنای اسلامی آن یعنی ظهور قواعد و آموزه‌های اسلام در همه این فعالیت‌ها.

هرچند بیشتر مردم ایران به سبب پیروی از دین کامل اسلام و تعهّد نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی مشی زندگی فردی و اجتماعی خود را در مسیر تکامل قرار داده‌اند، اما هنوز در برخی رفتارهای فردی و اجتماعی که به طور کلی سبک زندگی ایرانیان

صالحین



شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی جز

از راه فرهنگ و شکل‌گیری گفتمان

تولید و جهاد اقتصادی ممکن نیست

حاکم بر روند جریان خصوصی‌سازی قرار دهیم با دوگانگی‌های زیادی در مشی اقتصادی مردم مواجه می‌شویم؛ دوگانگی‌هایی همچون تبلیغ ارزش زهد و مسابقه در تجمل‌گرایی، بحث در مورد عدالت اجتماعی و وجود ثروت‌های باد آورده، بحث در مورد تولید ملی و ارزش شدن مصرف کالاهای خارجی و مانند آن‌ها؛ بنابراین در دو دهه ۷۰ و ۸۰ شاهد ثابت ماندن فرمایشی نرخ ارز در عین تورم، شکل‌گیری مافیای توزیع در بسیاری از کالاهای خاص، گسترش یارانه‌ها در عین افزایش آمار مصرف بیش از معدل جهانی، قانون‌گذاری‌های پیچیده در پیش‌روی خصوصی‌سازی از جمله قانون کار بودیم. این واقعیت نشان می‌دهد که هرگونه سیاستی در بخش تولید و واگذاری‌ها به شدت بر مصرف و توزیع سایه خواهد انداخت.

در جامعه غرب، بورژواها یا همان یک‌درصد،

نظام سرمایه‌داری را اداره می‌کنند و بعد وارثان آن‌ها و آن عده‌ای که براساس استعدادهای خود وارد نظام سرمایه‌داری شدند، لازم است قواعد این نظام را رعایت کنند. جامعه ایران در این سیستم ناپسامان اقتصاد سیاسی از اول انقلاب اسلامی تصمیم گرفت با قواعد آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها پیش نرود و وارد جنگ نرم با جریان اقتصادی جهانی صهیونیزم شد، اما متأسفانه گفتمان جنگ اقتصادی در جامعه شکل نگرفت و مفاهیمی همچون لذت بیشتر، رفاه بیشتر و بالتبع کسب سود بیشتر در کوتاه مدت در اولویت‌های فعالیت اقتصادی مردم قرار گرفت. این چالش در مدل سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در ارز، طلا، مسکن و کسب سود ناشی از تجارت واردات بیشتر ظهور می‌یابد.

به نظر می‌رسد درد امروز اقتصاد کشور بیش از آنکه فرمول‌ها و معادله‌ها باشد، فرهنگ مردم در اقتصاد است؛ یعنی همان چیزی که اقتصاد را برایش می‌خواستیم. افزایش تولید و پیشرفت اقتصادی بدون جهت‌گیری فرهنگی در این موضوع امکان‌پذیر نیست و از آنجا که جریان غرب‌زدگی، جهت‌گیری‌ها را به سمت مصرف کالای خارجی و رفاه ناشی از آن بوده، چگونه می‌توان انتظار داشت سرمایه‌ها به سمت سودهای کمتر و دراز مدّت در تولید هدایت شود! این چالش در مدل کار مردم در سیستم اداری و خط تولید ظهور یافته، به این صورت که بی‌حوصلگی، عدم انگیزه و روزمرگی موجب عدم خلاقیت و درست کار کردن شده و در نهایت تولید و خدمات داخلی ضعیف ارائه می‌شود. بالتبع مشتری هم به دنبال مصرف کالای خارجی است.

شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی جز از راه فرهنگ و شکل‌گیری گفتمان تولید و جهاد اقتصادی ممکن نیست. مردم بیش از آنکه نیاز به سود داشته باشند، نیاز به احساس مفید بودن برای جامعه دارند که این احساس می‌تواند به ایشان هویت و شخصیت دهد. دنیای مذموم بحث شده در آیات و روایات همان دنیای متکثر مصرف‌گرای پر رقابت است^۱ که ارزش انسانیت را به داشته‌های مادی تقلیل می‌دهد. اما دنیای ممدوح، همان دنیای انسان‌های پر تلاش و پپر خیر و برکت^۲ است که بیش از آنکه به نیازهای دنیوی خود توجه داشته باشند به دیگران توجه دارند.

بارها نمایشگاه دستاوردهای مخترعان و تولیدگران

نخبه کشور در تهران و شهرستان‌ها به راه افتاده، و شاید بارها با پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان مواجه شده‌باشید. وقتی با این تولیدگران خلّاق مواجه می‌شوید با اینکه بهتر از همه قشرهای جامعه از مشکلات خبر دارند، اما نه تنها کمتر از دیگران گلایه کرده و بحث ناامیدی را مطرح می‌کنند، بلکه در وجودشان عزم راسخ و امید و کار و تلاش و هوشیاری و برنامه‌ریزی حس می‌شود، زیرا روحیه و تفکر و فرهنگ ایشان تولید محور شده‌است.

شاید تفکّر الان جامعه ایران، اقتصاد را به مثابه قدرت خرید و مصرف‌گرایی بهتر می‌بیند، در حالی‌که اقتصاد مقاومتی به قدرت تولید و مصرف هدفمند به سمت تولید ملی اشاره دارد. از آنجایی که تحریم‌ها شرایط مبادله با خارج را سخت کرده، هم‌اکنون ارزش پول ملی، کنترل تورّم و افزایش قدرت خرید جز با بارور شدن تولید ملی نیست، و این مهم جز با همان روحیه جهادی و ایثارگری که وام‌دار مکتب حسین بن علی (ع) است، میسر نمی‌شود. با همین روحیه، حرکت‌های جهادی و عمرانی در سراسر کشور آغاز شد و ادامه یافت؛ با همین روحیه کشور رشد کرد و هم‌اکنون بزرگترین چالش قدرت‌های دنیا شده‌است. ■

پی‌نوشت:

۱- الحدید : ۲۰ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَ تَفَاوُهُ بَيْنَكُمْ وَ تَكُونُ فِي الْأُمُؤَالِ وَ الْأُولَادِ كَمِثْلِ غَيْثٍ أَغْجَبَ الْكَفَّارُ نَبَاهُهُ ثُمَّ يَبْسُجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ خَطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود بگونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

۲- قال امیرالمومنین: ... مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَهْبُطُ وَحْيِهِ وَ مَضَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَ مَسْكَنُ أَرْجَائِهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الرِّجْهَةَ وَ رَجَحُوا فِيهَا الْحَقَّةَ.. (تحف العقول، ص ۱۸۷) دنیا سجده‌گاه پیامبران خدا و فرودگاه وحی او و نمازگاه فرشتگان و باشگاه یاران و محل تجارت دوستداران اوست، و در آن رحمت (خدا را) به دست آرند و بهشت را به سود برند.

پرونده هفتم:

ابزارهای موجود ما برای مقابله با جنگ اقتصادی



دفاع غیر عامل

راهبرد اقتصاد مقاومتی



قدرت گفتمان انقلاب اسلامی

ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان



ابزارهای نرم ما در برابر دشمن

ظرفیت‌های پنهان



اسلحه‌های ما

در جنگ اقتصادی

صالحین



دفاع غیر عامل

راهبرد اقتصاد مقاومتی

دفاع غیرعامل از جنگ‌افزار خبری نیست، بلکه نوعی از دفاع است که در آن استفاده از جنگ‌افزار و سلاح جایگاهی ندارد.

اگر دایره مفهومی جنگ را علاوه بر عرصه نظامی به عرصه‌های دیگری چون اقتصاد، سایبری و .. تعمیم

دهیم و جنگ اقتصادی را مد نظر قرار دهیم و از طرفی نیز پدافند غیرعامل را دفاعی بدانیم که بدون سلاح انجام می‌پذیرد، می‌توان اقتصاد مقاومتی را ترجمان دفاع غیرعامل اقتصادی تعریف کرد.

با استفاده از شاخص‌های دفاع غیرعامل در ادبیات

عناصر اصلی دفاع غیرعامل اقتصادی	نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	اقدامات خصمانه اقتصادی دشمن	ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی
سطوح برنامه‌ریزی			
سطح یک: دفاع غیرعامل اقتصادی کوتاه‌مدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر کوتاه‌مدت	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در کوتاه‌مدت	ابزارهای مدیریت و دفاع در کوتاه‌مدت
سطح دو: دفاع غیرعامل اقتصادی میان‌مدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر میان‌مدت	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در میان‌مدت	ابزارهای مدیریت و دفاع در میان‌مدت
سطح سه: دفاع غیرعامل اقتصادی بلندمدت	شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر بلندمدت	گمانه‌زنی اقدامات احتمالی دشمن در بلندمدت	ابزارهای مدیریت و دفاع در بلندمدت

نظامی، برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی باید بر روی سه عنصر اصلی نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد، اقدامات خصمانه اقتصاد دشمن، ابزارها و فرصت‌های مناسب جهت دفاع غیرعامل تمرکز کرد. با دخالت دادن عنصر زمان و ضرورت اقدام، سه سطح برنامه‌ریزی را می‌توان مورد توجه قرار داد.

الف) دفاع غیرعامل اقتصادی کوتاه مدت

ب) دفاع غیرعامل اقتصادی میان مدت

ج) دفاع غیرعامل اقتصادی بلند مدت

علاوه بر این دسته بندی با مبنا قرار دادن سه مرحله شناسایی، گمانه زنی و به کارگیری ابزار مناسب، می‌توان جدول کلی زیر را مورد توجه قرار داد.

بدیهی است که اقدامات لازم در این سه عرصه، درهم تنیدگی و هماهنگی مستمری را نیاز دارد که با برنامه‌ریزی، ارزیابی و وحدت فرماندهی، قابل اجرا می‌باشد.

صالحین

در پژوهش انجام شده سه عنصر نظام، نرخ ارز، ساختار صادرات و وابستگی به نفت، به عنوان سه نقطه ضعف اقتصادی در سه سطح کوتاه، میان و بلندمدت مورد بررسی قرار گرفته است.

به طبع آشنایی مخاطبان و بسیجیان با نوع و موضوعات برنامه‌ریزی برای دفاع اقتصادی، منجر به هماهنگ‌سازی رفتارهای فردی، اجتماعی و مطالبه‌گری در جهت دفاع همه جانبه اقتصادی می‌گردد. ■

عناصر اصلی دفاع غیرعامل اقتصادی	نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد	اقدامات خصمانه اقتصادی دشمن	ابزارها و فرصت‌های مناسب برای دفاع غیرعامل اقتصادی
سطوح برنامه‌ریزی			
سطح یک: دفاع غیرعامل اقتصادی کوتاه‌مدت	- نظام نرخ ارز - ساختار صادرات - وابستگی به نفت	- تشدید تحریم‌ها - اخلال در بازار ارز و تشویق سواذگری - ایجاد عوامل اختلال - بهره‌گیری از اثر سوء تأثیر عامل	- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی؛ - سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی؛ - استفاده مؤثر از اهرم صادرات در ایجاد درآمد و محرک اقتصاد؛ - استفاده از ائتلاف‌های راهبردی ؛ - هوشمندی در تجارت نفت؛ - بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح.
سطح دو: دفاع غیرعامل اقتصادی میان‌مدت	- نظام نرخ ارز - ساختار صادرات - وابستگی به نفت	- ایجاد رقیب و فضای سخت رقابتی - تهدید تحریم و استفاده ابزاری - تحریم نفت - بهره‌گیری از اثر سوء تأثیر عامل	- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریوسازی؛ - سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی؛ - استفاده مؤثر از اهرم صادرات در ایجاد درآمد و محرک اقتصاد؛ - استفاده از ائتلاف‌های راهبردی ؛ - بازنگری در ساختار صادرات؛ - افزایش صادرات با فناوری بالا؛ - کاهش وابستگی به نفت؛ - هوشمندی در تجارت نفت؛ - بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح.
سطح سه: دفاع غیرعامل اقتصادی بلندمدت	- نظام نرخ ارز - ساختار صادرات - وابستگی به نفت	- تحریم نفت - بهره‌گیری از اثر سوء تأثیر عامل	- افزایش ضریب هوشیاری، قدرت پیش‌بینی، سناریو سازی؛ - سیاست‌گذاری دقیق‌تر پولی و مالی؛ - افزایش صادرات با فن‌آوری بالا؛ - استفاده از ائتلاف‌های استراتژیک ؛ - بازنگری در ساختار صادرات؛ - کاهش وابستگی به نفت؛ - هوشمندی در تجارت نفت؛ - بهره‌گیری از فرصت‌های زمان صلح؛ - برنامه‌های خروج از وابستگی نفت.

صالحین



گفتگو با کارشناس

قدرت گفتمان انقلاب اسلامی

ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان

اشاره

« نوشتار ذیل، حاصل مصاحبه‌ای با حجت الاسلام سیدمحمدرضا رضی، مسئول طرح تربیت متفکر در عرصهٔ اقتصاد مقاومتی در مؤسسهٔ پژوهشی مبانی و مدل‌های اقتصادی بومی است، که در آن موضوع ابزارها و قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ اقتصادی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

اساساً احساس و گارد ما در این بحث و نحوه عملکرد ما متناسب با جنگ اقتصادی است یا خیر؟ و حتی اگر صلح اقتصادی نیز باشد، این اقدامات فعلی ما می‌تواند متناسب با شرایط صلح باشد؟

احساس بنده این است که ما به اصل جنگ اقتصادی، توجه نداشته‌ایم و حتی آرایش جنگی نیز نگرفته‌ایم و هنوز متوجه نشده‌ایم که ما در یک جنگ تمام‌عیار هستیم و این بسیار بحث مهمی است. به‌ویژه مسئولین کشور اگر یک آرایش جنگی را متوجه باشند و خود را در یک جنگ تمام‌عیار ببینند، احتمالاً نحوه گاردی که در مقابل این جنگ خواهند گرفت، متفاوت خواهد بود. همچنین بنده احساس می‌کنم، مردم ما، احساس جنگ ندارند و از این جهت است که تمام نارسایی‌ها را به نادرست- از چشم مسئولین می‌بینند، در حالی که اگر ما از بیان این نکته نمی‌ترسیدیم و فکر نمی‌کردیم که بیان جنگ تمام‌عیار اقتصادی، اتفاقاً می‌تواند امنیت‌بخش و قدرت‌بخش باشد و اگر این بحث را با مردم در میان می‌گذاشتیم و تبیین می‌کردیم، شاید آمادگی‌های مردمی بیشتری نیز در این زمینه به وجود می‌آمد.

اینکه شما می‌فرمایید چه ابزارها و ظرفیت‌هایی داریم. زمانی ما و تعدادی از دوستان می‌خواستیم، ظرفیت‌های اقتصادی ایران را برای موفقیت در اقتصاد مقاومتی جمع کنیم و هنوز هم می‌خواهیم این کار را انجام دهیم اما به این نتیجه رسیده‌ایم که اساساً این کار امکان ندارد تا به‌صورت کامل انجام شود. چرا؟ زیرا ظرفیت‌های ما «لا تعدوا و لا تحصى» است، برای ظرفیت‌های اقتصادی ما اصلاً امکان احصاء وجود ندارند؛ زیرا به عبارتی، نعمت‌هایی که خداوند به ملت ایران عطا کرده، احصاء و جمع نمی‌شود. ظرفیت‌ها، نعمت‌هایی هستند که ما در کنار دست خود داریم و از آن‌ها استفاده نمی‌کنیم. با توجه به این آیه قرآن، احصای این ظرفیت‌ها و نعمت‌ها، امکان ندارد، بلکه ما می‌توانیم به بعضی از آن‌ها اشاره کنیم. چون آیه می‌فرماید: «و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها»، امکان ندارد که شما بتوانید نعمت‌های خدا را به شماره دریاورید و احصا و جمع‌آوری کنید. باید خطی بر روی آن بکشید و بگویید این ظرفیت‌های شما است.

ما می‌توانیم به مهم‌ترین ظرفیت‌های خود اشاره کنیم و آن‌ها را مورد مطالعه قرار بدهیم و حتی با تمام توان هم -اگر تلاش کنیم- نمی‌توانیم تمام ظرفیت‌ها

را جمع کنیم، بلکه می‌گوییم این تمام تلاش ما بود و اساساً احصاء امکان ندارد. اما اگر بخواهیم به مهم‌ترین ظرفیت‌های خود اشاره کنیم، می‌توانیم بگوییم که ما دو نوع ظرفیت داریم: یکی ظرفیت‌های نرم، ظرفیت‌هایی که برای ما یک فضا، محیط تنفس، محیط رشد و یک کِهکشان حرکتی ایجاد کند؛ به این معنا که فضایی را ایجاد کند که ما در آن فضا بتوانیم از ظرفیت‌های سخت به زیبایی استفاده کنیم. با کارآمدی بسیار از ظرفیت‌های فیزیکی، استفاده کنیم. این ظرفیت‌های نرم، مواردی هستند که آن را می‌توان به اکسیژن و خاک تشبیه کرد، که می‌توانند ظرفیت‌های سخت ما را به‌خوبی رشد دهند و آن‌ها را بارور کنند. ظرفیت‌های سخت نیز به تعبیری که وجود دارد که از آن‌ها به ظرفیت‌های سخت یاد می‌کنیم- ظرفیت‌هایی هستند که ما به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. اگر بخواهیم به ابزارها و ظرفیت‌ها در بحث جنگ اقتصادی، اشاره کنیم، در بخش ظرفیت اقتصادی نرم، نیز بنده می‌توانم چند مورد را بیان کنم.

به نظر حقیر مهم‌ترین و اساسی‌ترین ظرفیت جمهوری اسلامی و ملت ایران، قدرت و توان راهبردی گفتمانی انقلاب اسلامی است. گفتمان انقلاب اسلامی است که هیچ گفتمانی در دنیا، توان رقابت با آن را چه در عرصه سیاسی، فرهنگی و چه در عرصه اقتصادی ندارد. گفتمانی که برگرفته از گفتمان اسلام عزیز است و گفتمان انقلاب اسلامی امروزه را می‌سازد، این گفتمان چنان قدرتی به ما می‌دهد که با دست خالی و حتی با کمترین امکانات و بدون استفاده از این ظرفیت‌ها -که در کشور ایران وجود دارد- نیز می‌توانیم بهترین دفاع اقتصادی و ضد حمله اقتصادی را در این جنگ انجام دهیم. اگر بخواهیم ملموس‌تر صحبت کنیم، به‌عنوان مثال، گفتمان انقلاب اسلامی معتقد است که ما مأمور به ادای تکلیف هستیم. اگر ملتی به این مسائل این‌گونه نگاه کند و در جنگ اقتصادی، خود را مکلف به دفاع بداند و ارتش بیست میلیونی در عرصه جنگ اقتصادی بسیج شود، چه اتفاق بزرگی رخ می‌دهد؟ هیچ تحریمی نمی‌تواند بر مردم کارگر باشد.

نکته دوم: این ارزش فرهنگی و گفتمانی است که ما همه چیز خود را فدای اسلام می‌کنیم و در راه اسلام، شهادت را افتخاری برای خود می‌دانیم. ما پیرو مکتبی هستیم که آب را بر آن‌ها تحریم کردند، اما از شعار «هیئات من الذله» کوتاه نیامدند. این گزاره‌های

صالحین

که ما را نجات دادند. این تجلی مردم بود که به سپاه و بسیج منجر شد. این افراد در کنار ظرفیت رسمی ما، در کنار ارتش قرار گرفتند و دست به دست هم دادند.

سه برادر و عضو و سه هم‌پیمان با هم دیگر -البته در کنار راهنمایی‌های حضرت امام (ره)- جنگ را به پیروزی رساندند. به نظر بنده علاج اقتصاد و یکی از شاه‌کلیدهای نجات ما، پناه بردن به مردم در جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. چرا مردم -نه به معنای بخش خصوصی مصطلح- در ساختار تولید در کشور ما نقش بسیار اندکی دارند؟ چرا مالکیت مردمی و خصوصی در کشور ما بسیار بسیار محدود است؟ چرا؟

زمانی که همه این چراها را کنار هم بگذاریم، مشاهده می‌کنیم که به مردم ما در عرصه اقتصاد، تنها به‌عنوان مصرف‌کننده نگاه شده و نه به‌عنوان نیروهای خدمتگزار برای بعضی فعالیت‌های اقتصادی و ما بیش از این به مردم توجه نکرده‌ایم. مردم، بخش عظیمی از ظرفیت و توان نرم و سخت ما، برای مقابله با جنگ اقتصادی هستند که اگر همین مردم و تحمل و مقاومت آنان نبود، تا به حال ما زیر بار این تحریم‌ها دوام نمی‌آوردیم. اگر این تحریم‌ها و سهم آنان در این میان نبود، ما باید بسیار زود تسلیم می‌شدیم و کوتاه می‌آمدیم. اما این مردم در حد حضور فرهنگی و حضور در عرصه مقاومت، کار خود را انجام دادند. ما باید این امر را گسترده کنیم و به این اندازه اکفا نکنیم تا مردم را وارد اقتصاد کنیم. در این راستا، الگوی تولید مردم‌بنیاد، گسترش مالکیت‌های مردمی، استفاده از خلاقیت‌های مردمی و گسترش تعاونی‌های قدرتمند مردمی، می‌تواند از جلوه‌های پناه بردن و استفاده از مردم در این جنگ تمام‌عیار باشد. ظرفیت بعدی ما، ظرفیت مدیریت کلان و راهبردی کشور است که به بیان دیگر، ولایت‌فقیه می‌شود. ولایت‌فقیه در کنار ظرفیت گفتمانی ما، مهم‌ترین قدرت و بعد قدرت‌ساز برای ما در عرصه جنگ اقتصادی است. الحمدلله، ولایت‌فقیه به‌خوبی و زیبایی، وظایف خود را در این زمینه انجام می‌دهد و یقیناً یکی از عوامل اقتدار امروز ما در این جنگ تمام‌عیار و سایر جنگ‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی، بحث ولایت‌فقیه است. نتیجه‌ای که بنده می‌خواهم از اشاره به این نکته بگیرم، این است که ما باید محور ولایت‌فقیه را هر چه بیشتر و تمام‌تر تقویت کنیم و از عوامل تضعیف‌کننده آن به‌شدت نگران باشیم و با آن‌ها به صورت کامل مبارزه کنیم.



مهم‌ترین و اساسی‌ترین

ظرفیت جمهوری اسلامی و ملت

ایران، قدرت و توان راهبردی

گفتمانی انقلاب اسلامی است

فرهنگی، گزاره‌های گفتمانی ما است که می‌تواند مهم‌ترین عامل قدرت‌ساز برای جمهوری اسلامی و ملت ما در این جنگ باشد. بنده این بحث را باز نمی‌کنم. البته این گفتمان، پیام‌های اقتصادی جدی نیز دارد، به‌عنوان مثال، استقلال اقتصادی، خدمت به مستضعفین، مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی است. اگر تمامی این موارد را در کنار هم بگذاریم، مشاهده می‌کنیم که ما به لحاظ گفتمانی بسیار توانمند هستیم. امروزه مهم‌ترین پیام‌ها و مهم‌ترین ارزش‌های اقتصادی، گفتمان انقلاب ذیل چتر اقتصاد مقاومتی قابل جمع است.

اقتصاد مقاومتی و بعد گفتمانی انقلاب در عرصه اقتصادی، بحث‌های مفصلی دارد. دومین ظرفیت عظیم ملت ما برای مقابله با این جنگ تمام‌عیار، ظرفیت جهانی انقلاب اسلامی است. یعنی ظرفیت مستضعفین جهان و به‌ویژه کشورهایی که محور مقاومت در جهان هستند. ما اگر به همین ظرفیت‌ها نگاه درست داشته باشیم و نگاه خود را به مستکبرین عالم ندوزیم و مستضعفین عالم را هم‌پیمانان خود انتخاب کنیم، بسیاری از مخاطرات اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی از رفع نیازهای اقتصادی را می‌توانیم با این ظرفیت جهانی خود پوشش دهیم. اما متأسفانه ما به این بعد توجه جدی نداریم، بلکه دچار خطا هستیم و فکر می‌کنیم که این مستکبرین جهان که خودشان عامل مشکلات اقتصادی ما هستند، می‌پذیرند و حاضر هستند که مشکلات اقتصادی ما را رفع کنند. این ظرفیت‌های جهانی انقلاب اسلامی، بسیار جای صحبت و بحث دارد، منتهی در حد این مصاحبه نمی‌توان آن را باز کرد.

محور و ظرفیت سوم ما ظرفیت نرم است که منجر به ظرفیت سخت می‌شود و بنده نام آن را بحث مردم گذاشته‌ام. در جنگ تمام‌عیار نظامی، این مردم بودند

صالحین



از یاد برده‌ایم که در اصفهان جمع‌های دو هزار نفری تشکیل می‌شد و مردم پشت قرآن را امضا می‌کردند و قسم می‌خوردند که لباس و کالای خارجی مصرف نکنند. زمانی که همه این‌ها از حافظه ملتی پاک شود دیگر از یاد می‌برد که می‌تواند

مبارزه با بصیرت، با عوامل تهدیدکننده و تضعیف‌کننده ولایت‌فقیه داشته باشیم که اگر ولایت‌فقیه نبود، امروزه هیچ خبری از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نبود.

بحث بعدی که به‌عنوان ظرفیت نرم و ابزار نرم استفاده می‌شود، هویت و تجربه تاریخی ملت ایران در عرصه مقابله با جنگ‌های مستکبرین –جنگ‌های تحمیلی از نوع مستکبرین– به‌ویژه در بحث‌های اقتصادی است. ما در عرصه جنگ‌های نظامی این تجربه تاریخی را داریم، اما از یاد برده‌ایم که در عرصه جنگ اقتصادی نیز، تقابل‌های جدی با غرب داشته‌ایم و متأسفانه، حافظه تاریخی ما در این رابطه، دچار ضعف و نسیان شده است. به‌عنوان مثال، قیام تاریخی آیت‌الله میرزای شیرازی که به نام جنبش «نهضت تحریم تنباکو» مشهور است. این یک تجربه عظیم اقتصادی است، تنباکو و خرید و فروش آن بهانه‌ای بود که –اگر دوستان خواننده باشند، خواهند دید– مرحوم شیرازی در مرجعیت شیعی، علیه استعمار و علیه سلطه فراگیر اقتصادی بیگانگان انجام دادند. یعنی به این بهانه، علیه این استعمار اقتصادی قیام شد که بهانه آن البته تنباکو بود. پس می‌خواهم عرض کنم که ما تجربه‌های تاریخی بسیار زیبایی داشتیم، مثلاً تجربه تشکیل شرکت اسلامی در ایران؛ یک شرکت بین‌المللی بزرگ که از اصفهان آغاز می‌شود و در شهرهای دیگر شعبه می‌زند و در خارج از کشور شعبه‌های فراوانی را ایجاد می‌کند و بسیار قوی کار می‌کند. این امر یک نمونه از قدرت اقتصادی ما است. یا به‌عنوان مثال، نهضت تحریم کالاهای خارجی در عصر مشروطه است. همه این

موارد را ما از یاد برده‌ایم. از یاد برده‌ایم که در اصفهان جمع‌های دو هزار نفری تشکیل می‌شد و مردم پشت قرآن را امضا می‌کردند و قسم می‌خوردند که لباس و کالای خارجی مصرف نکنند. زمانی که همه این‌ها از حافظه ملتی پاک شود دیگر از یاد می‌برد که می‌تواند.

نمونه بسیار مهم بعدی، اقدامات علمای ما برای تأسیس بانک ملی در ایران است. البته نگاه آن‌ها این بود که ما باید بانکی تأسیس –هرچند نگاه آن‌ها نگاه رباخوارانه نبود– کنیم. نگاه آن‌ها این بود که ما باید نهادی داشته باشیم که دولت مجبور نشود از بیگانه قرض بگیرد بلکه از خود ما و از مردم قرض کند. این فلسفه نقش عالمانه و تلاشی برای گسترش بانکداری به معنای مصطلح در ایران بود. مورد دیگر تلاش برای تأسیس راه‌آهن در ایران بود. خیلی از روحانیان ما برای تأسیس آن بانک در ایران، کتاب‌های خود را فروختند. همه این‌ها در تاریخ و اسناد معاصر هستند. بسیاری از بانوان طلاهای خود را فروختند تا بتوانند به این قضیه کمک کنند. ما نمونه‌های فراوانی از این موارد در تاریخ داریم که می‌توانیم به آن‌ها اشاره کنیم. بنده از ذکر آن‌ها می‌گذرم.

مهم‌ترین تجربه معاصر برای خود ما و بعد از انقلاب، تجربه جهاد سازندگی است؛ که از این جهاد سازندگی بسیار حرف ناگفته وجود دارد. ما از یاد برده‌ایم که در چه شرایطی توانستیم، چه حجمی از خدمات را به ملت ایران بدهیم. اگر اشتباه نکنم امام (ره) در همان اوایل و سال‌های اول انقلاب فرمودند: خدمتی که در این دو سال به مردم شده، در بیست سال گذشته به مردم نشده است. این نشان می‌دهد که چه حجمی از خدمت‌رسانی در روستاها و مستضعفین، توسط جهاد انجام شده است. هر چند متأسفانه با کج‌فهمی‌ها این نهاد مقدس قوی و مقتدر را به ضعف کشاندند که حال کار نداریم. من می‌خواهم بگویم این‌ها هویت تاریخی ما است. ما می‌توانیم چون توانسته‌ایم. این جمع‌بندی، همه مرور ما بر تاریخ است که اگر به این‌ها نگاه کنیم می‌بینیم که بله ما می‌توانیم، ما نباید تنها بر روی ظرفیت‌ها حساب باز کنیم و بگوییم، می‌توانیم. خیر. می‌توانیم، چون نشان داده‌ایم که می‌توانیم، به دلیل اینکه قبلاً نیز پیروز شده‌ایم. به همان دلیل نیز می‌توانیم در آن جنگ تمام‌عیار، پیروز شویم.

نقش ابزار رسانه‌ای و فرهنگی برای ما و نیز برای دشمن در این میان چگونه بوده است؟



ابزار و ظرفیت بسیار مهم ما، –که ما اصلاً از آن خوب استفاده نکرده‌ایم– بحث ابزار رسانه و پدافند رسانه‌ای است. ما از ابزارها، جنگ و پدافند رسانه‌ای استفاده مناسب نکردیم.

به چه دلیل این حرف را نزدم؟ زیرا بخش زیادی از جنگ اقتصادی علیه ایران ما، جنگ روانی و رسانه‌ای است. به‌عنوان مثال، تب رسانه‌ای کاذب ایجاد می‌کنند که گوشت و مرغ در بازار وجود ندارد و گران شده است. مردم در نتیجه به بازارها حمله می‌برند و نتیجه آن کمبایی گوشت و مرغ می‌شود و قیمت آن‌ها از آن که بود نیز بالاتر می‌رود. یا اینکه در مورد کارایی اقتصادی انقلاب، ناامیدی ایجاد می‌کنند.

همه این موارد، محورهای رسانه‌ای غرب است، به‌ویژه این محور که القا می‌کنند، انقلاب اسلامی موفقیت نداشته و یا پیرامون بحث مفاسد اقتصادی، بزرگ‌نمایی و غلط‌انگاری می‌کنند. همه این‌ها ابزارهای دشمنان در جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متأسفانه ما این جنگ رسانه‌ای را جدی نگرفتیم و علیه آن کاری انجام ندادیم. ظرفیت بعدی ما، ظرفیت قدرت تحریم ما علیه بیگانگان است. چرا همیشه آن‌ها ما را تحریم کنند، آیا ما توان، ظرفیت، قدرت و فرصت تحریم آن‌ها را نداریم؟ چرا ما نباید مقابله به مثل کنیم؟ پاشنه آشیل غرب که با محوریت صهیونیست‌ها انجام می‌شود، تحریم کالاهای صهیونیستی است. تحریم کالاهای غربی و کشورهای تحریم کننده که ما را تحریم کردند. در واقع ما باید تحریم‌کنندگان را تحریم کنیم. چرا ما از این ظرفیت عظیم استفاده نمی‌کنیم؟ چرا ما تحریم کالاهای تحریم کنندگان را نهادینه نکرده و بر روی آن

کار نکردیم. این امر، بعد غیرت ملی، عقلائی و علمی دارد. به‌راحتی با یک برنامه‌ریزی چند ماهه و چند ساله می‌شد این فرهنگ را ایجاد کرد. ما از این امر استفاده نکردیم و به جای آن می‌خواستیم اجازه بدهیم که مک دونالد در ایران شعبه بزند و به جای تنبیه تحریم‌کننده به او فرصت دادیم؛ او را تشویق کردیم. ما به جای تعقیب متجاوز، متجاوز اقتصادی را تقویت کردیم و همه این‌ها نشانه‌های ضعف ما است. پاشنه آشیل اقتصاد غرب و تحریم‌کنندگان ما –که عمده‌تأ قدرت‌های صهیونیستی دنیا هستند– تحریم آن‌ها است. چرا در شرایطی که مردم آن‌ها در تحریم غذا و دارو هستند، پپسی و کوکاکولا باهم درگیرند و غوغا می‌کنند. چرا؟ چه کسی می‌خواهد به این سؤال جواب دهد؟

مارک‌هایی مانند نستله، فانتا، نایک، شرکت‌های بزرگ نفتی، شرکت‌های فعال در عرصه انرژی و سایر شرکت‌های صهیونیستی، چرا باید در ایران فعالیت داشته باشند؟ ما باید منافع آن‌ها را غصب کنیم و مشاهده می‌کنیم که آیا تحریم‌ها به شکل سابق ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر؟ بحث در اینجا فراوان است و بنده از آن می‌گذرم.

ظرفیت بعدی ما، ظرفیت نیروهای جوان، انقلابی و جهادی است. این‌ها می‌توانند حماسه اقتصادی را محقق کنند، اما متأسفانه ما به‌جای استفاده، آن‌ها را مرتب تحقیر کردیم، مرتب در گوشه رینگ گذاشتیم و به اسم افراط و تندروی این‌ها را محکوم کردیم؛ در حالیکه بنده می‌خواهم بگویم که از این ظرفیت‌ها به‌خوبی می‌توانستیم، استفاده کنیم.

بخش بعدی ظرفیت دانش کشور ما است. ما در

صالحین



مهم‌ترین کوتاهی را متوجه مسئولین می‌دانم که ریل‌گذاری مناسب برای آزادسازی را انجام ندادند. حال ظرفیت‌های معنوی ما است که تا چه اندازه ظرفیت معنوی داریم

دنیا در عرصه محصولات فولادی و آهنی هستیم، چگونه می‌خواهیم این مورد را توجیه کنیم. ما حدود بیست الی بیست و هفت میلیون تن سنگ آهن خام، صادر می‌کنیم (یعنی سه قلم کالای اصلی ما به لحاظ وزنی) و در بحث واردات، محصولات آهنی و فولادی وارد می‌کنیم. این با چه منطق اقتصادی جور درمی‌آید؟ ما یک محصولی را با یک دهم قیمت صادر کنیم و همان جنس را با ده یا بیست برابر قیمت بخریم؟

ظرفیت‌های پزشکی و ظرفیت‌های فراوان دیگر ما نیز سر جای خود که به آن‌ها اشاره نمی‌کنیم.

دولت بحث بعدی بحث اقتصاد مقاومتی است. اینکه اقتصاد مقاومتی چه تأثیری بر ظرفیت‌های اقتصادی کشور ما می‌گذارد؟ تحلیلی هم از این منظر ارائه بفرمایید.

–اساساً اقتصاد مقاومتی، منطق آزادسازی ظرفیت‌های درونی بر اساس معارف اسلامی و عینی است. یعنی رسالت اقتصاد مقاومتی، رهاسازی این ظرفیت‌هاست. جز این نیز کاری ندارد، منتهی تفاوت آن با سایر اقتصادها این است که روش و متد آن ملهم از معارف اسلامی و انقلابی است که خوب یک ارکانی دارد و مستحضر هستید: رکن عدالت بنیانی، مردن بنیانی، دانش بنیانی، روحیه جهادی و درون‌زایی و برون‌گرایی همه این موارد، وقتی درون هم جمع می‌شود، ارکان اقتصاد مقاومتی را می‌سازد، اما همه این‌ها روش و منطقی برای احیای ظرفیت‌های درونی هستند.

به نظر بنده، اساساً در رسالت اقتصاد مقاومتی، هیچ راهی برای احیای ظرفیت‌های درونی نداریم و اگر اقتصاد مقاومتی، صحیح پیاده و دنبال شود، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، ما دچار یک جهش اقتصادی در کشور خواهیم بود. ■

صالحین



ظرفیت‌های پنهان

ابزارهای نرم مادر
برابر دشمن

همان‌طور که تاکنون مشخص شده‌است عرصه جنگ اقتصادی میان نظام اسلامی و استکبار جهانی دارای دو بعد سخت و نرم می‌باشد. شاید عمده توجه مسئولین و فرماندهان این جنگ در داخل کشور بر ابعاد سخت باشد اما یقیناً نباید از عرصه نرم آن که همان فرهنگ اقتصاد مقاومتی - که در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار با مسئولین نظام در ماه رمضان ۱۳۹۴ مورد تأکید قرار گرفت - می‌باشد غافل شد. در بُعد نرم اقتصاد مقاومتی، جمهوری اسلامی ظرفیت‌های گسترده‌ای دارد که استفاده از آن‌ها می‌تواند موجبات پیروزی هرچه سریع‌تر سپاه اقتصادی اسلام را در این جنگ فراهم آورد. در ادامه برخی از این ظرفیت‌ها شمرده می‌شود:

از دیرباز مردم ایران وابستگی زیادی به دین اسلام و مذهب تشیع داشته و دارند و همین امر باعث شده تا مذهب نقش مهمی در فرهنگ عمومی جامعه ایفا نماید. بنابراین استفاده از دستورات دینی در راستای اقتصاد مقاومتی مانند تشویق مکرر اسلام به کار و تلاش می‌تواند به عنوان سلاحی در این جنگ استفاده شود. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در جامعه ایران روحانیت و در رأس آن ولایت فقیه و مرجعیت می‌باشد. یکی از موفق‌ترین تجربه‌ها در استفاده از این ظرفیت عظیم در جنگ اقتصادی مربوط به نهضت تحریم (فتاوی تحریم کالاهای خارجی، فتوای تحریم توتون و تنباکو و مانند آن) می‌باشد که در دوران قاجار (دوران دولتمردان بی کفایت) کشور را از استعمار اقتصادی نجات داد.

بسیج به عنوان بزرگترین شبکه مردمی که مورد اعتماد جامعه بوده و از ابتدای انقلاب تا کنون هر کجا که وارد شده موفق ظاهر گشته‌است. نمونه موفق تفکر بسیجی در عرصه اقتصادی را می‌توان در جهاد سازندگی متبلور دید که در ابتدای انقلاب موجی از امید و آبادانی را به محروم‌ترین نقاط کشور ارسال کرد.

همچنین رسانه‌ها و نهادهایی که منحصرأ متعلق به کشور اسلامی بوده و می‌تواند در راستای جنگ اقتصادی مورد استفاده قرار بگیرد، کما اینکه این رسانه‌ها در مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی و نیز دوران دفاع مقدس کارآمدی خود را به اثبات رسانده‌اند. رسانه‌هایی نظیر مسجد که پایگاه انقلابیون و مرکز اعزام نیرو به جبهه بوده، هیئت و منبر که در تهییج احساسات و عمق‌بخشی به معارف دینی مردم نقش اساسی داشته است، تریبون‌های نماز جمعه، مجالس روضه‌های زنانه و مانند آن‌ها ظرفیت‌هایی هستند که هنوز با تمام توان وارد عرصه نبرد اقتصادی نشده‌اند.

دو نظام تربیتی عمده که اصلی‌ترین نقش را در فرهنگ‌سازی جامعه ایفا می‌کنند نیز باید در خدمت جبهه اقتصادی قرار گیرند. صدا و سیما و مطبوعات که در کوتاه مدّت می‌توانند اثر گذاری داشته‌باشند و آموزش و پرورش، به عنوان کارخانه نیروسازی انقلاب اسلامی، که دارای اثرگذاری بلند مدّت است. باید آموزش‌های جنگ اقتصادی در کتب درسی مدارس وارد شود و معلمان، آموزش‌های لازم را برای تربیت سربازان عرصه جهاد اقتصادی کسب نمایند. 

صالحین



نرم می‌جنگیم

تاپیروزی

مقابل، از همه ابعاد قدرت و توانایی خود برای منازعه استفاده می‌کنند. نتیجه این‌که، درگیری و جنگ صرفاً به حوزه‌های عملیات نظامی محدود نمانده - و به خصوص در دوره‌های جدیدتر- بلکه به سمت دیگر عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز گسترش و توسعه یافته است.

همان‌گونه که الگوهای مبارزه و مقاومت در سیاست بین‌الملل تغییر یافته‌است، ما نیز شاهد دگرگونی‌هایی در حوزه کنترل کشورهای انقلابی، توسط قدرت‌های بزرگ هستیم. این امر در قالب کنترل نرم‌افزاری کشورها، در سیاست بین‌الملل قابل پی‌گیری است.

الگوی رفتاری آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ در برخورد با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در

این رابطه مورد توجه و ارزیابی قرار داد. روند مواجهه نظام استکبار با انقلاب اسلامی ایران در طول ۳۷ سال گذشته شکل‌ها و صورت‌های گوناگونی داشته‌است. اما آنچه بیش از همه در چند سال اخیر جلب توجه می‌کند، تغییر تقابل سخت دشمن و ورود به جنگ نرم است.

صحنه تازه شکل گرفته از آن جهت حائز اهمیت است که پس از جنگ نرم دشمن در حوزه سیاسی و فرهنگی، حملات نرم اقتصادی، محور اصلی سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانان او قرار گرفته است. سیاست‌های اتخاذ شده چند سال اخیر، توسط آمریکا و متحدانش، در روابط بین‌الملل، بیانگر تغییر در سیاست‌های راهبردی امنیتی این کشور در مقابله با کشورهای مستقل، با توجه به ابزار اقتصادی است. سیاستی که آمریکا در گذشته در برابر مخالفان خود(آرژانتین، کوبا، آفریقای جنوبی، شیلی و...)، اتخاذ نمود و در این زمینه موفقیت‌هایی نیز به دست آورد. نمونه بارز این راهبرد آمریکا را می‌توان در قطعنامه ۱۹۲۹ مشاهده کرد. واقعیت‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که قطعنامه ۱۹۲۹ و اقدام قدرت‌های بزرگ علیه ایران، نمادی از جنگ نرم در عصر رقابت‌های نامتقارن منطقه‌ای و بین‌المللی است.

زمانی که نوع مواجهه تغییر می‌کند، طبیعتاً استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و ابزارها نیز متفاوت می‌شوند. با تغییر استراتژی جبهه استکبار، در مقابل جمهوری اسلامی و روی آوردن به مواجهه اقتصادی همه‌جانبه و به خصوص نرم، ما نیز به عنوان مدافعان و سربازان مرزهای خودی، باید استراتژی خود را مبتنی بر مقابله نرم قرار دهیم. ما در این راستا، پس از چینش راهبردها و تاکتیک‌ها - که موضوع این یادداشت نیست- باید به ابزارهای در اختیار خود توجه داشته باشیم. از منظر نگارنده، قبل از رفتن به سراغ ابزارها و حتی مهم‌تر از آن، پذیرش این نکته است که ما در شرایط جنگی به سر می‌بریم. پذیرش شرایط جنگی در مرحله بعد، ما را به سمت برنامه‌ریزی و استفاده از ابزارهای در دسترس، هدایت می‌کند. لذا ابتدا به اصل جنگ اشاره‌ای خواهیم داشت و در ادامه نیز به روش‌ها و ابزارها اشاره می‌کنیم.

صالحین



راهبردی که جهان غرب و سردمدار اصلی آن، ایالات متحده در قبال کشورهای مخالف از جمله ایران، در حال به کارگیری است؛ راهبرد رکود اقتصادی و به دنبال آن زوال حقانیت سیاسی می‌باشد

■ جنگ اقتصادی

گذر زمان، پیشرفت‌های فکری و تحولات انسانی‌ای که برای جامعه بشری حاصل شده تا حدود زیادی نوع جنگ‌ها را تغییر داده است. امروزه به وضوح می‌توان در جوامع بشری، نوع دیگری از درگیری‌ها که آن‌ها نیز هدف تدریجی مقابله یا نابودی طرف دیگری را دنبال می‌کنند، مشاهده نمود. آنچه که تحت عنوان براندازی و یا به طور خاص، براندازی نرم عنوان می‌شود، در همین مقوله طبقه‌بندی می‌شود.

جنگ اقتصادی، نوعی دیگر از جنگ نرم می‌باشد که وظیفه دفاع غیر عامل در این حوزه، برنامه‌ریزی و اقدام برای مقابله با این شیوه‌های جدید است. در جنگ اقتصادی، دشمن به مجموعه اقداماتی دست می‌زند که با کاهش توان اقتصادی کشور، به کاهش قدرت مقاومت و ایستادگی و در نتیجه موجب نارضایتی و نافرمانی مدنی منجر شود. کسب تسلط اقتصادی، کنترل جریانات اقتصادی، کاهش توان بازسازی و توسعه ملی، از اهداف این نوع از جنگ نرم است. مقوله ای که هم صورت ظاهری تخریب و از بین بردن نیروی انسانی و زیر بناهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک کشور را ندارد و هم می‌تواند دشمن را به هدف اصلی خود برساند. جنگ اقتصادی با تحولات مفهومی‌ای که به خود گرفته یکی از مواردی است که مسائل و موضوعات فراوانی - در دنیای امروز- در خود جای داده است.

ناپسaman نشان دادن اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای مخالف، از شیوه‌های مبارزه اقتصادی است.

آنان ریسک سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در کشورهای مخالف به شدت بالا می‌برند تا فعالیت‌های اقتصادی در آن کشورها را ناامن جلوه دهند. خارج کردن وجوه نقدی از بانک‌ها که به بحران مالی و ناپسامانی وضعیت اقتصادی در سطح بین‌المللی منجر می‌شود؛ نمونه‌هایی از موارد پرهیز از همکاری اقتصادی می‌باشند. علاوه بر این در عرصهٔ بین‌المللی، تشویق شرکت‌ها و مراکز تجاری یا سازمان‌های غیر دولتی به خودداری از همکاری با رژیم‌ها، تأثیر بسیار زیادی بر دستیابی به هدف دارد که به تضعیف حاکمیت منجر می‌شود. بی‌ثباتی اقتصادی نه تنها به تضعیف تکیه‌گاه‌های قدرت منجر می‌شود، بلکه محدود کردن قدرت با این شیوه، توان ضربه زدن به مخالفان سیاسی و سرکوب آن‌ها را از حاکمیت می‌گیرد.

به طور کلی هدف عاملان این نوع از جنگ (جنگ نرم)، نوعی شناخت از نقاط قوت و ضعف جامعه خواهد بود و عامل جنگ به‌گونه‌ای منطقی به مطالعه عمیقی در اقتصاد طرف مقابل خود، اهتمام می‌ورزد و زمانی که نقاط ضعف او را شناخت، از همان طریق وارد می‌شود. یکی از این ابزارهای جنگ اقتصادی، تحریم است.

در حال حاضر ۸۲ درصد سرمایهٔ جهان، ۹۵ درصد از فناوری و تکنولوژی جهان و ۹۱ درصد صنعت جهانی در اختیار ۱۷ درصد از جمعیت جهان می‌باشد که عمدتاً در هشت کشور صنعتی وجود دارد. ۸۳ درصد جمعیت جهان، تنها ۱۸ درصد از ثروت موجود در کره زمین و ۹ درصد از صنعت، ۵ درصد تکنولوژی و علم جهان را در اختیار خود دارند^۱.

طبیعتاً زمانی‌که نبض اقتصادی جهان در اختیار هشت کشور صنعتی باشد، اینها می‌توانند بدون نیاز به قطعنامه‌های شورای امنیت یا سازمان ملل هر کشور مخالفی را به هر انگیزه‌ای تحت فشار شدید اقتصادی قرار دهند و او را تسلیم خواسته‌های خود نمایند. هم اکنون شاهد آن هستیم که از این حربه، علیه کشور ما نیز استفاده می‌کنند. از سال ۲۰۰۷ میلادی برخی از مؤسسات مالی و بانکی کشور، بانک‌هایی چون: بانک ملی، ملت، صادرات و سپه، مورد تحریم یک‌جانبه آمریکا قرار گرفتند.

راهبردی که جهان غرب و سردمدار اصلی آن، ایالات متحده در قبال کشورهای مخالف از جمله

ایران، در حال به کارگیری است؛ راهبرد رکود اقتصادی و به دنبال آن زوال حقانیت سیاسی می‌باشد. به گمان نظریه‌پردازان غربی، تأثیر مشکلات شدید اقتصادی بر رژیم‌های غیردموکراتیک و دموکراتیک متفاوت است. بحران اقتصادی شدید (همانند رشد منفی در پنج سال متوالی)، برای هر دو رژیم تأثیر سوء دارد، اما اثر منفی آن بر رژیم‌های غیردموکراتیک شدیدتر است. زیرا حقانیت رژیم‌های غیردموکراتیک به خصوص رژیم‌های اقتدارگرا به سختی به عملکرد آن‌ها بستگی دارد. بنابراین اگر خللی در عملکرد و کارکرد آن‌ها به وجود آید، امکان از پای درآمدن آن‌ها بسیار زیاد است.

ناامید کردن مردم و پراکندن یأس و ناامیدی، یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمنان در جنگ نرم اقتصادی در سطح جامعه می‌باشد. ناامیدی از حاکمان و ناامیدی از اصلاح امور و استفاده از این فضا، برای تضعیف ارکان و پایه‌های حکومت دینی از جمله این موارد می‌باشد. آن‌ها تلاش زیادی در ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی در میان مردم دارند؛ احساس ناکارآمدی از اصل ناکارآمدی مضرت‌تر است.

رهبر معظم انقلاب در این‌باره می‌فرماید: همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران، سعی کرده‌اند این میکروب‌ها را در درون جامعه ایرانی رسوخ دهند: «افق شما تیره است»، «آینده کشور تاریک است»، «شما قادر نیستید»، «شما نمی‌توانید»، «پدرتان درآمد»، «بیچاره شدید». سعی بر این بوده است که ملت ما را ناامید،



پرورش و تقویت روحیات دین‌مدارانه میان مردم، باعث می‌شود که از طرفی اعتنا و ابتنای مردم به حواشی و شایعات کاهش پیدا کرده و از طرف دیگر قدرت تحمل مردم در سختی‌ها و مشکلات افزایش پیدا کند

کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیآورند^۲.

برای مقابله با این مسائل باید همانگونه که اشاره شد، از ابزار متناسبی بهره‌گیری نمود. بهترین راهکار، بهبود وضعیت خدمت‌رسانی و و افزایش کارایی مجموعه است، تا بتوان با استفاده از آن، شرایط واقعی را تغییر داده و موجبات بهبود در نگاه مخاطبان را فراهم آورد. اما همانطور که اشاره شد، دشمن، تلاش خود را به عرصه افکار و انتظارات مردم معطوف کرده است و به دنبال تغییر در برداشت‌های آن‌ها می‌باشد. به همین علت، تمرکز ما نیز باید بر همین نقطه باشد. دشمن با افزایش فشار، تحریم و محدودیت‌های بیشتر از یک

■ ابزارهای نرم در مقابله

اشاره کردیم که احساس ناکارآمدی از اصل ناکارآمدی مضرت‌تر است. امروزه مهم‌ترین عواملی را که موجب توفیق نسبی دشمن در جنگ نرم اقتصادی شده‌است، می‌توان در همین مسئله یافت. احساس عدم توانایی سیستم در پاسخ‌گویی نیازهای اولیه، احساس گستردگی و افزایش فساد در سطح میانی مدیریتی، احساس افزایش چشمگیر فاصله طبقاتی، احساس جدایی روز افزون و بیش از پیش میان مردم و حاکمان، احساس بی‌اهمیت جلوه دادن حل مشکلات و رفع نیازهای مردم از سوی مدیران و مسئولان، احساس ناآگاهی مدیران نسبت به وضعیت عمومی مردم و ... از جمله مواردی هستند که به میزانی کم و بیش در فضای واقعی وجود دارند اما پرداختن به آن‌ها در فضای

صالحین



رسانه‌ای، بزرگ‌نمایی آن‌ها و تبدیل آن‌ها به بحران، یأس و ناامیدی، مهم‌ترین تاکتیکی است که دشمن در پیش گرفته و برای مقابله با آن‌ها نیز دقیقاً باید ناظر به آن‌ها عمل کرد.

نخست اینکه، پرورش و تقویت روحیات دین‌مدارانه میان مردم، باعث می‌شود که از طرفی اعتنا و ابتنای مردم به حواشی و شایعات کاهش پیدا کرده و از طرف دیگر قدرت تحمل مردم در سختی‌ها و مشکلات افزایش پیدا کند. در کنار این نکته به عنوان نکته محوری، می‌توان به افزایش اطلاع‌رسانی در مورد اقدامات انجام شده، افزایش و شفافیت و در برخورد با مفاسد به خصوص مفاسد کلان اقتصادی، نمایش سطح واقعی زندگی مسئولان و افزایش ارتباطات مردمی و عمومی آن‌ها، پیگیری و تلاش برای رفع مشکلات عیان و در معرض دید مردم، ارائه گزارش‌های دوره‌ای و مقطعی از مشکلات، برای نمایش آگاهی از مشکلات، کاهش میزان برنامه‌ها و هزینه‌های غیر ضروری، تشریفاتی و تجملاتی، افزایش علوم و آگاهی‌های اقتصادی مردم و موارد دیگری از این دست اشاره کرد.

^[2]بی‌نوشت:

- ^۱ توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷
- ^۲ بیانات رهبر معظم انقلاب در ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

صالحین



ابزارهای ما در جنگ اقتصادی

چگونه پا در میدان نبرد بگذاریم؟

■ آفند کالایی

ما در جنگ اقتصادی، نیازمند اقدامات آفندی هستیم. نوع و میزان چگونگی این اقدامات به مزیت‌های ما و ضعف‌های دشمن بستگی دارد و برای انجام آفند اقتصادی نسبت به دشمن، باید این مزیت‌ها و آن ضعف‌ها شناسایی شوند. نکته قابل توجه و بسیار مهم

■ رصد دقیق

رصد دقیق، نکته دوم برای هرگونه اقدام علیه دشمن است. ما ابتدا باید رصد مناسبی از تحرکات دشمن داشته باشیم. این رصد، باید در دو سطح عمومی

و نخبگانی به اطلاع مردم برسد. به عنوان مثال، صدا و سیما باید اتفاقات بین‌المللی اقتصادی را به مردم و به خصوص، دانشجویان برساند. از جمله اینکه بیکاری در ایتالیا ۴۴ درصد و در شمال کشور ۲۲ درصد است، نقطه‌ای امیدوارکننده برای تحرک اقتصادی است. این رصد، باید در زمینه‌های مربوط، به صورت دسته‌بندی شده و دوره‌ای به مخاطبان خود برسد.

■ تهدید منافع اقتصادی دشمن

منافع اقتصادی دشمن در خارج از کشور از اهمیت راهبردی برخوردار است. تقریباً در تمامی کشورهای همسایه -که با آن‌ها ارتباط داریم- آمریکا منافع اقتصادی دارد. در این عرصه نیز می‌توان، اقداماتی انجام داد؛ از جمله این اقدامات، شناسایی بازارها قبل از حضور دشمن و طراحی مناسب برای تصرف آن‌ها است. قسمت دوم، ایجاد اختلال در منافع اقتصادی دشمن با استفاده از تقویت ظرفیت‌های خرد اقتصادی گروه‌های هم‌راستا با ایران و جبهه‌سازی مقابل توان اقتصادی آمریکا است. توانمندسازی و شبکه‌سازی بنگاه‌های خرد اقتصادی در خارج از کشور، می‌تواند منافع اقتصادی دشمن را تحت‌الشعاع قرار دهد. همچنین باید تقویت ارتباط اقتصادی با کشورهای قربانی سیاست‌های اقتصادی آمریکا، مورد توجه قرار گیرد.

■ یونان را دریابیم

یونانی‌ها براساس تجربه تلخ وام‌های اروپایی و سیاست‌های ریاضت اقتصادی، برای اولین بار در یک همه‌پرسی عمومی به سیاست‌های اقتصادی اتحادیه اروپا "نه" گفتند. بر این اساس فرصتی راهبردی برای سست کردن اتحاد اقتصادی آمریکا در منطقه فراهم آمد. در یک تفکر جنگی شاید بتوان تخفیفاتی را در فروش نفت خام برای یونان در نظر گرفت و اعلام رسانه‌ای نمود. همچنین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در قالب یک بسته اقتصادی به یونانی‌ها و اسپانیایی‌ها -که زمینه‌های مناسبی برای جدایی از سیاست‌های حوزه یورو دارند- در قالب‌های رسمی و غیر رسمی ارائه نمود. ■

پی نوشت

۱. برگرفته از کتاب درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی دکتر پیغامی

اسلحه‌های ما

در جنگ اقتصادی

اشاره
« در عرصه جنگ، کنش‌ها و واکنش متناسب با قدرت، استحکام و توانایی کشورهاست؛ به عبارت ساده‌تر، واکنش به تهاجم دشمن به زورمندی کشورها بستگی دارد؛ کشوری که زر در ترازو و زور در بازو ندارد، تنها شیون می‌کند و آنکه دارد، هرقدر می‌تواند تاوان می‌ستاند. چنین رویه‌ای کاملاً در ساختار قُلد مأبانه جهان کنونی ما معنادار است. لذا نه تنها در جهان سیاست که در تمام عرصه‌ها آسمان همین رنگ است.

ظرفیت‌های درونی اقتصاد ایران نیز توانایی فرصت برای دفاع مقدس اقتصادی را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

صالحین



خلق ثروت در درون کشور بوسیله این منابع می‌تواند مانع اثرگذاری تحریم‌ها و جنگ اقتصادی دشمنان شود.



۲. معادن غنی معدنی

ایران با دارا بودن ادرصد جمعیت جهان حدود ۷ درصد معادن جهان را در اختیار دارد. منابع غنی معدنی، ایران را جزء ۱۲ کشور برتر معدن‌خیز قرار داده‌است که با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که ایران در مواد معدنی استراتژیک همچون مس، سنگ آهن و مانند آن، وضعیت بسیار مناسب‌تری نسبت به



۱. منابع سرشار نفتی

ایران با ۹,۱ درصد منابع نفتی جهان، دومین دارنده منابع نفتی در جهان بعد از عربستان سعودی، و دارنده دوم مخازن گازی در جهان پس از روسیه با ۱۵,۷درصد منابع گازی جهان به حساب می‌آید و در مجموع اولین قدرت نفت و گاز جهان محسوب می‌شود. اگرچه بودجه دولت به میزان زیادی وابسته به درآمدهای نفتی است که خود نقطه ضعفی در اقتصاد ایران به حساب می‌آید، اما استفاده ایجاد ارزش‌افزوده از این منابع و

صالحین



ترانزیت، یکی از ظرفیت‌های مغفول در اقتصاد ایران است که بواسطه موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک کشور، نقش بارزی در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی و دور زدن تحریم‌ها می‌تواند داشته‌باشد

میزان متوسط جهانی دارد. توجه به میزان ارزش افزوده در بخش فراوری، نشان‌دهنده موقعیت برتر ایران با توجه به مزیت نسبی در ذخیره مواد معدنی (نسبت مناسب تولید به ذخیره) و نزدیکی به بازارهای بالقوه مواد معدنی مانند عراق و افغانستان و دسترسی به آبهای آزاد و شرق آسیا و چین می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد ارزش افزوده در کشور داشته باشد.



۳. ترانزیت و حمل و نقل

ترانزیت، یکی از ظرفیت‌های مغفول در اقتصاد ایران است که بواسطه موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک کشور، نقش بارزی در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی و دور زدن تحریم‌ها می‌تواند داشته‌باشد.

ترانزیت با گره زدن امنیت و منافع مجموعه‌ای از کشورها، ثبات و امنیت ایران را نیز ارتقاء می‌بخشد. ایران به عنوان محل تلاقی قاره‌های اروپا و آسیا، از دیر باز گذرگاه انتقال کالا بوده‌است (جاده ابریشم). مسیرهای ترانزیتی شمال به جنوب ایران علاوه‌بر

سوآپ (استخراج و تبادل) نفت و اتصال کشورهایی آسیای مرکزی که به آب‌های آزاد دسترسی ندارند، با حذف کانال سوئز می‌تواند ۲۰۰ میلیون تُن بار از ۴۰۰ میلیون تُن جابجا شده از کانال سوئز، جذب مسیر ایران کند. با فرض اینکه جذب ۱۰ درصد از این بار در کوتاه مدّت و درآمد ۲۰۰ دلاری (مستقیم و غیر مستقیم) هر تُن کالا، ۴ میلیارد دلار درآمد ترانزیتی ایران افزایش خواهد داشت.



۴. گردشگری

ایران از لحاظ جاذبه‌های تاریخی و طبیعی جزء ۱۰ کشور برتر جهان است و از لحاظ صنایع دستی جهانی جزء ۳ کشور برتر دنیا برشمرده می‌شود. ضریب فزاینده اشتغال در این صنعت بالاترین ضریب است، چنانکه به ازای ایجاد هر شغل مستقیم گاه تا هفت شغل غیر مستقیم ایجاد می‌شود. در سال ۲۰۱۳، چهار میلیون و ۷۰۰ هزار گردشگر خارجی وارد ایران شده‌اند که درآمد هنگفتی نصیب کشور کرده‌اند.

ظرفیت‌ها و دارایی‌های ما

صنایع دستی	جاذبه‌های تاریخی و طبیعی	معادن غنی معدنی	منابع نفتی
جزو ۳ کشور برتر جهان	جزو ۱۰ کشور برتر جهان	جزو ۱۲ کشور معدن‌خیز	رتبه دوم جهان



۵. کشاورزی

رشد بخش کشاورزی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌های بالقوه این بخش برای افزایش تولید و توسعه افزون‌تر است. دستاوردهای بخش کشاورزی برای اقتصاد ملی در شرایطی است که سهم این بخش از کل منابع سرمایه‌گذاری‌شده دولت در ۳۰ ساله گذشته همواره کمتر از ۶ درصد بوده‌است.

بخش کشاورزی با حداقل سرمایه‌گذاری ریالی و ارزی، بالاترین نقش را در اقتصاد ملی داشته‌است. هم‌اکنون ۱۸,۶ درصد از اشتغال در ایران در کشاورزی است و با مشاهده آمار مقایسه‌ای با دیگر بخش‌ها (سهم اشتغال در صنعت در همین سال ۳۳,۵ درصد) عمق تأثیر کشاورزی بر اشتغال مشخص می‌شود. روند تاریخی تولید بخش کشاورزی نشان می‌دهد که این بخش کمترین وابستگی تولیدی را به واردات دارد که با توجه به افزایش قیمت ارز و محدودیت‌های وارداتی از این جهت آسیب نمی‌بیند. ■

پرونده هشتم:

ناکارآمدی‌های اقتصادی، دشمنان داخلی در جنگ



فرهنگ کار باید در کشور پا بگیرد
گفتگو با دکتر محمدحسن قدیری ایبانه



چرا دشمن چشم طمع به اقتصاد ما دوخته



چرا مصرف‌گرا هستیم؟
در نكوهش اقتصاد مصرف‌گرا



اقتصاد قبل از انقلاب بهتر بود؟!
در پاسخ به یک شبهه و پرسش

صالحین

چرا اقتصادی؟
زمینی نه!

عرصه پیکار کنونی



تحریم، مسئله تازه‌ای برای اقتصاد ایران نیست؛ سه دهه است که مردم و فعالان اقتصادی با وجوه گوناگون تحریم‌ها و تهدیدهای بین‌المللی مواجه شده‌اند، اما در چندسال اخیر، تحریم اقتصادی ایران وارد مراحل تازه‌ای شده که با روند گذشته، تفاوت آشکاری دارد که آثار آن برای تمامی افراد جامعه ملموس شده است. در واقع می‌توان گفت، تحریم‌های اقتصادی هوشمند که اعمال آن ناظر به بخش خاصی است، بعد از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ج.ا.ا، به تحریم‌های فراگیر تبدیل شده که دامنه پوشش آن، تمامی بخش‌های اقتصادی، از جمله بخش‌های فروش و سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز، حوزه مالی و بانکی، حمل و نقل هوایی و دریایی، علم و فناوری، زیرساخت‌های ارتباطی و نهادها و اشخاص را دربر می‌گیرد.

وضع تحریم‌های فراگیر و اعمال فشارهای اقتصادی سبب شد، برخی ناکارآمدی‌های اقتصاد کشور - که عموماً در سایه درآمدهای سرشار نفتی پوشیده مانده بود- آشکارا در معرض دید قرار گرفته و آسیب‌های خود را نشان دهد. در حقیقت، دشمنان جمهوری اسلامی ایران، طرح و برنامه‌ریزی دشمنی خود را بر پایه ضعف‌ها و وابستگی‌های اقتصادی ما انجام می‌دهند. ضعف‌های اقتصادی ما در دو دسته اصلی قابل اشاره می‌باشند؛ یک دسته از ضعف‌های اقتصادی به دلیل ساختار اقتصادی ایران است که ریشه تاریخی دارد و برخی به قبل از انقلاب برمی‌گردد، مانند وابستگی بالای اقتصاد به بودجه نفت، عدم شفافیت در اقتصاد، وابستگی به ارزهای نظام سلطه در تجارت خارجی، صادرات تک محصولی، وابستگی

بالا به واردات به خصوص واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تنوع اندک کشورهای مبدأ واردات و مقصد صادرات و در نتیجه عدم تنوع ارزهای مورد مبادله و... همچنین یکی دیگر از ضعف‌های ساختاری و تاریخی

اقتصاد ایران، عدم رونق تولید ملی در کشور است که ریشه آن نیز، وابستگی به دلارهای نفتی می‌باشد. همین امر آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش داده و مشکلاتی چون بیکاری را نیز تشدید کرده‌است. دشمن نیز این وابستگی را شناسایی و برای کاهش درآمدهای نفتی ایران برنامه‌ریزی کرده است. دشمن در سه گام اصلی، این خواست خود را پیش برده: کاهش تولید نفت ایران، کاهش فروش و مشتریان نفت ایران و محدود کردن دسترسی ایران به پول‌های نفتی خود است.

اما دسته دیگری از ضعف‌ها، به عدم رصد مستمر تحرکات دشمن، ضعف در پیش‌بینی نقشه‌های او و در نهایت، ضعف در انجام تدابیر لازم برای مواجهه با اقدامات او است. دشمن با افزایش تدریجی تحریم‌ها، علاوه بر آنکه به بازیگران بین‌المللی فرصت همراه شدن با تحریم‌ها را داده، قدرت تشخیص، ابتکار عمل و اخذ تصمیمات جدی را از ایران گرفته‌است.

با وجود دو دسته از ضعف‌های داخلی اقتصاد ایران، می‌توان گفت، اثرگذاری جنگ اقتصادی بر پایه ناکارآمدی اقتصاد داخلی است و افزایش توان مقاومت اقتصاد داخلی در مقابله با تحریم‌ها، علاوه بر اینکه امکان تداوم حیات معمول اقتصادی در شرایط تحریم را فراهم می‌کند، تحریم‌کنندگان را از وضع تحریم‌های

[۱]بی‌نوشت:

۱. سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

صالحین

گفتگو با دکتر محمدحسن قدیری ابیانه

فرهنگ کار باید در کشور پا
بگیرد

ضعف‌های کشور در عدم کارآمدی اقتصادی

اشاره

« محمدحسن قدیری ابیانه دکترای علوم دفاعی استراتژیک از دانشگاه علوم استراتژیک (دانشگاه عالی دفاع ملی) ، کارشناس عالی امور استراتژیک وزارت امور خارجه و سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، گواتمالا، بلیز و استراليا بوده و هم‌اینک عضو و دبیر کارگروه شورای هم‌اندیشی جهاد اقتصادی و مدیر انجمن نخبگان جهان اسلام است. در این مصاحبه کوتاه نظر ایشان را پیرامون ضعف‌ها و ناکارآمدی نظام اقتصادی کشور در دوران جنگ اقتصادی جویا شدیم.

سؤال اولی که مطرح می‌شود، بحث ضعف‌ها و نقاط آسیب‌پذیر ایران است؛ این‌که نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اقتصاد ایران در مواجهه با جنگ اقتصادی‌ای که الآن به وجود آمده است را چه می‌دانید و یک تحلیلی را از این بابت بفرمایید.

اقتصاد کشور ما از وابستگی به نفت رنج می‌برد اما یک وابستگی مهم‌تری از وابستگی اقتصادی داریم و آن وابستگی ذهنی به نفت است. منظورم از وابستگی ذهنی تصویری است که مردم از درآمدهای نفتی و سایر درآمدها دارند. تصور مردم از میزان درآمدهای نفتی ده‌ها یا هزاران برابر واقعیت‌هاست. این تصور و این توهم باعث شده است که مردم به این نتیجه برسند که درآمدهای نفتی یا سایر درآمدهای دولت اگر درست هزینه شود، نیازهای کشور و مردم برطرف شده است و مردم می‌توانند در رفاه و آسایش به سر ببرند. من چون سخنرانی‌های زیادی با قشرهای مختلف جامعه دارم و یکی از موضوعات هم اقتصاد مقاومتی است این سؤال را از مردم می‌پرسم که شما فکر می‌کنید اگر اوج درآمد نفتی به‌طور مساوی بین همه مردم ایران تقسیم شود به هر ایرانی ماهانه چقدر خواهد رسید؟ و یا به عبارت دیگر بودجه نفتی کشور به‌ازای هر ایرانی ماهانه چقدر است؟ ارقام معمولاً میلیونی و میلیاردی به بالاتر است و هر چه به مناطق نفت‌خیز نزدیک‌تر می‌شویم تصور مردم از میزان این درآمدها به نسبت سایر مناطق بیشتر می‌شود. بالاترین رقمی که

صالحین

برای قیمت نفت پیش‌بینی‌شده بود در بودجه مربوط به سال ۹۱ است و رقم آن بالای ۶۱ هزار میلیارد تومان است. این رقم از رقم هرساله بودجه در سال‌های قبل و بعد از سال ۹۱ در طول انقلاب بیشتر بوده است. اگر این عدد را بر ۷۵ میلیون نفر جمعیت سال ۹۱ بر ۱۲ ماه تقسیم کنیم معلوم می‌شود که اوج صادرات نفتی به‌ازای هر ایرانی حدود ۶۷ هزار تومان در ماه است و اگر کسی تصورش ماهیانه یک‌میلیون تومان باشد، یعنی ۱۷ برابر واقعیت دچار توهم بوده است. در بودجه سال جاری پیش‌بینی‌شده است که ۵۳ هزار میلیارد تومان نفت بفروشیم؛ با توجه به جمعیت ۷۹ میلیون نفری ایران یعنی ماهانه نفتی ۵۶ هزار تومان. اما این تصور غلط و توهم راجع‌به درآمدهای نفتی باعث شده است تا در ایران همه مطالبه‌گر باشند و همه تصور کنند که با داشتن مدیران کارآمد و اختصاص این بودجه می‌توان نیازهای مردم را از قبیل مسکن، معیشت، اشتغال، درمان و سایر نیازها برآورده کرد؛ درحالی‌که هرگز با چنین ارقامی نمی‌شود چنین نیازهایی را برطرف کرد. همین تصور موجب بروز تنبلی اجتماعی در جامعه شده است و مردم به‌جای کار و تلاش برای رسیدن به درآمد حلال و رفع نیازهای خود در انتظار کمک‌های دولت نشسته‌اند.

تمام مباحث سیاسی کشور اطراف توضیحات بودجه است و نه تولید ثروت. در زمان انتخابات همه نامزدها از خدماتی که می‌خواهند ارائه دهند صحبت می‌کنند، بدون این‌که بگویند که پولش را از کجا خواهند داد و بعد بر امواجی سوار می‌شوند که این امواج توهم است. تمام مناطق جنوبی کشور ما و مردم بندرهای جنوبی خودشان را با کشورهای همسایه جنوبی مقایسه می‌کنند. یک مقایسه سرانگشتی مشابه بین سرانه تولید در امارات با ایران نشان می‌دهد که میزان صادرات نفت به‌ازای هر یک اماراتی در هر سال مساوی با بیش از هشتاد سال صادرات نفتی ایران بوده است؛ در شرایط فعلی که صادرات نفت روزانه یک‌میلیون بشکه است؛ یعنی یک سال صادرات نفت امارات مساوی است با حدود دو قرن صادرات نفتی ایران. با این تفاوت که ما به دلیل تحریم نتوانسته‌ایم حتی مبلغ آن را دریافت کنیم. ضمن اینکه قیمت نفت نیز نسبت به گذشته کاهش چشم‌گیری داشته و به ۴۰ تا ۵۰ دلار در هر بشکه رسیده است؛ درحالی‌که در سابق بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ دلار نوسان داشته است. نتیجه‌ای

که از این وضع می‌گیریم این است که درآمدهای نفتی و سایر درآمدها نمی‌تواند نیازهای مردم را برآورده کند اما این توهم باعث شده است که ایرانیان متأسفانه با معیارهای بین‌المللی در تنبلی اجتماعی دارای مقامی بعد از اعراب در جهان باشند که این برای ملت ما شایسته نیست.

چهارچوب چه موضوعات دیگری در این حیطه می‌تواند مورد اشاره قرار بگیرد؟

تعطیلات مناسبی ایران بالاترین تعطیلات مناسبی در جهان است؛ ایران ۲۵ روز، آمریکا ۷ روز، انگلستان ۸ روز و آلمان و فرانسه هم ده روز را دارند؛ علاوه بر اینکه ما بین‌التعطیلین هم داریم. درست در زمانی که آب‌وهوا برای کار و تلاش مناسب است، در نوروز حدود ۱۵ روز -یعنی بیش از دو برابر تعطیلات مناسبی آمریکا- کشور ما تعطیل است؛ یعنی تولید در حداقل ممکن و مصرف در حداکثر ممکن است. این به اقتصاد کشور لطمه می‌زند.

ساعت مفید کاری در ایران جزو پایین‌ترین‌ها در جهان است. وجدان کاری در ایران ضعیف است و ساعت مفید کاری در ادارات ما مطابق با گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۲۲ دقیقه در روز ارزیابی شده است. وضع بخش خصوصی بهتر است ولی در بخش خصوصی نیز نسبت به سایر کشورها وضع، مطلوب

نیست. تعداد کارکنان و حقوق‌گیران دولت از بودجه عمومی در حد فاجعه است. ژاپن ۵۰ میلیون جمعیت بیش از ایران دارد درحالی‌که کارمندان آن سیصد و سی هزار نفر هستند و ایران ۴۵۰ هزار مدیر دارد. البته خصوصی نبودن بخش بزرگی از اقتصاد ایران از دلایل آن است.

۸،۵ میلیون نفر در ایران به‌صورت حقوق‌بگیر هستند؛ چه به‌صورت بازنشسته و چه به صورت شاغل؛ که این نسبت به جمعیت کشور بسیار زیاد محسوب می‌شود. در جهان در قبال هر شش نفر شاغل یک نفر بازنشسته است و در ایران در دستگاه‌های دولتی، در قبال هر دو شاغل یک و خورده‌ای و در دستگاه‌های نظامی در قبال هر یک نفر، یک نفر بازنشسته است. سن بازنشستگی در جهان سال‌به‌سال بالا می‌رود. در آلمان و آمریکا به ۶۷ سال رسیده است و در ایران سال‌به‌سال سن بازنشستگی را پایین می‌آورند و به ۵۰ سال و کمتر از این هم رسیده است؛ یعنی این تفاوت ۱۷ ساله در کشورهای دیگر به یک نفر حقوق می‌دهند و ما در ایران به دو نفر یکی بازنشسته و یکی شاغل. نیروی شاغل هم همان‌طور که گفته شد تعدادشان زیاد و ساعات کاری‌شان کم است. یکی از دلایل کم‌کاری در ایران وجود امنیت شغلی است که از آن به‌عنوان استخدام رسمی یاد می‌کنند. در ایران همه فکر می‌کنند



صالحین



بیشتر از سهم قشرهای فقیر است.

ارزانی بنزین موجب شده است که سرمایه‌ها به‌جای حرکت به سمت حمل‌ونقل عمومی به سمت حمل‌ونقل شخصی برود. ارزانی سوخت باعث شده است که بازار و تقاضا برای ماشین‌های پرمصرف بیشتر شود و این امر شرکت‌های خودروسازی را به سمت تولید خودروهای پرمصرف سوق داده است و حتی ماشین‌های وارداتی از خارج از کشور هم معمولاً ماشین‌های پرمصرف هستند؛ درحالی‌که کشورهای مختلف برای هدایت و تقویت حمل‌ونقل عمومی و ایجاد میل به استفاده از حمل‌ونقل عمومی و یا سوق دادن کارخانه‌ها به تولید اتومبیل‌های کم‌مصرف برای جهت دادن بازار نه‌تنها یارانه‌ای برای سوخت پرداخت نمی‌کنند بلکه مالیات نیز دریافت می‌کنند. در بسیاری از موارد مالیات کشورهای اروپایی از محل مصرف سوخت بسیار بالاتر از درآمد نفت کشور ماست؛ حتی در شرایط قبل از تحریم.

قیمت‌های یارانه‌ای باعث شده است که ما به‌جای استفاده از ترانزیت و سودآوری، زیان کنیم؛ یعنی یارانه‌ای که برای سوخت ماشین‌های ترانزیتی دریافت

بتوانند وام ۴ درصد یا ۱۴ درصد را بگیرند و آن را از بانک خارج کرده و در بانک دیگری پس‌انداز کنند سود کلانی را نصیب خود کرده‌اند؛ لذا فساد در بانک‌ها رایج شده است و افراد برای گرفتن وام‌های کم‌بهره حاضر هستند رشوه‌های کلان به صاحبان آن‌ها بپردازند.

قیمت سود در کشور ما یارانه‌ای است و بسیاری از مفاسد و اسراف‌ها و زیان‌ها از قاچاق است. در حال حاضر هر بشکه از نفت سفید را ۷ دلار می‌دهیم درحالی‌که هم‌اکنون نفت خام حدود ۴۰ تا ۵۰ دلار در بشکه است. این تفاوت، عوارض بسیار ناگواری را در اقتصاد کشور داشته است؛ یکی از این عوارض قاچاق سوخت است. از تمام مرزهای ایران سود قاچاق می‌شود و ایرانیان زیان بسیاری را از بابت این قاچاق متحمل می‌شوند. در حقیقت ما برای مصرف سوخت کشورهای همسایه یارانه پرداخت می‌کنیم. از طرف دیگر چون سوخت بسیار ارزان است مردم ارزش آن را نمی‌دانند و اسراف می‌کنند؛ به‌نحوی‌که میزان مصرف گاز در ایران به‌اندازه مصرف ۲۵ کشور در اروپاست. این در حالی است که کشورهای اروپایی عمده گاز مصرفی را برای تولید به مصرف می‌رسانند درحالی‌که ما برای مصرف خانگی بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و آن را هدر می‌دهیم. بنا به گزارش وزیر نفت، در سال ۱۳۹۲ میزان اسراف و هدر رفت سوخت در ایران معادل سی میلیارد دلار بوده است. اگر سی میلیارد دلار یعنی اسراف یک سال در مصرف سوخت را ما در ساخت پالایشگاه هزینه می‌کردیم به آرزوی همیشگی یعنی بی‌نیازی از فروش نفت خام، دست پیدا می‌کردیم. اگر سی میلیارد دلار را -یعنی اسراف در یک سال- در منابع مشترک نفت و گاز هزینه می‌کردیم، کشورهای همسایه ما نمی‌توانستند ده‌ها برابر ما از منابع مشترک برداشت کنند و از این طریق صدها یا ده‌ها میلیارد دلار سالانه به اقتصاد کشور ما لطمه بزنند.

از سوی دیگر این ارزانی سوخت باعث شده است که استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌صرفه جلوه نکند؛ چون هیچ سوختی نمی‌تواند با نفت سفید بشکه‌ای هفت دلار رقابت کند لذا علی‌رغم این‌که ایران یک کشور آفتاب‌خیز است، از انرژی خورشیدی استفاده نمی‌شود. ارزانی بنزین در کشور ما موجب شده است که پولی را که باید در حمل‌ونقل عمومی و در ساخت جاده و امثال آن هزینه شود در پاک بنزین ماشین‌ها هدر می‌دهیم و سهم ثروتمندان از این سوخت ارزان بسیار

که باید قراردادی‌ها هم رسمی شوند درحالی‌که جهان در مسیر حرکت به سمت تبدیل رسمی‌ها به‌سوی قراردادی است؛ یعنی اگر کسی خوب کار نکرد جایش را به دیگری بدهد اما در ایران به‌محض این‌که دوره آزمایشی استخدام رسمی طی می‌شود افت کاری ایجاد شده و افراد مطمئن هستند که چه کار کنند و چه‌کار نکنند آب‌باریکه‌ای تا آخر عمر برقرار است.

در حالی در ایران ساعت مفید کاری ۲۲ دقیقه است که در ژاپن که تحریم نیست ۸ ساعت و در کره جنوبی حدود ۹ ساعت است. اگر ساعات ادارات ایران را با کره جنوبی مقایسه کنید یک سال کار مفید کره جنوبی مساوی است با ۲۶ سال کار مفید یک ایرانی. در ایران یک کارمند سی سال حقوق می‌گیرد اما کمتر از یک سال کار مفید می‌کند و بعد هم کار بازنشستگی و بعد از فوت هم زن و فرزندان او از این حقوق استفاده می‌کنند. عمده بودجه کشور صرف امور جاری و حقوق کارکنان دولتی می‌شود. این روال باید تغییر کند.

از طرف دیگر اقتصاد ایران رانتی و غیرشفاف است و در هر مقوله‌ای که نرخ‌های دوگانه وجود دارد این نرخ‌های دوگانه خود زمینه فساد فراوان و رانت را ایجاد می‌کند؛ مثلاً ارز دولتی ۲۸۵۰ تومان و ارز آزاد ۳۵۰۰ تومان است. پس هرکسی بتواند یک دلار ارز دولتی بگیرد ۶۵۰ تومان سود کرده است؛ پس یک‌میلیون دلار ارز دولتی ۶۵۰ میلیون تومان سود دارد. افراد برای به دست آوردن ارز دولتی حاضر هستند رشوه بدهند. خود این امضاهای طلایی زمینه فساد را فراهم می‌کند. سود بانکی متفاوت نیز منشأ فساد است. کسانی که



ارزانی بنزین در کشور ما موجب شده است که پولی را که باید در حمل‌ونقل عمومی و در ساخت جاده و امثال آن هزینه شود در پاک بنزین ماشین‌ها هدر می‌دهیم و سهم ثروتمندان از این سوخت ارزان بسیار بیشتر از سهم قشرهای فقیر است

صالحین



می‌کنیم از حق ترانزیتی بیشتر است؛ یعنی پولی که به‌عنوان حق تردد و ترانزیت دریافت می‌کنیم شفاف است و در بودجه ثبت می‌شود اما یارانه‌ای که برای سوخت به این خودروها داده می‌شود پنهان است. این یارانه‌های پنهان و دونرخی منشأ بسیاری از مسائل کشور هستند. تا این قیمت‌های یارانه‌ای و دونرخی و عدم شفافیت مهار نشود فساد مهار شدنی نیست. ضمن این‌که به دلیل تصور غلط مردم از میزان درآمد نفتی، برخلاف این آیه قرآن که می‌فرماید «لیس للانسان الا ما سعی» -یعنی بهره‌ای برای انسان جز تلاشش نیست- مردم فکر می‌کنند که دولت می‌تواند نیاز آن‌ها را برآورده سازد و لذا همان‌طور که گفته شد دچار تنبلی اجتماعی شده‌ایم.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که اقتصاد ایران، اقتصاد کاری، مقاومتی و جهادی نیست بلکه یک اقتصاد اسراف‌ی است. ضرورت دارد که هم دولت و هم مردم در روش خویش تجدیدنظر کنند. مردم باید سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی خود را تغییر داده و به کار و تلاش برای تولید با کیفیت بیشتر بپردازند. البته اینجا صحبت هم از تولیدکالااست و هم خدمات. دولت و مجلس و

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

این یارانه‌های پنهان و دونرخی منشأ بسیاری از مسائل کشور هستند. تا این قیمت‌های یارانه‌ای و دونرخی و عدم شفافیت مهار نشود فساد مهار شدنی نیست

دستگاه‌های دولتی هم باید سعی کنند اقتصاد کشور را به‌جای اقتصاد مصرف‌گرا به اقتصاد تولیدگرا سوق دهند. کشور ما کشور وسیعی است. وسعت کشور ما از مجموع وسعت کشورهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا بزرگ‌تر است. وسعت جنگل‌های ما از وسعت تمام کشورهای اروپایی بیشتر است. اگر ما به‌جای اینکه بنشینیم و توقع داشته باشیم دولت‌مردان با استفاده از این ثروت‌ها نیازهای ما را برآورده سازند، اهل کار و تلاش می‌بودیم و به تولید می‌پرداختیم و فرهنگ، وجدان کار و نیز انضباط اقتصادی در کشور ما تقویت می‌شد، ایران می‌توانست یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا باشد. به عبارتی مردم به‌جای اینکه دست‌ یاری بدهند دستِ بگیر دارند. البته این راجع‌به همهٔ مردم صدق نمی‌کند اما آمارها نشان می‌دهد این موضوع بسیار فراگیر است. حتی این موضوع در مطالب مذهبی ما نیز وارد شده است؛ مثلاً می‌گویند برویم درِ خانهٔ حضرت فاطمه زهرا (س) گدایی کنیم. چرا برویم گدایی کنیم؟ برویم دست یاری بدهیم. برویم و اعلام کنیم که از ولایت و اسلام دفاع می‌کنیم.

به هرحال ما باید سبک زندگی خودمان را تغییر دهیم. اما این تغییر کار مشکل می‌نماید؛ زیرا آن‌ها که باید فرهنگ را اصلاح کنند خود گرفتار فرهنگ غلط کار و مصرف هستند. تقریباً فیلم و سریالی نیست که از کار کردن به‌عنوان خرچمالی، سگ‌دویی یا جان کندن اسم نبرد. حتی در سریال‌های مذهبی‌مان هم چنین خطایی مشاهده می‌شود.

امام علی (ع) می‌فرمایند بهترین تفریح، «کار» است اما باور جمعی ما این است که بهترین کار «تفریح» است. می‌توانیم بگوییم که هر بار توانسته باشیم باور «بهترین کار، تفریح است» را به «بهترین تفریح، کار

است» تبدیل کنیم آنگاه می‌توانیم بگوییم سرعت تغییر کشور بسیار بیشتر و در مسیر صحیح قرار گرفته است.

دکتر آق‌ای دکتر! به نظر شما اقتصاد مقاومتی چه تأثیری بر این وضعیت خواهد داشت؟ یعنی به نظر‌تان ما با اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی می‌توانیم این روند را تغییر بدهیم و اقتصاد کشور را به یک اقتصاد پویا و به یک اقتصاد کارآمد تبدیل کنیم؟ نظر شما چیست؟

راه نجات اقتصاد کشور اقتصاد مقاومتی است. اگر ما وضع موجود را به اقتصاد مقاومتی تبدیل نکنیم دچار اقتصاد ریاضتی خواهیم شد. این واقعیتی است که همه ما باید به آن واقف باشیم.

اقتصاد مقاومتی دو بال دارد. یکی مدیریت و مدیران و دیگری مردم و مرکزشان. هیچ‌کدام به‌تنهایی نمی‌توانند آن را محقق کنند و هرچیزی که در این زمینه تعلل ایجاد کند به ناکارآمدی عملکرد منجر خواهد شد. البته معتقد هستم مهم‌ترین نقش را خود مردم دارند.

اگر مردم درست عمل کنند، مدیران ناچار خواهند شد روش صحیحی را برگزینند. باید همگان به فکر تحقق اقتصاد مقاومتی باشند. فرهنگ کار باید در کشور ما پا بگیرد؛ کار باید عزت محسوب شود. کارهای بدی مطابق دیدگاه اسلامی نباید تحقیر شود. فیلم‌ها و سریال‌های ما باید ازین آموزه‌های منفی و الفاظ سخیف پاکسازی شود. هنرمندان و نویسندگان ما باید به نوشته‌های خود توجه کنند و فرهنگ کار را در جامعه رایج کنند. ضمن اینکه باید امید و اعتماد نیز بین مردم گسترش یابد. امید، اعتماد و تلاش در مسیر صحیح عناصر تضمین‌کننده موفقیت خواهند بود.

من کتاب‌هایی در این زمینه‌ها تالیف کرده‌ام. یکی «سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی» است، یک کتاب دیگر «توهم نسلی و اقتصاد استراحتی» است، «کلیدهای پیشرفت» و «برنامه جهاد اداری و نجات ارباب رجوع» نیز هستند. این‌ها در زمینه همین موضوعات قابل بررسی است و سه مورد ازین کتاب‌ها که نامبرده شد از سایت شخصی بنده قابل دانلود است. ❏

ارزیابی ناکارآمدهای داخلی

چرا دشمن چشم طمع به اقتصاد ما دوخته

با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی نه اقتصادی تدافعی و ریاضتی بلکه در حقیقت نوعی اقتصاد و برنامه‌ریزی تعاملی مبتنی بر راهبرد استفاده از تهدید به‌عنوان یک فرصت است، باید دید زمینه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر زمینه‌ساز تهدید چیست تا در مرحله بعد با تعیین راهبردها این تهدیدات را به فرصت تبدیل کرده و به‌عنوان فرصتی برای ارتقا و شکوفایی اقتصاد ایران از آن‌ها استفاده کرد.
بنابراین به فرآیند شناسایی نقاط آسیب و تهدیدهای خارجی و داخلی و تبدیل این نقاط ضعف و آسیب به فرصت پیشرفت و تعالی، اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود.
لذا این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است که اقتصاد ایران با چه آسیب‌ها و نقاط ضعفی روبرو است که باعث بروز تهدیدهای دشمن شده است؟

پرونده هشتم | ناکارآمدی‌های اقتصادی، دشمنان داخلی در جنگ

صالحین

دخالت‌های گسترده در بخش‌های مختلف اقتصاد تحریک می‌کند. از طرفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ضرورت‌های دوران انقلاب (مانند ملی شدن بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌ها) و بعضی افراط و تفریط‌ها در آن برههٔ زمانی، زمینه بیشتری برای این‌گونه دخالت‌ها فراهم شد. دولت که به‌عنوان نماینده انحصاری حاکمیت، مسئول و مالک منابع طبیعی محسوب می‌شود، درآمدهای حاصل از فروش نفت را به روش‌های مختلف به اقتصاد کشور تزریق می‌کند که نتیجه و ماحصل این تزریقات نه‌تنها بهبود نسبی اقتصاد بیمار ایران نبوده، بلکه به نظر می‌رسد حال این بیمار را در شاخص‌هایی مانند بهره‌وری، رشد تولید ناخالص ملی به غیر نفت، نظام مالیات و یارانه‌ای کارا، توازن بودجه عمومی، مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد، صادرات کالاهای غیرنفتی، رو به وخامت است و یکی از علل اصلی در تشدید این بیماری، سیاست مالی (بودجه‌ای) دولت است.

علاوه بر تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور، نفس خام‌فروشی منابع نیز خود به‌عنوان یک معضل گریبان‌گیر اقتصاد ایران شده است. در مورد نفت‌خام به‌صورت متوسط می‌توان از هر بشکه نفت حدود ۰۰۳۱ دلار ارزش‌افزوده ایجاد کرد که بیست‌وشش برابر ارزش‌افزوده فروش یک بشکه نفت خام به حساب می‌آید. در مواد معدنی و فلزات نیز ارزش‌افزوده با تبدیل و فراوری به همین منوال افزایش می‌یابد.

خام فروشی نفت و صرف آن در امور جاری کشور و استفاده نکردن از فرآورده‌های گسترده ناشی از ارزش‌افزوده نفت، در حقیقت میراث شوم رژیم طاغوت و خسارتی جبران‌ناپذیر است. این روش، آسان‌ترین راه پول درآوردن است که برخی از مسئولان در طول زمان‌های مختلف، ترجیح دادند، از این پول آسان، استفاده کنند.

نگاهی به صنعت نفت کشور نیز، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا پس از گذشت ۹ سال از سابقه نفتی در کشورمان هنوز هم قسمت عمده صادرات کشور را، صادرات نفت خام تشکیل می‌دهد و علی‌رغم سودآوری صنعت پالایش و فراوری، ایران سهم چندانی در این بازار ندارد. حال آنکه آمریکا و اروپا به‌تنهایی ۰۵ درصد ظرفیت پالایشی جهان را دارا هستند و این رقم در منطقه خاورمیانه به‌عنوان قطب اصلی تولید نفت جهان کمتر از ۸ درصد است. البته



■ وابستگی اقتصاد ایران و بودجه دولت به خام‌فروشی مواد معدنی

وابستگی بودجه دولت و اقتصاد ایران به خام‌فروشی در حوزه‌های مختلف که نمایان‌ترین جلوه آن در حوزه نفت و گاز است؛ خود ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور است و زمینه تهدید و آسیب‌پذیری اقتصاد را فراهم می‌سازد.

ابتدای کشف نفت در ایران، این ثروت ملی برای مصارف و بودجه دولت به‌صورت خام‌فروشی عرضه شده است. اگرچه نفت خود یکی از ثروت‌ها و نعمت‌های الهی به ایران است اما شیوه استفاده و خرج کردن درآمدهای نفتی، متأسفانه تأثیری منفی بر اقتصاد ایران نهاده است.

مطالعات محققان نشان می‌دهد که به‌طور کلی تأمین منابع مالی بودجه از راه‌هایی غیر از مالیات (که باعث توزیع درآمد و امکانات در اقتصاد می‌شود) تورم‌زا خواهد بود و توازن اقتصادی کشور را دچار چالش خواهد کرد. لذاست که مدیریت درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت خام همواره اولویت اول برنامه‌ریزان اقتصادی کشور بوده است و در زمان حاضر نیز این مسئله در اقتصاد کشور، چالش‌برانگیز به‌حساب می‌آید. ازیک‌طرف مقدار انبوه درآمد حاصل از فروش خام سرمایه کشور، همواره دولتمردان را به

صالحین



کیفیت محصولات و تولیدات متناسب با نیاز روز ارتقاء نمی‌یابد و زمینه شیوع فساد به‌عنوان یک تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست



موجب شد تا سال ۱۳۸۵، روزانه ۲۸ میلیون لیتر بنزین به کشور وارد شود که هزینه آن ۵ میلیارد دلار در سال می‌شد در حالی که هزینه ساخت پالایشگاه ۵/۱ میلیارد دلار بود. این نوع نگاه غیرمقاومتی به اقتصاد کشور باعث افزایش اثر تحریم‌های بنزین در دوره‌های بعد در کشور شد.

۲ ▪ دولتی بودن اقتصاد ایران

دولتی بودن اقتصاد، به معنای دخالت دولت به شکل مستقیم و غیرمستقیم در اکثر فعالیت‌های اقتصادی است؛ که یکی از اساسی‌ترین نقاط ضعف اقتصاد به شمار می‌رود. در واقع ساختار اصلی اقتصاد ایران بر پایه شرکت‌های بزرگ دولتی است. این شرکت‌ها به علت وابستگی به بودجه دولت، بهره‌وری پایین، عدم پویایی و خلاقیت در تولید، قدرت تحول و توان حرکت و رشد و پویایی را ندارند و امکان انطباق کافی با تغییرات و تهدیدات محیطی در آن‌ها وجود ندارد. در چنین شرکت‌ها و مؤسساتی به علت ساختار اداری و بروکراسی شدید، زمینه نوآوری بسیار کاهش یافته است و کیفیت محصولات و تولیدات متناسب با نیاز روز ارتقاء نمی‌یابد و زمینه شیوع فساد به‌عنوان یک تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست. بنابراین تحریم‌های اقتصادی مواد اولیه یا محصولات این شرکت‌ها،

به‌راحتی با به چالش کشیدن موجودیت این شرکت‌ها و مؤسسات، زمینه آسیب به اقتصاد ملی را فراهم می‌سازد.

۳ ▪ مصرف‌زدگی

نظریات اقتصادی متعارف غربی بر مصرف‌گرایی تأکید و آن را امری ضروری و مطلوب تلقی می‌کنند، که در بلندمدت به شکل‌گیری و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه منجر می‌شود. حال آنکه رویکرد اقتصاد مقاومتی به‌عنوان رویکرد اقتصادی انقلاب اسلامی مشخصاً با این نظریات مخالف است و از دو حیث بر مدعای خود تأکید دارد: اولاً مصرف افسارگسیخته و اسراف سبب می‌شود که بخشی از منابع کالایی، دچار افساد، تباهی، دورریزی، مصرف خودنمایی، مصرف تشویقی، مصرف عادت‌ی و به‌طور کلی بسط مصرف‌گرایی و مصرف‌محوری در جامعه شود. از طرف دیگر اقتصادی که با پدیده اسراف مواجه شود دیر یا زود به دلیل از میان رفتن منابع و شکاف طبقاتی با چالش‌های اجتماعی و سیاسی نیز روبرو خواهد شد.

گسترش فرهنگ نامناسب ریخت و پاش و عدم پیروی از یک الگوی مصرفی مناسب و بومی که برآمده از فرهنگ شرعی و سنتی جامعه اسلامی-ایرانی کشور است، باعث وابستگی کشور به واردات کالاهای لوکس

و تجملی شده است. با اینکه کشور ما از لحاظ تولید سرانه در سطح مطلوبی قرار ندارد ولی مصرف‌کننده عمده‌ای برای اجناس لوکس و بازاری بزرگ برای کمپانی‌های خودروسازی، لوازم‌خانگی، محصولات آرایشی و ... است. لذا از یک‌سو با مصرف کالاهای وارداتی به وابستگی بیشتر کشور انجامیده و از جهتی دیگر با عدم رقابت نسبت به تولیدات داخلی، چرخ اقتصاد کشور به حرکت درنیامده و وابستگی به واردات تشدید می‌شود. این الگوی مصرف به وابستگی به محصولات وارداتی و تجمل‌گرایی و مصرف غیرمولد دامن می‌زند که در نهایت باعث کاهش توان اقتصادی کشور و افزایش تأثیر فشارهای اقتصادی می‌شود.

۴ ▪ عدم بهره‌وری

بهره‌وری پایین عوامل تولید و استفاده نامناسب و ناکارآمد از منابع، امکانات و زمان از دیگر نقاط ضعف اقتصاد ایران است. افزایش بهره‌وری، بدون نیاز به سرمایه‌گذاری جدید می‌تواند با استفاده بهینه از امکانات موجود، رشد اقتصادی کشور را نیز ارتقاء دهد. اثر مهم بهره‌وری اندک را می‌توان در عدم رقابت محصولات تولید ایران با محصولات وارداتی دانست که به وابستگی بیشتر کشور به واردات محصولات انجامیده است.



صالحین



حدود ۷۵ درصد از ظرفیت تولید کارخانه‌های داخلی بدون استفاده است. سهم ۵۰ درصدی کره‌ای‌ها در بازار لوازم خانگی ایران تنها یک نمونه از حاکمیت محصولات وارداتی بر بازار داخلی است

به‌قدری بالاست که کمتر کسی رغبت به خرید لوازم خانگی ایرانی می‌کند. بر اساس اظهارات فعالان این حوزه، هم‌اکنون بیش از نیمی از بازار لوازم خانگی کشور در انحصار کره‌ای‌هاست و شاید بتوان گفت حدود ۷۵ درصد از ظرفیت تولید کارخانه‌های داخلی بدون استفاده است. سهم ۵۰ درصدی کره‌ای‌ها در بازار لوازم خانگی ایران تنها یک نمونه از حاکمیت محصولات وارداتی بر بازار داخلی است.

خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی نیز به دلیل نقش آن در امنیت غذایی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به‌طوری که سیاستمداران و تصمیم‌گیران کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی نیز به‌درستی پذیرفته‌اند برنامه‌های بلندمدتی که برای این بخش طراحی می‌شود نباید تنها بر مبنای حداکثرسازی سود در کوتاه‌مدت و یا مدل‌های بسته ریاضی باشد بلکه باید در آن‌ها اهمیت امنیت غذایی نیز لحاظ گردد. نگاهی به آمار واردات کشاورزی در کشور نشان می‌دهد که واردات محصولات اساسی کشاورزی ۹۰ درصد واردات کشاورزی کشور را به خود اختصاص می‌دهد که نشان از وابستگی و عدم خودکفایی این محصولات استراتژیک در داخل کشور دارد. ■

یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقاء بهره‌وری، بنای اقتصاد بر دانش است. در حقیقت عدم مدیریت دانش در اقتصاد، کشور را مصرف‌کننده فناوری‌های خارجی کرده است و این خود زمینه آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در برابر تحریم بیگانگان فراهم می‌کند و سایر مؤلفه‌های اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین مظاهر و مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، شرکت‌های دانش‌بنیان هستند .

۵ ▪ تولید ملی و خودکفایی

یکی دیگر از چالش‌های اقتصاد ایران ضعف تولید ملی و عدم توان خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک مورد نیاز کشور است. در حقیقت شاقول هر اقتصادی توان تولیدی آن است و ایران برای رهایی از وابستگی به خارجی‌ها، ناگزیر است به تولیدات خود متکی باشد.

اگرچه خودکفایی و استقلال به‌عنوان یکی از بزرگترین شعارهای انقلاب مطرح بوده است اما علی‌رغم گام‌های برداشته شده در این مسیر، خودکفایی کامل حاصل نگردیده است. آنچه انکارناپذیر است اینکه از گذشته تاکنون سهم محصولات خارجی در سبد خرید مردم بویژه در حوزه‌ای مانند لوازم خانگی

صالحین



امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی

آهای! ایرانی مسرف

مردم ایران در مصرف برخی کالاها به مصرف‌گرایی سوق داده شده‌اند که این مصرف‌گرایی می‌تواند آثار و تبعات بسیار بدی در هر سه حوزه فردی، اجتماعی و سازمانی ایجاد نماید. در این یادداشت سعی داریم که با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّظله)، برخی از کالاهایی را که مصرف‌گرایی در آن‌ها نمود بیشتری دارد برشماریم.

رهبر معظم انقلاب (مدّظله) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال ۱۳۷۹، مصرف‌گرایی در برخی کالاها را به عنوان منکرات معرفی می‌نمایند و از همگان می‌خواهند که نسبت به آن‌ها حساسیت نشان دهند و نهی از منکرهای لازم را انجام دهند. ایشان می‌فرمایند: «منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می‌شود از آن‌ها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینهاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این‌همه ضایعات نان داریم؛

اصلاً این یک منکر است، یک منکر دینی است، یک منکر اقتصادی و اجتماعی است، نهی از این منکر هم لازم است؛ هر کسی به هر طریقی که می‌تواند. یک مسئول یک‌طور می‌تواند، یک کارگر نانویی یک‌طور می‌تواند، یک کارگر نانویی یک‌طور دیگر می‌تواند. طبق بعضی از آمارهایی که به ما دادند،^۱ ضایعات نان ما برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می‌کنیم! آیا این جای تأسّف نیست؟!».

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّظله)، نمونه‌هایی از مصرف‌گرایی و اسراف در برخی کالاهای مهم عبارتند از:

- مصرف دو برابر انرژی نسبت به جهان؛**
- هشت برابر بودن شاخص شدّت انرژی ما نسبت به برخی کشورهای پیشرفته دنیا؛**
- ضایعات ۳۳ درصدی نان در مراکز استان‌ها^۲؛**
- تلفات ۲۲ درصدی آب در مصارف خانگی^۳؛**
- دور ریختن غذای طبخ‌شده^۴؛**
- دور انداختن میوه ی مصرف‌نشده^۵؛**
- تهیه مواد غذایی بیش از نیاز^۶؛**
- تهیه مواد دارویی بیش از احتیاج^۷؛**
- خرید لباس زیادت‌ر از اندازه لازم^۸؛**
- خرید اسباب‌بازی‌های غیر مفید و غیر لازم^۹؛**
- تغییر وسائل خانه و وسائل زندگی بدون دلیل^{۱۰}؛**
- توجه بیش از اندازه به وسایل تجملّاتی^{۱۱}؛**
- استفاده غیر مفید از مصالح ساختمانی^{۱۲}؛**
- سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پر خرج و احياناً فسادآور^{۱۳}؛**
- ...**

علاوه بر این‌ها، آمارهای دیگری از مصرف‌گرایی ایرانیان توسط سازمان‌های مختلف ملّی و بین‌المللی ارائه شده‌است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ایرانی‌ها به اندازه یک سوم میانگین جهانی شیر می‌خورند؛ که یکی از دلایل آن را می‌توان صرف پول برای برندهای غیر مفید دانست.

ایرانی‌ها بطور متوسط، یک سوم متوسط جهانی تخم‌مرغ می‌خورند؛ چرا که پول خود را صرف

کالاهای غیرلازم می‌کنند.

ایرانی‌ها، چهار برابر دنیا نوشابه می‌خورند.

ایرانی‌ها، دو برابر متوسط جهانی نمک می‌خورند.

ایرانی‌ها، شش برابر متوسط جهانی شکر

در پایان ضمن اشاره به یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّظله)، یادآور می‌شویم که مصرف‌گرایی در برخی کالاها خصوصاً کالاهای غیرلازم برای بدن و در مقابل، عدم استفاده از برخی کالاهای مورد نیاز برای بدن، نه تنها به ضرر سلامت و بهداشت فرد است، بلکه می‌تواند اقتصاد خانواده و جامعه را نیز به شدّت، متضرّر نماید. ایشان می‌فرمایند: «اسراف، هم لطمه اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد؛ بنابراین مسأله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسأله اقتصادی نیست! هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است، آینده کشور را تهدید می‌کند».^{۱۴}

ⓘپی‌نوشت:

- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۲/۱/۴
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۲/۱/۴
- بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱/۴
- بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۱/۴
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۷۲/۱/۴
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) ۱۳۷۷/۱/۱
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) ۱۳۷۷/۱/۱
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱
- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱

در نکوهش اقتصاد مصرف‌گرا

چرا مصرف‌گرا هستیم؟

مصرف‌گرایی گاهی ناشی از عدم شناخت کالاها و نحوه مصرف صحیح و گاهی نیز، ناشی از غفلت یا بی توجهی به کالاها و نحوه مصرف صحیح است؛ ولی برخی اوقات، مشکلاتی که در فرهنگ مصرفی ایرانیان دیده می‌شود، به ضعف در حوزه شناختی و حتی گرایشی آن‌ها باز نمی‌گردد، بلکه ناشی از نوعی جبر و فشار بیرونی است که از سوی اجتماع بر مصرف فردی، اجتماعی یا سازمانی وارد می‌آید. این جبر محیطی، تا حدّ زیادی شکل‌دهنده سبک زندگی (سبک مصرف) آن فرد، اجتماع یا سازمان می‌شود؛ به نوعی که برای عمل کردن بر خلاف آن جریان، باید متحمل هزینه‌هایی از سوی اجتماع شد.

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّظله)، برخی از ریشه‌های مصرف‌گرایی که عمدتاً ناشی از جبر و فشار بیرونی هست عبارتند از:

- چشم و هم‌چشمی^۱**

صالحین

منطقه محدودی باقی بماند، بلکه به راحتی، در سراسر جهان پخش خواهد شد. البته گاهی تبلیغ کالایی خاص، ناظر به اثرات مصرف آن کالاست و عده‌ای می‌خواهند با افزایش مصرف یک کالا، صفات یا رفتارهای خاصی را در بین مصرف‌کنندگان آن کالا، شایع سازند و در نهایت سیاست خود را پیاده سازند. اگر چه تبلیغات، مطلقاً بد نیست، ولی جهت‌گیری تبلیغات باید اصلاح شود و از سوق افراد به مصرف‌گرایی، به دادن اطلاعات و انگیزه‌هایی در راستای معرفی واقعی کالا و نحوه مصرف صحیح، بهتر و کارآمدتر تغییر کند. بنابراین مصرف‌کننده، نباید تحت تأثیر هر نوع تبلیغاتی قرار بگیرد، بلکه باید از تبلیغات به‌عنوان عامل شناسایی بیشتر و بهتر کالاهای مصرفی استفاده نماید و در نهایت با بررسی و ارزیابی محاسن و معایب استفاده از کالا، تصمیم به مصرف و میزان آن بگیرد.

در دین مبین اسلام، اسراف، منع و حرام شده‌است و یکی از گناهان بزرگ به شمار می‌آید. علاوه بر این، تأکیدات فراوانی که در دین مبین اسلام درباره مصرف صحیح ارائه شده‌است، می‌تواند بهترین مشوّق و عامل درونی، برای مقابله با ریشه‌های مصرف‌گرایی باشد.

بطور کلی می‌توان گفت برای مصرف، میزان مصرف، نحوه مصرف و مانند آن باید به دستورات صحیح متخصّصین تغذیه و دستورات دین مبین اسلام درباره مصرف، توجه کرد و با رعایت آن‌ها از مصرف‌گرایی در حوزه فردی، اجتماعی و سازمانی جلوگیری نماییم. ■

ⓘپی‌نوشت:

- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱
- بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه ۱۳۸۹/۴/۲
- پیام به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳



- عادت‌ها، سنّت‌ها و روش‌های غلط^۲**

- تجمل‌گرایی^۳**

- هوا و هوس (هوسرانی)^۴**

- آبروداری‌های خیالی^۵**

- بهانه‌آوری مثل بهداشتی نبودن^۶**

- نقشه‌های استکبار برای مصرف‌گرا کردن جوامع^۷**

- سوغات شوم فرهنگ غرب (مصرف‌گرایی) برای جوامع اسلامی^۸**

با توجه به ریشه‌های فوق، می‌توان ادعا نمود که امروزه تبلیغات انواع کالاها، یکی از مهم‌ترین عوامل بیرونی سوق مردم به مصرف‌گرایی است. امروزه از انواع و اقسام روش‌های تبلیغاتی و در قالب‌ها و ترفندهای مختلف استفاده می‌شود تا افراد را به مصرف انواع کالاها متمایل سازند. تبلیغات، نوعی هنر است که می‌کوشد با تأثیرگذاری بر اذهان و احساسات افراد، مصرفشان را تحت تأثیر قرار دهد. هر تولیدکننده‌ای می‌کوشد بوسیله تبلیغات، تولیدات خودش را مناسب جلوه دهد، در نتیجه مصرف افراد را افزایش دهند. مهم‌تر از حجم و اندازه تبلیغات در عرصه فعالیت‌های ارتباطی، این حقیقت است که تبلیغات، موجب بسط و گسترش کالاها و خدمات در سطوح وسیع ملّی و بین‌المللی شده‌است و دیگر کالای خاصی نمی‌تواند در

صالحین

در پاسخ به یک شبهه و پرسش

اقتصاد قبل از انقلاب بهتر بود؟!

« حجت‌الله عبدالملکی، استاد دانشگاه و دارای دکترای اقتصاد و یکی از صاحب نظران در حیطه اقتصاد مقاومتی است، در این نوشتار وی اقتصاد قبل و بعد از انقلاب را با یکدیگر مقایسه کرده تا به پرسشی که در ذهن بسیاری از مردم وجود دارد پاسخ دهد.

وضعیت اقتصادی کشور پیش از انقلاب اسلامی، در سه حوزه بررسی می‌شود:

الف- از جهت میزان وابستگی‌هایی که به خارج از کشور وجود دارد.

ب- از جهت میزان وضعیت رفاه عمومی.

ج- از جهت عقب‌افتادگی یا فقدان پیشرفت اقتصادی که در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی با آن مواجه بود.

■ الف) اقتصاد پیش از انقلاب اسلامی از جهت میزان وابستگی به خارج از کشور

در این بخش سعی می‌شود به طور مختصر، اقتصاد پیش از انقلاب اسلامی از جهت میزان وابستگی به خارج از کشور، تبیین شود. البته در این موضوع - وضعیت اقتصادی پیش از انقلاب- بنا نیست که یک تحلیل آماری دقیق و بسیار جامع مطرح شود؛ بلکه به دنبال نشانه‌هایی از وضعیت آن دوره است تا شفاف‌سازی شود و اگر آماری نیز مطرح می‌شود، تعداد محدودی از آمارهای کلیدی می‌باشد که بتواند وضعیت را روشن کند.

در بُعد وابستگی به خارج کشور، از لحاظ تاریخی، بعد از افول تمدن اسلامی طی قرن دهم و یازدهم هجری قمری، کم‌کم وابستگی اقتصادی کشورهای مسلمان به



صالحین

خواهد بود. عمدتاً صنایع مونتاژ بدین صورت هستند، یعنی در داخل کشور کارخانه‌ای تأسیس می‌شود که صرفاً قطعات یدکی خارجی را وارد و سرهم می‌کند. در واقع نمی‌توان نام این فرآیند را توسعه صنعتی قرار داد، بلکه می‌توان گفت، صرفاً ارزش افزوده‌ای در داخل کشور ایجاد می‌شود اما اثر چندانی در قطع وابستگی اقتصادی کشور نخواهد داشت. در کل می‌توان گفت، در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، وابستگی بسیار جدی به خارج از کشور وجود داشته‌است. صادرات شش میلیون بشکه نفت خام که اگر این صادرات نبود شاید کشور به لحاظ اقتصادی دچار مشکل جدی می‌شد. بخش کشاورزی که تقریباً نابود شده بود و کفاف مصارف داخلی را به هیچ عنوان، حتی برای بیشتر از یک ماه نمی‌داد و صنایعی هم که در کشور وجود داشتند، صنایع مونتاژ و وابسته به خارج از کشور بودند.

■ ب) وضعیت رفاه عمومی در دوره پیش از انقلاب اسلامی

در بحث تبیین وضعیت اقتصادی کشور پیش از انقلاب اسلامی، در این بخش به وضعیت رفاه عمومی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی و در دوره پیش از انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. در یک تحلیل کلی از سال‌های منتهی به انقلاب، وضعیت رفاه عمومی، وضعیت مطلوبی نبوده است، طبق آمارهایی که بانک جهانی منتشر کرده است، در سال ۱۳۵۶ نرخ فقر در ایران نزدیک به چهل و شش درصد بوده و این یک نرخ نسبتاً بالایی است و نشان می‌دهد که بخش غالب جمعیت ایران، یا فقیر و یا در مرز فقر قرار داشته‌اند. آن بخش از جامعه نیز که بالاتر از خط فقر زندگی می‌کردند، عمدتاً اختلاف رفاهی جدی با فقرا نداشته‌اند. در این راستا با فرآیند تکثیر و تقویت صنایع مونتاژ در داخل کشور، تعداد زیادی از صنایع سنتی و کسب و کارهای سنتی از بین رفت و از بین رفتن آن به این معنا بود که کسانی که در آن صنایع شاغل بودند، بیکار شدند؛ درآمد خود را از دست دادند و به جمعیت فقرا پیوستند. در همین زمان به علت مهاجرت بسیار زیاد روستاییان به شهرها، پدیده حاشیه‌نشینی بروز یافت و تقویت بیشتری گرفت. علت اصلی مهاجرت روستاییان به شهرها، زرق و برق شهرها و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی‌ای بود که از محل دلارهایی که با فروش نفت به دست آمده بود، در شهرها رخ داد.

کشاورزی در سال‌های پیش از انقلاب وجود نداشته و یا نابود شده بود. طبق آمار، کل تولید بخش کشاورزی پیش از انقلاب، تنها کفاف ۳۳ روز زندگی مردم ایران را می‌داده‌است و برای مابقی نیازمندی کشور، باید مواد غذایی و محصولات کشاورزی وارد می‌شد و جالب این‌که بخش قابل توجهی از وابستگی به محصولات کشاورزی و غذایی، وابستگی به محصولات رژیم صهیونیستی بوده‌است.

در بخش صنعت به دلیل همین وابستگی‌ها، صنعت ایران با وضعیت مناسبی روبه‌رو نبوده‌است. هرچند که چند برنامه صنعتی کردن اقتصاد پیش از انقلاب، توسط دولت وقت اجرا شد، اما عمدتاً رویکرد توسعه صنعتی به سمت صنایع مونتاژ بوده است. به عبارتی دیگر، هر چند صنایعی در ایران ایجاد شد اما عموماً اینها صنایعی بودند که با هدف تقویت صنایع مشابه در خارج از کشور شکل گرفته بودند.

به عنوان مثال، وقتی صنعت خودروسازی - که تحت لیسانس و وابسته به یک شرکت چندملیتی خارجی است- در کشور ایجاد می‌شود، دو مسئله اتفاق می‌افتد، از یک سو به دلیل استفاده از برند شرکت خارجی، مبلغی به آن شرکت پرداخت می‌شود که منبع درآمدی بدون دردسر برای آن کشور ایجاد می‌گردد. از طرف دیگر این صنعت برای خدمات فنی، لوازم یدکی و طراحی‌ها همچنان نیازمند به آن کشور خارجی



. طبق آمار، کل تولید بخش کشاورزی

پیش از انقلاب، تنها کفاف ۳۳ روز

زندگی مردم ایران را می‌داده‌است

و برای مابقی نیازمندی کشور،

باید مواد غذایی و محصولات

کشاورزی وارد می‌شد و جالب

این‌که بخش قابل توجهی از

وابستگی به محصولات کشاورزی

و غذایی، وابستگی به محصولات

رژیم صهیونیستی بوده‌است

صالحین

شهرهایی ایجاد می‌شد و روستائیان نیز به نیت استفاده از این رفاه شهری، مهاجرت می‌کردند و در حاشیه این شهرها ساکن می‌شدند و معمولاً حاشیه‌های پر از فقر و با سطح رفاهی بسیار پایینی در حاشیه شهرهای بزرگ، شکل می‌گرفت و هر چه به سال‌های ۵۶ و ۵۷ نزدیک‌تر می‌شویم، این پدیده حاشیه‌نشینی و فقر حاشیه شهرها، گسترش می‌یابد. در این سال‌ها، قوت اصلی مردم نان بوده‌است و برنج غذایی بود که صرفاً قشرهای مرفه می‌توانستند از آن استفاده کنند. برخی از آمارها نشان می‌دهد که وضعیت بهداشت نیز در حالت بسیار نامناسبی قرار داشته‌است. در واقع نرخ مرگ‌ومیر کودکان به جهت سطح پایین بهداشت و وضعیت بهداشتی و درمانی نامناسبی که وجود داشته، بیشتر از ۱۱ درصد در آن سال‌ها گزارش شده است و این بدین معنا است که از هر صد کودکی که به دنیا می‌آمدند، یازده کودک یا بیشتر می‌مردند و نمی‌توانستند به زندگی خود ادامه دهند.

نظام تأمین اجتماعی نیز، نظام بسیار کند و در اصطلاح، نظام عقب‌مانده‌ای محسوب می‌شد. طبق آمارها، سال‌های ۵۶ و ۵۷ کل آمار مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی ۸۹ هزار نفر بوده‌است. یعنی تمام کسانی که به جهت بازنشستگی، از کارافتادگی و یا هر عامل دیگری، تحت پوشش سیستم رفاهی کشور بودند، به نود هزار نفر هم نمی‌رسیدند و این در حالی است که خود کشورهای غربی و توسعه‌یافته‌ای که حتی با همان نگاه لیبرالیستی وارد تحلیل‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌شوند، به بحث رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهند. و از همه اسفناکتر این‌که، با وجود فروش بسیار بالای نفت – حدود شش میلیون بشکه در روز صادرات نفت خام ایران بود و به قیمت بالایی به فروش می‌رفت- به دلیل آن‌که کشورهای عربی نفت خود را کم کرده بودند و شاه برای این‌که اقتصاد غرب صدمه زیادی نبیند، صادرات نفت را افزایش داده و غربی‌ها با قیمت نسبتاً خوبی نفت را می‌خریدند. از این منابع درآمد نسبتاً هنگفتی وارد کشور می‌شد که متأسفانه به مصارفی غیر از مصارف مورد نیاز برای رفاه مردم می‌رسید.

بخش‌های زیادی از درآمد نفت در میان طبقه اشراف و طبقه وابسته به سلطنت توزیع می‌شد و جزء ثروت‌ها و سرمایه‌های اندوخته آنان‌ا به حساب می‌آمد و بخش‌های قابل توجهی نیز، خرج زرق‌وبرق‌ها و



اموری می‌شد که مورد نیاز نبودند. لذا در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، وضعیت رفاهی کشور در سطح بسیار پایینی قرار داشته و می‌توان جامعه ایران را به عنوان جامعه فقیر نام‌گذاری کرد.

■ (ج) اقتصاد پیش از انقلاب اسلامی و عقب افتادگی

در این بخش وضعیت پیشرفت اقتصادی کشور پیش از انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. پیشرفت به این معنا که فارغ از بحث استقلال اقتصادی و بحث رفاه عمومی، ایران چقدر توانسته بود اقتصاد خود را با ارائه آمارهایی از وضعیت اقتصادی کشور در پیش از انقلاب، موضوع تشریح می‌شود. اگر بهره‌مندی از برق و انرژی برق به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت اقتصادی در نظر گرفته شود – که البته این از معیارهای رفاه اقتصادی نیز می‌باشد- تا سال ۱۳۵۷ بیشتر روستاهای کشور از نعمت برق محروم بودند و کل مشترکین برق در کشور از ۳/۴ میلیون مشترک فراتر نمی‌رفت. در واقع این وضعیت، حاکی از آن است که بخش زیادی از روستاییان برق نداشتند.

در مورد برخورداری از گاز نیز تقریباً همین وضعیت وجود داشته است، در حالی که ایران کشوری بود که نفت و گاز زیادی داشت و در آن سال‌ها میزان استخراج نفت خام بسیار بالا بوده و حتی از میزان برداشتی که در حال حاضر صورت می‌گیرد، به مراتب بیشتر بوده‌است و این در صورتی است که با هر میزان نفتی که استخراج می‌شود، گاز زیادی نیز خارج می‌گردد. اما با این حال، جامعه ایران در برخورداری از گاز، از یک شبکه بسیار فقیر و محدود برخوردار بوده به

صالحین

در روز، شش میلیون بشکه نفت می‌تواند صادر کند، آمار رضایت‌بخشی نیست.

تولیدات پتروشیمی کشور تنها چهار میلیون تن بوده، این در حالی است که بیان شد مقادیر هنگفتی از گاز همراه با نفت استخراج می‌شود و این گاز، جزء مواد اصلی برای صنایع پتروشیمی است که صنایع پتروشیمی کشور نیز توسعه‌نیافته بود.

کل حجم صادرات غیرنفتی به کل صادرات، تنها دو درصد بوده یعنی نود و هشت درصد صادرات همان نفت خامی بوده است که صادر می‌شد. در شبکه راه‌ها، کل طول راه‌های اصلی و فرعی مجموعاً سی‌وشش هزار کیلومتر بوده که برای کشوری که تقریباً صد و شصت و پنج میلیون هکتار، وسعت دارد سی‌وشش هزار کیلومتر، یعنی تقریباً می‌شود گفت که این کشور شبکه راه خاصی ندارد. در بحث مهار آب‌های سطحی و آب‌های روزمینی که به هر حال یکی از شاخصه‌های پیشرفت در بخش کشاورزی است و اگر آن آب بخواهد تبدیل به انرژی برق شود در بخش انرژی نیز این شاخص مطرح است، در مجموع سیزده عدد سد در کشور وجود داشت در حالی که مقادیر زیادی از آب‌های سطحی در کشور بود که برای مهار این آب‌ها و ذخیره‌سازی آن‌ها به سدهای زیادتری احتیاج بود و به همین جهت، مقدار بسیار محدودی از آب‌ها مهار می‌شد و بخش‌های زیادی از این آب‌ها به خصوص در مرزها از دست می‌رفت و وارد کشورهای دیگر می‌شد.

همه این موارد، مجموعاً تعدادی از شاخص‌هایی بودند که به طور اجمالی می‌تواند وضعیت پیشرفت یک اقتصاد را توضیح بدهد و متأسفانه مشاهده می‌شود که با این‌که منابع ارزی زیادی در کشور بوده و مقادیر زیادی نفت خام صادر می‌شده اما وضعیت اقتصادی کشور، نشان دهنده یک عقب‌افتادگی بسیار جدی است که می‌تواند ناشی از بی‌توجهی مسئولین به این امور و از طرفی بخشی از نقشه‌های شوم اقتصادی دشمنان ایران، محسوب شود که در واقع به دنبال این بودند که با عقب نگه داشتن اقتصاد ایران، سلطه و حاکمیت خود را بر این کشور بسیار ثروتمند، برای مدت‌های مدیدی تضمین کنند. ■



گونه‌ای که در مجموع، پنجاه و یک هزار خانوار از کل جمعیت کشور، از گاز برخوردار بودند و می‌توان گفت که تقریباً عموم جمعیت از انرژی گاز محروم بودند.

اگر شبکه آب سالم نیز به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت اقتصادی و یا حداقل یکی از ابتدایی‌ترین معیارهای پیشرفت و توسعه در نظر گرفته شود، مشاهده می‌شود در آن زمان تنها ۴۵ شهر از مجموع چند صد شهری که وجود داشته، از شبکه آب سالم برخوردار بودند. در حوزه شبکه ارتباطی نیز آمارها وضعیت بهتری را نشان نمی‌دهد. کل خط ریلی که تا آن زمان احداث شده بود، ششصد کیلومتر بوده، این بدین معنی است که در واقع با شبکه ریلی محدود و توسعه‌نیافته‌ای در کشور روبه‌رو بوده‌ایم.

در بخش تولید دارو و صنایع داروسازی به عنوان صنعتی که هم نیازهای جدی را برطرف می‌کند و هم دانش‌بنیان است – و البته یکی از معیارهای پیشرفت اقتصادی یک کشور محسوب می‌شود- در کل توان داخلی می‌توانست بیست و شش درصد، داروی مورد نظر کشور را تولید کند و این در حالی است که این بیست و شش درصد، عمدتاً با کمک شرکت‌های خارجی بوده و تقریباً صنایع داروسازی ملی قابل توجهی در ایران قبل از انقلاب وجود نداشته‌است. در بخش ارتباطات و مخابرات نیز وضعیت چندان مناسبی وجود نداشته، به گونه‌ای که در کل، تعداد مشترکین تلفن به نهمصد هزار نمی‌رسید، چیزی حدود هشتصد و پنجاه هزار بوده‌است.



کل حجم صادرات غیرنفتی به کل صادرات، تنها دو درصد بوده یعنی نود و هشت درصد صادرات همان نفت خامی بوده است که صادر می‌شد

در نرخ تحویل و میزان سطح آموزش نیز به عنوان یکی از معیارها، تقریباً هفتاد درصد بزرگ‌سالان کشور بی‌سواد بودند و این در واقع آمار وحشتناکی است و امکان تحویل تنها برای چهل درصد از کودکان کشور مهیا بوده؛ یعنی از هر صد کودک، شصت نفر امکان رفتن به مدرسه و تحصیل را نداشتند. در بخش آموزش عالی نیز، وضعیت چندان مناسبی وجود نداشته، در کل، صد و پنجاه هزار دانشجو در کشور وجود داشته‌است.

در زمینه مربوط به تولیدات صنعتی، کل تولیدات معدنی ایران، بیست میلیون تن بوده، در حالی که معادن بسیار غنی و متعددی در کشور وجود دارد. تولید سیمان تنها ۳،۵ (سه و نیم) میلیون تن بوده‌است. در بخش صنعت نفت، کل خودکفایی چهار درصد بوده، یعنی صنعت نفت از اکتشاف تا حفاری و استخراج و صنایع بعدی، نود و شش درصد نیازمندی‌های خود را از خارج از کشور تأمین می‌کرده‌است و برای کشوری که



در اندیشه پیشرفت

چشمانمان به دست دیگران

پیشرفت، زمینه برخورداری بیشتر اعضای یک جامعه از امکانات زندگی را فراهم می‌آورد و لذا پیشرفت و توسعه از جمله اهدافی است که تمامی کشورها به دنبال دستیابی به آن هستند. اما سؤال اصلی و مهم این است که پیشرفت چگونه محقق می‌گردد؟ به عبارت دیگر برای تحقق پیشرفت در یک جامعه چه شرایطی بایستی محقق شود؟

دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی رسیدن به پیشرفت وجود دارد، اما می‌توان تمامی این دیدگاه‌ها

را جمع‌بندی نمود و راهکاری دو بخشی برای رسیدن به پیشرفت معرفی کرد. این راهکار دو بخشی عبارت است از «درون‌زایی» و «برون‌گرایی».

درون‌زایی به معنای تحقق شرایطی در اقتصاد است که تمامی منابع و امکانات جامعه به گونه‌ای تجهیز گردند که قدرت زاینده‌گی و تولید مضاعف داشته‌باشند؛ به عبارت دیگر، درون‌زایی به عنوان شرط اصلی در پیشرفت اقتصادی هر جامعه، بیانگر این امر است که تا کشوری، قوای درونی خود را فعال ننماید، نمی‌تواند به پیشرفت دست‌یابد. برون‌گرایی نیز بدین معناست که یک ملت به ظرفیت‌های بیرون از مرزهای خود نیم‌نگاهی داشته‌باشد و از امکانات و فرصت‌هایی که زمینه سرعت بخشیدن به رشد و پیشرفت اوست استفاده نماید.

نکته مهم در این زمینه این است که درون‌زایی و برون‌گرایی دو عامل مکمل در مسیر توسعه است. به عبارت دیگر نمی‌توان با اتکای صرف به یکی از این دو عامل، به پیشرفت رسید. نسخه‌هایی که صرفاً بر درون‌زایی تأکید می‌کند و برون‌گرایی را مورد توجه قرار نمی‌دهد، جامعه را به انزوا می‌کشد، چرا که

تمامی ارتباطات با خارج از مرزها را قطع کرده و امکان استفاده از پتانسیل‌های بیرونی را سلب می‌کند.

برخی نیز برای رسیدن به پیشرفت، صرفاً بر برون‌گرایی تأکید می‌کنند و شرط اصلی توسعه را در گرفتن کمک از کشورهای توسعه‌یافته و پیروی سیاسی و اقتصادی از آنان می‌دانند. این نسخه از توسعه نیز به دلیل در نظر نگرفتن «درون» و ظرفیت‌های درونی، نمی‌تواند پیشرفت را در جامعه نهادینه نماید. بدین معنا که میزان و درجه پیشرفت این جوامع در ارتباط بسیار بالایی با وضعیت کشورهای توسعه‌یافته و میزان کمک به آن‌ها دارد. اگر کشورهای توسعه یافته به هر دلیلی حمایت‌های خود را از این کشورها قطع نمایند، آن‌ها دچار مشکلات فراوان می‌شوند. این «وابستگی» اقتصادی، ثمره عدم فعال شدن ظرفیت‌های درونی و رشد صرفاً بادکنکی و غیرحقیقی یک اقتصاد است.

یک جامعه برای رسیدن به پیشرفت، بایستی بدون نادیده گرفتن امکاناتی که در خارج از مرزها فراهم است، ظرفیت‌های درونی خود را فعال نماید و چرخه‌ای با ثبات و درونی در جهت رشد و رفاه خلق نماید. ■

پرونده نهم:

نقشه خوانی پیش از عملیات



از قرآن شروع کنیم حتی در اقتصاد
در گفتگو با دکتر عادل پیغامی



اقتصاد مقاومتی را بهتر بشناسیم



اقتصاد مقاومتی در برابر اقتصاد متعارف
به سوی الگوی بومی اقتصاد



اقتصادمان عاریتی است یا مقاومتی؟
مقایسه مؤلفه‌های اقتصادی در دو رویکرد

عربستان سعودی

ازبکستان

ترکمنستان

افغانستان

پاکستان

صالحین



در گفتگو با دکتر عادل پیغامی

از قرآن شروع کنیم حتی در اقتصاد

تفسیر سوره‌های ماعون و بلد

« دکتر عادل پیغامی، استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و یکی از نظریه‌پردازان اصلی در حیطه اقتصاد مقاومتی در کشور است، در این گفتار وی به تفسیر سوره‌های ماعون و بلد در قرآن کریم و با رویکرد اقتصادی و توجه به نکات مهم آن می‌پردازد.

بسم الله الرحمن الرحيم

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ قَدْ لَكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿٣﴾ قَوْلٌ لَّأَنفُسِكُمْ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ ﴿٦﴾ وَ يَصْنَعُونَ الْفَاغُونَ ﴿٧﴾

خوب این سوره به وضوح مشخص است و برای ما به صورت واضح، عملیات اقتصادی را مساوی با

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

دین قرار داده و نادیده گرفتن مسئله اقتصاد را مساوی با تکذیب دین قرار می‌دهد. از همان آیات ابتدایی که فرموده است: ارایت الذی یکذب بالدين (آیا دیده‌ای آن کس را که دین و آیات الهی را تکذیب می‌کند، او کیست؟ کسی که یتیم را از خود به قهر می‌راند). تمام حرف بنده این است که در نگاه اقتصاد اسلامی، انسان خلیفه خدا است؛ ما جانشینان خدا بر روی زمین هستیم. نوع انسان، – ممکن است به شخصه بنده نباشم– اما نوع انسان به جانشینی خدا، از طرف خود او بر روی زمین برگزیده شده‌است.

ما به نوعی قائم مقام خدا، بر روی زمین می‌باشیم. جانشین خداوند برای ماموریتی ارسال شده‌است؛ ما رسالت، ماموریت و مسئولیتی داریم و برای این مسئولیت به ما اختیار و آزادی داده شده‌است. به سبب همین مسؤولیت، تمام زمین، آسمان و کائنات برای ما آفریده شده‌اند (سُخِّرَ لَكُمْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. خُلقَ لَكُمْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ). خوب، خلق لکم برای چیست؟ سخر لکم برای چیست؟ ماموریت چیست؟ این امانت‌هایی که می‌گوید: «انا عرضنا الامانه»، یعنی هدف ما از این خلافت و جانشینی که به شما داده‌ایم چیست؟ آن ماموریتی که به عهده ما گذاشته شده چه چیزی است؟ مگر چیزی جز خدمت به خلق خدا و خدمت به عیال الله است؟ اینکه نماز و روزه– یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه– در قرآن کنار نیز آمده‌است،

اینکه به ما سفارش شده که نماز را در کنار عمل به زکات اقامه کنیم. و اینکه نماز خواندن یک رابطه زمین به آسمان است با دست نوازش کشیدن بر سر یتیم در کنار هم قرار داده شده‌است. پیوند آسمان و زمین. به ما اموخته‌اند که اگر «یدع الیتیم» کردید و اگر «لا یحض علی طعام المسکین» را انجام دادید، شما به تکذیب دین پرداخته‌اید .

اگر پیامبر اکرم (ص) فرمودند که از من نیست (مومن نیست)، کسی که شب را تا صبح بخوابد در صورتی که همسایه او گرسنه باشد. ممکن است شما تا صبح نخوابید و نماز شب بخوانید اما از نظر پیامبر اکرم (ص)، مومن و مسلمان نیستید. اگر عملیات اقتصادی و ماموریت خود را اجرا نکرده باشید – که خدمت به انسان است و عرصه اقتصاد یکی از آن‌ها است– اگر به آن عمل نکرده باشید، ظاهر آیات ابتدایی این است که عملیاتی که شما باید در عرصه خدمت به خلق الهی (عیال الله)، بکنید، اقتصادی است و واضح است که این امر یتیم، مسکین و «و یمنون الماعون» است با تکذیب دین و نداشتن ایمان، مساوی قرار داده شده است که ما با تفکر در این امر باید کمی به خود بلرزیم و به هوش باشیم. باید یک مقداری هدفمند بنگریم و یکی از مشکلات ما این است که اساساً به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، برای خود ماموریت خدمت به خلق نمی‌دهیم و مردم را عیال الله نمی‌بینیم.



در حدیث شریف دیگری دارد که محبوب‌ترین کارها نزد خدا، خدمت به عیال الله است.

شهید صدر جمله‌ای دارد که وقتی می‌فرماید: فی سبیل الله یعنی چه، فی سبیل الله؟ خدا مگر به نماز و روزه ما نیازی دارد؟ می‌گوییم خیر، نیازی ندارد، پس چرا ما نماز می‌خوانیم؟ ممکن است بگوییم برای خودمان می‌خوانیم که رشد کنیم، که به تکامل دست یابیم و به قرب الهی برسیم. به قرب الهی برسیم که چه شود؟ زمانی به بنده می‌گویند، به قرب الهی می‌رسید در بهشت، خوب بله آن در بهشت است، اما در زمین، من نماز بخوانم، روزه بگیرم، ایمان به خدا داشته باشم و نماز شب بخوانم که چه شود؟ برای اینکه ماموریت‌های الهی را خوب انجام بدهیم، یعنی من شب نماز می‌خوانم که صبح ماموریت خدا را به خوبی انجام بدهم.

زاهدان شب، شیران روز هستند وگرنه بنده اگر مدام نمازم بخوانم، روزه بگیرم اما ماموریت خود را انجام ندهم همانند چاقویی هستم که مدام آن را تیز می‌کنیم اما با آن چیزی را نمی‌بریم. همانند سلاحی که خشاب آن را پر کنیم اما از آن استفاده‌ای نکنیم و دشمن را با آن نرانیم. ماموریت ما این است که یتیم را از خود نرانیم

و در مقابل یتیم را تکریم کنیم. «و لا یحض علی طعام المسکین»، کسی را بر اطعام مسکین ترغیب نکنیم؛ یعنی ما باید بر روی گفتمان‌سازی، فرهنگ‌سازی و تبلیغ کار کنیم .

ان تقوموا الله مثنی و فرادی، یعنی چه؟ یعنی فی سبیل الله، فی سبیل الله یعنی چه؟ شهید صدر این موضوع را برای ما باز می‌کند و می‌گوید، فی سبیل‌الله یعنی راه خدا. بنده ترجمه آن را از کتاب آیین بندگی در آیینه اندیشه و احساس آورده‌ام. مقدمه بخش عبادات ایشان است از الفتاوی‌الواضحه از رساله شهید صدر، شهید صدر رساله‌ای دارد به نام الفتاوی‌الواضحه، در بخش عبادات مقدمه‌ای دارد که به نام آیین بندگی در آیینه اندیشه و احساس، ترجمه شده‌است. اغلب بچه



بنده اگر مدام نمازم بخوانم، روزه

بگیرم اما ماموریت خود را انجام

ندهم همانند چاقویی هستم که مدام آن را تیز می‌کنیم اما با آن چیزی را نمی‌بریم. همانند سلاحی که خشاب آن را پر کنیم اما از آن استفاده‌ای نکنیم و دشمن را با آن نرانیم

مسلمان‌ها و حزب‌اللهی‌های ما این را نخوانده‌اند، اما همه اینها ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی هستند. اگر شما شهید صدر را بشناسید که چه کسی بود، باید بدانید که پیش‌نویس‌های قانون جمهوری اسلامی ایران را ایشان در عراق می‌نوشتند و برای ایران می‌فرستاد، که این امر جایگاه ویژه‌ای در ایدئولوژی انقلاب اسلامی دارد. همانند شهید بهشتی و شهید مطهری. شهید صدر، فی سبیل الله را راه خدا می‌داند. یعنی زمانی که ما می‌گوییم فی سبیل‌الله، یعنی فی سبیل عیال خدا. راه خدا همان تعبیر تجریدی از راه خدمت به انسانها است زیرا هر عملی که در راه خدا باشد، برای بندگان خدا است، زیرا خداوند از بندگان خود بی نیاز است. زمانی که معبود حقیقی مطلق، بالاتر از هر حد و تخصیصی باشد و خویشاوندی‌ای با گروهی نداشته و در جهت

پرونده نهم | نقشه خوانی پیش از عملیات

صالحین

خاصی قرار نداشته باشد از نظر عملی راه او دائماً با همه بشریت معادل است.

بسم الله الرحمن الرحيم

لَا أَقِيمُ هَذَا الْبَلَدَ ﴿١﴾ وَ أَنْتَ جُلُّ هَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ سوگند به این سرزمین (منظور مکه معظم و کعبه است). می‌فرماید من سوگند به این سرزمین یاد نکنم. «لا اقسم بهذاالبلد»، می‌خواهد اهمیت آن را نشان دهد، برای همین است که با لا شروع می‌کند. «و انت حل بهذا البلد»، و حال اینکه ای رسول، تو در این سرزمین سکونت داری. وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدٌ ﴿٣﴾ و قسم به پدر و فرزندان او . لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ ما به حقیقت، انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. أَلَيْسَ أَنْ لَنْ يُقَدَّرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ آیا انسان می‌پندارد که هیچکس بر او توانایی ندارد؟ یعنی انسان را غروری جاهلانه گرفته‌است. يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾ می‌گوید که من مال زیادی دارم، خرج می‌کنم و آن تلف می‌کنم. أَلَيْسَ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾ فکر می‌کند کسی او را نمی‌بیند. أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ آیا به او چشم ندادیم؟ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ دهان و زبان و دو لب ندادیم؟ وَ هَنَئِنَا النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ آیا او را هدایت نکردیم؟ همه این موارد را گفت، حالا ببینید چه می‌گوید، می‌فرماید: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ باز هم به عقبه تن درنداد و نفهمید. می‌گوید به او چشم دادم، او را هدایت کردم؛ زبان، لب و مال نیز دادم، این فرد غرور دارد و جاهل نیز هست که عقبه را جدی نگرفت. وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ عقبه، جالب است زمانی که می‌گوید «و ما ادراك ما العقبه»، یعنی عقبه یک جایی است که تو آن را نمی‌فهمی. کنایه و تعریض می‌زند. می‌گوید تو چه می‌فهمی که عقبه چیست؟ می‌خواهد بگوید نسبت به مسئله عقبه آگاهی نداری و آن را نمی‌فهمی. من باید به تو بگویم که عقبه کجاست؛ عقبه، آن پرتگاه‌هایی است که اگر دقت نکنید، حتماً پای شما می‌لغزد و به ته دره سقوط می‌کنید. عقبه چنین چیزی است. «فلا اقتحم العقبه»، به آن نیز تن در نمی‌دهی و مواظبت نمی‌کنی و تکلیف خود را انجام نمی‌دهی. سپس زمانی که خوب مفهوم را جا می‌اندازد، با تعریض و کنایه است که می‌گوید وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ، خود او می‌آید و عقبه را به ما یاد می‌دهد. پس تمام در و دیوار، شیاطین، شرور و انس و جن جمع می‌شوند تا ما را به ته این عقبه بیندازند و در این میان غرور و جهالت ما را می‌گیرد تا به عقبه تن درندهیم و از آن مواظبت نکنیم.

صالحین

■ رقبه

سپس می‌گوید: **فَلْكَ رَقَبَةٌ ﴿١٣﴾** رقبه چیست؟ آزاد کردن گردن انسان‌ها. حال یکی بنده است پس او را آزاد کن و دیگری مشکلاتی دارد پس گردن او را از بار مشکلات آزاد کن. «فک رقبه»، یعنی هرکسی مشکلی دارد، مشکل او را برطرف کنید. «فک رقبه»، انسان را آزاد کن که اینها عیال‌الله هستند. **أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾** در روز قحطی و گرسنگی اطعام کن. **يَتِيمًا ذًا مَقْرَبٍ ﴿١٥﴾** به یتیم‌هایی که ابتدا از خویشاوندان (نزدیکان و کسانی که به آن‌ها دسترسی دارید) خودت باشند، رسیدگی کن. حال «ذا مقربه»، به فهم بنده گاهی وقت‌ها، ذا مقربه این است که بنده بگویم، پسرعمو یا پسرخاله بنده می‌باشد که این ذا مقربه است. زمانی می‌شود که تکنولوژی و شبکه‌های مجازی ارتباطاتی، یکی را در آفریقای جنوبی برای بنده، ذا مقربه می‌کند.

■ مسکین و فقیر

أَوْ مِسْكِينًا ذًا مَتْرَبٍ ﴿١٦﴾ مسکینی که مضطر خاک نشین است. ذا متربه از تراب می‌آید، خاکی شده. تفاوت مسکین با فقیر چیست؟ فقیر کسی است که ندارد، اما نداری او به اندازه‌ای نیست که بگویم زمین خورده است. اما مسکین آن است که کامل زمین خورده و فلج است. ما در اقتصاد نیز مشابه همین را داریم. در اقتصاد یک فقر (poverty) و یک (disadvantage) ناتوان داریم. فقیر کسی است که ندارد بخورد اما اگر جلوی او چیزی بگذارد و دستش برسد، حسابی بلد

است. اما (disadvantage) کسی است که فرصت‌ها و نعمت‌ها را جلوی او می‌گذارند، اما بلد نیست چگونه استفاده کند؛ مسکین مشابه (disadvantage) است. **إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ**، زمانی که وقت قحطی، تحریم و مشکلات اقتصادی است، اطعام کنید؛ به یتیم و مسکین پردازید؛ فک رقبه نیز بکنید، گردن مردم را از مشکلات آزاد کنید و این یعنی رقبه. این ماموریتی برای شما است و به این پردازید که به ته دره می‌روید و این عقبه تو می‌باشد. ادامه آیه بسیار مشابه سوره العصر است. **ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَةِ ﴿١٧﴾** اگر این کارها را انجام دادی، جزء کسانی هستی که ایمان داری. فردی با ایمان که تواسوا بالصبر کردی و تواسوا بالمرحمه کردی، مردم را به مهربانی



ما نباید فراموش کنیم که اگر صحبت

از اقتصاد یا عملیات اقتصادی است،

اگر صحبت از مقابله با تهدید دشمن

است، اگر صحبت از هر کاری در

عرصه اقتصاد است، ما به عنوان

جانشینان و ماموران خدا، از سوی

خدا به این عقبه مکلف هستیم.



اگرچه اقتصاد مقاومتی با تعریف و تبیین بسیاری بحث شده اما در ادبیات اقتصاد متعارف، تاکنون تعریف نشده‌است. برای تبیین ریشه‌های علمی اقتصاد مقاومتی، می‌توانیم موضوع مقاومت را بررسی کنیم. در بحثی که درباره شاخص رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۴، توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده، در بخشی از آن به موضوع تاب‌آوری (Resilience) پرداخته شده‌است. در آن بخش، یک کشور مقاوم، این‌گونه تعریف شده‌است: مقاومت برای یک کشور، ظرفیت پذیرش تغییر، تطبیق خود در برابر تغییر، انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و حفظ کارکردهای زیرسیستم‌های یک کشور در شرایط اختلال می‌باشد. ویژگی‌های یک

صالحین



کشور مقاوم در اقتصاد عبارتند از:

۱. جذب اختلال و بحران (مانند موج‌شکن در ساحل دریا): هر کشوری در همه زیر سیستم‌های خود باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و مدیریت کند که در صورت برخورد با مشکلات، بتواند آن موج را در خود جذب کند تا آسیبی به کشور وارد نشود.

۲. دارا بودن سیستم پشتیبان: سیستم پشتیبان در فعالیت‌های رایانه‌ای شناخته شده‌است. این‌که شما باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنید که اگر یکی از کالاها و نهاده‌های حیاتی کشورتان با مشکل مواجه شد، بتوانید از جایی دیگر آن را تأمین کنید. راه تأمین، می‌تواند داخلی یا خارجی باشد، مهم این است که بتوانید آن نیاز را برطرف کنید.

۳. توانایی تطبیق با بحران‌ها: هر سیستمی باید به اندازه‌ای انعطاف داشته باشد تا اگر با مشکل و اختلالی مواجه شد، از بین نرود و بتواند خود را با آن هماهنگ کند. به این ترتیب می‌تواند، اثرات سوء اختلال را به حداقل برساند.

۴. استفاده از بسیج حداکثری امکانات و نیروی انسانی: زمانی که شما به نیروی عظیم مردمی متکی باشید، می‌توانید در مقاطع حساس از این نیروی عظیم، برای حل مشکلات استفاده کنید و اگر نیاز به حضور مردمی داشتید، می‌توانید از حضور آن‌ها بهره‌مند شوید.

۵. بازگرداندن شرایط عادی در زمان بحران: یکی دیگر از ویژگی‌های یک سیستم مقاوم این است که، بتواند در حداقل زمان، شرایط عادی را به سیستم بازگرداند، چرا که اگر شرایط غیر عادی بیش از حد ادامه داشته‌باشد، می‌تواند ضربات مهلکی به سیستم وارد کند. ■

بیان ویژگی‌ها

اگر اقتصادمقاوم داشته باشیم...

اگرچه اقتصاد مقاومتی با تعریف و تبیین بسیاری بحث شده اما در ادبیات اقتصاد متعارف، تاکنون تعریف نشده‌است. برای تبیین ریشه‌های علمی اقتصاد مقاومتی، می‌توانیم موضوع مقاومت را بررسی کنیم. در بحثی که درباره شاخص رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۴، توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده، در بخشی از آن به موضوع تاب‌آوری (Resilience) پرداخته شده‌است. در آن بخش، یک کشور مقاوم، این‌گونه تعریف شده‌است: مقاومت برای یک کشور، ظرفیت پذیرش تغییر، تطبیق خود در برابر تغییر، انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و حفظ کارکردهای زیرسیستم‌های یک کشور در شرایط اختلال می‌باشد. ویژگی‌های یک



اقتصاد مقاومتی

۱ عدم کاهش درآمدها بلکه افزایش درآمدها: «هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که این‌ها می‌تواند هم رونق ایجاد کند -در تولید در اقتصاد- هم موجب رفاه می‌شود.»

۲ عدم افزایش مالیات؛ بلکه کاهش مالیات برای برخی از یگان‌های تولیدی

۳ عدم کاهش خدمات عمومی، بلکه افزایش خدمات عمومی مانند طرح پزشک خانواده و بیمه سلامت

۴ «مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر»

۵ «از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند -دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه گانه- سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛.. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.»

۶ عدم حذف فرصت‌های شغلی بلکه افزایش آن: «دلیل دوم ما امروز که کار برایمان مهم است، این است که امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم ...»

۷ افزایش امنیت اقتصادی، تولید، جذب سرمایه‌گذاری حتی رشد سرمایه‌گذاری خارجی

۸ «استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود، طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره برداری رسید...»

۹ عدم دولتی‌سازی بلکه خصوصی سازی اقتصاد: «اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴؛ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد.»

۱۰ «اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد... هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که این‌ها می‌تواند هم رونق ایجاد کند -در تولید، در اشتغال- و هم موجب رفاه شود؛ این‌ها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند.»

۱۱ «کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست.»

۱۲ «یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن، از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها، مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه‌کند خواهد شد بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت.»

۱۳ «به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. ... اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد.»

یا مفهوم‌شناسی مقایسه‌ای



۱ کاهش مستقیم حقوق‌ها

۲ کاهش غیر مستقیم حقوق‌ها از طریق افزایش مالیات

۳ کاهش و حذف برخی از خدمات عمومی

۴ کم مصرف کردن به دلیل فقر و نداری و از سر ناچاری

۵ روی آوردن مردم به کالاهای خارجی به‌ویژه چینی به دلیل قیمت پائین آن

۶ حذف فرصت‌های شغلی

۷ افزایش ناامنی اقتصادی، کاهش تولید و سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌ها

۸ کاهش بودجه‌های عمرانی و سرمایه

۹ حرکت دولتی‌سازی شرکت‌های ورشکسته از طریق خرید سهام افراد مانند حرکت عجیبی که در جریان بحران اقتصادی آمریکا رخ داد.

۱۰ افزایش ناامنی اجتماعی و جنبش‌های اعتراضی

۱۱ وابستگی به استقراض و وام‌های ربوی از کشورهای خارجی

۱۲ بی‌ثباتی سیاسی و مخدوش شدن استقلال و اقتدار کشور

۱۳ علانی که تاکنون از اجرای طرح‌های اقتصاد ریاضتی در یونان گزارش می‌شود، موفقیت‌چندانی را نشان نمی‌دهد.

صالحین



کوتاه ولی مفید

اقتصادمقاومتی را
بهتر بشناسیم

دکتر حجت‌الله عبدالملکی

استاد دانشگاه و نظریه‌پرداز

اقتصاد مقاومتی

ماهیت نظری اقتصاد مقاومتی چیست؟ در مورد ماهیت اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام در واقع خروجی مکتب اقتصادی اسلام برای زمانی است که در یک شرایط واقعی و در یک شرایط زمانی و مکانی خاص می‌خواهد به وقوع بپیوندد. ما در شرایط فعلی کشور (یعنی از سال ۵۸ به بعد) با یک شرایط زمانی و مکانی خاصی مواجه هستیم. شرایطی که به‌نوعی پر از خصومت‌های اقتصادی است. این خصومت‌های اقتصادی را می‌توانیم تفکیک کنیم به خصومت‌های اقتصادی داخلی و خارجی. خصومت‌های اقتصادی خارجی آن‌هایی هستند که توسط دشمنان خارجی اعمال می‌شوند و به‌نوعی در چارچوب تحریم‌ها و یا در چارچوب فشارهای اقتصادی دشمنان خارجی متجلی شده است. مراد ما از خصومت‌های اقتصادی داخلی، ناکارآمدی‌ها و رفتارهای نامطلوبی است که تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌ها و اجزایی از حاکمیت به معنای مدیران کشور، از خودشان نشان داده‌اند. در چنین شرایطی طبیعی است که اجرای مکتب اقتصادی اسلام مستلزم ایجاد یک نظام جدیدی خواهد بود به این معنا که وقتی شما در فضایی هستید که پر از خصومت‌های اقتصادی است، اجرای مکتب اقتصادی اسلام یک

الزامات ویژه‌ای را خواهد داشت. مثلاً فرض کنید که ما به دنبال تحقق عدالت اقتصادی هستیم، وقتی که فضای اقتصادی بدون دشمنی و غاری از تهدید است، ساز و کار تحقق عدالت اقتصادی می‌تواند متفاوت و راحت‌تر باشد نسبت به حالتی که خصومت‌های اقتصادی وجود دارد. با این بیان نظام اقتصاد مقاومتی در واقع همان «نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام» است. قبلاً صحبت کردیم که نظام یعنی مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و یا مجموعه‌ای از ساختارها و ساز و کارها، که این‌ها در کنار هم شرایط تحقق آن اهداف نهایی را مهیا می‌کنند.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که رهبر معظم انقلاب مطرح کردند و سایر رهنمودهای ایشان به‌نوعی تأمین‌کننده مقدماتی برای طراحی نظام اقتصادی جدید است. در واقع این سیاست‌ها و منویات مواد اولیه و مبانی اولیه را برای طراحی نرم‌افزار و سخت‌افزاری فراهم می‌کند که در صورت تحقق آن، باعث ایجاد یک نظام اقتصادی جدید می‌شود که می‌تواند اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی را محقق کند. بنابراین ما اقتصاد مقاومتی را به لحاظ نظری در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی و نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌کنیم. ■

صالحین



اقتصاد مقاومتی

تنه‌اپیش‌برنده

حکومت و دولت یا قدرت در نظام اسلامی هدف نیست، بلکه ابزار است برای تحقق اهداف اسلام برای تحقق عدالت برای ترویج ارزش‌های اسلامی و احیاء اندیشه‌های والای انسانی اسلام، پس در اسلام دولت و حکومت فرع است و اصل تحقق اهداف اسلامی یعنی تعالی معنوی و رشد مادی حیات مردم.

انقلاب اسلامی با این شاخص‌هایی که برایش وصف نمودیم، بایستی تمامی ابعاد آن نمود آن چیزی باشد که در اصل آن است و آن هم اسلام است؛ یعنی اقتصاد، سیاست و فرهنگ و... آن، خود نشانه اسلام باشد، مقصود این است که اگر فردی نمودی از اقتصاد، فرهنگ و سیاست را که متناسب به حکومت اسلامی است مشاهده می‌کند این را درک کند که این عمل با آنچه که در برخی حکومت‌ها انجام می‌شود متفاوت است و به انسانی بودن و الهی بودن عمل برونی

حکومت اسلامی پی ببرد.

همان‌طور که می‌دانید ما در مسیر نیل به این مقصود هستیم، اما در این نوشتار سعی شده که بُعد اقتصادی گفتمان انقلاب اسلامی بیشتر تبیین گردد. چندیدن سال پیاپی، رهبر معظم انقلاب (مدّ ظله) هر سال را با یکی از محورهای اقتصادی برجسته کردند، البته ایشان در سال‌های پیشین نیز مباحث گوناگونی اقتصادی را مطرح کرده بودند، اما در این ۴ سال توجه ویژه ایشان به این قضیه نشان از اهمیت این مسئله برای دلسوزان و همچنین دشمنان اسلامیت و جمهوریت این کشور عزیز می‌باشد.

ایشان در بیانات خود تأکید دارند که به طور کلی علوم انسانی (به طور اخصّ اقتصاد) بایستی از منظر اسلامی و ایرانی به آن نگریسته شود، به این معنی که مبنای برنامه‌های پیشرفت باید اسلامی باشد و زمینه عملیاتی بنا به مقتضیات کشور ایران باید طرح‌ریزی شود؛ این نشان از این دارد که هر نسخه و ایده اقتصادی نمی‌تواند راهگشای مشکلات اقتصادی کشور ما باشد.

علم اقتصاد و مکاتب اقتصادی و یا نظام‌های اقتصادی در نظریات متعدد خود دارای راه‌حل‌های متفاوت برای مشکلات و چالش‌های اقتصادی است، اما آیا این راه‌حل‌ها برای تمامی کشورها صادق است؟ آیا می‌توان نسخه‌های اقتصادی را جهانی دانست و برای تمامی کشورها آن را تجویز کرد؟

برای ساده‌تر شدن موضوع می‌توان دو بیمار را مثال زد که هر دو از یک بیماری بسیار مهلک رنج می‌برند؛ آیا یک پزشک می‌تواند بدون در نظر گرفتن سابقه پزشکی و انواع حساسیت‌ها و آزمایش‌ها به هر دو یک نسخه و روند درمان را بدهد؟

حال مشکل تورّم را در کشور در نظر بگیرید؛ آیا ما سعی نکرده‌ایم این مشکل را با راه‌حل‌های متعارف (مانند همان پزشکی که یک نسخه به دو بیمار می‌دهد) حل کنیم؟ چرا سعی کردیم اما چون متوجه نبودیم این اقتصاد که از درد تورّم رنج می‌برد علت این تورّم چیست؟ آیا تورّم صرفاً یک پدیده پولی است؟ یا نه، ما دچار یک تورّم ساختاری هستیم؟ یا تورّم ما مشکل در شبکه توزیع و بالا بودن ارزش افزوده بخش

صالحین

خدمات در کشور (رویه‌های سوداگرانه و دلالی) است ؟ یا توَرَم یک پدیده فرهنگی است و به انتظارات مردم از قیمت‌ها ایجاد می‌شود؟ و…

پس این ادعا که پزشکان اقتصادی ما شاید نتوانسته‌اند نسبت مشکلات اقتصادی را با وضعیت کشور بشناسند، ادعایی است که تا حدّ زیادی به حقیقت نزدیک است و این ناشی از آموخته‌های ایشان از درس‌های اقتصادی می‌باشد که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و به چالش‌های اقتصادی یک نگاه کلّ‌نگر وجود ندارد و تمامی دولت‌ها خواسته‌اند مشکلات اقتصادی با دید مقطعی و کوتاه‌مدّت حل کنند و به فکر آثار سیاست‌های خود در بلند مدّت نبوده‌اند.

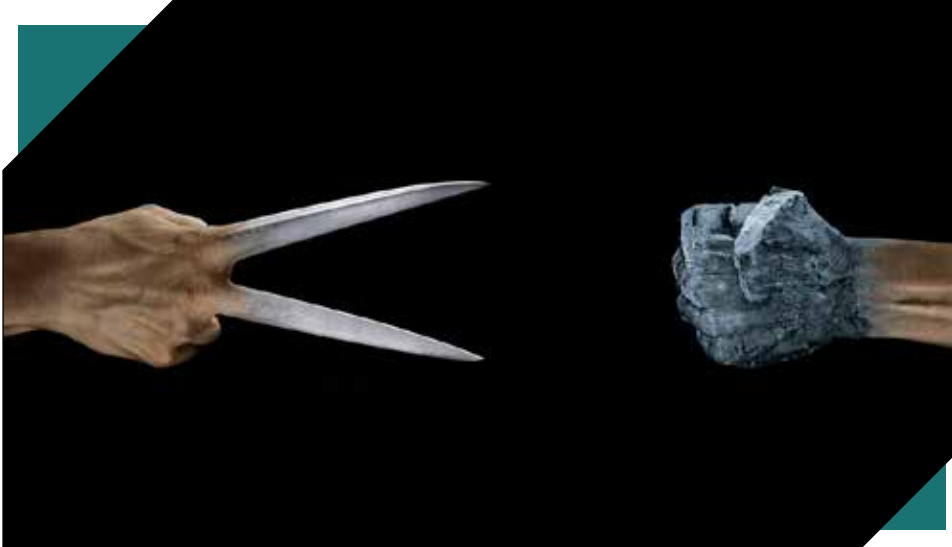
- پس راهکار چیست؟**

اقتصاد مقاومتی

اقتصادی مبتنی بر پیشرفت در شرایط دشوار، با اتّکا بر توانایی‌های داخلی با شناخت ظرفیت‌های بالقوه کشور در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی با اتّکای بیشتر به منابع انسانی، به صنعت کشور به کشاورزی کشور و به تولید کشور بومی‌سازی و خود کفایی صنایعی که ما به دلیل شرایط طبیعی و جغرافیایی دارای مزیت نسبی و رقابتی هستیم؛ مانند ایجاد زنجیره تولید، صنایع پایین‌دستی نفتی و گازی، ایجاد خوشه‌های صنعتی و استفاده از مزیت‌های منطقه‌ای. این‌ها تمامی چیزهایی است که ما در شرایطی که دارای درآمدهای بالای نفتی بودیم و کالاهای ارزان خارجی را وارد می‌کردیم، به فکر مسئولین دولتی نمی‌افتد؛ پس این شرایط اقتصادی اگر چه در کوتاه‌مدّت بسیار سخت باشد، اما با اتّکاء به مردم و استفاده از این ظرفیت‌ها و بسترسازی قانونی و عمل به قانونی برنامه پنجم توسعه و گفتمان رهبر معظم انقلاب (مدّ ظله) می‌توان به آن نائل شد.

اما یادمان نرود که باید این باور و این عزم در وجود ما باشد که ما در شرایط سختی و فشار پیشرفت خواهیم کرد؛ یعنی اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر عزم‌های راسخ است و می‌توانیم با همت بیشتر به جایگاه واقعی خود یعنی اعتلای در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است دست یابیم. ▀

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی



بیست تفاوت

اقتصادمقاومتی در برابر اقتصاد متعارف

به سوی الگوی بومی اقتصاد

«ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی، مادی، ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و از همه مهم‌تر، برخورداری از نیروی انسانی متعهد، کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و … در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف، تداوم پیشرفت، تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا

اقتصاد متعارف، اقتصاد تسلیم در برابر شیطان، هوای نفس در درون و به طریق اولی تسلیم دررفتارهای اقتصادی و انتخاب‌ها می‌باشد.

- ۴. اقتصاد کرامت نفس**

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد کرامت نفس است زیرا با همین نفس محترم در برابر شیطان باید مقاومت کرد. اقتصاد متعارف، اقتصاد ذلت نفس است تا شیطان بتواند بر آن سوار شود.

- ۵. اقتصاد تولید**

انتخاب‌های تولیدی در اقتصاد متعارف، بر اساس سود مادی ملموس کوتاه و بلند مدت است و اولویت با سود کوتاه مدت می‌باشد و حدی برای آن قابل تصور نیست.

انتخاب‌های تولیدی در اقتصاد مقاومتی بر اساس منطق تقوای فردی و جمعیعقلانیت توحیدی و روش اجتهادی است و تعریف سود، ذیل محور توحید می‌باشد و حدی برای تولید در آن قابل تصور نیست.

- ۶. اقتصاد آزادی**

انتخاب‌های مصرفی در اقتصاد مقاومتی برای رشد انسان و رشد مادی و معنوی در اعمال، افزایش قدرت بر کشور وجودی و نفس خود است؛ بنابراین با محدودیت‌هایی برای آزادی نفس از قید مصرف مادی همراه است.

انتخاب‌های مصرفی در اقتصاد متعارف، برای رشد هوی نفس و تسخیرناپذیر شدن نفس، برای انسان است تا شیطاین انسی و جنی بتوانند از قدرت نفس انسان استفاده کنند. بنابراین با آزادی بی‌حد و حصر در مصرف، برای به بند کشیدن نفس، در چهارچوب مادیت همراه است.

- ۷. اقتصاد عدالت**

انتخاب‌های توزیعی در اقتصاد متعارف، برای ایجاد کارآمدی، سودآوری و عدالت در خدمت رشد سرمایه اتفاق می‌افتد.

انتخاب‌های توزیعی در اقتصاد مقاومتی برای ایجاد کارآمدی و عدالت برای ارتقاء فقرا و مستضعفین

پرونده نهم | نقشه خوانی پیش از عملیات

صالحین

- ۱۲. اصول اقتصادی**

اقتصاد متعارف، اصالت فردی است (آنهم فرد غیر توحیدی) و به عبارتی دیگر، اصالت جبر جامعه، متشکل از افراد قدرتمند اقتصادی می‌باشد.

اقتصاد مقاومتی، اصالت جامعه است؛ اما نه به معنای جبر جامعه، بلکه جامعه به مثابه یک انسان قدرتمند. بنابراین فردی که به اندازه یک جامعه سعه وجودی پیدا کند بر آن جامعه اثرگذار خواهد بود. (سعه وجودی امام و ولی به وسعت یک جامعه است)

- ۱۳. اقتصاد قیام، قوام و استقامت**

اقتصاد مقاومتی، قیام (قیام درون‌زا، جوشش از درون)، قوام (یکپارچگی و عدالت اقتصادی در خدمت رشد معنوی و مادی عمومی و عدم تسلط سرمایه‌داران بر دارایی‌های کلان) و استقامت (ضد شکنندگی و انعطاف‌پذیری برای مبارزه با استکبار و احقاق کلمه لا اله الا الله)، دارد.

اقتصاد متعارف، قیام (قیام برون‌زا؛ یعنی حرکت با استعانت از قدرت‌های ملموس مادی) و قوام (یکپارچگی، هماهنگی و عدالت در خدمت رشد سرمایه برای سرمایه‌سالاران) و استقامت (ضد شکنندگی و انعطاف‌پذیری برای استمرار استکبار) دارد.

- ۱۴. اقتصاد ولایت**

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ولایت و امامت حق ولی فقیه یا امام معصوم حاکم، اولی بر مال و جان جامعه است.

اقتصاد متعارف، اقتصاد ولایت و امامت کفر و طاغوت. بنگاه‌های صهیونیستی تلاش دارند بر مال و جان افراد حاکمیت پیدا کنند.

- ۱۵. اقتصاد متقین**

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مومنین، متقین، مستضعفین و مسلمین است.

اقتصاد متعارف، اقتصاد مترفین، میذّرین، کافرین، مشرکین و مستکبرین برای مستضعفین است.

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد متقین برای مستضعفین است.

صالحین



اقتصاد متعارف، اقتصاد مستکبرین برای مستضعفین

است.

اقتصاد متعارف، اقتصاد مقاومتی برای دفاع از مستکبرین در مقابل متقین است و اقتصاد مقاومتی برای دفاع از مستضعفین در مقابل مستکبرین است.

۱۶. اقتصاد ظهور

اقتصاد مقاومتی، راهبرد اقتصادی منتظرین مهدی

(عج) و منتظرین ظهور است.

اقتصاد متعارف، دژ مستکبرین در زمان ظهور است.

۱۷. اقتصاد اربعین

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا و اقتصاد اربعینی است.

۱۸. جهانی‌سازی

اقتصاد متعارف، اقتصادی جهانی است؛ اقتصاد

جهانی مستضعفین در خدمت پنج به علاوه یک و یا اقتصاد همه کشورهای جهان در خدمت چند کشور

منزل ۲) اقتصاد علم تولید و توزیع و مصرف ۳) اقتصاد علم انتخاب . که در اینجا مبنای بحث تعریف سوم است.

۲. امام موسی صدر رهیافت‌های اقتصادی اسلام مالکیت

در اسلام

۳. وقتی پول تنها وسیله‌ای است که انسان را به همهٔ اهداف خویش می‌رساند، دیگر نمی‌توان آن را در حد یک وسیله نگه داشت و بالطبع پول جایگزین همهٔ اهداف می‌شود و به هدف ـ و بلکه بزرگ‌ترین هدف ـ بشر تبدیل می‌شود. این بیماری است که اکنون همهٔ جوامع بشر را مبتلا ساخته است، چرا که دیگر بشر نمی‌تواند بدون واسطهٔ پول، کالاها و اشیا را مستقیماً در برابر نیازهای خویش معنا کند. از دیکتاتوری پول تا اقتصاد صلواتی ـ شهید سید مرتضی آوینی

۴. از همان آغاز با ایمان آوردن به «لا اله الا الله» نقش محوری پول نفی می‌شود و پول به همان جایگاه حقیقی خویش که معادل همگانی بودن است باز می‌گردد. پول سلطان بی‌منازع جهان امروز است و از طریق یک نظام بانکداری پیوسته بر همهٔ کرة زمین حکومت می‌راند، و باز هم باید تکرار کنیم که آنچه به پول قدرتی اینچنین بخشیده ماده‌گرایی بشر است.

۵. **وَ مَنْ يُشَقِّ اللَّهُ لِهٖ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛**(۶) در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، بخصوص اگر مثل جامعهٔ نظام جمهوری اسلامی آرمانهای والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهر آگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخشهای مختلف تقوای اجتماعی را میتوان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۹۴

۶. شهید صدر

۷. در نظام اسلامی کار هر کس مستقیماً بر اعتقادات و تمایزات کیفی و روحی افراد بنا می‌شود و آنچه انسان‌ها را به کار وا می‌دارد نه پول، که عشق است. مؤمن تابع اعتقاد خویش است نه اقتصاد، و عمل او مستقیماً بر نیت اوست که بنا می‌شود. در سیستم کارخانه‌ای، کارگر و کارمند پیوند اعتقادی خویش با کارش را از دست می‌دهد و بالاجبار، فقط برای امرار معاش دست به‌کار می‌زند و از آنجا که همهٔ احتیاجات او با پول برآورده می‌شود، این پول است که غایت آمال و مبدأ و میزان همهٔ ارزش‌ها می‌شود. از دیکتاتوری پول تا اقتصاد صلواتی

۸. امام موسی صدر در کتاب رهیافت‌های اقتصادی اسلام به تعریف جامعه اشاره می‌فرمایند و در آن تعریف جامعه را انسان به علاوه کار می‌دانند و کار را به دنیوی اقتصادی و اعتقادی تقسیم می‌کند.کار اقتصادی به این معنا که مزد معادل ارزش کاری است که انسان انجام می‌دهد.اما کار اعتقادی کاری است که مزد به اندازه کار انجام شده نیست (کثر است).

الگوی مصرف

تفاوت ما با غرب

الگوی مصرف در اسلام

الگوی مصرف در مکتب سرمایه‌داری با مکتب اسلام تفاوت بسیار دارد. در اسلام، مصرف به منظور رفع نیازهای اساسی و به جا توصیه شده‌است. اما در نظام سرمایه‌داری، مصرف، نوعی قوه محرکه برای تولید و افزایش ثروت سرمایه‌داران محسوب می‌شود. برای مصرف بیشتر جوامع، به روش‌های مختلف، انسان را به مصرف بیشتر و بیشتر تحریک می‌کنند تا اینکه سود سرمایه‌داران فزونی یابد. شاید بتوان گفت، علت اساسی خصومت‌های غرب با نظام مکتب‌ساز جمهوری اسلامی نیز به همین دلیل است. مکتب اسلام و ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی، تهدیدی جدی برای سرمایه‌داری به شمار می‌رود. در واقع، علت اصلی خصومت‌های غرب با جمهوری اسلامی، تحقق یک خطر اقتصادی شدید برای غرب، در اثر رشد نظام جمهوری اسلامی است.

هدف غایی اقتصاد سرمایه‌داری

به صورت خلاصه می‌توان گفت، مبنای تمدن غرب بر پایه ماتریالیست و اومانیسزم است. در این فضا، هدف غایی‌ای که در نظر گرفته می‌شود، حداکثر لذت مادی است و برای حداکثر لذت مادی، لازم است که



مصرف انبوه اتفاق بیفتد؛ برای مصرف انبوه نیاز است که درآمد، وجود داشته باشد و برای درآمد، احتیاج به تولید و بازار برای فروش دارند. برای تولید، به تکنولوژی، نیروی کار و مواد اولیه احتیاج دارند. در مبحث تولید، بحث مواد اولیه است که مواد اولیه تمدن غرب در حال حاضر، نفت و گاز است. چرا که بالای پنجاه درصد اقتصاد آمریکا به وسیله نفت و گاز است. کشورهای اروپایی نیز تقریباً به همین ترتیب هستند. بخش قابل توجهی از نفت و گاز در کشورهای جهان اسلام وجود دارد. برای کسب درآمد، مسئله بازار به میان می‌آید. کشورهایی که با فروش نفت پولی به دست می‌آورند تا همان کالاهایی را که غربی‌ها تولید می‌کنند، مصرف کنند.

سیاست‌های اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی

در اثر انقلاب اسلامی که شعار مبنایی آن اسلام می‌باشد و اسلام نیز سیاست‌های اقتصادی دارد و سه جزء مهم و ارزشی در سیاست‌های اقتصادی اسلام، علم، کار و بهره‌وری است. علم یعنی رشد تکنولوژی، کار یعنی ارتقا نیروی کار و بهره‌وری یعنی کاهش خام فروشی است. این سه، موجب نفی سلطه غرب می‌شود، یعنی اگر کشورهای مسلمان این الگو را اجرا کنند، دیگر غربی‌ها نخواهند توانست نفت و گاز آن‌ها را به تاراج ببرند و نمی‌توانند محصولات آنان را به این اقتصادها غالب کنند و این یعنی سقوط تمدن غرب.

در واقع الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در جریان بیداری اسلامی، مهم‌ترین خطر برای سقوط تمدن غرب است که علت اصلی خصومت‌های اقتصادی آن‌ها علیه ما

صالحین

نیز در سال‌های اخیر است.

اهمیت نوع نگرش به مصرف

در جهان معاصر، چرخش قدرت، ثروت و … همسو با هدف توسعه و گسترش نظام سرمایه‌داری بر مبنای سود و مصرف بیشتر صورت می‌گیرد. در این زمینه، نظام سرمایه‌داری لیبرال، از همه امکانات و ابزارها شامل رسانه، فروشگاه‌ها، جنسیت انسان، اندام، پزشکی و … برای فروش بیشتر و حتی تبدیل آن به «ایدئولوژی مصرف» در تولید، توزیع و مصرف انواع محصولات به صورت ابزاری، استفاده می‌کند. لذا چگونگی شکل‌گیری «جهان بینی مصرف»، مقدم بر ارزیابی الگوی مصرف است.

طبق نظریه‌های جدید اقتصادی توسط نظریه‌پردازان سرمایه‌داری تولید، انگیزه برای مصرف، هم در مبانی نظری و هم عمل، از تفاوت‌های اصلی با نظام سرمایه‌داری سستی است. ایجاد اشتیاق، حرص و علاقه به «خرید»، یکی از محورهای اصلی در تنظیم الگوی مصرف در جوامع (به خصوص کشورهای جهان سوم) است. در همین راستا، به نظر می‌رسد مطابق با این الگو که مردم به بازار رفته و خرید می‌کنند، اشتباهی فاحش (حتی در رسیدن به سطح مطلوب رفاه در زندگی) می‌باشد.

حال این نوع زمینه شکل‌گیری مصرف را می‌توان گفت که به بحران ۱۹۲۹، آمریکا و ورود این کشور به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که مصرف به قوای محرکه نظام سرمایه‌داری تبدیل شد و آمریکا از طریق جنگ جهانی دوم و تغییرات اقتصادی که در خود به وجود آورد، توانست به بازار بزرگی از مصرف به وسعت جهان دست یابد و در همین راستا، سبک زندگی جدیدی از نظام الگوی مصرف شکل گرفت و کشورهای جهان سوم به ناچار سیاست‌های اقتصادی خود را بر مبنای سود برای نظام کاپیتالیسم تنظیم کردند. از همین رو باید گفت مصرف، یکی از ارکان نظام اقتصادی غرب است، چرا که اصولاً عرضه و تولید بیشتر هنگامی ضرورت پیدا می‌کند که تقاضا و مصرف بیشتر در جامعه موجود باشد و تقاضا و مصرف بیشتر نیز مستقیماً بر تبلیغات مبتنی است.

تبلیغات مهیج مصرف

نیازهای حقیقی بشر محدود است و زمانی که از حد طبیعی اشباع (سیر شدن) گذشت، دیگر در وجود

صالحین



در بعضی شاخص‌ها مصرف ما (مانند انرژی، کالاهای لوکس، تولیدهای صنعتی، لوازم زندگی و ...) از کشورهای اروپایی نیز بیشتر است و گوی سبقت را در این زمینه از آن‌ها ربوده‌ایم

او میل و گرایشِ برای مصرفِ باقی نمی‌ماند. بنابراین تنها راهی که در این حالت برای تشویق و ترغیب جامعه به مصرفِ بیشترِ باقی می‌ماند، این است که کالاهای مصرفی جلا، تزئین و تنوع بیشتری پیدا کنند و همچنین با ایجاد گرایش‌هایی انحرافی مثل، مدگرایی، تجدد طلبی و ... در او تقاضای بیشتری برای مصرفِ ایجاد کرد. از طرفی، توسعه بازار و جست وجوی بازارهای جدید، راهی دیگر محسوب می‌شود. جوامع غربی امروز، به غایتی جز لذت، نظر ندارند و تنوع‌گرایی و افراط در این زمینه نیز رواج بسیار یافته است.

روژه گارودی در کتاب «هشدار به زندگان»، نوشته است: اقتصاد آزاد برای رفع احتیاج بازار نیست، بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است. مصرف بیشتر برای تولید بیشتر، ضرورتِ ختمی اقتصاد امروز است، چرا که اگر کالاهای تولید شده مصرف نشود، امکان توسعه تولید وجود نخواهد داشت. بنابراین، برای تولید بیشتر – که ضرورت توسعه اقتصادی است– باید مردم را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب کرد و بدین علت است که تبلیغات، (پروپاگاندا^۲) یکی از ارکان اساسی و پرکاربرد در این زمینه است.

همچنین ارنست ماندل در کتاب «علم اقتصاد»^۳ می‌گوید: چرخ‌های تولید با چنان سرعتی می‌چرخد که کوچک‌ترین درنگ مصرف‌کننده در خرید، تمامی بنای اقتصاد را به لرزه می‌افکند. متخصصان تکنیک‌های جدید، از بازاریابی گرفته تا روابط عمومی، کارشناسان تبلیغات و ... تصمیم دارند که این «درنگ» را از میان بردارند یا آن را پیش بینی کنند. این آلت فعل شدن

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

مصرف کننده که دفاع از سرمایه‌داری را به عنوان نظامی که آزادی مصرف کننده را تضمین می‌کند، به باد تمسخر می‌گیرد، به حادث‌ترین شکل بیگانگی انسان، منتهی می‌گردد. به کار بستن وسایل فراگیر اقتناع افراد که نیروهای ناخودآگاه و غریزی انسان را بیدار می‌سازد، تا او را به خریدن و «انتخاب» کردن وادار کند و مستقل از اراده و آگاهی خود عمل کند.

■ **وضعیت فعلی مصرف**

اما در نظام جمهوری اسلامی که سودای تحقق تمدن اسلامی را در سر می‌پروراند، مصرف‌های بی‌رویه، تقلید و تسلیم نرم جامعه در برابر اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال، کار را کمی دشوار کرده است، به حدی که در بعضی شاخص‌ها مصرف ما (مانند انرژی، کالاهای لوکس، تولیدهای صنعتی، لوازم زندگی و ...) از کشورهای اروپایی نیز بیشتر است و گوی سبقت را در این زمینه از آن‌ها ربوده‌ایم. حال آنکه آن چیزی که در مکتب اقتصادی اسلام گفته می‌شود با نظام الگوی مصرف فعلی در تضاد است.

■ **ارتباط مصرف با رفاه**

از منظر اسلام، الگوی مصرف باید به نحوی باشد که انسان را در مسیر کمال، سعادت و رسیدن به این موارد قرار دهد. اما ما امروزه به نحوی سرگرم و حتی شاید اسیر مصرف‌گرایی شده‌ایم و زندگی به صورت لهو و لعب درآمده‌است. حال این که، مشکلات اساسی جامعه ما، بلکه جوامع دنیا در همین جهان‌بینی غلط غربی و حاکمیت سرمایه‌دارها بر انسان‌ها است. مردمی که تمام عمر خود را صرف کسب درآمد و تهیه وسایل زندگی می‌کنند و این نیازها و احتیاجات مدام از طریق رسانه‌ها، پزشکی و ... به ما القا می‌شود و فکر می‌کنیم، رسیدن به این موارد رسیدن به رفاه، آسایش و سعادت است.

در حالی که مکتب اسلام، راه رسیدن به سعادت، رفاه و آرامش حقیقی را به ما نشان داده است اما عملاً به آن توجهی نمی‌شود. ما در مکتب اقتصادی اسلام، مؤلفه‌هایی چون عدالت، عزت، جهاد، مبحث ارضاء و نیاز، سبک زندگی و ... را داریم که درباره الگوی مصرف نیز قابل تبیین و ارائه هستند. در مکتب اقتصادی اسلام در زمینه عدالت، عدالت توضیعی (پرداخت حقوق انسان‌ها که در حوزه مصرف شامل خمس، زکات و ... می‌شود) و عدالت تخصیصی (پرداخت حقوق اموال) می‌باشد.

عدالت تخصیصی یعنی رعایت وجه قوامی اموال. در آیه پنجم یا ششم سوره مبارکه نساء می‌فرماید: « ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما»، این آیه به صراحت می‌فرماید که اموال، مایه قوام فرد و مایه قوام جامعه اسلامی هستند. در واقع عدالت تخصیصی به معنای این خواهد بود که وجه قوامی اموال رعایت شود که این الزام‌ها و اقتضاها را در رفتار مصرفی و در الگوی مصرفی ایجاد می‌کند. عدم اسراف و تبذیر، خودکفایی، تولید ملی و بهره‌وری صحیح از منابع، عدم مصرف کالاهای بی‌فایده و کم‌فایده همانند کالاهای لوکس، احتکار و زمانی‌که تقاضا برای کالاهای بی‌فایده افزایش پیدا می‌کند، تولیدکنندگانی نیز به طمع سود، وارد این عملیات می‌شوند و بخشی از نهاده‌های تولید را که می‌تواند به مصرف کالاهای ضروری و کالاهای مفید برسد، جهت‌دهی و صرف کالاهای لوکس می‌کنند.

■ **الزامات تحقق رفاه حقیقی**

برای تحقق این مهم (رسیدن به تمدن اسلامی و سعادت حقیقی)، راهی جز پیاده‌سازی مکتب اقتصادی اسلام و مقابله با نظام سرمایه‌داری لیبرال وجود ندارد. چرا که برخی از مسئولان نظام، سعی دارند با بهره‌جویی از این نظام اقتصادی غرب، جامعه اسلامی را به پیشرفت برسانند که این چیزی جز خیالی خام نیست .

حال به نظر می‌رسد برای رسیدن به الگوی مطلوب مدنظر اسلام، باید بر روی مبحث‌هایی چون فرهنگ اقتصادی، مدیریت جهادی، سبک زندگی ایرانی– اسلامی، اصلاح نظام آموزشی، جهاد اجتماعی، بهره‌وری صحیح از منابع، دانش‌بنیان شدن اقتصاد، تقویت خودکفایی و تولید ملی و ... می‌باشد و باید تلاش‌ها و نظریه‌ها به این سمت معطوف شود و مسئولان نیز باید با بهره‌مندی از این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، نظام اسلامی و جامعه را به سمت ایجاد الگو و تمدن اسلامی سوق دهند. ■

[۵]بی‌نوشت:

۱. آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، صفحه ۲۶)

۲. propaganda

۳. Marxiiirche Wirtschafts Theorie



چارچوب اقتصاد انقلاب اسلامی

لِزوم جهاد اقتصادی

در تاریخ اقتصادی انقلاب، الگوهای کوچک و بزرگی به چشم می‌خورد که می‌تواند راهنمای ما در تدوین گفتمان اقتصادی انقلاب باشد. وقوع این الگوها از همان روزهای اول پس از انقلاب شروع می‌شود و تا همین الان قابل رصد است؛ الگوهایی که گاه در قالب فرمانی مشخص از سوی امام و رهبر، خود را به ثبوت می‌رساند و نهادی بی‌همتا همچون جهاد سازندگی را شکل می‌دهد و جنبشی در مردم ایجاد می‌کند و گاهی هم بدون تابلوی مشخص و یا اراده‌ای معین، در فضای اجتماعی شکل گرفته از انقلاب، رشد و نمو می‌کند و صندوق‌های قرض‌الحسنه اسلامی را متبلور می‌سازد. الگوهایی که گاه در نهضت سیلوسازی و گاه در صنایع

دانش‌بنیان خود را نشان داده است.

■ **اصول راهبردی گفتمان اقتصادی انقلاب**

حال چه باید کرد؟ به نظر، اولین کار این است که مشخصات شناسنامه‌ای و مادرزادی این گمشده را فهرست نماییم تا بلکه اراده‌های انقلابی، روزی او را بیابند و به خانه انقلاب بازگردانند؛ از این‌رو با یک بررسی تاریخی شتاب‌زده، می‌توان یک‌سری اصول راهبردی متمایز را برشمرد که شاکله و چهره اصلی گفتمان اقتصادی انقلاب را شکل می‌دهند. در این مجال نمی‌توان به تشریح و تفسیر این خصوصیات پرداخت و فقط فهرست‌وار از کنار آن می‌گذریم:

چشم‌انداز مشترک تمام عرصه‌های اقتصادی انقلاب، ابتدائاً استقلال بوده است و سپس رشد، نه بالعکس. رشد به خودی خود، برای اقتصاد انقلاب اصالت ندارد؛ مگر اینکه از مسیر استقلال دنبال شود. رشد شتابان صنایع استراتژیک همچون صنعت نیروگاهی، تبلور این اصل است.

بدیهی است استقلال در ایستایی نیست؛ چراکه اساساً انگیزه انقلاب، عبور از وضع موجود بوده است. دستیابی به استقلال، مقطعی رخ نمی‌دهد، بلکه فرآیندی است زمان‌بر. پس رمز استقلال هم در پویایی و بالندگی است. «پیشرفت اقتصادی»، کلیدواژه‌ای است که این استقلال‌طلبی بالنده و رشد تابعه آن را نام‌گذاری می‌کند.

اولویت‌های پیشرفت اقتصادی انقلاب، با تکیه بر نیازها و اولویت‌های توده مردم و به‌ویژه مستضعفان تعیین می‌شده است؛ نه با هدف‌گیری و فراگیر جلوه دادن نیازها و اولویت‌های قشر اقلیت مصرف‌گرا و اشرافی. انقلاب اسلامی، موجودی مردمی است و لذا تمام ساحت‌هایش و از جمله اقتصاد، با مردمی بودن توصیف می‌شود. اقتصاد انقلاب، مردمی است، به معنای اتم کلمه. نیاز و اولویت مردم، اشرافی‌گری و مصرف‌زدگی نیست، بلکه زایش کار و تولید و نوآوری و پویایی است که ثمره آن (و نه علتش)، رفاه و ثروت هم خواهد بود. خودکفایی‌های مستمر شکل گرفته در اقتصاد انقلاب اسلامی، ثمره هدف‌گیری و اتکا به نیازها و اولویت‌های مردمی بوده است.

پرونده نهم | نقشه خوانی پیش از عملیات

صالحین

اقتصاد انقلاب اسلامی، قدرت ایجاد نهادهای مخصوص به خود را هم داشته است و در این زمینه، اتفاقاً وامدار تجارب دیگران هم نبوده است. جهاد سازندگی در قله این حرکت نهادی بوده. نهادهای اقتصادی انقلاب اسلامی، اولاً غیر وزارتخانه‌ای و غیرخصوصی بوده‌اند، ثانیاً متکی به نیروهای داوطلب مردمی و ثالثاً مأموریت گرا (و نه وظیفه‌ای).

سازماندهی و راهبری اقتصاد انقلاب اسلامی، نه بر بروکراسی بی‌خاصیت دولتی و نه بر فرصت‌جویی خودکامانه سرمایه‌داری، بلکه بر اصل مدیریت جهادی استوار بوده است. پشتیبانی مهندسی و تدارک امکانات و مایحتاج اقتصادی جبهه‌های جنگ در طول دفاع مقدس، نمونه مجسمی از مدیریت جهادی بوده است که هنوز هم گوهر نامشهود اقتصاد انقلاب اسلامی است و ده‌ها سال کنکاش لازم است تا کشف و تئوریزه شود.

مردم در اقتصاد انقلاب اسلامی، نه‌تنها حاشیه‌نشین و یا صرفاً طرف مصرف و تقاضا نبوده‌اند، بلکه در پیشرفت اقتصادی عاملیت داشته‌اند. حضور مردم در اقتصاد، توان ریل‌گذاری‌های جدید و پیشبرد بزرگ‌ترین اهداف را با صرف کمترین منابع داشته است. اقتصاد انقلاب اسلامی نشان داده است نه‌تنها در تنگناها و بحران‌ها، بلکه حتی در بالندگی و رشد اقتصادی هم، مردمی شدن اقتصاد، تنها راهبرد مؤثر و اصیل بوده است. نهضت مدرسه‌سازی و مسکن‌سازی الگوهایی از این امر بوده‌اند.

تعاون در اقتصاد انقلاب اسلامی، نه یک زیربخش، بلکه یک رویکرد راهبردی به فعالیت‌های اقتصادی بوده است. مدیریت توزیع کالا در دوره دفاع مقدس توسط تعاونی‌های مردمی که در هر کوچه و برزنی بود، الگوی این امر است. مع‌الاسف واردات الگوهای شرقی در این عرصه، کار را بر آینده تعاون در اقتصاد انقلاب اسلامی دشوار کرد.

اقتصاد انقلاب اسلامی، گمشده و کمتر صحبت از او به میان می‌آید؛ اما هست و نفس می‌کشد و فعالیتش را کمابیش ادامه می‌دهد؛ اما کجایند آن اراده‌های آهنین و انقلابی که در جهاد اقتصادی امروز، کار را به‌دست گیرند و عرصه اقتصادی انقلاب را بازسازی کنند؟ ■

صالحین



تولید ملی رمز خشی سازی

دعوت به پویش تولید ملی و ایرانی

برای روشن شدن این مسئله که چرا تولید ملی اهمیت دارد و در حوزه اقتصاد مقاومتی، مورد تأکید قرار می‌گیرد، لازم است بررسی‌ای بر اثراتی که تقویت تولید ملی دارد، انجام شود و تأثیری که در خشی‌سازی توطئه‌ها و خصومت‌های اقتصادی دشمنان، می‌تواند داشته باشد، تبیین گردد. می‌توان برای تقویت تولید ملی، شش اثر بسیار مهم بیان کرد که این شش اثر، هر کدام به نوعی خشی‌کننده بخشی از برنامه‌های اقتصادی دشمنان علیه کشور است.

اولین اثر تقویت تولید ملی، افزایش موجودی کالا در اقتصاد است. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد،

یکی از اهداف عملیاتی دشمنان ایران در حوزه اقتصاد، کمبود کالا و قحطی می‌باشد و طبیعی است که با تقویت تولید ملی، نیازمندی‌های جامعه در داخل کشور تولید می‌شود و آن وضعیت کمبود کالا و قحطی محقق نخواهد شد.

دومین اثر تقویت تولید ملی، کاهش تورم است. این مطلب را که بر اساس قواعد اولیه اقتصاد، کاملاً عقلانی و منطقی است، با افزایش مقدار تولید و موجودی کالا در اقتصاد، اگر شرایط دیگر ثابت باشند قیمت کالا کاهش پیدا می‌کند و یا این‌که حداقل سرعت رشد قیمت کالاها، کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی نرخ تورم کم می‌شود. پس دومین اثر تقویت ملی، قطعاً کاهش تورم و کاهش سطح قیمت‌ها خواهد بود.

سومین اثر، کاهش وابستگی به کالاهای خارجی است. طبیعتاً اگر ایران تولید ملی خود را تقویت کند به نحوی که کمیت و کیفیت کالاهای داخلی بهبود پیدا کند، مقدار تولید افزایش یابد و کیفیت کالاها نیز بهتر شود، خود به خود تمایل مصرف‌کننده ایرانی برای خرید کالای خارجی کمتر خواهد شد و این یعنی کاهش وابستگی به کالای خارجی است و کاهش وابستگی به کالای خارجی یعنی کاهش نیاز به ارز که درواقع اثر چهارم تولید ملی است.

اثر چهارم، کاهش نیاز به ارز است. اگر بتوان نهاده‌های مورد نیاز برای تولید را در داخل کشور تولید کرد، این خود یک گامی در جهت تقویت تولید ملی می‌شود، در این صورت برای واردات نهاده‌ها، نیاز کمتری به ارز خواهد بود؛ یعنی هم برای خود کالاهای نهایی و هم برای واردات نهاده‌های تولید به ارز کمتری نیاز است و در این صورت کاهش نیاز کشور به ارز اتفاق می‌افتد.

اثر پنجم، تقویت تولید ملی، افزایش اشتغال و درآمد خواهد بود. یکی از نیازمندی‌های تولید، نیروی کار است و می‌توان با تقویت تولید ملی، شرایط را برای استخدام تعداد بیشتر نیروی کار فراهم کرد و این امر موجب کاهش بیکاری می‌شود. همچنین، اگر تقویت تولید ملی موجب تقویت سودآوری در بخش تولید شود، منجر به افزایش درآمد کسانی خواهد شد که هم‌اکنون در بخش تولید مشغول به فعالیت هستند. افزایش اشتغال و درآمد یعنی افزایش رفاه، پس به‌طور کلی، تقویت تولید ملی، رفاه تولیدکننده و تمام افرادی

که مشغول به امر تولید هستند، افزایش خواهد داد.

اثر ششم که حائز اهمیت است، افزایش درآمدهای دولت می‌باشد. دولت برای انجام وظایف خود به درآمد احتیاج دارد. وابستگی بسیار زیاد درآمد دولت‌های مختلف به نفت، باعث شد که تحریم‌های نفتی، فشار نسبتاً قابل توجهی را به اقتصاد ایران وارد کند. اگر اقتصاد ایران بتواند به صورت قابل توجهی تولید ملی را افزایش دهد، بودجه دولت تقریباً از نفت جدا می‌شود و از طریق مالیات‌هایی که مربوط به تولید است، درآمدهای دولت تأمین می‌شود. در ایران چند مالیات مهم وجود دارد که به تولید مرتبط هستند: مالیات بر درآمد، که طبیعتاً مربوط به کسانی می‌شود که درآمدی کسب می‌کنند و بخش زیادی از نیروی کار که در بخش تولید فعال هستند. بنابراین افزایش تولید که موجب افزایش درآمد می‌شود، درآمدهای مالیاتی مربوط به درآمد را در کشور افزایش می‌دهد. مالیات بر سود وجود دارد که آن نیز به بخش تولید مرتبط می‌شود. زمانی که تولید ملی افزایش پیدا می‌کند، مقدار سود نیز بیشتر می‌شود و مالیات بر سود هم افزایش پیدا می‌کند. مالیات بر ارزش‌افزوده که در واقع از مصرف‌کننده اما از کانال تولید گرفته می‌شود، یعنی تولیدکننده، مبلغی را به قیمت کالا به عنوان مالیات بر ارزش‌افزوده اضافه کرده و از مصرف‌کننده اخذ می‌کند و به سازمان مالیاتی که همان دولت است، پرداخت می‌کند. پس در اینجا اگر مقدار تولید افزایش پیدا کند، چون مقدار فروش افزایش پیدا می‌کند، درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش پیدا می‌کند.

مواردی که گفته شد (کاهش تورم، کاهش بیکاری، افزایش موجودی کالا و به صورت کلی یعنی افزایش رفاه عمومی)، عبارت است از خشی کردن توطئه‌های اقتصادی که قرار بود در جهت خلاف این موارد نتیجه دهد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، دشمنان ایران به دنبال کاهش موجودی کالا یا قحطی و به دنبال افزایش تورم و بیکاری بودند و تمامی تحریم‌هایی که اعمال می‌کردند از جمله: تحریم‌های نفتی، بانکی و تحریم‌های کالایی در این راستا بودند، لذا تقویت تولید ملی به خودی خود می‌تواند بخش قابل توجهی از توطئه‌های اقتصادی دشمنان را خشی کند. بنابراین تولید ملی و تقویت آن، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. ■

صالحین



می‌تواند در آن دخالت مهمی داشته‌باشد. اگر این اتفاق رخ دهد می‌توان در مرحله بعدی به این مسئله اندیشید که کشور در چه کالاهایی مزیت نسبی دارد و در چه کالاهایی ندارد. چنانچه کشور در تولید کالاهای داخلی‌ای که هیچ‌گونه مزیت اقتصادی ندارد واردات را صورت بدهد، به یقین آثار اقتصادی بهتری را به دنبال خواهد داشت. اما در وضعیت کنونی که کشور به صورت کلی با مشکل تأمین ارز برای مصارف ضروری کشور روبروست (به عنوان مثال واردات کالاهای واسطه‌ای برای تولید) باید به فکر تولید داخل و مصرف آن‌ها بود.

❧ موضوع دومی که بسیار حائز اهمیت است، بحث اشتغال در کشور است. در نگاه نخست ممکن است این‌گونه به ذهن متبادر شود که فراهم کردن اشتغال امری است که صرفاً به مسئولین مرتبط است و باری بر دوش مردم نیست؛ اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که خرید محصولات داخلی توسط مردم می‌تواند بزرگ‌ترین حامی اشتغال جوانان باشد. در واقع مسئولیت اجتماعی که در این عرصه بر عهده مردم است چه بسا که اهمیتی بیشتر از سیاست‌های دولتی داشته‌باشد.

بر اساس آمار از میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله، ۲۲٪ (معادل ۱/۵ میلیون نفر بیکار وجود دارد. محاسبات اقتصادی نشان می‌دهد که اگر هر ایرانی فقط روزی هزار تومان از مصارف خود را به کالای داخلی تخصیص دهد، برای این ۱/۵ میلیون نفر جوان بیکار شغل ایجاد می‌شود. ■

دینی آن مورد بررسی قرار دهیم. این تمایز به دلیل نگاه‌های سکولاریستی به حوزه اقتصاد مقاومتی نیست و تنها در حوزه حکمت نظری می‌خواهیم بررسی کنیم. تحلیل‌های علمی و عقلی صرف، در علوم اسلامی کاملاً جایز شمرده می‌شود، کما اینکه بزرگ‌ترین مصداق آن نیز علم فلسفه اسلامی است. از آن جایی‌که اقتصاد مقاومتی هم می‌تواند در حوزه علوم اسلامی قرار بگیرد، فارغ از بُعد نقلی به بررسی آن می‌پردازیم. اهمیت دیگر این نگاه، مشمولیت غیر مسلمان‌ها در دایره تکلیف‌گرایی است که به قوّت عناصر این جبهه می‌تواند بیافزاید؛ اتفاقی که در دوران جنگ تحمیلی رخ داد و به‌خوبی کشور از آن بهره برد.

برای بررسی عقلی چرایی مصرف کالای داخلی باید به چند نکته اشاره کنیم که این نکات هیچ ارتباطی به مذهب بودن یا نبودن ندارد و دلایلی است مبنی بر این که هر کسی که در خاک ایران زندگی می‌کند، اگر می‌خواهد وضعیت کشور از نظر اقتصادی بهتر شود باید کالای داخلی مصرف کند.

❧ کشور ما که به شدّت به دلارهای نفتی وابسته است، در شرایط تحریم نفتی با مضیقه ورود دلار به کشور روبرو شده‌است؛ پس الآن که در کشور عرضه دلار در کشور کم شده‌است، به تبع، باید دلار به جهت ورود کالاهای مصرفی خارج نشود؛ چرا که ذخایر ارزی کشور روز به روز کاهش یافته و در آینده نه چندان دور مشکلاتی عاید‌های را ایجاد خواهد کرد.

کمک به ذخایر ارزی کشور با مصرف کالاهای داخلی از مهم‌ترین نکاتی است که مصرف‌کننده

مصرف عقلانی

چرا ایرانی بخریم؟

مهم‌ترین عنصر مردمی اقتصاد مقاومتی در بعد مصرف‌کننده، مشتری کالای داخلی بودن است. مردم به عنوان مصرف‌کننده چند کار ضروری و مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی به عهده دارند. بهینه مصرف کردن (به معنی مصرف به‌جا و دور از اسراف) یکی از وظایف اساسی عامّه مردم است. اما این موضوع که در جای خود باید بحث شود و اهمّیت فراوانی هم دارد، در مقایسه با موضوع «مصرف کالای داخلی» در درجه اهمّیت بعدی قرار دارد؛ علت هم کاملاً روشن است: چه چیزی را باید بهینه مصرف کرد؟ باید از حوزه کالای داخلی و خارجی انتخاب صورت بگیرد، آنگاه آن کالا را بهینه مصرف کرد. پس اهمّیت مصرف کالای داخلی توسط مردم (از جهت مصرف‌کننده بودن) مهم‌ترین موضوعی است که باید پیرامون آن بحث کرد.

مصرف کالای داخلی می‌تواند در یک تقسیم‌بندی منطقی از دو زاویه مورد بررسی قرار بگیرد: عقلی و نقلی. یک وقت ما برای استناد به مصرف کالای داخلی و اهمیت آن به روایات و آیات رجوع می‌کنیم و با استفاده از ابزار «نقل» به تبیین آن می‌پردازیم. اما صورت دیگر این است که ما مسئله مصرف کالای داخل توسط مردم را از منظر عقلی و فارغ از تبیین

صالحین



اقتصادمان عاریتی است یا مقاومتی؟

مقایسه مؤلفه‌های اقتصادی در دو رویکرد

آب می‌افتیم نه رها کردن تولید در بخش کشاورزی، نفت خام را پالایش کرده و محصولات آن را صادر می‌کنیم و سود چند برابری می‌کنیم. «ما می‌توانیم» که در حوزه نظامی ما را پیشرفت داده را سرلوحه قرار می‌دهیم و به توان علمی دانشمندان و دانشگاه‌ها اعتماد می‌کنیم. مصرف کالای داخلی را هدف خود قرار می‌دهیم نه توجه به برندها و مارک‌های خارجی را. در یک کلام نگاه ما به ظرفیت‌های بی‌شمار و استفاده نشده در داخل است نه دست‌تجار، بازرگانان و سرمایه‌داران خارجی که به چیزی جز سود شخصی خود فکر نمی‌کنند. نتیجه نگاه نخست می‌شود افزایش وابستگی و روحیه خمودی و کمبود اعتمادبه‌نفس ملی و نتیجه رویکرد دوم می‌شود استقلال اقتصادی و رشد پایدار و افزایش اعتمادبه‌نفس ملی.

« اقتصاد عاریتی در یک جمله خلاصه می‌شود: نگاه به بیرون. در این منظومه فکری تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی نمی‌تواند به‌عنوان یک اصل ثابت محور پیشرفت اقتصاد قرار بگیرد. از همین رو زمانی که کشور به مشکل کم‌آبی روبرو می‌شود، راه‌حل پیشنهادی می‌شود واردات کالاهای کشاورزی. در این فضا جامعه علمی ما توان تولید دانش و حرکت دادن اقتصاد را ندارد. دیگر ذخایر پولی کشور صرف ساختن زیربنای اقتصادی کشور نمی‌شود. صادرات نفت خام به‌عنوان مهم‌ترین سیاست وزارت نفت در نظر گرفته می‌شود. سیاست خارجه می‌تواند اقتصاد را از بحران خارج کند و غیره. اما در اقتصاد مقاومتی زمانی که با مشکل کم‌آبی روبرو می‌شویم مشکل را پیدا و رفع می‌کنیم. می‌بینیم که راندمان آب در کشاورزی کمتر از ۳۰ درصد است و به فکر افزایش راندمان

صالحین



■ نقش مردم در اقتصاد

➤ اقتصاد عاریتی

انتظار منجی از خارج کشور

افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در صورت رفع تحریم‌ها و پیشرفت پروژه‌های ناتمام از مسائلی است که به آن امید بسته شده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار مثبت توافق بر روی آن تبلیغات می‌شود؛ این در حالی است که اوج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور در سال ۲۰۱۲ و بالغ‌بر ۴٫۳ میلیارد دلار (کمتر از یک درصد تولید ناخالص داخلی) بوده است، رقمی که پس از اوج گرفتن تحریم‌ها و در پایین‌ترین سطح خود با اندکی بیش از ۲۵ درصد کاهش، به ۳٫۱ میلیارد دلار رسیده است.

✓ اقتصاد مقاومتی

اعتماد به مردم

جذب تنها یک درصد از حجم نقدینگی داخلی کشور که بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان (بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار) است و هدایت آن به بازار سرمایه و شریک کردن مردم در پروژه‌های ملی، جبران کاهش سرمایه‌گذاری خارجی را کرده و علاوه بر رونق پروژه‌های اقتصادی کشور و تقویت تولید ملی، موجب کاهش تقاضا و تورم خواهد شد و اثرات قابل ملاحظه‌ای بر سطح رفاه اقتصادی جامعه خواهد گذاشت.

■ ارزش افزوده

➤ اقتصاد عاریتی

خام‌فروشی هر چه بیشتر

در حالی سخن از پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود که برنامه عملیاتی مصوب شورای اقتصاد در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای وزارت نفت، افزایش صادرات نفت و گاز و حفظ جایگاه ایران در بازارهای جهانی صادرات نفت است. وزیر نفت نیز برنامه خود را افزایش صادرات نفت خام به بیش از ۲ میلیون بشکه عنوان می‌کند.

✓ اقتصاد مقاومتی

صادرات فرآورده‌ها و حداکثرسازی ارزش افزوده

میانگین ارزش افزوده ایجاد شده از یک بشکه نفت خام حدود ۱۳۰۰ دلار در کشورهای صنعتی است (بیش از ۲۶ برابر با احتساب نفت بشکه‌ای ۵۰ دلار). لذا با برنامه‌ریزی برای صادرات فرآورده به‌جای نفت خام، ضمن حفظ منابع تجدیدناپذیر نفتی، از این نعمت الهی بهره حداکثری خواهیم برد.

■ مناطق آزاد

➤ اقتصاد عاریتی

قطب‌های خروج ارز و واردات

با تأسیس پاساژها و مراکز خرید مناطق آزاد به‌عنوان مراکز واردات کالاهای لوکس، مرکزی برای گردشگری اشرافی و فساد اخلاقی، و مراکز ترویج مصرف‌گرایی هستند. در طی سال‌های اخیر، تراز تجاری (صادرات منهای واردات) مناطق آزاد، همواره منفی بوده است. بر اساس آمار منتشرشده از سوی شورای عالی مناطق آزاد در سال ۱۳۹۲، میزان واردات مناطق آزاد تجاری ۵/۴ برابر صادرات بوده است.

✓ اقتصاد مقاومتی

قطب‌های جذب سرمایه و صادرات

با حذف عوارض گمرک مواد اولیه و نهاده‌های تولید و حذف عوارض صادرات در مناطق آزاد زمینه جذب سرمایه‌ها را فراهم می‌کند.

صالحین



این منطق متداول در مناطق آزاد، قطب‌های تولید و صادرات را ایجاد می‌کند و نه قطب‌های مصرف و واردات.

■ دیپلماسی اقتصادی

+ اقتصاد عاریتی

دیپلماسی منفعل اقتصادی

– از سفر هیئت‌های تجاری غربی به کشور استقبال می‌کنیم؛ این در حالی است که اغلب هیئت‌های تجاری نمایندگان اتاق‌های بازرگانی کشورهای غربی هستند و برای ایجاد بازار مصرف تولیدات خود، تلاش می‌کنند. در سال ۹۳، ایران میزبان ۲۰ هیئت تجاری و ۱۱ هیئت از ابتدای سال ۹۴ بوده است.

– علیرغم سابقه فرانسوی‌ها در منع فروش قطعات خودرو و خروج شرکت نفتی توتال از ایران پس از تحریم‌ها، از سفر تجاری آن‌ها ذوق‌زده می‌شویم.

یکی از مقامات تجاری فرانسه در خصوص سفر هیئت تجاری ۱۵۰ نفری به تهران گفت: «ما با روحیه فتح دوباره، به‌مفهوم دقیق کلمه، به آنجا می‌رویم اما به این نکته هم واقفیم که کارهایی برای انجام دادن داریم».

– رتبه دوم را در صادرات نخبگانی و مغزهای متفکر به دنیا کسب می‌کنیم؛ بنیاد ملی علوم در آمریکا (NSF) طی گزارشی اعلام کرد که ایران در زمینه فرار مغزها میان سایر کشورهای جهان رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. در حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و فیزیکدان ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با مدارک علمی بالا در ایالات‌متحده آمریکا زندگی می‌کنند.

✓ اقتصاد مقاومتی

فعال‌سازی مزیت‌های بالقوه صادراتی

در صورت به‌کارگیری دیپلماسی فعال اقتصادی و سیاست‌های تسهیل صادرات، ما دارای مزیت‌های بالقوه صادراتی هستیم:

– فرآورده‌های نفتی به‌جای نفت خام؛

– محصولات پتروشیمی؛

– صادرات دانش و فناوری پیشرفته به‌جای صادرات مغزهای متفکر کشور؛

– صادرات محصولات کشاورزی، دامی و شیلات در صورت ایجاد سردخانه‌ها و صنایع پیشرفته بسته‌بندی؛

– محصولات نساجی؛

– صنایع دستی؛

– …

■ سرمایه‌گذاری

+ اقتصاد عاریتی

نگاه به سرمایه‌داران

در این نگاه پیشرفت کشور در گرو سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر سرمایه‌های خارجی نیاید، کشور پیشرفت نمی‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی هم مستلزم تغییر سیاست خارجی ایران است. پس باید با آمریکا کنار بیاییم تا سرمایه خارجی به ایران سرازیر شود. وقتی آن‌ها در ایران سرمایه‌گذاری کردند، خودشان هم برای حفاظت از سرمایه خودشان، امنیت ما را تأمین می‌کنند و به جنگ اقتصادی پایان می‌دهند. اما چند سؤال:

– چرا سرمایه‌های عظیم حتی آمریکایی‌ها از آمریکا

به چین فرار کرد و چین را در رأس اقتصاد دنیا قرار داد؟

– چرا سرمایه‌داران آمریکا حتی تسلیم فشارهای دولت نشدند و سرمایه‌ها را بردند و در جواب فشارهای آمریکا برای عدم خروج سرمایه حتی دولت آمریکا را تهدید به ترک تابعیت آمریکایی خود کردند؟

زیرا:

سرمایه‌گذار به دنبال سود است و مانند آب به‌سوی گودی رها می‌شود.

✓ اقتصاد مقاومتی

خارجی مدیریت سرمایه‌های داخلی

آیا کشور با مشکل سرمایه برای سرمایه‌گذاری مواجه است؟ اگر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی ریالی داخلی به‌سوی سرمایه‌گذاری کشیده می‌شود، به‌تبع آن سرمایه‌های خارجی هم می‌آیند و هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی سرمایه‌هایی را که به دنبال سود می‌گردند بگیرد. متوسط میزان سرمایه‌گذاری خارجی در برابر ظرفیت اقتصاد کشور تقریباً معادل یک درصد است. ظرفیت اقتصاد کشور برای سرمایه‌گذاری در کشور معطل پس قطعاً کشور برای سرمایه‌گذاری در کشور معطل ورود سرمایه‌داران غربی نیست. اقتصاد راه‌حل اقتصادی می‌خواهد نه سیاسی.

بیشتر از ۱۵ هزار کارخانه و واحد تولیدی و صنعتی در شهرک‌های صنعتی و خارج از آن در سراسر کشور داریم که به‌طور کامل تعطیل یا در شرف تعطیلی کامل است. امروز این واحدها که تعطیل هستند، بیشتر از ۵۰ میلیارد دلار ارزش دارند.

به جریان افتادن این سرمایه عظیم اولویت دارد یا جذب سرمایه جدید؟

■ فناوری

+ اقتصاد عاریتی

واردات دانش و تکنولوژی

پیشرفت فنّاوری در گرو واردات صنایع تک است و نه علم‌های تک. نمونه بارز این دیدگاه کشورهای عربی هستند که علیرغم سطح بالای رفاهی، در علوم و اقتصاد دانش‌بنیان هیچ جایگاهی ندارند. آن‌ها صرفاً مصرف‌کننده کالاهایی با تکنولوژی بالای غرب هستند.

صالحین

به دانشمندان خودمان اعتماد کنیم و ظرفیت‌های دانشگاه‌ها برای تولید فناوری استفاده حداکثری داشته باشد.

پیشرفت ما در صنایع نظامی، موشکی، دریایی و هوایی مولود همین تفکر بوده است. توان ساخت بومی موشک ماهواره‌بر با چندین هزار کیلومتر برد، انواع زیردریایی، اژدر، سلاح، جنگنده، رادار و غیره نمونه‌های بارز اهمیت دادن به تولید و نه واردات دانش بوده است.

■ عدالت اجتماعی

+ اقتصاد عاریتی

توسعه به هر قیمتی

در این دیدگاه توسعه مقدم بر عدالت است. از همین رو ذات نظام سرمایه‌داری بر تشکیل طبقات بسیار قوی و بدنه عادی جامعه است. جنبش ۹۹ درصدی در اعتراض به همین موضوع شکل گرفت.

چون عدالت مبنای نیست، بلکه توسعه اقتصادی مقدم بر عدالت است، پس طبعاً گروهی در جامعه در نوک

اقتصاد عاریتی:

بی بند و باری و ترویج رفاه طلبی و مانور تجمل



صالحین

هرم قدرت اقتصادی قرار می‌گیرند که هرگز دست یافتنی نیستند.

✓ اقتصاد مقاومتی

پیشرفت بدون عدالت ممنوع

عدالت اجتماعی به‌عنوان یک اصل پیشینی پذیرفته می‌شود؛ یعنی توسعه بدون عدالت مطلوب کشور نیست. در اقتصاد مقاومتی عدالت لازمه توسعه پایدار است. از همین رو اصل چهارم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی اشاره دارد: «استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی».

■ سهم هریک از عوامل در زنجیره تولید تا مصرف

+ اقتصاد عاریتی

تعیین سهم بر اساس بازار

نباید هیچ دخالتی در اقتصاد بشود. اقتصاد را باید به حال خود رها کرد تا عرضه و تقاضا، سهم هر کس را از سود معلوم کند. مکانیسم قیمت‌هاست که سهم

عوامل را تعیین می‌کند. پس:

باغدار بعد از یک سال زحمت و صرف هزینه‌های سنگین سیب را که هر کیلو هزارتومان برایش تمام شده می‌فروشد ۱۲۰۰ تومان، یعنی سود حدود ۲۰۰ تومان در طول یک سال.

دلال همان محصول را از باغدار می‌گیرد و به بازار می‌برد و ظرف همان روز آن را ۲۵۰۰ تومان می‌فروشد؛ یعنی ۱۳۰۰ تومان در طول یک روز. مغازه‌دار می‌فروشد ۶۰۰۰ تومان، یعنی ۳۵۰۰ تومان سود در یک هفته.

بنابراین:

تولید صرف ندارد و باغ رها می‌شود.

✓ اقتصاد مقاومتی

تعیین سهم بر اساس مقدار تولید ارزش

سهم عوامل در زنجیره تولید تا مصرف باید عادلانه باشد. باید کاری کرد که تولیدکننده سهم مناسبی ببرد تا شوق تولید و سرمایه‌گذاری در تولید باشد.

طرح‌ریزی اقتصاد باید به‌گونه‌ای باشد که سود تولیددرمقایسه با توزیع و دلالی، مناسب باشد. هر زمان که کشور در مسیر تولید باشد، اقتصاد پیشرفت می‌کند. اما توسعه روحیه دلالی و واسطه‌گری برای

اقتصاد بسیار مضر است. یکی از عوامل اساسی افزایش تورم در کشور وجود سیستم واسطه‌گری غیرضروری در برخی از تولیدات کشور است. در واقع ایجاد ارزش مبنای کسب سود نیست. در مسیر رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده، تولیدکننده که بیشترین سهم را باید داشته باشد، کمترین سهم را دارد. در این صورت دخالت در بازار و کنترل آن الزامی است.

■ تولید نهاده‌ها و کالاهای اساسی

+ اقتصاد عاریتی

فروش نفت برای واردات کالاهای اساسی

اقتصاد عاریتی فروش بیشتر نفت را برای واردات بی‌رویه کالاهای اساسی پیشنهاد می‌کند. شاید این کار در کوتاه‌مدت بتواند رضایتمندی در اقتصاد بوجد آورد، اما قطعاً در بلندمدت موجبات رشد تورم و کاهش سطح تولید کشور را به دنبال دارد.

روابط خارجی برای تأمین کالاهای اساسی باید با کشورهایی باشد که می‌توانند تولیدات انبوه و مستمر داشته باشند و بدون دردسر می‌توانیم کالا را از آن‌ها بخریم (کشورهای بزرگ غربی). خرید گوشت از



برزیل بجای خرید از پاکستان و آسیای میانه با یک‌دوم یا یک‌سوم قیمت.

✓ اقتصاد مقاومتی

افزایش تولید نهاده‌ها و کالاهای اساسی در داخل

اقتصاد مقاومتی بر اساس اصل استقلال و اقتدار اقتصادی و بستن راه نفوذ دشمنان به کشور سیاست تولید نهاده‌ها و کالاهای اساسی در داخل کشور را تجویز می‌کند.

اقلامی مانند گندم، ذرت دامی، برنج و کنجاله از مواردی هستند که در سال‌های گذشته رشد واردات داشته‌اند. این در حالی است که ظرفیت خودکفا شدن در بسیاری از اقلام اساسی در کشور وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد در میان ۵ قلم کالای عمده وارداتی به کشور، چهار قلم جزء غلات بودند و به ترتیب گندم، ذرت دامی، برنج و کنجاله در این لیست قرار دارد.

برای حل مشکل، بخش مهمی از درآمدهای حاصل از فروش نفت باید به این حوزه تخصیص داده شود که در حال حاضر این‌گونه نیست.

■ امنیت غذایی

+ اقتصاد عاریتی

واردات محصولات کشاورزی

چون ما کشور کم آبی هستیم و وسعت کشور کم است باید سیاست «نکاشت» را پیگیری کنیم. در واقع تولید بسیاری از محصولات کشاورزی به‌صرفه نیست و باید از خارج از کشور وارد کنیم. مشکل کم‌آبی هم مزید بر علت است.

این درحالی است که بازدهی آب در بخش کشاورزی در کشور زیر ۳۰ درصد است. یعنی اگر راندمان این بخش را بالا ببریم با همین مقدار آب می‌توان سطح زیر کشت کشور را تا سه برابر افزایش داد.

✓ اقتصاد مقاومتی

ممکن بودن خودکفایی غذایی

بنابر تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۸۶، امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام

صالحین

محصولات آرایشی و بهداشتی را به خود اختصاص داده است.

✓ اقتصاد مقاومتی

کنترل مصرف و عدم اسراف

بر اساس اقتصاد مقاومتی مصرف بدون حد و مرز ممنوع است. ترجیح مصرف کالای ایرانی از منظر علمی و دینی توجیه دارد. اسراف یعنی بیش از حد لزوم مصرف کردن و تبذیر یعنی بجا مصرف نکردن از خطوط قرمز است. تجمل‌گرایی و تجمع ثروت در یک قشر خاص از دید اقتصاد مقاومتی مردود است. مصرف کردن باید قاعده‌مند باشد.

ایرانی‌ها از نظر رشد مصرف لوازم آرایشی، رتبه سوم را در دنیا دارند. در کشور ما تنها ۱۰ درصد لوازم آرایشی موجود در بازار از مجاری قانونی وارد کشور شده‌اند و ۹۰ درصد آن به‌صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شود. ایران پس از عربستان، دومین مصرف‌کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه است. ایران از نظر تعداد جراحی زیبایی بینی، در دنیا اول است.

■ صندوق توسعه ملی

+ اقتصاد عاریتی

صندوق امور جاری

در این نگاه درآمد حاصل از صادرات نفت خام به صندوق توسعه ملی نمی‌رود بلکه صرف امر واردات یا امور جاری کشور می‌شود. در حالی سهم صندوق از درآمدهای نفتی ۲۰ درصد است که مطابق قانون باید سهم آن از زمان تأسیس صندوق سالانه سه درصد افزایش پیدا می‌کرده که این اتفاق رخ نداده است.

✓ اقتصاد مقاومتی

ذخیره پیشرفت آتی

کارکرد اصلی این صندوق برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت است. درآمدهای حاصل از فروش نفت باید در این صندوق ذخیره شود تا برای پیشرفت زیرساخت‌های کشور و ذخیره آینده به کمک بیاید. مطابق قانون سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در کشور ۲۰ درصد است. ■



اوقات برای داشتن یک جسم سالم می‌دانند. برای این منظور کشور باید در محصولات مرتبط با این حوزه به خودکفایی برسد تا خطرات احتمالی در آینده این مهم را تحت تأثیر قرار ندهد.

با ۱۶۵ میلیون هکتار و ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بارندگی در سال موضوع امنیت غذایی کاملاً قابل دسترسی است.

■ مدیریت مصرف

+ اقتصاد عاریتی

مصرف بدون قید

در اقتصاد عاریتی مصرف نه‌تنها ضابطه ندارد بلکه باید هرچه بیشتر و بیشتر باشد تا اقتصاد غرب زنده بماند. کنز ثروت و تشکیل اقلیت ۱ درصدی هم مذموم نیست. در نتیجه این تفکر: طبق بررسی‌هایی که زنان جهان را در برمی‌گیرد، مقوله زیبایی، سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار برای زنان جهان خرج دارد. سرانه مصرف لوازم آرایشی هر فرد در خاورمیانه، سالانه ۳۳۴ دلار است. امارات متحده عربی، پرونق‌ترین بازار خرده‌فروشی

صالحین



مهارت کسب و کار

از کجا شروع کنیم؟

گام‌های اولیه اقتصاد مقاومتی

ریزی می‌توان شانس موفقیت را بالا برد. بنابراین بهترین نقطه شروع آن است که نقاط قوت و ضعف خود را به عنوان دارنده یک کسب و کار بشناسید.

– آیا شخصیتی مستقل و خودجوش دارید؟

این را همیشه در نظر داشته‌باشید که در صورت شروع یک کسب و کار کوچک، این خود شما هستید و نه شخص دیگر که باید تصمیم بگیرید که چگونه پروژه‌ها، برنامه‌ها و زمان خود را مدیریت کنید.

– تا چه حد با شخصیت‌های متفاوت و افراد گوناگون می‌توانید ارتباط برقرار کنید؟

صاحبان کسب و کار ناگزیرند که با افراد و قشرهای مختلفی سر و کار داشته‌باشند. آیا شما می‌توانید با مشتریان، تأمین‌کنندگان، کارکنان و ... در جهت منافع کسب و کار خود ارتباط برقرار کنید.

– تا چه حد قدرت تصمیم‌گیری دارید؟

صاحبان کسب و کار کوچک بایستی بطور مداوم، به سرعت و در شرایط بحرانی بتوانند مستقلاً تصمیم‌گیری کنند.

– آیا شما استقامت فیزیکی و احساسی لازم برای اداره یک کسب و کار را دارید؟

مالکیت یک کسب و کار علاوه بر چالش و هیجان، مستلزم فشار کاری زیاد، ساعتهای کاری زیادی است؛ آیا شما می‌توانید ۲۱ ساعت در روز و ۷ روز در هفته کار کنید؟

– تا چه حد می‌توانید برنامه‌ریزی و سازماندهی کنید؟

تحقیقات نشان می‌دهد در صورت برنامه‌ریزی

صحیح، بسیاری از شکست‌ها به وجود نمی‌آمد.

– آیا انگیزه لازم را برای تحمل مشقات را دارید؟

ممکن است شما در حین اداره یک کسب و کار احساس کنید که در برخی مواقع توانایی تحمل تمامی مشقات و زحمات را به تنهایی ندارید و فقط داشتن انگیزه قوی است که می‌تواند در این مواقع سختی، شما را دلگرم و امیدوار سازد.

– این کسب و کار چگونه خانواده شما را متأثر می‌سازد؟

سوالهای اولیه شروع یک کسب و کار می‌تواند سختی‌هایی را برای خانواده و زندگی شخصی شما ایجاد کند. در عین حال ممکن است خانواده شما تا به سوددهی رسیدن کسب و کار، دچار مشکلات و فشارهای مالی شوند. بنابراین حمایت و یا عدم حمایت خانواده نقش مهمی در شروع و ایجاد یک کسب و کار دارد.

این حقیقت دارد که دلایل زیادی برای عدم شروع یک کسب و کار کوچک و مستقل وجود دارد، اما برای افرادی که واجد شرایط فوق هستند، مزایای زیادی وجود دارد که قطعاً از ریسک‌های آن بیشتر است.

اینکه شما خادم و مخدوم خود می‌شوید!

زحمت و تلاش و ساعت‌های کاری زیاد مستقیماً به نفع شماست و نه شخص دیگر!

امکان کسب درآمد و رشد، محدودیت کمتری دارد.

چالش و هیجان کار برای شما افزایش می‌یابد.

اداره یک کسب و کار مستقل امکان فراگیری زیادی را برای شما فراهم می‌آورد.

گام دوم: برنامه‌ریزی کسب و کار

شروع یک کسب و کار نیاز به انگیزه، علاقه و استعداد دارد. همچنین نیاز به تحقیقات وسیع و برنامه‌ریزی صحیح دارد. اطلاعات زیر برای تهیه طرح کسب و کار می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود:

– قبل از شروع به کار لیستی از تمامی دلایلی که می‌خواهید بخاطر آن‌ها وارد دنیای تجارت شوید تهیه کنید؛ مثلاً:

شما می‌خواهید استقلال مالی داشته باشید.

صالحین



شما می‌خواهید آزادانه تمامی توانایی‌ها و دانسته‌های خود را به کار ببرید.

– سپس بایستی تعیین کنید که اصولاً چه کسب و کاری برای شما مناسب است. لذا این سؤالات را از خود پرسید:

من دوست دارم با وقت خود چه کاری انجام دهم؟

چه مهارت‌های تکنیکی من تا به حال آموخته‌ام؟

به نظر دیگران من در چه کارهایی مهارت دارم؟

من چقدر وقت آزاد برای اداره یک کسب و کار موفق دارم؟

آیا من هیچ سرگرمی یا علاقه‌ای که قابل تبدیل شدن به کسب و کار شدن را داشته باشند دارم؟

– پس از تعیین کسب و کار مناسب تحقیقات لازم را جهت پاسخ به سؤالات زیر به عمل آورید:

آیا ایده من کاربردی است و آیا نیازی را برآورده خواهد کرد؟

رقیبان من چه کسانی خواهند بود؟

مزیت رقابتی شرکت من نسبت به شرکت‌های موجود چیست؟

آیا من می‌توانم خدمت بهتری ارائه دهم؟

آیا من می‌توانم برای کسب و کار جدید خود تقاضا ایجاد کنم؟

– آخرین مرحله قبل از تهیه طرح کسب و کار این است که چک لیست زیر را تهیه کنید و پاسخ دهید:

من علاقه به شروع چه کسب و کاری دارم؟

چه خدمتی یا کالایی قرار است ارائه دهم؟ در کجا قرار است این کار را انجام دهم؟

چه مهارت و تجربه‌ای برای این کار دارم؟

ساختار قانونی شرکت من چگونه خواهد بود؟ (سهامی عام، خاص و ...)

اسم کسب و کار چه چیزی باشد؟

چه امکانات و تجهیزاتی نیاز خواهم داشت؟

به چه تسهیلات و امکانات بیمه‌ای نیاز خواهم داشت؟

پاسخ شما به تمامی سؤالات بالا شما را در طراحی یک کسب و کار کامل جامع یاری می‌کند.

گام سوم: تأمین منابع مالی

یکی از کلیدهای اساسی موفقیت و پیشرفت در شروع کار، جذب و تأمین منابع مالی کافی برای راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک است. اطلاعات زیر تکیه بر روش‌های جمع‌آوری پول برای شرکت‌های کوچک دارد. همچنین شما را در تهیه درخواست وام یاری می‌دهد. منابع زیادی برای جمع‌آوری سرمایه وجود دارد. باید توجه داشته باشیم که قبل از تصمیم‌گیری، تمامی منابع ممکن را جستجو کنیم:

– پس‌اندازهای شخصی

– دوستان و افراد خانواده

– بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

صالحین



دین را از اقتصاد جدا کرده‌ایم!

نگاهی به مقوله اهمیت سواد اقتصادی در خانواده

۱. جدی گرفتن آموزش اقتصاد در خانواده

یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها در اقتصاد مقاومتی، سواد اقتصادی است. الآن در جامعه، خانواده‌ها روی یکسری از آموزش‌ها برای بچه‌هایشان خیلی حساس هستند؛ مثلاً این‌که بچه برود کلاس زبان و انگلیسی یاد بگیرد، یا برای مذهبی‌ها، یادگرفتن و آموزش قرآن بسیار مهم است، اما به همین تناسب یاد گرفتن مسائل اقتصادی و آموزش سواد اقتصادی جدی گرفته نمی‌شود. این در حالی است که بچه‌های ما به این آموزش و سواد اقتصادی به‌شدت احتیاج دارند و فردا که بچه ۱۹-۲۰ ساله می‌شود و می‌خواهد وارد فضای اقتصادی شود، هیچ‌چیزی از اقتصاد و فضای اقتصادی بلد نیست.

برای مثال موضوع بانک، مسئله‌ای بسیار مهم و فراگیر است که کل اعضای جامعه با آن درگیر هستند یا در آینده درگیر خواهند شد. چقدر از ما، افزایش سودمان در حوزه بانکی و بانکداری برایمان مهم است؟

اصلاً بعضی از مسائل بانکی و بانکداری در حکم مسائلی است که با عبادات ما درگیر است. الآن خیلی از مراجع می‌گویند که شبکه بانکی ما ربوی است. الآن چقدر از افراد می‌دانند که چطور این شبکه ربوی است و اگر ربوی است، چرا هنوز داریم در بانک پول می‌گذاریم و پول می‌گیریم و ...

آموزش مفاهیم و مهارت‌های اقتصادی بایستی جدی گرفته شود؛ مثلاً مهارت‌های و مفاهیمی مثل «کارآفرینی» یا «مدیریت دخل و خرج» را بایستی به بچه‌های خود آموزش بدهیم تا فردا بتوانند در جامعه برای خود کسب و کاری فراهم کنند و اگر سرمایه‌ای دست آن‌ها سپردیم آن را تلف نکنند. این آموزش هم وظیفه خانواده است و هم حاکمیت؛ اما غیر از فضای دولتی و حاکمیتی، خود خانواده باید سواد و اطلاعات اقتصادی‌اش را افزایش دهد و این اطلاعات را به فرزندان خود منتقل کند. ما در جامعه خانواده‌هایی را می‌بینیم که مثلاً سواد فیزیک یا شیمی خود را بالا می‌برند تا بتوانند مشکلات درسی فرزندانشان را در این حوزه‌ها حل کنند ولی در فضای اقتصادی با این‌که موضوع بسیار مهم و مبتلا به است، این قضیه برایشان مهم نیست.

۲. دین را از اقتصاد جدا کردیم

متأسفانه ما بعد اقتصادی دینمان را به‌کلی کنار گذاشته‌ایم و گاهی اوقات فکر می‌کنیم که اهمیت دادن به مسائل اقتصادی یعنی مادی‌گرایی یا غرب‌زدگی. در حالی که یکی از قسمت‌هایی که ما از دشمن ضربه

می‌خوریم و به کشور ما آسیب‌های فراوانی وارد کرده، همین مسائل اقتصادی است؛ این‌که ما خیلی از سوادها و آموزش‌های لازم اقتصادی را بلد نیستیم.

ما متأسفانه دین را از اقتصاد جدا کردیم و آمریکایی‌ها هم از همین ضعف ما سوء استفاده کرده و از همین راه اقتصاد دارند به ما ضربه می‌زنند. حاجی بازاری‌هایی هستند که در زمان محرم ۱۵ گوسفند می‌کشند ولی احتکار هم می‌کنند! آموزش‌های لازم اقتصادی را ندیده است. احکام اقتصادی خود را بلد نیست. اگر هم می‌داند تربیت نشده است.

یکی از علل پیشرفت اقتصادی تمدن اسلامی این بود که فرهنگ اقتصادی را قدرتمند کرد، به فرهنگ اقتصادی و مسائل اقتصادی اهمیت داد، دین را در عرصه اقتصادی وارد کرد؛ مثلاً در تمدن اسلامی، اقتصاد از یک اقتصاد ربوی تبدیل شد به یک اقتصاد تولیدی. به‌جای این‌که پول قرض بدهند و سودش را بگیرند پول را می‌دادند به آن‌کسی که می‌تواند روی زمین کار کند و با آن «مضاربه» انجام می‌دادند تا از درآمد آن سود کسب کنند. نکته دیگر پیشرفت تمدن اسلامی این بود که افراد هر کاری که می‌کردند به آن نگاه عبادی داشتند؛ یعنی مثلاً طرف وقتی که کرکره مغازه‌اش را بالا می‌داد می‌گفت بسم الله. الکاسب حبیب الله. کار تولیدی و خدماتی خودشان را عبادت محسوب می‌کردند. این روحیه را پیامبر به مسلمانان تزریق کرده بود و ما گزارش‌هایی مبنی بر رشد چند صد درصدی اقتصاد در صدر اسلام داریم. ■

پرونده دهم:

نقشه عملیات



پهنه عملیاتی برای هر یک از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی



عملیات‌های ممکن

مصاحبه با دکتر مهدی طغیانی



ناحیه مقاومتی!

اقتصاد مقاومتی در سطوح اقدام



حوزه‌های مقاومتی، پیاخیزید!

اقتصاد مقاومتی در سطوح اقدام ۲



پایگاه مقاومت‌مدار

بایسته‌های فعالیت‌های پایگاه‌های بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی



من یک ... هستم، اینگونه می‌جنگم

اقتشار بسیج و اقتصاد مقاومتی



مُبَلِّغ اقتصاد مقاومتی شوید

اصول کاربردی اجرای اقتصاد مقاومتی در کار و زندگی

نقشه راه
نظام نامه

نظام سازی

رصد و برنامه ریزی

ظرفیت ها

نیروی انسانی
اقدامات انجام شده
تولیدات انجام شده
گروه های فعالوضعیت اقتصاد کلان
وضعیت اقتصاد خرد
حوزه اقتصاد مقاومتیعلوم فنی
علوم پزشکی
علوم انسانی
بنیادی

علمی و پژوهشی

توزیع بهینه
رفتار سازی
بهره وری
افزایش تولید
اصلاح الگوی مصرف
کاربردی

توسعه ای

اقتصاد دانش بنیان
تجاری سازیتوزیع
مصرف
تولید

مردمی

اقدام

نهادهای مردمی و غیر دولتی

بنیاد ها
سپاه
بسیج
شهرداریقانون گذاری (مجلس)
سیاست گذاری
دولتی
اجرا (دولت)
نظارت (قضایی)پهنه عملیاتی برای هریک از
سیاست های کلی
اقتصاد مقاومتیرشته های مرتبط
سایر رشته ها
محققین
مروجینمتوسطه
ابتدایی

دانش آموزان

کارآفرینان

تولیدی
خدماتی

کارگران

ساده ماهر

مدیران

میانی کلان خرد

کارگزاران

دولتی
خصوصی

تربیت و آموزش

مجتهدین
مبلغین
طلاب

سیاست گذاران

دولتی
خصوصیتولید
مصرف
انتخاب

خانوارها

دانشجویان

هنر
رسانه
ارتباطات
ابزار

ترویج و گفتمان سازی

فضاها

عمومی
دانشگاه ها
مدارس
مساجد
خانه ها
فرهنگ سراها
فضای مجازی
ادارات و سازمان هامحتوا
برنامه ای
تبلیغاتی
آموزشی

صالحین



مصاحبه با دکتر مهدی طغیانی

عملیات‌های ممکن

راهکارهای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در سطوح و ابعاد مختلف

اشاره

« دکتر مهدی طغیانی، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان و یکی از فعالان عرصه اقتصاد مقاومتی در این گفتگو به ارائه راهکاری برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی در جامعه اشاره می‌کند.

فرهنگ‌سازی بردارند. هر چند جامعه ما فرهنگ درستی در زمینه مصرفی ندارد. رهبر معظم انقلاب، چند سال پیش -سال ۸۸- بحث اصلاح الگوی مصرف را مطرح کردند، یعنی الگوی مصرف مردم اصلاح شود که با این نوع سبک مصرف، آسیب‌پذیری ما بالا نیست. الگوی مصرف، فضایی فرهنگی است. هر چند، خود مصرف، متغیر اقتصادی است اما الگوی مصرف، بحثی فرهنگی است.

فرهنگ پس‌انداز، در کشور ما ضعیف است. سرمایه‌گذاری صحیح انجام نمی‌شود. به‌عنوان مثال، فرهنگ بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات و منابع، مباحثی است که در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی قابل بحث است و ما متأسفانه وضعیت خوبی نداریم. این نهادهایی را که گفتید، در بطن و دل مردم جای دارند. همه این‌ها در مساجد و مراکز فرهنگی فعال، می‌توانند یک مأموریت جدی‌ای را در اقتصاد ما پیش ببرند. اگر ما این تحول فرهنگی را در حوزه اقتصاد نداشته باشیم، آسیب‌پذیری ما بالا می‌رود و بسیاری از مسائل ما حل نشده باقی می‌ماند. یکی دیگر از بحث‌هایی که رهبر معظم انقلاب در بحث‌های اقتصاد مقاومتی به آن پرداخته بودند، بحث اقتصاد مردمی است؛ یعنی اقتصادی که توسط مردم اداره شود و بر اساس آن توانمندی‌های مردم شکل بگیرد. بالأخره در این زمینه نیز نهادهایی باید کمک کنند تا مردم به صحنه و عرصه فعالیت بیایند. در این زمینه‌ها نیز می‌توانیم از ظرفیت‌های نهادهای مردمی، استفاده کنیم؛ هر چند در بحث جنگ نیز حضور مردم در اداره جنگ پیش آمد. اگر در بحث جنگ نظامی، این مسئله وجود داشت در بحث جنگ اقتصادی نیز می‌توانیم این موارد را پیاده کنیم. به نظر بنده مأموریت بسیج را باید در این زمینه به خوبی تبیین کرد، که مأموریت بسیج در عرصه جنگ اقتصادی چیست و به چه صورت می‌تواند مردم را به صحنه بیاورد؟ زمانی که مأموریت را تعریف کردیم آن‌وقت شروع به اقدام می‌کنیم.

در مورد مأموریت نیز بنده این نکته را خدمت شما بگویم که ما انتظار و توقعی که از بسیج در جنگ اقتصادی داریم، این نیست که وارد فضای سرمایه‌گذاری مستقیم شود؛ یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم در موضوعات اقتصادی بکند یا اینکه فرض کنیم خود را به‌اصطلاح اقتصادی‌ها وارد تصدی‌گری اقتصادی کند. این موارد درست نیست و ما تجربیات موفقی نیز نداریم، بلکه

منابع بسیج هم اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. ما باید نقش بسیج را به سمت نقش مکمل ببریم؛ یعنی فرض بفرمایید که بدنه حاکمیت آن نهادهای حاکمیتی، مانند صنعت، کشاورزی و تجارت تا حدودی نقش‌های خود را با نارسایی انجام می‌دهند، پس ما باید در هر کدام از این‌ها برگردیم و ببینیم که بسیج، چگونه می‌تواند این نارسایی را جبران کند. به‌عنوان مثال، ما در حوزه کشاورزی دچار یک فرآیندهای معیوبی هستیم. در بحث انتقال دانش و تأمین مواد اولیه، در بحث زنجیره تولید و زنجیره توزیع، ما این بحث فرآیندها و فرآیندسازی را به‌خوبی می‌توانیم از بسیج بخواهیم. فرآیندسازی‌ها و معرفی فرآیندها، به‌خصوص در آنجا که به دانش مردم کمک می‌کند. این‌ها چیزی نیست که ما بگوییم حاکمیت انجام دهد. بله، حاکمیت نیز می‌تواند کاری انجام بدهد اما گاهی نارسایی دارد؛ ما می‌توانیم برای او یک نقش مکمل، تعریف کنیم که یک سری از کارها را انجام بدهد تا آن اقتصاد مردمی که مد نظر رهبر معظم انقلاب است محقق شود.

نکته‌ای که راجع به اقتصاد مردمی باید خدمت شما عرض کنم، این است که ما واقعاً نیازی به ورود مردم در همه عرصه‌ها برای هدف کسب سود

و منفعت نداریم. اگرچه این نیز یکی از راه‌های اقتصاد مردمی است. ما در دانش اقتصاد به آن اقتصاد بازاری می‌گوییم؛ یعنی اقتصاد بازاری و خصوصی‌سازی و همه بخش خصوصی، اقتصاد مردمی نیست. ما همه این موارد را اقتصاد مردمی نمی‌دانیم. بنده معتقد هستم، اقتصاد مردمی می‌تواند بر اساس تعامل شکل بگیرد؛ یعنی به جای رقابت، می‌تواند بر مبنای همکاری، ایثار و نوع‌دوستی شکل بگیرد. همانند فضاهای خیریه‌ای و نذورات که شما در حال حاضر این موارد را در شهرهای بزرگ می‌بینید، که بسیاری از وظایف آموزشی حاکمیت، یا بخشی از آن‌ها را این انگیزه‌ها، تأمین می‌کنند. به‌عنوان مثال می‌توان از خیرین مدرسه‌ساز نام برد که در حال حاضر، بخش‌های دیگر اقتصادی نیز به دنبال این‌ها هستند. همه این‌ها در بهداشت، آموزش و حوزه فرهنگ نقش دارند که این نیز همان اقتصاد مردمی است. بسیج هم می‌تواند بهتر از این سازماندهی کند و آن‌ها را به میدان بیاورد و فعال کند.

بخش دومی که به نظر بنده باید بر روی آن حرف زد و فکر کرد، حوزه اقتصاد مردمی است. می‌توانیم با فرآیندسازی‌ها، دادن مشاوره‌های علمی و کارشناسی‌ها، کمک کنیم تا در فضاهایی که مردم به میدان می‌آیند،

صالحین

موفق باشند و فعالیت آنان به ثمر برسد.

سومین حوزه‌ای که به نظر بنده در سیاست‌های کلی رهبر معظم انقلاب برجسته است، بحث اقتصاد دانش‌بنیان است. اقتصاد دانش‌بنیان یک رویکرد، روش توسعه‌ای و یک راهبرد توسعه است. اگر قرار باشد ما در بحث اقتصاد، به این راهبرد توسعه‌ای و پیشرفت پی ببریم نیاز به اقتضائاتی دارد. اساس زنجیره تبدیل علم به ثروت که در بحث اقتصاد دانش‌بنیان آن را دنبال



ما در حوزه کشاورزی دچار یک

فرآیندهای معیوبی هستیم. در

بحث انتقال دانش و تأمین مواد

اولیه، در بحث زنجیره تولید

و زنجیره توزیع، ما این بحث

فرآیندها و فرآیندسازی را به‌خوبی

می‌توانیم از بسیج بخواهیم



صالحین

می‌کنیم، عرصه‌ای است که متأسفانه –هنوز– در کشور ما به‌صورت جدی به آن پرداخت نشده است. برای فضای نهادهایی که نام بردیم، می‌توانیم مأموریتی را تعریف کنیم؛ مأموریت آن می‌تواند، پرداختن جدی و راه‌اندازی جدی کسب و کارهای دانش‌بنیان باشد. کسب و کارهایی که تلاش می‌کنند، علم را به ثروت و منفعت در کشور تبدیل کنند. باید بر روی این جریان به‌عنوان یک مأموریت کار کرد.

به نظر بنده اگر بخواهیم در بحث‌های اقتصادی، به‌عنوان یک نقش مکمل، از این نهادها استفاده کنیم، این دو سه مورد جزء مهم‌ترین موارد می‌شود. ما در بحث‌های مربوط به کارآفرینی، کارهای زیادی می‌توانیم انجام دهیم. این نیز یکی از موارد برجسته در مباحث رهبر معظم انقلاب است. مورد نهایی نیز، مبحث رصد است. در همین مبحث نیز می‌توانیم کارهایی را انجام دهیم که مشاهده کنیم تا چه اندازه از بخش‌های حاکمیتی در فضای اقتصاد مقاومتی، پیش می‌روند؟ این رصد و پایش نیز می‌تواند به‌نوعی کار این نهادها و بسیج باشد. در حال حاضر، نهاد رسمی ما در رصد و پایش در حوزه اقتصاد، مرکز آمار و بانک مرکزی ایران است که متغیرهای خاصی همانند اشتغال، بیکاری، تورم، رشد اقتصادی و… را رصد می‌کنند، منتهی ما در اقتصاد مقاومتی باید متغیرهای جدیدی تعریف کنیم و این متغیرهای جدید را با کمک دستگاه‌های حاکمیتی یا به‌صورت موازی رصد کنیم و از آن گزارش‌های دوره‌ای بدهیم؛ که حداقل این



ما در بحث‌های مربوط به کارآفرینی،

کارهای زیادی می‌توانیم انجام

دهیم. این نیز یکی از موارد برجسته

در مباحث رهبر معظم انقلاب است

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

گزارشات می‌تواند نهادهای حاکمیت تأثیرگذار را راه بیندازد و آن‌ها را متوجه ضعف عمل در بعضی موارد کند. در مورد خود این شاخص‌سازی‌های شاخص‌های ارزیابی، می‌توانیم کاری جدی انجام دهیم. این نهادها به‌عنوان یک نقش مکمل می‌توانند بر روی این‌ها کار کنند و به دستگاه‌ها پیشنهادهاتی بدهند. آن‌ها می‌توانند در دستگاه‌های جمع‌آوری و رصد و پایش این‌ها کمک کنند و تابلویی از اقتصاد مقاومتی را در مقابل نهادهای تصمیم‌گیر حاکمیتی قرار بدهند.

به نظر بنده این نهادها از عهدهٔ این چند مسئولیت برمی‌آیند و می‌توانند این موارد را برعهده بگیرند و پیش ببرند.

دانشجوی آقای دکتر، در این روالی که شما در نشان دادن نقش مردم فرمودید، در معادله میان مردم، دولت و نقشی که در اقتصاد مقاومتی بازی می‌کنند، نقش مردم پررنگ‌تر است. سؤال بعدی این است که شما در اقتصاد مقاومتی و جنگ اقتصادی، نقش مردم را پررنگ‌تر می‌دانید یا نقش دولت را؟ شما وزنه کدام‌یک را سنگین‌تر می‌دانید؟

–توجه کنید، این چیزی نیست که بگوییم نقش کدام‌یک پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر است؟ هرکدام از این‌ها در سرجای خود، وظیفه‌ای برعهده دارند و نقشی را باید ایفا کنند، اما در فضای جنگ تحمیلی نیز، اگر وظیفه جنگیدن را تنها برعهده یک نهاد حاکمیتی مثل ارتش، می‌دانستید دچار کاستی‌هایی می‌شد. در عرصه اقتصاد نیز به همین صورت است. نقش مکمل مردم –که گاهی می‌تواند پررنگ‌تر از نقش حاکمیت نیز باشد– در فضای اقتصاد مقاومتی نیز مهم است؛ یعنی به نظر بنده، در وضعیت فعلی که نقش نهادهای حاکمیتی مقداری دچار نارسایی است باید بگویم اگر ما از سمت مردم وارد عمل شویم، می‌توانیم بسیاری از این نارسایی‌ها را پوشش دهیم و جبران کنیم. منظور بنده این نیست که بگویم نقش کدام پررنگ و کدام‌یک کم‌رنگ است. هرکدام از این نهادها باید در سرجای خود نقش‌آفرینی کنند و اگر نارسایی‌هایی مشاهده می‌کنند، در صدد جبران آن برآیند که در این صورت می‌توانیم کاری را پیش ببریم.

دانشجوی سؤال بعدی‌ای که مطرح است بحث

یکی از ابزارهایی است که در دوران کنونی، چه در جامعه ما و چه در جوامع دیگر مطرح شده

است و آن‌هم بحث سازماندهی فعالیت‌های مردم و همکاری آن‌ها در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد است. سازمان‌هایی که –همانطور که می‌دانید– اقتصادی و محلی نیستند بلکه حاصل فعالیت جمعی از افراد دغدغه‌مند هستند. به نظر شما فعالیت مردم در قالب این سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌تواند به پیاده‌سازی، مقابله با جنگ اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در کشور ما کمک کند؟

–بله، قطعاً. بنده می‌توانم مواردی را برای شما به‌عنوان مثال و نمونه بگویم که بسیاری از این نهادهای مؤثر در فرهنگ‌سازی اقتصادی در غرب، نیز همین نهادهای اصطلاحاً غیرانتفاعی^۱ و مردم‌نهاد^۲ هستند.

چه در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و چه در حوزه مردمی کردن اقتصاد و در حوزه فرهنگ‌سازی، نقش این نهادها پررنگ است. در غرب نیز به همین صورت است.

ما نیز می‌توانیم از همان ایده‌ها استفاده کنیم و آن‌ها را به شکل مردم‌نهاد پیش ببریم. درست است، زمانی که بحث از فرهنگ‌سازی می‌شود ما به سراغ وزارت آموزش پرورش و یا وزارت فرهنگ و ارشاد و … می‌رویم، اما نقش این نهادهای مردم‌نهاد یا غیرانتفاعی در دنیا، در حوزه فرهنگ‌سازی اقتصادی نیز بسیار پررنگ است. به این صورت نیست که تمامی کارها را خود دولت‌ها انجام دهند. درست است که نهاد آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت رسمی و فرهنگ‌سازی رسمی، کارایی بالاتر و بهره‌وری بهتری دارد اما نقش مردم‌نهادها و نهادهای غیرانتفاعی نیز کم نیست. در همه حوزه‌ها، هر چه این حوزه‌ها مردمی‌تر، این نقش نیز پررنگ‌تر می‌شود. خدمت شما عرض کنم که حتی کارهایی که خود حاکمیت با بهره‌وری بالا انجام می‌دهند به‌صورت نگاه‌های هدفی است، اما در جامعه ما نگاه‌ها، نگاه ارزشی می‌شوند. فرد در ساعت کاری خود، در ازای دستمزد به آن کار نگاه نمی‌کند، بلکه به آن کار به‌صورت ارزشی و هدفی نگاه می‌کند و با جان و دل به میدان می‌آید. اگر این فضا به وجود بیاید بسیاری از کارها پیش می‌رود و بهره‌وری و ارزشمندی کار بسیار بیشتر می‌شود. ■

پی‌نویس:

۱. (Non-profit organization)

۲. (non-governmental)

عملیات در عرصه اقتصاد مقاومتی

اقدامات ممکن

حدود چهار سال از طرح موضوع «اقتصاد مقاومتی» به‌عنوان یک ضرورت اساسی برای کشور می‌گذرد.

رویکردی که با توجه به شرایط خصوصت‌های خارجی علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، نه‌تنها حفظ استقلال اقتصادی کشور، بلکه به‌تبع آن استقلال سیاسی کشور به آن وابسته است، اما آنچه تاکنون در عمل واقع‌شده است، نمی‌تواند حرکتی درخور توجه به سمت اقتصاد مقاومتی باشد یا حداقل می‌توان گفت سرعت این حرکت به‌هیچ‌وجه متناسب با شرایط خصوصت‌های خارجی و شرایط منطقه‌ای و جهان اسلام که به تعبیر رهبری (مدظله)، «پیچ تاریخی» که ما در آن قرار داریم، نیست. برای این منظور هر فرد باید در عرصه عملی فردی و اجتماعی به بهترین شکل ممکن کار خود را انجام دهد تا مجموع جامعه حرکت بزرگی به سمت پیشرفت بیشتر اقتصادی داشته‌باشد.



۱. **مصرف کالای داخلی:** مشتری کالای داخلی اولین قدم و ساده‌ترین کاری است که هر فردی می‌تواند آن را انجام دهد و به هیچ‌گونه تخصص خاصی نیاز ندارد. این کار به دلایل اقتصادی اولین گام برای پیشرفت اقتصادی است که به‌صورت مجمل باعث افزایش اشتغال، کاهش تورّم، افزایش صادرات، افزایش درآمد و مانند آن می‌شود.

۲. **افزایش بهره‌وری:** بهره‌وری در یک تعریف ساده به معنای کار درست را به‌درستی انجام دادن است. اگر هر فردی به‌درستی کاری را که به عهده دارد انجام دهد، به‌یقین نقش مؤثری ایفا کرده‌است. البته واضح است که ابتدا باید کار درست را تشخیص داد و سپس آن را به‌درستی انجام داد.

۳. **تقویت روحیه کارآفرینی:** اقتصاد روز دنیا به ما می‌گوید که تنها راه برون‌رفت کشور از وضع کنونی اقتصادی، تقویت جنبه تولید در کشور است. درواقع محوریت طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی باید تقویت تولید داخل باشد تا بتوان هم‌زمان مشکلات مربوط به تورّم و بیکاری را حل کرد. برای این منظور باید مردم کشور از روحیه پشت میزنشینی و کارمندی به سمت

پرونده دهم | نقشه عملیات

صالحین

روحیه کارآفرینی و تولید روی بیاورند که البته این کار نیاز به زیرساخت‌هایی هم دارد که نهادهای اجرایی باید فراهم کنند. اما سوای بحث وظایف نهادهای قانونی در کشور، خود مردم نیز باید انگیزه تولید را دارا باشند. حرکت به سمت کسب‌وکارهای کوچک که با هزینه‌های پایین راه‌اندازی می‌شوند از این دست عملیات‌هاست. برای این منظور می‌توان به افراد موفق یا نهادهایی که می‌توانند در این زمینه مشاوره دهند رجوع کرد. فراموش نکنیم که قدم اول برای این کار مطالعه و آگاهانه حرکت کردن است.

۴. **مدیریت مخارج:** یکی از بهترین روش‌ها برای کنترل مخارج غیرضروری خانواده استفاده از یک دفترچه یادداشت برای ثبت مخارج روزانه است. در پایان یک دوره مالی یک‌ماهه متوجه خواهید شد که این کار چقدر چشم ما را برای کنترل مخارج غیرضروری بازخواهد کرد. ناگفته پیداست که کشور ایران در مسابقات مخارج غیرضروری در رشته‌های لوازم‌آرایی، جراحی زیبایی، مُدگرایی، مصرف آدامس، خرید وسایل مارک‌دار، مصرف نوشابه و مانند آن‌ها جزء کشورهای پیشتاز است که آمار دقیقی آن موجود است. این در حالی است که اسراف و تبذیر به‌عنوان دو اصل مذموم در دین ما محسوب می‌شود.

۵. **تربیت اقتصادی:** جنگ اقتصادی نیازمند جهاد اقتصادی است و برای این نوع جهاد باید از ابزار خاص خودش یعنی تعلیم و تربیت اقتصادی استفاده نمود؛ به‌عبارت‌دیگر، تربیت اقتصادی مقدمه پیروزی در جنگ اقتصادی است. همان‌طور که آموزش نظامی می‌تواند موجب موفقیت در جنگ نظامی شود. برای پیروز شدن در عرصه اقتصادی باید ابتدا نیروی متناسب با آن را تربیت کرد. چگونگی مصرف بر اساس تربیت اقتصادی تعیین می‌شود. از چه کالاهایی استفاده کنیم؟ چقدر از یک کالا مصرف کنیم؟ اسراف و تبذیر در مصرف به چه معناست؟ چگونه کارآفرینی کنیم؟ تأمین مالی را به چه شکلی انجام دهیم؟ تربیت اقتصادی صحیح موجب انگیزه و رفتار مناسب برای فعالیت اقتصادی فرد و جامعه می‌شود و این مسئله به‌نوبه خود می‌تواند نتایج اقتصادی خوبی را برای شخص و کشور به ارمغان آورد. ■

صالحین



عملیات در عرصه اقتصاد مقاومتی

از تربیت تا آموزش

نحوه فعالیت اقتصادی مردم و مصرف آن‌ها معمولاً متفاوت است. این تفاوت می‌تواند در قالب‌های مختلف ظاهر شود و اثرات گوناگونی از خود بر جای گذارند. در این نوشتار ابتدا تفاوت‌های مربوط به نحوه کار کردن و در ادامه تفاوت‌های ناظر به چگونگی مصرف توضیح داده خواهد شد و در نهایت، به ضرورت تربیت و آموزش برای تحقق اقتصاد مقاومتی اشاره می‌شود.

استعداد، توانایی و علاقه‌های مختلف مردم می‌تواند عامل متفاوت بودن چگونگی تلاش و کار اقتصادی آن‌ها باشد. گاهی این تفاوت در کمیت تلاش افراد است؛ مثلاً یک نفر ممکن است در روز ۸ ساعت

عملیات در عرصه اقتصاد مقاومتی

ترویج و
گفتمان‌سازی

ترویج یک کار جدید در جامعه همواره با دشواری‌های زیادی همراه هست. حتی زمانی که دشمن بخواهد عملیات روانی در جامعه هدف خود انجام و یک ناهنجاری اجتماعی را به‌عنوان ارزش جلوه دهد، باید صبر داشته‌باشد. چرا که کار فرهنگی و تغییر فرهنگ و عادات مردم همواره کاری سخت و زمان‌بر است. در حوزه رفتارهای اقتصادی که مردم به‌صورت مستقیم با دست‌رنج خود سرکار دارند، این امر دشواری‌های بیشتری دارد. از طرف دیگر این واقعیت نیز قابل‌انکار نیست که ما در یک جبهه جنگ اقتصادی تمام‌عیار قرار داریم و برای پیروزی در این جنگ باید تعجیل کرد. البته این امر، نشدنی نیست، چرا که تجربه هشت سال

فعالیت داشته باشد ولی دیگری ۱۰ ساعت کار انجام دهد. گاهی تفاوت در کیفیت فعالیت افراد است؛ مثلاً ممکن است نفر اول از ۸ ساعت فعالیت در روز، ۵ ساعت فعالیت مفید و نتیجه‌بخش داشته باشد ولی شخص دیگر از ۱۰ ساعت فعالیت در روز، ۶ ساعت بصورت مفید کار کند.

همچنین گاهی تفاوت در نوع کار افراد هست؛ مثلاً یک نفر، کشاورز، دامدار یا خیاط است، ولی بعضی دیگر به دنبال خرید یک کالا با قیمت کمتر و فروش آن با قیمت بیشتر هستند. برخی دیگر نیز در ساعات مشخصی در محل خاصی حضور می‌یابند و خدمات مختلفی به مردم ارائه می‌دهند؛ مانند کارمند بانک.

از طرف دیگر، انسان می‌تواند دسترنج و حاصل فعالیت و تلاش خود را به طرق مختلف مصرف نماید. هر کس معمولاً با توجه به اعتقادات خود، تربیت خانوادگی‌اش و فرهنگ جامعه خویش، نحوه مصرفش را انتخاب می‌کند. برخی در تهیه کالاها و خدمات ضروری زندگی مانند غذا با مشکل مواجه هستند و

هر مقدار به دست آورند مصرف می‌کنند. بعضی نیز ارزان‌ترین کالاها و خدمات را تهیه و مصرف می‌کنند ولی برخی دیگر معتقدند باید فقط از کالاها و خدمات شیک و زیبا و گران استفاده کنند حتی اگر آن‌ها کیفیت بهتر و یا فایده بیشتری نداشته باشد.

علاوه بر این، هر کس ممکن است بیشتر از نیازهای خود، مصرف نماید؛ مثلاً ممکن است به اندازه کافی لباس داشته باشد ولی لباس‌های بیشتری بخرد و استفاده نماید. گاهی نیز اتفاق می‌افتد که شخص به اندازه نیازش خریداری می‌کند ولی آن را درست مصرف نمی‌کند؛ مثلاً یک آبمیوه می‌خرد ولی همه آن را مصرف نمی‌کند و باقیمانده آن را در سطل زباله می‌اندازد.

افزون بر این موارد، انسان گاهی یک کالای خاص را درست مصرف می‌کند ولی کالاهای دیگر را درست مصرف نمی‌کند. همچنین لازم به دقت می‌باشد که انسان ممکن است یک کالا را در یک زمان، درست مصرف کند ولی در زمان دیگر، همان کالا را صحیح

با آن آشنا شدیم، تازه باید تلاش خود را انجام دهیم که به اشکال مختلف این موضوع و فرهنگ جدید اقتصادی را در میان خانواده، دوستان، اقوام و عموم مردم ترویج دهیم. این کار به صور مختلف می‌تواند انجام شود که چند نمونه را تیتروار اشاره می‌کنیم (توجه شود که در کارهای نمونه زیر به‌هیچ‌عنوان نیازی به تولید محتوای جدید نیست بلکه صرفاً توزیع محتواها مدّ نظر است):

۱. مصرف

اولین کار برای تقویت عناصر هر نظریه یا فرهنگ این است که خود فرد عامل به چیزی باشد که آن را ترویج می‌کند. درواقع عالم با عمل یا زنبور با عسل. برای این منظور ما باید خودمان مصرف‌کننده محتواهای اقتصاد مقاومتی باشیم و آن را به منّصه ظهور برسانیم؛ مثلاً خودمان در این حوزه مطالعاتی را صورت دهیم. نشریه بخوانیم. یادداشت‌های مرتبط با این حوزه را مروری بکنیم تا با ادبیات بحث آشنا بشویم و قس علی هذا.

۲. توزیع

آشنا شدن ما با حوزه اقتصاد مقاومتی، آغاز کار است. حال که اهمّیت و ضرورت بحث را درک کردیم و

صالحین

استفاده نکند؛ بطور مثال یک شخص می‌تواند زمانی که خیلی گرسنه است از غذای خود به خوبی استفاده کند، یعنی هم غذای خوب بخورد و هم غذا را خوب بخورد و به اندازه مصرف کند ولی همین شخص زمانی که چندان گرسنه نباشد در خوردن غذا ممکن است اسراف کند.

بر اساس مطالب فوق مشخص شد که انسان می‌تواند در زمینه فعالیت اقتصادی و نیز مصرف حاصل از دسترنج خویش، انتخاب‌های مختلفی را رقم بزند. تربیت و آموزش اقتصادی موجبات تصمیم‌گیری صحیح را فراهم نموده و ثمرات خوبی به بار خواهد آورد. بنابراین یکی از اقدامات لازم در زمینه اقتصاد مقاومتی، تربیت و آموزش اقتصادی افراد است تا انتخاب‌های اقتصادی صحیح را بیاموزند، نسبت به اتخاذ آن علاقمند شوند و در نهایت، آن‌ها را انجام دهند. به عبارت دیگر، تربیت اقتصادی لازمه پیروزی در جنگ اقتصادی است؛ همانطور که آموزش نظامی می‌تواند موجب موفقیت در جنگ نظامی شود. ■

محتوا برای طبقه مصرف‌کننده و توزیع‌کننده است. این کار اگرچه دشواری دارد اما اثرگذاری بسیار بیشتر و عمیق‌تری دارد. البته منظور از تولید محتوا صرفاً نگارش متون و مقالات مفصل و علمی نیست، بلکه هر کار ساده‌ای که منجر به ایجاد انگیزه در میان مردم شود که به‌سوی گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی سوق پیدا کنند را شامل می‌گردد؛ به‌عنوان مثال کسی که خاطرات اقتصادی مرتبط با شهدا را از کتاب‌ها جمع‌آوری می‌کند و در یک صفحه به دیگران تحویل می‌دهد هم یک کار تولیدی انجام می‌دهد. حتی نوشتن تجربیات موفق کارآفرینی یک فرد هم یک تولید محتوای بسیار تأثیرگذار است. همچنین فردی که در رشته‌های مرتبط با طراحی مهارت دارد می‌تواند با تولید یک پوستر یا اینفوگراف و مواردی از این قبیل، تولید مهمی را انجام دهد. چند نمونه کلی در این مورد را اشاره می‌کنیم:

۱. نگارش محتوا: شامل یادداشت یک صفحه‌ای، مقاله، خاطرات، تجربیات موفق اقتصادی، جمع‌آوری احادیث و آیات مرتبط با این حوزه و مانند آن‌ها

۲. طراحی: پوستر، اینفوگراف، سایت و وبلاگ، موشن گراف و مانند آن ■

صالحین



گفتمان سازی

اقتصاد مقاومتی در
متن جامعه

در یک نگاه ساده برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان پنج مرحله را در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

۱. رصد؛
۲. پژوهش؛
۳. تربیت و آموزش؛
۴. گفتمان‌سازی؛
۵. اقدام.

می‌توان ذیل هر مرحله تقسیماتی را نیز انجام داد.

بر اساس این دیدگاه گفتمان‌سازی یکی از محورهای مهم برای اقتصاد مقاومتی است. نگاه دوم این است که اقتصاد مقاومتی کلاً یک عملیات گفتمانی است به

شرطی که برای گفتمان‌سازی گستردگی بیشتر، اجرای متفاوت و بزرگ‌تری را قائل باشیم.

برای گفتمان تعاریف زیادی بیان شده اما اگر بخواهیم آن را در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) جستجو کنیم می‌توان به این جمله اشاره نماییم که: «تبلیغ باید جریان‌ساز باشد، تبلیغ باید گفتمان‌ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند؛ گفتمان ایجاد کند. گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت، در بره‌های از زمان در یک جامعه همه‌گیر بشود. آن‌وقت، این می‌شود گفتمان جامعه. این، با کارهای جدا جدای برنامه‌ریزی نشده، حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج دارد به برنامه‌ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته در وسیله فشاری است که می‌تواند آب یا مایه حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه‌ریزی احتیاج دارد.» (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون. ۲۲/۰۹/۱۳۸۸)

برای بررسی این موضوع باید اندکی در مورد گفتمان‌سازی توضیح دهیم تا منظورمان از اینکه اقتصاد مقاومتی عملیاتی گفتمانی است روشن‌تر شود.

با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب گفتمان‌سازی مرحله‌ای دارد که مستلزم برنامه‌ریزی است. این‌که این مرحله چیست ممکن است نظرات متفاوت باشد اما در اینجا می‌توان به مدلی از گفتمان‌سازی عمل‌محور اشاره کرد. در پژوهش‌هایی که در مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی و برخی مراکز دیگر در حوزه گفتمان‌سازی انجام شده به‌طور خلاصه گفتمان‌سازی را می‌توان در شش مرحله مورد بررسی قرار داد:

۱. تشخیص (در نظام ولایت‌فقیه مبنای تشخیص ولی فقیه است)؛
۲. تبیین (همان مسئله تشخیص داده شده توسط ولی فقیه موضوع پژوهش قرار می‌گیرد)؛
۳. تبلیغ (اقتناع انواع مخاطبان)؛
۴. تثبیت (باورسازی از طریق مواجه و تقویت خردورزی افراد)؛
۵. تعمیق (عمل بر اساس باورهای ایجاد شده توسط خواص)؛
۶. ایجاد گفتمان.

نکته محوری این مدل این است که تا بر اساس موضوع محوری گفتمان، عمل متناسب توسط خواص

یا تعداد قابل‌توجهی از افراد عموم جامعه ایجاد نشود گفتمان ایجاد نخواهد شد.

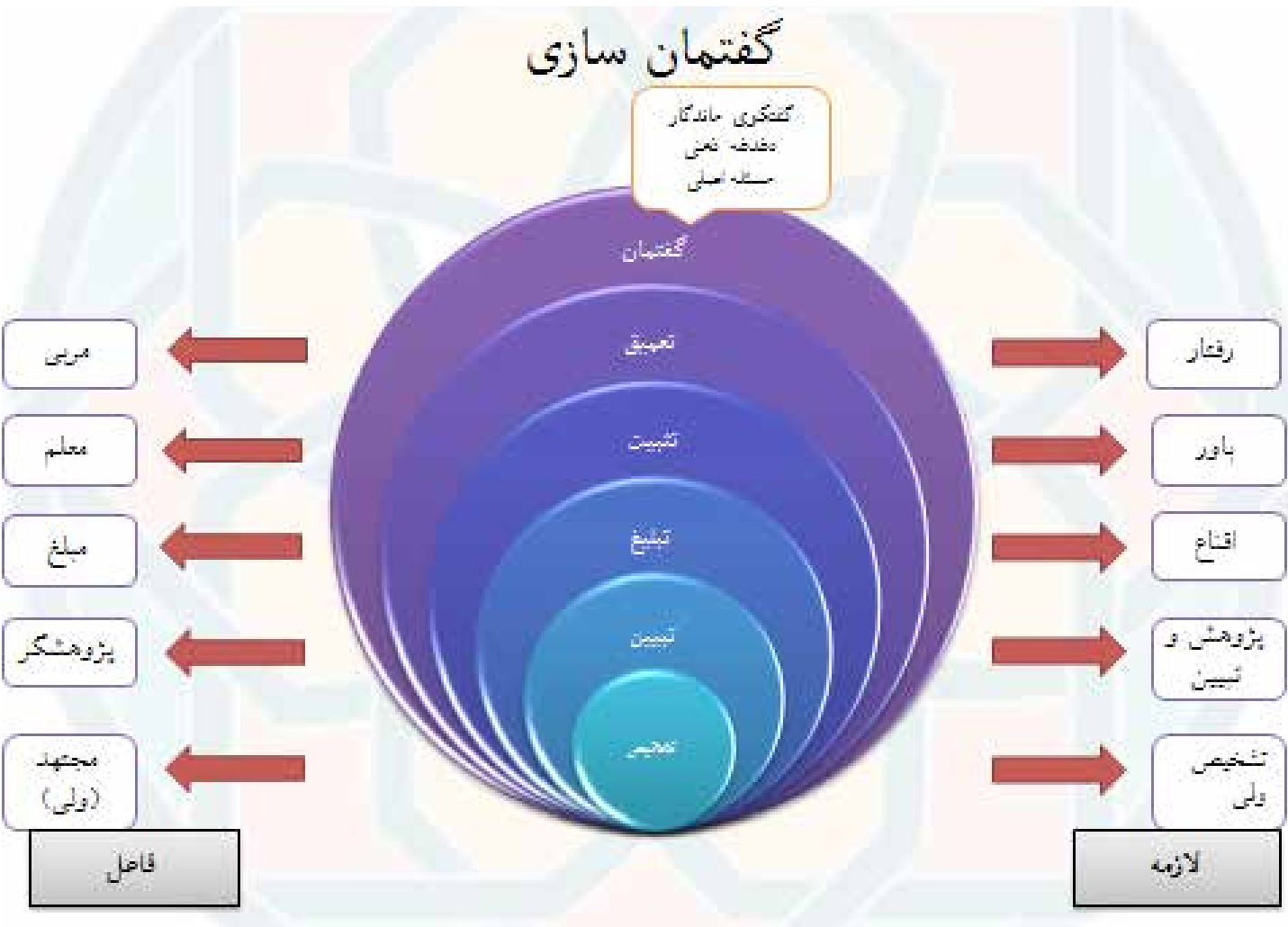
بنابراین نقش طراحی و ایجاد رفتارهای متناسب با موضوع گفتمان بر اساس باورهای ایجاد شده بسیار پررنگ گشته و نقش شجره طیبه صالحین به‌عنوان یک شبکه تربیتی عظیم که توانایی رفتارسازی مناسبی در متربیان دارد را بسیار حیاتی می‌نماید.

اگر سرگروه صالحین و یا مربیان بتوانند در تعداد خاصی از افراد حلقه، یک رفتار ساده را بر اساس گفتمان اقتصاد مقاومتی ایجاد کنند، موضوع موردنظر

به گفتمان کل اعضای حلقه تبدیل شده و یا در مقیاسی بزرگ‌تر اگر اعضای یک حلقه در یک پایگاه یا مسجد بتوانند در عرصه اقتصاد مقاومتی یک رفتار و عمل هرچند ساده را انجام دهند، موضوع اقتصاد مقاومتی به گفتمان کل پایگاه یا مسجد تبدیل می‌شود و از اینجا فعالیت‌های یک مسجد و یا پایگاه به‌صورت عمومی در عرصه اقتصاد مقاومتی با سرعت قابل‌توجهی آغاز می‌شود.

بر این اساس یک سرگروه یا مربی صالحین پس از فراگیری اجمالی اقتصاد مقاومتی و دریافت محتواهای تولید شده ابتدائاً باید خود را برای تبلیغ مسئله آماده

صالحین



کند که البته منظور از تبلیغ سخنرانی حرفه‌ای در این زمینه نیست بلکه به این معناست که بتواند با تسلط کامل به‌اندازه سی دقیقه برای اعضای حلقه و یا پایگاه در موضوع اقتصاد مقاومتی صحبت کند و در ادامه با ایجاد انگیزه و باور در افراد چند عمل ساده را پیش پای متربیان بگذارد. این اعمال ساده که غالباً خود سرگروه باید با توجه به شرایط حلقه آن را طراحی کند باعث می‌شود تا متربیان به‌راحتی آن‌ها را انجام دهند و عمل آن‌ها موضوع موردنظر را به گفتمان برای سایرین تبدیل می‌کند. ■

صالحین



عملیات در عرصه اقتصاد مقاومتی

اطلاعات- عملیات

رصد و ارزیابی

اقتصاد مقاومتی به‌طور ذاتی الگوی اقتصادی مورد نظر انقلاب اسلامی بوده‌است؛ الگویی که می‌تواند با درنوردیدن موانع داخلی و خارجی (اعمّ از موانع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی موانع فیزیکی و طبیعی) تحقّق اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی (استقلال، رفاه و پیشرفت) را تضمین کند؛ لکن با تأکید رهبر معظم انقلاب (مدّظله) بر این الگو از اواسط دهه ۸۰ و در نهایت ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط معظّم‌له (پس از مشورت با مجمع تشخیص

عملیات در عرصه اقتصاد مقاومتی

قلم‌های آماده

پژوهش و تحقیق

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان نظریه اقتصادی انقلاب اسلامی، دارای ابعاد مختلفی است. بنابراین نباید صرفاً نگاه فنی و عملیاتی به آن داشت، بلکه باید به بررسی و مدون کردن این نظریه برای تبدیل آن به یک نظام نیز، توجه نمود. در این صورت پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و ... باید مد نظر قرار گیرد. در غیر این صورت، بیم آن می‌رود که همین نظریات غربی و نامتناسب با فرهنگ بومی و مسائل ملی اقتصاد ایران به جای نظریات اقتصاد مقاومتی، جایگزین شود – کما اینکه بعضاً در افواه چنین امری شنیده می‌شود – و نسخه‌های حاصل از آن به‌عنوان شفافبخش اقتصاد کشور، معرفی شود.

در راستای پژوهش در عرصه اقتصاد مقاومتی،



مصلحت نظام و سایر گروه‌های دانشگاهی و نخبگان کشور)، با استناد به اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرّر گردید رویکرد اقتصادی کشور به‌طور رسمی به سمت نظام اقتصاد مقاومتی تغییر یابد. این تغییر مسیر، مستلزم تحولاتی به شرح ذیل است:

یک. تغییر در رویکردها و عملیات دستگاه‌های اجرایی و حکومتی؛

دو. تغییراتی در ساختارها و قوانین رسمی کشور (متناسب با اقتضائات اقتصاد مقاومتی)؛

سه. تغییر در سطح دانش و نوع بینش، گرایش و رفتارهای مرتبط با اقتصاد در آحاد ملت (اعمّ از نخبگان، مسئولان و توده‌های مردم)؛

چهار. (در نتیجه اقدامات فوق): تغییر در وضعیت متغیرها و شاخص‌های اقتصادی کشور (در سطوح خرد و کلان) متناسب با مفاهیم و اهداف اقتصاد مقاومتی.

بر همین اساس و بر اساس فرمایش فرمانده معظّم کلّ قوا (مدّظله) مبنی بر وجود یک مرکز به منظور رصد و پایش اقتصاد مقاومتی، باید مرکزی وجود

داشته‌باشد که به رصد و ارزیابی میزان پیشرفت برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در سطح کشور (متناسب با تحولات مورد انتظار در موارد یک تا چهار فوق) بپردازد.

تا زمانی که شاخص‌سازی برای رصد اقتصاد مقاومتی صورت نپذیرد، امکان رصد و پایش اقتصاد مقاومتی وجود نخواهد داشت. این شاخص‌ها بر اساس ابلاغیه رهبر معظم انقلاب (مدّظله) در خصوص اقتصاد مقاومتی، سخنرانی‌های ایشان به منظور تبیین اقتصاد مقاومتی و همچنین نظرات استادان و کارشناسان اقتصادی می‌بایست تدوین شوند.

به نظر می‌رسد به منظور دستیابی به هدف رصد اقتصاد مقاومتی در سطح جامعه، باید اقدامات ذیل به صورت دقیق اجرایی و عملیاتی شود:

■ انجام کارهای علمی- پژوهشی در حوزه شاخص‌های رصد اقتصاد مقاومتی؛

■ برگزاری دوره‌های آموزشی- تربیتی در خصوص اقتصاد مقاومتی به منظور آشنایی قشرهای مختلف

صالحین

جامعه با اقتصاد مقاومتی و نحوه پیاده‌سازی آن در سطح جامعه؛

■ ترویج و گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی؛

■ رصد سطح برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حوزه اقتصاد مقاومتی؛

■ رصد اقدامات انجام‌گرفته در حوزه اقتصاد مقاومتی در سطوح مختلف جامعه؛

بر این اساس امید می‌رود بتوان به رصد اقتصاد مقاومتی مبادرت ورزید. ■

منبع: سایت جهاد اقتصادی jahadeghtesadi.com

۱- «ایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار (پیشرفت اقتصاد مقاومتی) را پایش کند، اطلاعات را گردآوری کند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند.» (بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

■ **پژوهش‌های حوزه نهادسازی متناسب با اقتصاد مقاومتی:** به نظر اکثر کارشناسان، یکی از مشکلات مهم اقتصادی کشور، وجود ساختارها و نهادهای ناکارآمد است. در این راستا باید مشخص گردد که نهادسازی مطلوب و متناسب با اقتصاد مقاومتی، کدام است.

■ **پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی مضاف:** یکی از عرصه‌های پژوهش نظری و کاربردی ضروری، این است که تمامی اقتصادهای مضاف، ذیل نظریه کلی اقتصاد مقاومتی تعریف و بازتعریف شود. به‌عنوان مثال، باید اقتصاد فرهنگ مقاومتی، آموزش و پرورش مقاومتی، نفت و انرژی مقاومتی، پولی مقاومتی، اقتصاد بین‌الملل مقاومتی و ... تبیین شود.

■ **پژوهش‌های حوزه نرم اقتصاد مقاومتی:** منظور از حوزه نرم، مسائل فرهنگی است. در این حوزه باید پژوهش‌هایی در راستای چگونگی فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی، آسیب‌شناسی فرهنگی و رفتاری مردم، در جهت اقتصاد مقاومتی، راهکارهای ایجابی در جهت تبدیل شدن اقتصاد مقاومتی به گفتمان غالب اقتصادی کشور و ... انجام گیرد. ■

سایر نظریات اقتصادی، تناسب بیشتری با ظرفیت‌های کشور ما دارد. این یک پژوهش نظری در راستای اثبات کارآمدی این نظریه است.

■ **پژوهش‌های عملی در راستای اثبات کارآمدی اقتصاد مقاومتی:** روش دیگر این است که پس از اجرای این نظریه در عالم واقع، پیامدهای آن را بررسی کنیم و با پیامدهای سایر نظریه‌ها مقایسه نموده و ثابت نماییم که نظریه اقتصاد مقاومتی، پیامدهای بهتری برای اقتصاد کشور داشته است. در این عملیات‌ها باید با استفاده از آمار و انجام پژوهش‌های میدانی، نشان داد در جایی که به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، عمل شده‌است، نتایج حاصل از آن مطلوبیت لازم را دارا بوده است.

■ **پژوهش‌های کاربردی در راستای تبیین نقش بخش‌های مختلف اقتصاد در اقتصاد مقاومتی:** در این حوزه باید نقش و مأموریت بخش‌های مختلف اعم از دولت، مردم، بنگاه‌ها، قشرها و ... و همچنین بخش‌های صنعت، کشاورزی، نفت و انرژی، خدمات و ... در اقتصاد مقاومتی تبیین شده و مورد ارزیابی قرار گیرد.

صالحین



الگویی به نام جهاد سازندگی

نگاهی به الگوی جهادی آن در عرصه اقتصاد مقاومتی



دکتر روح‌الله ایزدخوه

مدرس دانشگاه

اشاره

« نوشتار زیر متن صحبت‌های دکتر روح‌الله ایزدخواه دربارهٔ جهاد سازندگی است که در میزگردی با نام راهکارهای اجرایی و عملی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. دکتر ایزدخواه در این سخنرانی با ذکر خاطره‌ای از یک دانشجوی آمریکایی، عظمت کار جهاد سازندگی را به تصویر می‌کشند .

■ دانشجوی پرینستون و جهاد سازندگی

من با یک خاطره شروع کنم. سال گذشته شنیدم که دانشجویی از دانشگاه پرینستون آمریکا به ایران آمده و دارد بر روی موضوعی تحقیق می‌کند. مایل بودم که او را ببینم. برای دیدنش به دانشکدهٔ جامعه‌شناسی دانشگاه تهران رفتم. این دانشجو فرانسوی الاصلی بود و در دانشگاه پرینستون دکترای توسعه و بحث‌های علمی گرفته بود؛ یک چیز میان‌رشته‌ای بود که نامش دقیقاً خاظم نیست و موضوع پایان‌نامه‌اش جهاد سازندگی ایران بود. به ایران آمده بود برای انجام تحقیق. زبان فارسی را خیلی سلیس صحبت می‌کرد، عربی را هم یاد گرفته بود. گفتم چرا جهاد سازندگی ایران را برای موضوعتان انتخاب کردید، گفت اساتیدی که من با آن‌ها کار می‌کنم پنج نفر هستند، یکی اقتصاد، یکی توسعه، یکی جامعه‌شناسی و غیره و آنجا یک مسئله‌ای به این تیم ارجاع شده بود پیرامون جهاد سازندگی در ایران. طبق تحقیقاتی که کردیم در ایران

در سطح روستایی هر راهی که هست، هر کاری که صورت گرفته اعم از عمرانی، فرهنگی، آموزشی و غیره ریشه‌اش به جهاد سازندگی برمیگردد. برایمان سؤال شده که جهاد سازندگی ایران چیست که آنقدر ظرفیت داشته؟ ظرفیتش هم فقط عمرانی نبوده، فرهنگی بوده، آموزشی بوده، ریشه‌کنی بی‌سوادی و... بوده، ریشه‌کنی بیماری‌های آنچنانی بوده است. اینکه جهاد سازندگی چه بوده و چه شده موضوع پایان‌نامهٔ این آقا بود. هشت تا نه ماه در ایران مطالعه کرده بود، مطالعاتش هم صد درصد میدانی بود؛ یعنی کتابی تقریباً نبوده که او بخواند. رفته بود با تک‌تک این جهادگرهای قدیم مصاحبه کرده بود. بعد تازه به تهران هم بسنده نکرده بود؛ شنیده بود که مثلاً تبریز هم جهاد قوی‌ای داشته، آنجاها را هم رفته بود.

■ کپی‌برداری از جهاد در سوریه و پاکستان

گفتم عربی را چرا یاد گرفتی؟ گفت بعد از جهاد سازندگی ایران دو کشور مستقیماً از ایران تقلید کردند.



در اقتصاد، یک جریانی کنتور

انقلاب را صفر کرد؛ یعنی گفت

انقلاب در اقتصاد مطلقاً نه الگو

و نه حرف برای گفتن نداشته

یکی پاکستان و دیگری سوریه. آن‌ها مجموعه‌ای شبیه جهاد سازندگی ایران راه انداخته‌اند. رفتن این‌ها را هم مطالعه کنم، چون تجربهٔ یگانه‌ای بوده است. جهاد سازندگی ایران هیچ سابقه‌ای نداشته؛ دو کشور هم آمده‌اند از این مدل تقلید کرده‌اند، رفتن ببینم آن‌ها از جهاد سازندگی ایران چه فهمیده‌اند. می‌گفت من فهمیدم که این‌ها اصلاً کارشان با شما فاصله زیادی داشته؛ کار آن‌ها خیلی سطحی بوده است. من خودم شاید از سه سال قبل در بحث جهاد سازندگی یک مباحثاتی با بعضی محققین داشتم، اما جرئت نکردم موضوع پایان‌نامه دکترایم را جهاد سازندگی بگذارم؛ با اینکه علاقه هم داشتم. گفتم خوب نخواهند فهمید. اساتید ارجاع (رفرنس) می‌خواهند. همین الآن تعدادی منبع ارائه داده‌ام که ۸ تا فارسی است و ۲۸ تاش خارجی. می‌گویند این فارسی‌ها را از کجا آورده‌ای؟ گفتم من ده سال است که دارم در این زمینه کار می‌کنم. با منابع آشنا هستم، می‌گویند نه از کدام سایت مدیریت خارجی؟ از کجا این‌ها را جستجو کردی؟ کی به تو

گفته این‌ها مرجع هستند؟ یعنی اینقدر ما عقب‌ماندگی داریم.

■ در اقتصاد مقاومتی نباید مثل اقتصاد اسلامی درگیر تئوری‌ها شویم

عرض من این است که اقتصاد مقاومتی خیلی روی زمین است، خیلی عینی است، اصلاً چرا اقتصاد مقاومتی؟ مگر ما قبل از آن بحثی به نام اقتصاد اسلامی سال‌ها نداشتیم؟ این همه مرکز آموزشی-پژوهشی، اساتید و... هم داشتیم. پس چرا اقتصاد مقاومتی؛ من فکر می‌کنم چون این بحث [اقتصاد اسلامی] اصلاً جواب نداده. اقتصاد اسلامی خیلی ما را درگیر تئوری‌ها و مبانی فلسفی کرد و یک قدم جلو نبرد. انحراف بزرگی در اقتصاد اسلامی رخ داده که فقط نشسته‌ایم حرف تئوریک زده‌ایم و احساس می‌کنیم که دستانمان خالی است. واضح‌ترین مورد بحث ربا بود که تا می‌گفتی اقتصاد اسلامی همه یاد ربا می‌افتادند. ربا را ما نتوانستیم حل کنیم. اگر به این مقوله اقتصاد مقاومتی نگاه نظری و تئوری بشود، به اعتقاد من انحراف مطلق صورت خواهد گرفت.

■ گفتند انقلاب برای اقتصاد الگو ندارد

نکته دیگر این است که در اقتصاد، یک جریانی کنتور انقلاب را صفر کرد؛ یعنی گفت انقلاب در اقتصاد مطلقاً نه الگو و نه حرف برای گفتن نداشته؛ متخصص هم که نداشته‌ایم، جبهه را هم که فقط با شهادت گذرانیدیم! [لذا آمدند و گفتند] الآن در اقتصاد به این نیاز داریم که برویم از مکاتب مرسوم غربی



صالحین

کمک بگیریم! اگر این است چرا در سال ۲۰۱۲ دانشگاه پرینستون آمریکا دانشجوی دکترایش را مجبور می‌کند که با پنج استاد -که معلوم نیست چه هزینه‌ای را می‌گذارند- بر روی جهاد سازندگی ایران کار کند. حالا این یک نمودش بود.

انقلاب ما توانست در همان ماه‌های اول جهاد سازندگی را ایجاد کند؛ اگر منحل و جوان‌مرگش نمی‌کردند، امروز باید جهاد سازندگی نوک پیکانش می‌شد فناوری‌های پیشرفته. جهاد اینگونه نبود که فقط به روستا بپردازد، آن موقع اولویت روستا بود چون هفتاد درصد مردم روستایی بودند، روستاها هم کلاً دورافتاده بود. این نبود که جهاد در روستا بماند.

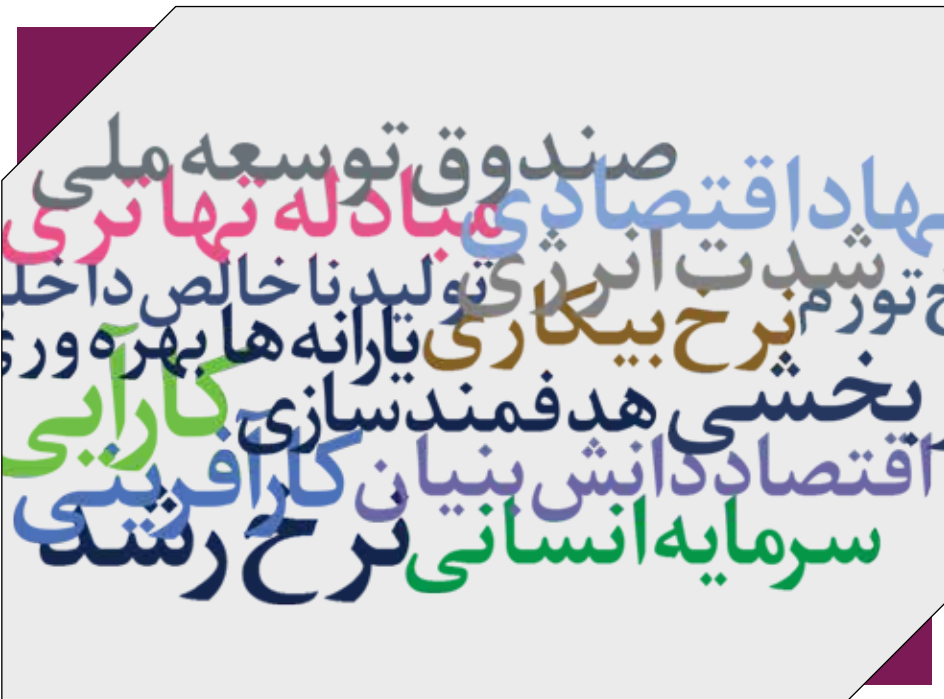
■ جهاد سازندگی الگویی عملی در عرصه اقتصاد مقاومتی

این را می‌خواهم عرض کنم که ما در بسیاری از پیشرفت‌هایی که در حوزه‌هایی مثل سد و غیره داشته‌ایم، اگر افرازش را بکاوید کسانی هستند که یک دوره در جهاد سازندگی بوده‌اند. امام این را فرموده‌اند الگوی مدیریت جهادی. پس یک چیزی بوده به نام مدیریت جهادی. این هم نبوده که بگوییم بچه‌های مخلصی بوده‌اند، باتقوا بوده‌اند، نماز شب خوانده‌اند، همین! نخیر این هم باز انحراف است که بگوییم فقط بچه‌های خوبی بودند. مدل داشته‌اند، الگو داشته‌اند، الگوی سازمانی، الگوی بودجه‌ریزی داشته، الگوی صف و ستاد داشته، الگوی اولویت‌سنجی داشته، برنامه‌ریزی از پایین داشته؛ این‌ها را ما نمی‌بینیم.

■ آرزوهای جرج بوش

جای دیگری شنیدم که جرج بوش می‌گفت من سه چیز نداشتم که در افغانستان و عراق موفق شوم. یک قدرتی مثل آقای [آیت‌الله] سیستانی نداشتم که در خانه بنشینم و روی کاغذ چیزی بنویسم و مردم را هدایت کنم. سربازانی مثل بسیج ایران نداشتم که برای اهداف من بروند شهادت‌طلبی کنند و سازمانی مثل جهاد سازندگی ایران نداشتم که بعد از اینکه وارد بشوم به این کشورها این سازمان احیا و آبادانی کند و مردم مزهٔ آبادانی را بچشند و به حضور ما در آنجا ایمان بیاورند. ما آمدیم کنتور انقلاب را صفر کردیم، گفتیم انقلاب هیچ نداشته، حالا باید شروع کنیم تازه به فکر کردن! ■

صالحین



نرخ رشد

زمانی که ارزش کل تولیدات یک کشور در بعد کالاها و خدمات نسبت به سال قبل آن مقایسه می‌شود نرخ رشد اقتصادی به دست می‌آید. در واقع اگر ارزش ریالی تولیدات امسال نسبت به قیمت‌های سال پایه افزایش پیدا کرده باشد در این صورت گفته می‌شود که نرخ رشد اقتصادی مثبت است و اگر نسبت به سال پایه کاهش پیدا کرده باشد نرخ رشد اقتصادی کشور در آن سال منفی بوده است.

سرمایه انسانی

از دیدگاه حسابداری مالی سرمایه‌ها به دو دسته ملموس (مشهود) و غیرملموس (نامشهود) طبقه‌بندی می‌شوند. دارایی‌های و سرمایه‌های ملموس (محسوس) شامل تمامی امکانات فیزیکی مانند زمین، ساختمان‌ها و تجهیزات تولیدی است. سرمایه انسانی نه سرمایه فیزیکی نه سرمایه مالی (مانند سهام یا دارایی‌های مالی و نقدی) محسوب می‌شود، بلکه سرمایه انسانی به‌عنوان دانش، مهارت، خلاقیت و سلامت فرد تعریف شده است.

کارآفرینی

حالتی از یک فعالیت خلاقانه است که فرد با استفاده از یک ایده جدید و مبتکرانه موفق به ایجاد کسب و کاری می‌شود که در آن سودآوری حاصل می‌شود. در واقع در تعریف کارآفرینی نکته مهم قبول خطر در موفقیت آن ایده است؛ بنابراین چنانچه ایده‌ای با حالاتی از خطرپذیری روبرو بود لزوماً نامطلوب نیست و باید با قبول و مدیریت خطر در شرایط سودآوری قرار بگیرد.

اقتصاد دانش بنیان

اقتصادی است که در آن عامل اصلی تولید ثروت و ایجاد اشتغال «دانش» است. یکی از تفاوت‌های مهم این اقتصاد با اقتصاد تولیدمحور از جهت میزان و پیچیدگی دانشی است که در آن به کار رفته است. مقایسه رایانه‌های قابل حمل با رایانه‌های رومیزی مثال روشنی از این جهت است. رایانه‌های قابل حمل تقریباً ۱۰ درصد نوع رومیزی مواد اولیه در تولید آن‌ها به کار رفته است، درحالی‌که از قابلیت‌های بیشتری نیز برخوردار است. علت این تفاوت در بهره‌مندی بسیار متفاوت کیفی و کمی این دو محصول از «دانش» است که به شکل فناوری تجلی پیدا کرده است.

کارآیی

نقطه مرکزی تعریف کارآیی در انجام دادن درست کارها است. زمانی که فرد کار خود را به درستی انجام می‌دهد کارآیی وی بالاست. بنابراین اگر کارآیی بالا باشد در کمترین زمان ممکن بیشترین بازدهی وجود دارد و این به معنای درست انجام دادن کار است.

اثربخشی

این مفهوم حالتی را بیان می‌کند که در آن فرد کار درست را انجام می‌دهد. تفاوت آن با کارآیی در آن است که در آنجا فرد کار را به‌درستی انجام می‌دهد اما در اثربخشی فرد کار درست را انجام می‌دهد. در واقع به‌نوعی اثربخشی قبل از کارآیی است. ابتدا کار درست را انتخاب کرده و سپس آن را به‌طور کامل و صحیح انجام می‌دهد که به ترتیب اثربخشی و کارآیی است.

بهره‌وری

چنانچه فرد کارِ درست را به‌درستی انجام دهد بهره‌وری لازم را داشته است. بنابراین بهره‌وری برابر است با: کارآیی + اثربخشی

هدفمندسازی پارانه‌ها

فرآیندی است که در آن پارانه‌ای که دولت از طریق کاهش قیمت در کالاها اعمال می‌کرد، حذف شده و قسمتی از درآمد حاصل از آن به‌صورت نقدی به مردم داده می‌شود و مابقی صرف کارهای عمرانی و زیرساختی در کشور می‌شود. در همین راستا افزایش قیمت بنزین و سایر حامل‌های انرژی گام نخست شروع شدن فرآیند هدفمند شدن پارانه‌ها بود.

نرخ بیکاری

بر اساس تعریف مرکز آمار، نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال. جمعیت فعال بیانگر تعداد افرادی است که توانایی و تمایل عرضه نیروی کار خود را به بازار دارند و به دو دسته شاغل و بیکار تقسیم می‌شوند. از تقسیم آن دسته از جمعیت فعال (در یک بازه زمانی مشخص) که شغلی ندارند بر کل جمعیت فعال آماده به کار، نرخ بیکاری محاسبه می‌شود.

نرخ تورم

عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی منجر می‌شود. افزایش دائم و پیوسته، نکته مهم در تعریف تورم است. طبق تعریف هر افزایش قیمتی تورم محسوب نمی‌شود.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی در برگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین (معمولاً یک سال) در یک کشور تولید می‌شود. در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

شدت انرژی: میزان انرژی صرف شده برای تولید یک واحد از تولید ناخالص داخلی. در واقع برای تولید یک واحد کالا چه مقدار انرژی مصرف می‌شود. بنابراین مقدار این شاخص هر چه قدر پایین‌تر باشد بهتر است:

بهره‌وری انرژی

میزان تولید کالاها و خدمات به ازای مصرف هر واحد انرژی را بهره‌وری انرژی می‌نامند. هر چه قدر مقدار این شاخص بیشتر باشد بهتر است؛ زیرا برای

صالحین

تولید کالاها انرژی کمتری مصرف شده است:

بهره‌وری انرژی = (داخلی ناخالص تولید)/(انرژی مصرف مقدار)

مبادله تهاتری

تهاتر یا مبادله کالا به کالا، قدیمی‌ترین شکل انجام معاملات در جهان به شمار می‌رود. بازار تهاتر، بازاری است که معاملات در آن بر اساس مبادله مستقیم کالا یا خدمات یک‌طرف تجاری با کالا و خدمات طرف دیگر بدون دخالت پول صورت می‌گیرد.

صندوق توسعه ملی

هدف از تأسیس این صندوق این است که بخشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و منابع طبیعی با درصد ثابتی در آن ذخیره شود تا در آینده مورد استفاده قرار بگیرد.

جهاد اقتصادی

منظور از جهاد اقتصادی این است که هر فردی در هر موقعیتی که مشغول به خدمت است برای پیشرفت کیفیت و کمیت کار خود حداکثر تلاش خود را به کار بگیرد و در صورت لزوم از منافع خود چشم‌پوشی کند. مرکز ثقل این تعریف توجه به شرایط جنگ اقتصادی است که نیازمند حضور همه‌جانبه مردم در همه عرصه‌های اقتصادی با رویکردی جهادی است. ■



صالحین



سطوح اقدام اقتصاد مقاومتی در عملیات

بسیج میلیونی وارد شود

خاص به وظیفه حاکمیتی دولت اختصاص پیدا می‌کند. در این مطلب به ده مورد از این وظایف خواهیم پرداخت.

۱ تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی

بسیج می‌تواند در زمینه‌های علمی و فرهنگی، نه تنها به آماده‌سازی اعضای خود بپردازد، بلکه در درجه دوم با بهره‌گیری از این اعضا در سطح جامعه نیز مؤثر باشد.

در زمینه تبیین دانشگاهی اقتصاد مقاومتی، اساتید و دانشجویان بسیجی می‌توانند وارد شوند، چه به صورت کلی و چه مصداقی مثل ارائه راهکارهای حقوقی مقابله با تحریم‌ها توسط بسیج حقوقدانان یا معاونت بین‌الملل.

نکته بعدی موضوعاتی است که باید برای مردم تبیین شود مانند مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان علاج مشکلات کشور، شرایط خاص کشور در کارزار اقتصادی، عملکرد و دستاوردهای نظام، نقش بانوان در

چه از جهت سمبلیک چه ارزش‌آفرینی حقیقی.

تلاش برای نهادینه کردن فرهنگ اسلامی کار و بهره‌وری، کارآفرینی و رقابت سالم اقتصادی در عموم جامعه و ترویج روحیه خلاقیت و نوآوری در بین دانش‌آموزان بسیجی هم جزو وظایف ذیل این عنوان هستند.

۳ تلاش برای اصلاح الگوی مصرف مردم با تأکید بر ترجیح مصرف کالاهای تولید داخل

فرهنگ‌سازی در این زمینه مهم‌ترین اقدام است. ترویج فرهنگ قناعت در بین مردم، معرفی الگوهای صحیح مصرف و مضرات مصرف نادرست و اسراف، تبیین مفهوم صحیح کیفیت در نگاه مصرف‌کنندگان، تهیه بسته‌های کاربردی معرفی محصولات باکیفیت داخلی، از این دست اقدامات هستند.



صالحین

امر توسط قرارگاه امر به معروف و نهی از منکر است. بسیج حقوقدانان هم در این قضیه علی‌الخصوص در بخش قوانین می‌توانند مفید واقع شود.

۷ بسیج امکانات، منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی به منظور به حداکثر رساندن مشارکت آحاد بسیجیان در فعالیت‌های اقتصادی جمعی، مولد و عدالت‌محور

برنامه‌ریزی برای در اختیار قرار دادن تسهیلات مالی و اعتباری، تربیت نیروی انسانی متخصص و انجام پژوهش‌های مورد نیاز که اکنون هم انجام می‌گیرد، بسیار مفید خواهد بود.

همین‌طور ترویج راهکارهای مفید در راستای کارآفرینی بسیجیان در حوزه‌های محصولات دانش‌بنیان، کشاورزی، صنایع تبدیلی، صنایع دستی، پوشاک، صنایع کوچک و زودبازده، دامی و... با بهره‌گیری از معاونت‌ها و قشرهای مرتبط و سازمان‌های بیرونی مجرب در این زمینه.

۸ برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت تولید محصولات دانش‌بنیان

اولویت‌بندی فعالیت‌های علمی-پژوهشی نخبگان بسیجی بر اساس نقشه جامع علمی و نیازمندی‌های کشور توسط سازمان علمی، پژوهشی و فناوری، کمک مؤثری در این زمینه به دانش‌بنیان شدن اقتصاد کشور می‌کند.

۹ روان‌سازی نظام توزیع محصولات کشاورزی، دامی و محصولات باکیفیت داخلی در سراسر کشور

توسعه و کارآمدسازی فروشگاه‌های تعاونی بسیجیان که تقریباً در همه شهرها فعال هستند و تکمیل زنجیره تأمین محصولات آن‌ها، می‌تواند جلوی بسیاری از دلالتی‌های ناصواب را گرفته و به تولیدکنندگان، کشاورزان و مصرف‌کنندگان سود برساند.

۱۰ استفاده مؤثر و کارآمد از نیروهای مشغول به خدمت نظام وظیفه در سازمان

استفاده از این نیروها که عمدتاً هم دارای تحصیلات و تعهد هستند، کمک زیادی به اجرای مطالب موجود در این نوشتار خواهد کرد. 🇮🇷

مطالبه‌گری هم مکمل پازل این بخش خواهد بود: از رسانه ملی و شهرداری‌ها برای عدم تبلیغ کالاهای خارجی، از دولت برای اتخاذ سیاست‌های صحیح واردات در جهت حمایت از تولید داخل و از تولیدکنندگان برای افزایش کیفیت تولیدات.

۴ ارتقاء سطح قدرت تحلیل بسیجیان از وضعیت اقتصادی کشور و آشنایی بیشتر آن‌ها با اندیشه‌های اقتصادی امام راحل و رهبر معظم انقلاب

تبیین اصول حاکم بر گفتارهای اقتصادی امام و رهبری، قرار دادن موضوع اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از اصول تربیتی اعضا، آموزش مفاهیم اقتصادی به اعضا، تبیین علل اصلی مشکلات و نارسایی‌های اقتصاد کشور و تلاش برای برطرف کردن شبهات اقتصادی موجود در اذهان مردم از مهم‌ترین کارهایی ست که باید انجام داد و حمایت از تولید محتوای غنی و محصولات هنری- رسانه‌ای مرتبط، یک راه مؤثر برای این کار است.

۵ تبیین و ترویج شاخص‌های الگوی رفتار اقتصادی در سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین آحاد جامعه

این موضوعات و اقدامات در این زمینه نیاز است که اجرا شود: تبیین جایگاه رزق الهی و تحکیم اعتقاد به آن در بین مردم، احیاء اخلاق و مستحبات کسب و کار، ترغیب عمل به احکام اسلامی مانند احکام معاملات، خمس، زکات، انفاق‌های واجب و مستحب اعم از مالیات، گردآوری احکام شرعی کاربردی متناسب با مشاغل و ارگان‌های مختلف، ترویج حرکت‌های خیریه و عام‌المنفعه در بین قشرهای مختلف، مقابله با ترویج تفکر اعتقاد به شانس در بین مردم و... از طریق تبلیغ مفاهیم اقتصادی موجود در آموزه‌های دینی و ترویج سبک زندگی اقتصادی شهدا.

۶ مطالبه‌گری سازمان یافته بسیجیان پیرامون مشکلات مزمن و ساختاری اقتصاد کشور مانند فساد، نظام مالی و ... از قوای سه‌گانه و ارگان‌ها

این مطالبه‌گری نیازمند رصد مستمر تصمیمات کلان اقتصادی کشور و سازماندهی اعضا، رسانه‌ها و تشکل‌های مردمی برای مطالبه‌گری صحیح از مسئولین

صالحین



اقتصاد مقاومتی در سطوح اقدام

ناحیه مقاومتی!

به نظر می‌رسد علیرغم اعتبارات خوبی که در زمینه اعطای وام‌های اقتصاد مقاومتی در اختیار نواحی قرار گرفته، به دلیل عدم کارشناسی مناسب در زمینه اعطای وام‌ها، اهداف تعیین شده به‌صورت حداکثری تحقق پیدا نکرده است؛ لذا به‌کارگیری کارشناسان زبده اقتصادی در ارزیابی طرح‌ها و در ادامه، نظارت بر حسن انجام کارها و مشاوره‌های رایگان به استفاده کننده از وام‌ها، می‌تواند در افزایش کارایی وام‌های اقتصاد مقاومتی مؤثر باشد.

■ اول از خودتان شروع کنید!

بی‌شک هر سازمان و هر تشکلی برای انجام کارهایش احتیاج به انواع و اقسام ملزومات دارد، از لوازم تحریر گرفته تا لاستیک خودرو و کالاهای خوراکی و ... همگی جزو ملزومات و احتیاجات یک سازمان است. با یک حساب سرانگشتی و با در نظر گرفتن گردش مالی این قبیل اقلام در کلیه نواحی می‌توان این را لحاظ کرد که اگر کلیه نواحی خود را ملزم به استفاده از کالاهای ایرانی کنند، قطعاً یکی از مفیدترین اقدامات را در زمینه اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند.

■ وام‌های اقتصاد مقاومتی و عدم کار کارشناسی

و انجام فعالیت‌های مثبت اقتصادی برای وام‌گیرندگان داشته باشند.

■ قدر فرصت‌ها را بدانید!

قطعاً هیچ‌کسی از درآمدزایی و ایجاد اشتغال بدش نمی‌آید و نواحی بسیج هم از این قاعده مستثنا نیستند. شاهدیم که علیرغم ظرفیت‌های مناسبی که در اختیار نواحی قرار دارد اما بهره‌برداری‌های اقتصادی از آن‌ها ضعیف است. به‌عنوان مثال یکی از نواحی شمالی کشور علیرغم اینکه زمین وسیعی برای ناحیه داشت، اما هیچ بهره‌ای از این فرصت نمی‌برد و زمین ناحیه بدون استفاده، رها شده بود. یکی از افراد ناحیه پیشنهاد داد که بخشی از وسایل و ملزوماتی که سالیان سال است بدون استفاده مانده، فروخته و از درآمد آن، استخر پرورش ماهی تأسیس شود. شاید این ایده، خیلی ساده به نظر برسد، اما این ناحیه، چند کانکس فرسوده و مقداری لوازم غیرقابل استفاده را فروخت و استخر پرورش ماهی در بخشی از ناحیه ایجاد کرد و اینگونه علاوه بر درآمدزایی برای ناحیه، چندنفری از بسیجیان را نیز به کار مشغول کرد. ■

صالحین

است. به عبارت دیگر مسئولین حوزه‌های مقاومت با تصمیم‌سازی برای رده‌های مافوق و برنامه‌ریزی برای پایگاه‌ها به تحقّق این مهم می‌پردازند. «بازطراحی قالب‌ها و رویکردها ناظر به هدف» گام دیگر اجرای اقتصاد مقاومتی است. پیداکردن حرف نو و همچنین قالب‌های هنری (تئاتر، کاریکاتور، طنز، سرود، نشریه صوتی، شعر و مانند آن‌ها) از این قبیل است.^۱ پرواضح است که در این‌باره حفظ اصول اسلامی و انقلابی مفروض است. «اتخاذ رویکرد تربیت نیرو» مهم‌ترین عامل پیشرفت و وجه تمیزه انقلاب اسلامی و به تبع آن نیروی مبارک مقاومت بسیج است. رهبر معظم انقلاب (مدظله) از این واقعیت به عنوان فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی یاد می‌کنند.^۲ اعتقاد عملی به اقتصاد مقاومتی در سبک زندگی هر فرد یکی از مؤلفه‌های تربیتی این نیروهاست. به عبارت دیگر نکته مهم، عشق‌ورزی مؤمنانه و باور عمیق همه افراد و اشخاص به اقتصاد مقاومتی است تا شاهد ظهور آن در عرصه عمل هم باشیم.

■ سخن آخر

از آنچه گفته شد، حوزه مقاومت بسیج نقش مؤثری در ایجاد روح معتقد و عامل به اقتصاد مقاومتی در تشکیلات نیروی مقاومت بسیج دارد. به عنوان سخن آخر و برای نقطه شروع، این که هر فرد در هر قسمتی باید از خود شروع کند. پیر جماران (ره) در این باره می‌فرماید: «آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست باشد و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دُوممان بهتر از روز اوّلمان باشد، و امیدوارم که این مجاهده نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن، مجاهده برای ساختن یک کشور، و ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان ما، به زندگی صحیح رفاهی و به تربیت‌های صحیح اسلامی – انسانی برسند.»^۳

^[۱]بی‌نوشت:

- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم – ۱۳۹۴/۰۶/۱۸
- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان – ۱۳۷۸/۰۹/۰۳
- بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها – ۱۳۹۴/۰۴/۱۳
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان – ۱۳۹۴/۰۴/۲۰
- ۱۳۹۱/۰۷/۱۲، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲، ۱۳۷۶/۰۷/۱۳ و ...
- صحیفه امام جلد ۱۵ صفحه ۴۹۱



اقتصاد مقاومتی در سطوح اقدام

حوزه‌های مقاومتی،
بپاخیزید

حوزه مقاومت بسیج در ساختار تشکیلاتی حدّ فاصل پایگاه و ناحیه مقاومت بسیج است. این رده دارای اهمّیت و جایگاه راهبردی و منحصر به‌فرد است. در واقع، هم ویژگی نزدیکی به اجرای پایگاه و هم قدرت بالای برنامه‌ریزی و توان اجرای ناحیه‌های مقاومت را داراست. به‌عبارت دیگر حوزه، نقاط قوت چابکی عمل پایگاه و توان و قدرت برنامه‌ریزی کلان و تصمیم‌گیری ناحیه مقاومت را بصورت تلفیقی دارد.



■ لزوم حضور در عرصه اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یک ضرورت و به عنوان یک

صالحین



شکست خوردن متجاوز. دلیل پیروزی مردم ایران هم برای همگان مشخص است. علت پیروزی ما در دفاع ۸ ساله عبارت بود از روحیهٔ مقاومت بسیجی که در قالب پایگاه‌های مقاومت بسیج به بخش‌های مختلف جامعه تزریق می‌شد. سؤالی که مناسب است از خود پرسیم این است که پس از شکست نظامی غرب، جبههٔ کفر از چه شیوهٔ جدیدی برای ضربه زدن به اسلام استفاده می‌کند؟ پاسخ این سؤال را رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در سخنرانی‌های مختلف داده‌اند و از جنگ اقتصادی دشمن به‌عنوان شیوهٔ جدید حمله دشمن به انقلاب اسلامی یاد کرده‌اند و اقتصاد مقاومتی را نقشهٔ راه انقلاب اسلامی جهت خنثی کردن حملات اقتصادی دشمن دانسته‌اند. در این میان آنچه مستلزم تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است همان روحیه ناب بسیجی موجود در دوران دفاع مقدس است و پایگاه‌های مقاومت بسیج بار اصلی در تزریق این روحیه ناب به آحاد مختلف جامعه را دارند. در این نوشتار سعی داریم برخی از وظایف پایگاه‌های بسیج در اجرای اقتصاد مقاومتی را یادآور شویم:

۱. برگزاری دوره‌های آموزش اقتصادی: همان‌طور که در دوران جنگ نظامی پایگاه‌های بسیج، محل آموزش نظامی برای رزمندگان بودند و رزمندگان با تسلیحات نظامی آشنا می‌شدند در جنگ اقتصادی هم آموزش مفاهیم اقتصادی و آشنایی با حملات اقتصادی دشمن از جملهٔ مهم‌ترین وظایف بسیج است.

۲. جریان‌سازی سبک زندگی اقتصاد مقاومتی: از آنجائی که جنگ اقتصادی با معیشت مردم مرتبط است، مهم‌ترین اقدام در مقابله با دشمن، وجود سبک زندگی اقتصادی در بین مردم است که با وجود انواع مشکلات اقتصادی تحمیلی از سوی دشمن، دست از مقاومت برندارد؛ که نشانه‌های زیادی از این سبک زندگی در دوران دفاع مقدس دیده می‌شود و لازم است پایگاه‌های بسیج به جریان‌سازی چنین سبک زندگی- ای در بین بسیجیان بپردازند. به‌عنوان مثال یکی از شاخصه‌های این سبک زندگی که در پایگاه‌های بسیج از ابتدا وجود داشته و باید ادامه یابد کار خالص و بدون مزد برای انقلاب اسلامی است. وجود چنین روحیه‌ای از این حیث لازم است که متأسفانه امروزه اکثر کارها تبدیل به کارهای پولی شده است و بیشتر افراد برای کوچک‌ترین خدمتی که انجام می‌دهند، پول دریافت می‌کنند. در این میان اگر بودجهٔ کشور دچار اقتباض شود، اکثر خدمات جزئی دچار مشکل می‌شود و خدماتی که به‌راحتی قابل انجام هستند، به‌صورت ناتمام باقی می‌مانند که نتیجه‌ای جز ضربه‌پذیری اقتصاد ایران نخواهد داشت.

خلاصه کلام اینکه ترویج سبک زندگی اقتصادی مقاوم در پایگاه‌های بسیج مهم‌ترین اولویت پایگاه‌های بسیج است که البته با برگزاری کلاس و همایش محقق نمی‌شود و نیاز به اقدام عملی در پایگاه‌های بسیج دارد؛ به‌گونه‌ای که معیشت بسیجیان پایگاهی شود. ■



اقتصاد مقاومتی در سطوح اقدام

پایگاه مقاومت مدار

بایسته‌های فعالیت‌های پایگاه‌های بسیج در تحقق اقتصاد مقاومتی

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در همین روزها و در سال‌هایی نه‌چندان دور در گوشه‌ای از خاک ایران اتفاق عجیبی در حال وقوع بود؛ دشمن یعنی وارد مرزهای ایران شده بود و در حال قتل و غارت شهرها. به خیال خودشان آمده بودند تا ۳ روزه پایتخت را فتح کنند. علت دشمنی‌شان با ما هم خیلی روشن بود. علت تجاوز یعنی‌ها و حامیان آمریکائی آن‌ها به ایران روی کار آمدن اسلام حکومتی و جریان یافتن اسلام در مناسبات سیاسی اجتماعی کشور ایران بود. البته طبیعی هم بود که دست به براندازی انقلاب اسلامی بزنند. بالاخره اسلام حکومتی جلوی خیلی از ظلم‌ها و استعمارها را می‌گیرد و مانع برده‌داری از مستضعفین می‌شود. انقلاب اسلامی تداوم نهضت عاشورا بود و هدفش قطع کردن دست یزیدیان از معیشت و دین مردم. خلاصه اینکه با انواع تسلیحات جنگی و حمایت‌های مادی کشورهای غربی آمده بودند تا نامی از انقلاب اسلامی نماند. اما چه شد؟ رؤیای پیروزی ۳ روزه تبدیل شد به ۸ سال مقاومت مردم ایران مقابل آن‌ها و در نهایت

صالحین

نیست بلکه منظور از سواد اقتصادی فهم پیام رهبری است.

تحریم‌هایی که دشمن در حال حاضر به آن پرداخته است را تا حد زیادی نمی‌توان دور زد. اختلاس بانکی اخیر یکی از بزرگ‌ترین حمله‌ها و ضررهایی بود که دشمن داخلی سعی کرده است در زمینهٔ اقتصادی به ما بزند. حرکت‌های دشمن داخلی حتی ظواهر سیاسی و فرهنگی پایه‌های عمیق اقتصادی دارد. پول فتنه و چرخش مالی پول‌های فتنه را چه کسی جور می‌کند؟ چه بانک‌هایی اساساً راه می‌افتند تا چرخش مالی فتنه تأمین شود. حتی می‌شود بانک‌ها را اسم برد. دشمن نسبت به عرصهٔ اقتصاد کاملاً دل‌بسته است.

باید پایگاه‌های بسیج تحولی در حوزه سواد عمومی اقتصادی ایجاد می‌کردند که یک بسیجی سواد اقتصادی داشته باشد. البته منظور از سواد اقتصاد آشنایی با فرمول‌های غربی نیست بلکه منظور از سواد اقتصادی فهم پیام رهبری است و اینکه وقتی ایشان فرمودند تولید ملی یا کارآفرینی، یک بسیجی بتواند آن را ترجمه کند. رهبر معظم انقلاب اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند که یعنی همین اقتصاد مبتنی بر کارآفرینی. ما نیازمند یک سواد عمومی اقتصادی مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران هستیم که از قانون اساسی شروع شده باشد، حرف‌های رهبر معظم انقلاب، حرف‌های امام خمینی و پایه‌های اقتصاد اسلامی در احادیث و قرآن را بفهمد تا درک کند که رهبر انقلاب چه می‌گویند. بعضی از حرف‌های رهبر معظم انقلاب عین همان حرف‌هایی است که در دانش بشری اقتصاد گفته شده است. وقتی ایشان می‌فرمایند کارآفرینی، دقیقاً همان مفهومی را مدنظر دارند که هر جای دنیا از کارآفرینی می‌فهمند.

وقتی می‌فرمایند سرمایهٔ معنوی، پیشرفت و توسعه، رشد، عدالت، معلوم است که فقط اشتراک لفظی داریم. ما نمی‌توانیم با فهم‌های غربی یا غرب‌زده برویم حرف‌های ایشان را بفهمیم. اولین نیازی که داریم این است که در فهم سخنان رهبری جهاد، تحول و انقلاب صورت گیرد و این انقلاب باید بین دانشجویان و بسیجیان باشد. باید کلاس‌های آموزش اقتصاد، برای دستیابی به یک سواد عمومی اقتصادی و برای فهم فرمایشات ایشان بین دانشجویان و بسیجیان عمومی شود. ■

امنیتی بتواند به ما ضربه مهلکی بزند. توجهات دشمن در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی ایذایی است. درحالی‌که در سال ۷۱ این‌گونه نبود و آن موقع ایشان فرمودند شبیخون فرهنگی که ممکن بود انقلاب را یک‌باره ظرف چهار یا پنج سال عوض کند. فتنهٔ سال ۸۸ آخرین اثباتی بود که در حوزهٔ سیاسی دشمن نمی‌تواند کاری کند؛ اما به لحاظ اقتصادی رهبر معظم انقلاب از سال هشتاد فرمودند که کید دشمن متمرکز بر حوزهٔ اقتصاد است.

در واقع پاشنهٔ آشیل انقلاب حوزه اقتصاد است و دشمن هنوز به اینجا امید بسته و امیدهایش را هم به انحنای مختلف، از عناصر داخلی و تحریم‌های خارجی اجرایی کرده است. دشمن از روز اول انقلاب تحریم اقتصادی کرده و روز به روز هم تحریم‌هایش را شدیدتر کرده و به این تحریم‌ها امید بسته است. حتی برخی وقت‌ها تحریم‌هایی اعمال می‌کند که چه‌بسا بیشتر به ضرر خودش است مانند تحریم‌های نفتی و انرژی؛ به این دلیل که دیگر هیچ راه‌حلی ندارد. به فرمودهٔ رهبر معظم انقلاب تنها راه دشمن که علیه انقلاب امید بسته، اقتصاد است.

یک‌زمان به ما حمله نظامی شد و فهمیدیم که جهاد نظامی وظیفهٔ ماست، در تمام پایگاه‌های مساجد و مدارس -حتی مدارس راهنمایی- کلاس آمادگی دفاعی و آموزش نظامی راه انداختند، پس از پنج سال که رهبر معظم انقلاب حمله و کید دشمن در عرصهٔ اقتصاد را معرفی کرده است، ما در پایگاه‌های بسیج و مسجدهایمان، کلاس‌های آموزش اقتصاد نداریم! آیا کسی شک دارد که مهم‌ترین و کارآمدترین حمله‌های دشمن به ما اقتصادی است؟ اگر از فکر خود استفاده نمی‌کنیم، ولی و رهبر که داریم. ولیٔ جامعه فکر کرده و راهبردها را از پیش گفته است. تحریم اقتصادی را که داریم لمس می‌کنیم، تحریم نفتی را که باید بفهمیم یعنی چه. تحریم نفتی و تحریم مالی دقیقاً یعنی جاقو گذاشتن بر روی رگ اساسی حیات کشور؛ تحریم‌های تجاری که از پیش بود را تا حد زیادی می‌توان دور زد.

باید پایگاه‌های بسیج تحولی در حوزه سواد عمومی اقتصادی ایجاد می‌کردند که یک بسیجی سواد اقتصادی داشته باشد. البته منظور از سواد اقتصاد آشنایی با فرمول‌های غربی



همه با هم ...

هر پایگاه بسیج یک مرکز آموزش سواد اقتصادی

دکتر عادل پیغامی

استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

مسئله این است که اقتصاد تنها موردی است که انقلاب اسلامی می‌تواند تیر خلاص را به کشورهای اسلامی بزند؛ زیرا ما به لحاظ فرهنگی و سیاسی پیام خود را به کشورهای مختلف رسانده‌ایم و همه می‌دانیم استقلال، عزت و افتخار در چیست و رویکرد امام خمینی (ره) توسعه پیدا کرده است.

نباید کسی بگوید من که رسته‌ام سیاسی است، حقوق است، فقه است و دانشجویان دانشکدهٔ اقتصاد باید جدی بگیرند؛ معافیتی در کار نیست. رهبر معظم انقلاب یک توجه و برداشتی دارند که ریشه در ده سال پیش دارد. ایشان از ده سال پیش فهمیدند که دشمن در عرصهٔ فرهنگی، نظامی، امنیتی و سیاسی هر چه داشته رو کرده است و دیگر امیدی ندارد که به لحاظ

سنگرهای مقاومت محلات

در تبیین نقش مساجد در تحقق اقتصاد مقاومتی ابتدا باید به لزوم الگوگیری و ابتناء اقتصاد مقاومتی بر اقتصاد اسلامی اشاره داشت؛ به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی، جلوه‌ای از نظام اقتصادی اسلام در آینه زمان و مکان کنونی جمهوری اسلامی ایران است، لذا بهره‌گیری از مبانی، ابعاد، نهادها و ابزارهای این نظام جزء لاینفک اقتصاد مقاومتی است؛ همانطور که رهبر معظم انقلاب^(حفظه‌الله) نیز در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اینچنین اشاره فرمودند: «ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی... از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند...و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد».

در این راستا و با ملاحظه تاریخ اسلام و تمدن اسلامی باید گفت، از صدر اسلام، پخش کمک‌های مالی میان مسلمانان، گفتگو برای تبادل و خرید بین بازرگانان پس از انجام اعمال عبادی و نگهداری ثروت امت و بیت‌المال از جمله خدمات اقتصادی مساجد، به‌عنوان مراکز ارائه خدمات اجتماعی بود. البته کارکرد اقتصادی مسجد به صورت غیرمستقیم بود و بیشتر از طریق موعظه، نصیحت، بیان احکام خرید و فروش صورت می‌گرفت. همچنین تأکیدات رسول مکرم اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) مبنی بر رعایت انصاف و عدالت در انجام عقود و معاملات و انجام کار اقتصادی با هدف رضای خدا و رفع نیازهای مسلمانان، در نظر گرفتن عدم زیاده‌خواهی و امتیازات مادی و سود فراوان، زمینه‌هایی برای ایجاد فضای رقابتی سالم در امور اقتصادی به وجود می‌آورد؛ لذا به صورت موجز می‌توان کارکردهای اقتصادی مساجد در صدر اسلام را در قالب نمودار ذیل ملاحظه کرد.



حال برای ایفای نقش مساجد در تحقق اقتصاد مقاومتی با توجه به الگوی صدر اسلام، باید بر احیای ابعاد احصاء شده در نمودار روبه‌رو با بهره‌گیری از روش‌های نوین و علمی امروزی، تأکید و تمرکز نمود و البته باید به این نکته توجه داشت که هدف اصلی مسجد برای پیگیری مسائل اقتصادی و گسترش اقتصاد اسلامی در فضای جامعه، کمک به مردم برای بهبود معاش آنان است. زمانی که ما بر مبنای الگوهای اسلامی، فضاهایی را برای امور اقتصادی سامان دهیم، این فضاها خود سبب کاهش مشکلات زیربنایی اقتصادی در جامعه می‌شود. به بیان دیگر نباید فعالیت‌های اقتصادی در مساجد به گونه‌ای باشد که مسجد از رسالت اصلی‌اش که قوت بخشیدن ارتباط بنده با خداست، غافل بماند؛ لذا در این راستا می‌توان گفت در حوزه اقتصادی مساجد، راه‌های مختلفی وجود دارد که امکان ارتباط تنگاتنگ را در بین آن‌ها فراهم می‌سازد. مسجد با تقویت دینداری و با توجه به فضای معنوی حاکم بر آن، نمازگزاران را به شیوه اسلامی تربیت می‌کند و در نتیجه



صالحین

من یک دانش آموزم؛

■ من خود را آینده‌ساز ایران اسلامی می‌دانم و تمام تلاش و کوشش خود را در زمینه تحصیل و کسب دانش به‌کار می‌گیرم، به‌گونه‌ای که مطمئن شوم از دانش‌آموزان کشورهای دیگر، موفق‌تر عمل می‌کنم تا آینده از آنِ من و کشور اسلامی من باشد.

■ نگاه من به تحصیل، کسب مدرک برای استخدام در یک سازمان دولتی نیست؛ بلکه می‌خواهم توان علمی خود را به‌گونه‌ای افزایش دهم که در آینده بتوانم فردی مفید، مولد و کارآفرین برای اقتصاد کشور خود باشم تا اینکه بدون حمایت دولت، بتوانم نیازمندی‌های اقتصادی خود و خانواده‌ام را برطرف نمایم.

■ من از اوقات فراغت خود به خوبی استفاده می‌کنم و می‌دانم در نگاه اسلامی، فراغت به معنای بیکاری و مشغول شدن به سرگرمی‌های بیهوده نیست، بلکه بخشی از آن را به تفریحات و نشاط و بخش دیگر را به یادگیری فن و حرفه‌های مورد علاقه‌ام اختصاص می‌دهم.

■ من برای خود پس‌اندازی دارم و بخشی از پول توجیبی خود را پس‌انداز می‌کنم. با این‌کار ضمن یادگیری پس‌انداز برای زندگی آینده، بخشی از نیازهای خود را نیز تأمین می‌کنم - حتی گاهی به پدرم قرض یا هدیه می‌دهم - و همچنین به اقتصاد خانواده کمک می‌کنم.

■ من سعی می‌کنم در مصرف لوازم‌التحریر و پوشاک، صرفه‌جویی کنم و صرفاً برای تنوع‌طلبی، از خانواده درخواستی مبنی بر خرید کالاهای غیر ضروری، مانند گوشی‌های هوشمند، تبلت و رایانه همراه و غیره، نداشته باشم.

■ من با افتخار از لوازم‌التحریر و پوشاک داخلی استفاده می‌کنم.

■ من در حد توان خودم به ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی کمک می‌کنم و به خصوص با رعایت ادب به دوستان و پدر و مادر خود، عدم مصرف کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را گوشزد می‌کنم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم. ■



من یک ورزشکارم؛

- من و دوستانم توافق کرده‌ایم که تنها حمایت مالی شرکت‌های داخلی را بپذیریم و همچنین تبلیغات محصولات داخلی را بر روی پیراهن‌های ورزشی خود، چاپ کنیم.

- من به‌عنوان یک چهره محبوب، تنها در تیزرهای تبلیغاتی محصولات داخلی، حضور پیدا می‌کنم.

- من از وجهه و محبوبیت خود در جهت ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی، مانند دعوت مردم به حمایت از تولید ملی، استفاده خواهم کرد.

- در نظر دارم در صورت فعالیت اقتصادی، به‌جای راه‌اندازی رستوران‌ها و فست فود و هایپرمارکت، واحد تولیدی تجهیزات ورزشی با کیفیت و دارای استانداردهای بین‌المللی را راه‌اندازی کنم.

- من در جهت حفظ سلامت اقتصادی ورزش، با هرگونه فساد اقتصادی مانند ویژه‌خواری، رشوه، اختلاس و غیره مقابله می‌کنم.

- در جهت ریشه‌کن کردن فقر، در حد توان مالی خود، در فعالیت‌های خیریه و کمک به نیازمندان سهم می‌شوم.

- از تجمّل و مصرف‌گرایی و خرید کالاهای غیرضروری و لوکس پرهیز می‌کنم و خانواده را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

- من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی می‌کنم که کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



من یک دانشجو هستم؛

■ من نقش خود را در ارتقای جایگاه علمی و اقتصادی کشورم، مهم‌ترین نقش می‌دانم و با تلاش و جدیت تحصیل می‌کنم.

■ نگاه من به تحصیل، صرفاً کسب مدرک نیست، بلکه سعی می‌کنم در طول تحصیل با کار پاره‌وقت یا در ارتباط بودن با زمینه‌های کار عملی در رشته تخصصی خود، دانش خود را کاربردی نمایم.

■ من و دوستانم بار اصلی تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را بر شانه‌های خود می‌بینیم و یکی از اهداف ما این است که در آینده با راه‌اندازی یا حضور در یک شرکت دانش‌بنیان، دانش خود را به‌گونه عملیاتی پیاده کنیم تا سهم مهمی در اقتصاد کشور ایفاء کنیم.

■ من نسبت به کشورم احساس تعصب و دین می‌کنم و به هیچ‌وجه حاضر نیستم با مهاجرت به کشورهای غربی، دانش و تخصص خود را در خدمت پیشرفت بیگانگان قرار دهم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

■ من، خود را از جمله افسران جنگ اقتصادی می‌بینم و نقش خود را در تبلیغ و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی و مطالبه‌گری تحقق اقتصاد مقاومتی، ایفاء خواهم کرد.

■ من از تفاخر به مصرف کالاها و برندهای غربی و روی‌آوردن به تجمّل و مصرف‌گرایی خودداری می‌کنم و دوستان و آشنایان خود را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

■ من با افراد غرب‌زده و حتی اساتیدی که بخواهند اعتماد به نفس من و دوستانم را خدشه‌دار کنند و با ذکر پیشرفت‌های کشورهای غربی، هدف تخریب عزم ملی را داشته باشند که تنها راه پیشرفت را دنباله‌روی از غرب معرفی می‌کنند، مقابله می‌کنم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



من حقوق‌دان هستم؛

■ به عنوان یک نخبه در جهت تحقق پیش‌نیازهای قانونی تحقق اقتصاد مقاومتی، مانند: قوانین مبارزه با مفاسد اقتصادی، قوانین کار، حمایت از حقوق مصرف‌کننده، رعایت استانداردهای تولیدی و غیره، به مطالعه، پژوهش و تولید علم می‌پردازم.

■ در صورت تخصص در زمینه حقوق بین‌الملل، جهت حمایت از حقوق هم‌وطنان خود، به خصوص حقوق اقتصادی آنان در مجامع بین‌المللی و مقابله با تحریم‌های ظالمانه، توان خود را به‌کار خواهم گرفت.

■ در دعاوی حقوقی، به قشرهای آسیب‌پذیر و مستضعفان در استیفای حقوق اقتصادی تضییع شده از آنان، کمک خواهم کرد.

■ نسبت به مفاسد اقتصادی حساس هستم و از جایگاه حقوقی خود در مبارزه و مقابله با مفسدان اقتصادی، سهم خواهم شد.

■ از تجمّل، مصرف‌گرایی و خرید کالاهای غیر ضروری و لوکس پرهیز می‌کنم و خانواده را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



صالحین



من یک کارمند هستم؛

■ من از اهمیت و تأکید ویژه اسلام بر ارزش‌آفرینی و بهره‌وری آگاه هستم، در این صورت سعی می‌کنم با افزایش ساعت مفید کاری خود و بهبود بهره‌وری، گامی مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی بردارم.

■ خدمت به خلق و گرّه‌گشایی از کار مردم را عبادت می‌دانم و در این راستا وظایف خود را به نحو احسن و دلسوزانه انجام می‌دهم.

■ من نسبت به سلامت نظام اداری کشور تعصب و حساسیت دارم، پس بنابر وظیفه دینی نهی از منکر با هرگونه فساد اداری همچون رشوه و اختلاس، مقابله می‌کنم.

■ در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توجهی ویژه به اثر آن در جامعه و مسیر رشد و پیشرفت کشورم به خصوص اثرات اقتصادی تصمیمات و تأثیر آن بر معیشت مردم دارم، لذا مسئولانه و با دقت و توجه تصمیم می‌گیرم.

■ تلاش می‌کنم فرآیندهای زائد اداری و هزینه‌های بیهوده را کاهش دهم و از اسراف در وقت، هزینه‌های مردم و بیت‌المال جلوگیری کنم.

■ نسبت به رعایت الزامات اقتصاد مقاومتی مانند عدم خرید کالای خارجی دارای مشابه داخلی، در مجموعه خود حساس هستم و از همکاران و رده‌های مافوق خود آن‌ها را مطالبه می‌کنم.

■ در حد توان خود، با گفتار و رفتارم در ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی سهم خواهم بود.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

صالحین

« من یک معلم هستم؛

■ من نقش و جایگاه ویژه خود در تربیت آینده‌سازان ایران اسلامی را به خوبی می‌دانم و تمام تلاش خود را در جهت تربیت نیروی انسانی مؤمن، با انگیزه، متخصص و کارآمد به کار خواهم گرفت.

■ من می‌دانم که خداوند در وجود هر انسانی استعدادهایی را نهفته است، لذا تلاش خواهم کرد که با به‌کارگیری روش‌های روز تربیت و آموزش، استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان خود را شکوفا کنم و تا حد امکان آن‌ها را به رشته تخصصی و زمینه کاری متناسب با استعدادهایشان سوق دهم.

■ تلاش خواهم کرد با اعتماد به نفس و روحیه، خودکفایی را در دانش‌آموزان تقویت کنم.

■ تلاش خود را در ایفای نقش برای تربیت نیروی اقتصادی مولد و کارآفرین به‌کار خواهم بست.

■ با توجه به اهمیت فرهنگ‌سازی و اصلاح الگوی زندگی اقتصادی، در جهت ارائه الگوی صحیح به دانش‌آموزان تلاش خواهم کرد.

■ من سهم خود در ترویج گفت‌وگو اقتصاد مقاومتی مانند ذکر اهمیت، ترغیب و تشویق دانش‌آموزان در مصرف کالای داخلی، ایفا می‌کنم.

■ در مجموعه آموزشی محل تدریس خود و جامعه فرهنگیان، نسبت به فساد اقتصادی، فرهنگ‌سازی و الگوسازی‌های غلط از سوی برخی همکاران و مجموعه، تعهد بر خرید کالای داخلی و رعایت سایر الزامات اقتصاد مقاومتی، کاملاً حساس و مطالبه‌گر خواهم بود.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، به خصوص با توجه به جایگاه خود در الگوسازی برای دانش‌آموزان، در حمایت از تولید ملی تا حد امکان سعی خواهم کرد، کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



« من از جامعه اصناف هستم؛

■ به رعایت آموزه‌های دینی در کار خود اعم از آموزه‌های فقهی و اخلاقی، مانند پرهیز از گران‌فروشی و رعایت انصاف، تأکید دارم.

■ تحت تأثیر عملیات روانی دشمن و القاء ناامنی اقتصادی از سوی آنان قرار نمی‌گیرم و با اقداماتی همچون افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و احتکار، در تشدید هرج و مرج اقتصادی، افزایش گرانی و کمبود کالا با دشمن همراه نمی‌شوم.

■ در کارهای تولیدی سعی دارم از مواد اولیه ایرانی مانند پارچه و منسوجات داخلی و سایر تولیدات وطنی استفاده کنم. در کارهای توزیعی تا حد امکان، اجناس و کالاهای ایرانی را به مصرف‌کننده عرضه کرده و به او توصیه می‌کنم.

■ از عرضه محصولات ارزان و بی‌کیفیت خارجی و چینی و در نتیجه تضعیف تولیدات داخلی کشور، پرهیز می‌کنم.



■ رعایت حال قشرهای آسیب‌پذیر اجتماعی و تهی‌دستان را کرده و در حد توان مالی خود، در فعالیت‌های خیریه و کمک به نیازمندان سهم می‌شوم.

■ با هرگونه فساد اقتصادی در سطح خرد و کلان، مانند: فرار مالیاتی، رشوه، احتکار، گران‌فروشی و تبانی در افزایش ناعادلانه قیمت‌ها، مقابله جدی خواهم نمود.

■ در جهت تقویت تولید ملی، تا حد امکان نقدینگی خود را به بازار سرمایه هدایت خواهم کرد و از راکد بودن سرمایه و یا ورود آن به فعالیت‌های کاذب اقتصادی مانند خرید ارز، املاک و مستغلات و دلالی‌های باطل، اجتناب خواهم کرد.

■ از تجمل، مصرف‌گرایی و خرید کالاهای غیر ضروری و لوکس پرهیز می‌کنم و خانواده را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

صالحین

« من یک زن هستم.

■ من به عنوان یک مادر، نقش و وظیفه مهم خود را در تربیت فرزندانم می‌شناسم و همچون مادران دوران جنگ تحمیلی نظامی، تربیت سربازان جنگ تحمیلی اقتصادی را وظیفه خود می‌دانم.

■ من به عنوان یک مادر، نسبت به تربیت و رشد اقتصادی فرزند خود دغدغه‌مند و حساس هستم و فرزندانم مؤمن، با درک صحیح از جایگاه اقتصاد در زندگی فردی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیر، مقتصد در مصرف و با انگیزه و پرتکار در تولید، خلاق و کارآفرین را تربیت خواهم نمود.

■ من به عنوان زن خانواده، بر رعایت الگوی صحیح در رفتارهای اقتصادی، به خصوص در حوزه مصرف، تأکید دارم و همسر و فرزندانم را از سوء رفتارهایی مانند: کم کاری و تنبلی، اسراف، تجمل گرایی، مصرف زدگی و خرید کالای خارجی دارای مشابه داخلی، برحذر می‌دارم.

■ من به عنوان یک دختر، قصد دارم -ان شاءالله- در صورت اقدام به خرید جهیزیه، بر اصل عدم خرید کالای خارجی دارای مشابه داخلی تأکید داشته باشم و تا حد امکان پدر و مادر خود را در رعایت این اصل، اقناع کنم.



« من یک پزشک هستم.

■ در شرایط جنگ اقتصادی و تشدید فشار، به خصوص بر قشر مستضعف و طبقات کم درآمد اجتماعی، رعایت حال طبقات مستضعف را در هزینه‌های درمانی خواهم نمود.

■ پزشکی را حرفه‌ای مقدس می‌دانم و صرفاً کسب سود و درآمد را هدف قرار نمی‌دهم، لذا نیاز مردم میهنم به درمان را از ملاک‌های تعیین محل خدمت خود قرار داده و اصراری بر خدمت در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ ندارم.

■ در جهت ریشه‌کن کردن فقر در حد توان مالی خود، در فعالیت‌های خیریه و کمک به نیازمندان سهم

■ به عنوان یک همسر، شوهرم را به کار، کوشش و کسب روزی حلال تشویق می‌کنم و شرایط روحی او را برای حضور مؤثر در عرصه فعالیت اقتصادی، فراهم می‌کنم و حتی در مواردی، در پیشبرد مسائل کاری، با او هم‌فکری و همکاری خواهم کرد.

■ نقش خود را در خنثی‌سازی جنگ روانی دشمن در افزایش احساس فلاکت و نارضایتی عمومی، القای بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و ترغیب به سوء رفتارهایی مانند: ولع افزایش مصرف و احتکار خانگی، می‌دانم و آرامش روانی همسر و فرزندانم را در مدیریت صحیح اقتصادی خانواده، تأمین خواهم نمود.

■ به نقش خود در اقتصاد خانواده و ارزش اقتصادی تولیدات خانگی آگاه هستم و در جهت خودکفایی خانواده تلاش و کوشش خواهم کرد.

■ ضمن در نظر داشتن نقش همسری و مادری به عنوان اولویت اول زندگی، در صورت امکان علاوه بر ارزش‌آفرینی اقتصادی در محیط خانواده، در عرصه اقتصادی جامعه، به خصوص در حوزه‌های نقش‌آفرینی مختص زنان، ایفای نقش خواهم نمود.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



صالحین

« من یک پیشکسوت هستم؛

■ نسبت به استقلال و اقتدار میهن اسلامی خود تعصب دارم. حماسه‌آفرینی‌ها و خاطرات روزهای سخت و دشوار، بدون سرخم کردن در مقابل استکبار را در حافظه تاریخی ملت خود زنده نگاه خواهم داشت.

■ تجربیات ارزنده خود، راه و رسم زندگی و الگوی صحیح اقتصادی در زندگی را به هم‌وطنان خود، به خصوص نسل جوان، انتقال خواهم داد.

■ آداب و رسوم و فرهنگ‌های ارزشمند گذشته، مانند ساده‌زیستی و قناعت، استفاده از حداقل امکانات، تعمیر وسایل، دوری از اسراف و تبذیر و غیره را احیاء خواهم کرد و به نسل جوان گوشزد می‌نمایم.

■ نسبت به سوء رفتارهای اقتصادی، بی‌تفاوت نخواهم بود و نه‌تنها جوانان را به دنیاطلبی و سودجویی سفارش نمی‌کنم، بلکه آنان را از عجله در دستیابی به اهداف اقتصادی و بلندپروازی برحذر می‌دارم و دلسوزانه و مسئولانه راه را به نسل جدید نشان خواهم داد.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

سایر طلاب و خطباء نیز قرار می‌دهم.

■ در عرصه پژوهش، به عنوان یک کارشناس دینی، عرصه اجتهاد، استخراج و نظام‌سازی، معارف اقتصادی مکتب اسلام را یکی از عرصه‌های مهم و ضروری اجتهادی می‌دانم.

■ به صورت ویژه، مردم را به اتفاق، دستگیری از نیازمندان، دوری از فساد و مجرمات اقتصادی دعوت خواهم نمود.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

■ با توجه به جایگاه خود به عنوان یک الگو در زندگی دینی برای مردم، من و خانواده‌ام از جمله پیشگامان در رعایت الزامات اقتصاد مقاومتی و الگوی صحیح زندگی اقتصادی خواهیم بود.

■ با رعایت ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی، اسراف و تبذیر، الگوی صحیح زندگی اقتصادی را در عمل، به مردم ارائه خواهم کرد.

■ با درک عمیق از ساحت‌های دین و توجه به نقش اقتصاد در زندگی مؤمنین و جامعه اسلامی، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و ترویج آموزه‌های اسلامی و سبک زندگی اقتصادی اسلام را به ویژه در شرایط جنگ اقتصادی، از اهم وظایف خود می‌دانم.

■ از فرصت سخنرانی و خطابه در تبلیغ گفتمان اقتصاد مقاومتی و ایجاد عزم ملی برای حرکت در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده می‌کنم و روح مقاومت و حماسه را در مردم زنده نگاه خواهم داشت.

■ با دقت و تفکر در معارف عمیق دینی، سخنرانی جذاب و پرمغز، با محتوای اقتصادی تهیه نموده و علاوه بر استفاده در منبرهای خود، در اختیار

صالحین

« من مهندس هستم.

■ در جهت پیشرفت و توسعه صنعتی کشور خود در تولید محصولات پیشرفته، با کیفیت و با قیمت مناسب، درخور شأن و نیاز هموطنان و دارای توان رقابتی در عرصه بین‌المللی به لحاظ صادراتی، تمام سعی و کوشش خود را به کار خواهم گرفت.

■ علاوه بر تلاش در جهت بهره‌مندی از دانش و فناوری روز دنیا، با بهره‌مندی از خلاقیت و استعداد خود و همکارانم در ایجاد ابداعات و نوآوری‌های صنعتی، گامی مهم در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان خواهم برداشت.

■ از ورود به عرصه فعالیت‌های کاذب اقتصادی، اجتناب می‌کنم و بار اصلی پیشرفت و توسعه صنعتی کشور را بر عهده خود می‌دانم. لذا با جمع‌بندی و هدایت سرمایه به فعالیت‌های مولد و راه‌اندازی واحدهای صنعتی، سعی می‌کنم، فردی کارآفرین باشم و علاوه

بر رفع نیازمندی‌های اقتصادی کشورم برای جوانان نیز اشتغال‌زایی کنم.

■ تأکید ویژه بر خرید تولیدات داخلی و عقد قرارداد با شرکت‌های داخلی دارم و تا حد امکان مواد اولیه و نهاده‌های تولیدی خود را از محصولات داخلی تهیه و یا کارفرمای خود را به خرید آن سفارش می‌کنم.

■ نسبت به کاهش ضایعات، میزان مصرف انرژی و صرفه‌جویی در مواد اولیه در فرآیند تولید، دقت دارم و تلاش خود را در جهت افزایش کارایی به کار خواهم گرفت.

■ با هرگونه اهمال و سستی در کار، بی‌مسئولیتی، رشوه، فرار مالیاتی و به‌طور کلی فساد و سوء رفتارهای اقتصادی در مجموعه کاری خود و از سوی برخی همکارانم، مقابله می‌کنم.

■ از تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی و خرید کالاهای غیر ضروری و لوکس پرهیز می‌کنم و خانواده خود را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

« من یک هنرمند هستم.

■ هنر را بهترین و اثرگذارترین ابزار انتقال مفاهیم و برانگیختن احساسات می‌دانم. از این ابزار در ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی، آموزش مفاهیم اقتصادی و تقویت عزم ملی مقاومت اقتصادی در عرصه جنگ اقتصادی، استفاده خواهم کرد.

■ مردم را نسبت به ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی کشور، ثروت‌ها و سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی کشور آگاه می‌کنم و با خنثی‌سازی عملیات جنگ روانی دشمن در القای ناامیدی و ایجاد نارضایتی عمومی، روح امید، انگیزه، تحرک و پویایی را در مردم میهنم، زنده می‌کنم.

■ نقش خود را در تغییر فرهنگ‌های غلط و اصلاح الگوی مصرف و تولید جامعه، کلیدی و مؤثر می‌دانم و از هنر خود در ترویج سبک صحیح زندگی اقتصادی، بهره خواهم برد.

■ از هنر خود در مبارزه غیرمستقیم و اثرگذار با

مفاسد و سوء رفتارهای اقتصادی، بیدارسازی مردم و ایجاد دغدغه در آنان نسبت به معضلات اقتصادی جامعه، بهره خواهم برد.

■ با همکاری سایر دوستان هنرمند خود تلاش خواهیم نمود. با ایجاد نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های دائمی و موقت عرضه محصولات هنری و یا تأسیس آموزشگاه، شرکت، دفتر و گروه‌های هنری، اقتصاد هنر را پویا نموده و ضمن بهره‌مند نمودن جامعه از این محصولات و خدمات ارزشمند، برای هنرمندان سودآوری اقتصادی ایجاد کرده و سطح بیکاری را در این قشر فرهیخته کاهش دهیم.

■ از تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی و خرید کالاهای غیر ضروری و لوکس پرهیز می‌کنم و خانواده خود را نیز از این کار برحذر می‌دارم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



صالحین

« من یک کشاورز هستم.

■ به اهمیت بخش کشاورزی در رشد اقتصادی و خودکفایی غذایی کشورم آگاهی دارم و تمام تلاش خود را در تولید محصولات کشاورزی مرغوب به‌کار خواهم گرفت.

■ علاوه بر کار و تلاش، صرفاً به روش‌های سنتی تولید بسنده نمی‌کنم و همواره در تلاش برای یادگیری و اجرای روش‌های علمی روز کشاورزی و استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته خواهم بود.

■ تلاش خواهم کرد کارآیی مصرف آب را افزایش دهم و با به‌کارگیری بهترین روش‌های روز آبیاری، ضمن کمک به مدیریت بحران آب، برداشت محصول از واحد سطح را به حداکثر برسانم.

■ صرفاً منتظر اقدامات دولتی نخواهیم بود و با همکاری سایر کشاورزان و ایجاد تعاونی‌های روستایی با احداث انبار، سیلو و سردخانه‌ها، تلاش خواهیم کرد ضمن به حداقل رساندن ضایعات کشاورزی، فرصت کافی برای بازاریابی مناسب و عرضه محصول با کمترین واسطه را ایجاد نماییم.

■ علاوه بر کار و تلاش، صرفاً به روش‌های سنتی تولید، بسنده نمی‌کنم و همواره در تلاش برای یادگیری و اجرای روش‌های علمی روز دام‌پروری، مانند اصلاح نژاد و تغذیه دام هستم.

■ با استقبال از جوانان و سهمیم کردن آنان در زمین و محصول، انگیزه لازم برای اشتغال به کار کشاورزی و عدم مهاجرت آنان به شهر و تبدیل یک نیروی مولد اقتصادی به یک نیروی مصرف‌کننده، خواهم شد.

■ همچون گذشته سعی خواهیم نمود از امکانات طبیعی و ظرفیت‌های بالقوه روستا در حفظ خودکفایی اقتصادی تلاش کنیم و در کنار محصولات کشاورزی، تولیدات دامی، صنایع دستی و سایر تولیدات روستایی خود را تقویت کنیم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



« من از عشایر هستم؛

من به نقش و جایگاه ویژه خود به عنوان یک عامل فعال و مولد اقتصادی واقف هستم و حداکثر تلاش خود را در جهت افزایش کمی و کیفی تولیدات خود از جمله محصولات دامی، صنایع دستی و سایر محصولات عشایری به‌کار می‌گیرم.

■ علاوه بر کار و تلاش، صرفاً به روش‌های سنتی تولید، بسنده نمی‌کنم و همواره در تلاش جهت یادگیری و اجرای روش‌های علمی روز دام‌پروری، مانند اصلاح نژاد و تغذیه دام، هستم.

■ نگاه من به منابع طبیعی و مراتع، به عنوان یک ثروت ملی است و هرگز آن را با اعمال سودجویانه؛ مانند چرای بی‌رویه دام، تخریب نمی‌کنم.

« من یک کارگر هستم.

■ من به ارزش کار و کارگر در نگاه اسلام آگاهی دارم، کار را عبادت، و تلاش برای کسب روزی حلال را جهاد می‌دانم و تمام تلاش خود را برای ارائه خدمتی خالص، صادقانه و مؤثر در جهت پیشرفت اقتصادی کشور به‌کار خواهم گرفت.

■ مطابق توصیه اسلام، اتقان در عمل، عدم کم‌کاری و اهمال در کار را در نظر دارم و امور محوله به خود را به بهترین شکل، با دقت و کیفیت بالا به انجام خواهم رساند.

■ با تدبیر امور اقتصادی و تقدیر در معیشت، درآمد خود را به نیازهای اساسی زندگی اختصاص می‌دهم، در دام تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی گرفتار نخواهم شد و با حفظ روحیه امید و نشاط در خود و خانواده، به فضل الهی از میدان جنگ اقتصادی دشمن، سربلند بیرون خواهم آمد.

■ با هرکس و هر عاملی که بخواهد روحیه من و همکارانم را سست کند یا با سوء استفاده از وضعیت فشارهای اقتصادی، جو ناامیدی و نارضایتی را در میان کارگران ایجاد نماید، مقابله خواهم کرد.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



■ با دوستان و سایر افراد ایل، تصمیم گرفته‌ایم جهت هم‌افزایی توان اقتصادی و بازاریابی بهتر محصولات خود، یک تعاونی عشایری راه‌اندازی کنیم.

■ ما سعی می‌کنیم از جوانان ایل حمایت کنیم و با تأمین سرمایه اولیه، مانع مهاجرت آنان به شهرها و تبدیل یک نیروی مولد اقتصادی به یک نیروی مصرف‌کننده شویم.

■ ما سعی کرده‌ایم همانند گذشته، خودکفایی خود را حفظ کنیم و به سمت مصرف‌گرایی حرکت نکنیم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی، تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.



« من مداح هستم.

■ با انتخاب اشعار و سرودهای پرمحتوا و دارای مضامین غنی، در زنده نگاه داشتن حافظه تاریخی دینی و ملی، ایستادگی در مقابل ظلم و فشارهای اقتصادی و سیاسی، تقویت روحیه مقاومت و عزم و اراده ملی در عرصه جنگ اقتصادی، نقش‌آفرینی خواهم کرد.

■ با توجه به محبت و ارادت ویژه مردم به حضرت اباعبدالله (ع)، سیره آن حضرت در ظلم‌ستیزی، مقاومت در مقابل دشمن و جایگاه نهضت عاشورا در زنده نگاه داشتن فرهنگ جهاد و شهادت، از عبرت‌های عاشورایی در جهت تقویت روحیه «جهاد اقتصادی» و مقاومت اقتصادی در میان آحاد جامعه، بهره ویژه خواهم برد.

■ با تفکر و دقت عمیق در سیره معصومین (ع)، روضه‌های مستند، پرمحتوا و مرتبط با فرهنگ جهاد و مقاومت اقتصادی آماده خواهم کرد و ضمن استفاده در مجالس خود در مناسبت‌های مذهبی مختلف، در اختیار سایر مداحان نیز، قرار خواهم داد.

■ از ظرفیت مجالس هیئت و اجتماع مؤمنان در کمک و دستگیری از نیازمندان، مشارکت در فعالیت‌های خیریه، اشتغال‌زایی برای جوانان، تهیه تجهیزات و

« من یک استاد هستم.

■ نسبت به تربیت نیروهای مؤمن، متخصص، کارآمد، باانگیزه و پرتلاش متعهد هستم و آینده‌سازان ایران اسلامی را نسبت به شرایط جنگ اقتصادی و نقش تعیین‌کننده آنان در این عرصه، آگاه می‌سازم.

■ روحیه امید و خودباوری را در جوانان میهن اسلامی، تقویت خواهم کرد و با اساتیدی که با ذکر هدفمند پیشرفت‌های غرب، سعی در تخریب این روحیه دارند، مقابله خواهم کرد.

■ توان خود را در جهت استفاده بهینه از زمان کلاس، ارائه محتوای آموزشی غنی و به‌روز، برای دانشجویان به کار خواهم بست و تا حد امکان سعی می‌کنم با آشنا نمودن دانشجویان با مسائل و مشکلات روز کشور و ارتباط آن با سرفصل‌های درسی، دانش بومی و کاربردی را به آنان انتقال دهم.

■ بار اصلی تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را بر عهده



صالحین

ملزومات ازدواج و به‌طور کلی اصلاح معضلات اقتصادی محله، بهره خواهم برد.

■ نسبت به رعایت الگوی صحیح مصرف و دوری از اسراف و تبذیر در مراسم هیئت‌های مذهبی حساسیت دارم و بر آن تأکید می‌کنم.

■ از منبر مداحی اهل بیت (ع) در ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی و دعوت مردم به رعایت الزامات آن استفاده خواهم کرد.



خود می‌بینم و علاوه بر ارتقای سطح دانش، یکی از اهداف اصلی خود را شکوفا نمودن استعدادها، تقویت خلاقیت و اعتماد به نفس در دانشجویان می‌دانم و تلاش خواهم نمود، توان کارآفرینی را در آنان ایجاد نمایم.

■ با توجه به جایگاه ویژه من در الگوسازی برای جوانان، سعی می‌کنم در رعایت الزامات اقتصاد مقاومتی در زندگی شخصی خود و دغدغه‌مندی نسبت به مسائل اقتصادی جامعه، پیشگام باشم.

■ نقش مهم خود را در جهت ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی، ایجاد دغدغه و مسئولیت در دانشجویان و مردم می‌شناسم و از کرسی‌ها و تریبون‌های دانشگاهی در انجام این رسالت، بهره می‌برم.

■ من نیز مانند همه مردم میهن اسلامی، در حمایت از تولید ملی تا حد امکان سعی خواهم کرد کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مصرف نکنم.

سرمایه‌هایی
که شما خانم‌ها
در خانه می
سازید و هیچ
شخص و
نهاد دیگری
هم جایگزین
آن نیست.

صالحین



■ درگیر جنگ تمام‌عیار اقتصادی هستیم

سعی بر این است که بسیار مختصر به بحث

بسیار مهم اقتصاد مقاومتی، پردازیم و امید است که بحث ما کمی کاربردی‌تر شود. همچنین امیدواریم برای کارهایی که می‌توانیم در مجموعه فرهنگی بسیج انجام دهیم، مفید واقع شود. ما یک سری از بحث‌ها را آماده کرده‌ایم که در صورت مطرح شدن آن‌ها، خدمت شما ارائه می‌کنیم، اما قبل از این‌که این مباحث باز شود، بحث خود را شروع می‌کنیم.

در این کارگاه سعی می‌کنیم، در مورد چند مفهوم بحث کنیم تا به جمع‌بندی برسیم. اولین مطلبی که خدمت شما عرض می‌کنم، بحث جنگ اقتصادی است. به‌صورت مختصر جنگ اقتصادی را تبیین می‌کنیم و امیدواریم به‌گونه‌ای باشد که شما نیز آن را برای بقیه تبیین کنید. سعی ما بر این است که جلسه برای کمی کاربردی باشد تا اگر شما می‌خواهید برای بقیه توضیح دهید، راهگشا باشد. در قسمت دوم به‌صورت مختصر، اقتصاد مقاومتی را توضیح خواهیم داد و کمی نیز در مورد مفهوم خود اقتصاد، صحبت می‌کنیم و از اینجا نیز ضرورت تعلیم و تربیت اقتصادی را خدمت دوستان عرض می‌کنیم -که چقدر اهمیت دارد- و در انتها نیز به بحث عملیاتی می‌رسیم، که باید چه کنیم.

ویژه نامه اقتصاد مقاومتی | کاری از مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

اما برای انقلاب اسلامی که می‌خواهد قدرت اسلامی شود این ارتباط برقرار نمی‌شود.

■ استقلال‌خواهی ملت ایران

بنابراین طبیعی است که جنگ اقتصادی اتفاق بیفتد. اگر مسائلی مطرح می‌شود که ما باید با دنیا تعامل کنیم تا ما را تهدید اقتصادی نکنند و جنگی رخ ندهد، اتفاقی نمی‌افتد. به‌رحال اگر ما بخواهیم به لحاظ اقتصادی، قوی شویم و از اسلام دم بزنیم، جنگ اقتصادی درخواست گرفت. این مطلب را به جمله رهبر معظم انقلاب، ارجاع می‌دهم که می‌فرمایند: «یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی اتفاق افتاده است که هدف آن نه بحث هسته‌ای و نه چیز دیگری است بلکه دلیل آن، استقلال‌خواهی ملت ایران است.»

■ اقتصاد مقاومتی در ۵-۶ دقیقه

ما به‌صورت مختصر جنگ اقتصادی را توضیح دادیم و نقشه مورد نظر^۱ یک کار گرافیکی درباره جنگ اقتصادی است که شما می‌توانید از این موضوع استفاده کنید. باید به‌صورت مختصر توضیح دهید که این نقشه از تحریم‌های اقتصادی برای بیان اهداف جنگ اقتصادی، شروع می‌کند و در نهایت به وظایف ما اشاره می‌کند. از این نقشه می‌توانید در حلقه‌ها یا مسجد استفاده کنید؛ آن را بر روی دیوار نصب کنید، روی پروژکتور ببندازید و از روی آن برای بقیه توضیح دهید. ده تا پانزده دقیقه نیز بیشتر طول نمی‌کشد و مطالب آن نیز بر روی آن نوشته شده است و اگر شما از روی مطالب به‌صورت منظم بخوانید، به آن نتیجه‌گیری لازم خواهید رسید.

این‌که ما درگیر جنگ اقتصادی هستیم و دلایل آن را نیز تا حدودی توضیح داده‌ایم. حال راه‌کار چیست؟ آرایش جنگی ما در برابر این موضوع چیست؟ آرایش جنگی ما همان اقتصاد مقاومتی است. ما سعی می‌کنیم که خدمت بزرگواران، تعریفی مختصر از اقتصاد مقاومتی بدهیم، به دلیل تفاوت تعریف‌ها در نوع بیان، ما باید این توضیح را ارائه دهیم. نکته دیگر این‌که افرادی که تفکرات دیگری نیز دارند، حرف‌های خود را در ذیل اقتصاد مقاومتی می‌زنند، که ما باید یک تفکر مبنایی و محکم داشته باشیم. هرکس که از اقتصاد مقاومتی صحبت می‌کند دلیل بر این نیست که به اقتصاد مقاومتی باور داشته باشد. پس سعی ما بر این است که تعریفی را ارائه دهیم که شما نیز، ظرف

۵ یا ۶ دقیقه بتوانید در حلقه‌ها، پایگاه‌ها و بحث‌های روشنگری خود استفاده کنید. ما برای تعریف اقتصاد مقاومتی، از کلمه مقاومت استفاده می‌کنیم. ریشه کلمه مقاومت سه حرف «ق-و-م» است، ما از این سه حرف نتیجه می‌گیریم و اقتصاد مقاومتی را توضیح می‌دهیم. اقتصاد مقاومتی سه کلیدواژه دارد، قیام، قوام و استقامت، که ما با این سه کلمه اقتصاد مقاومتی را توضیح خواهیم داد. ان‌شاءالله که شما نیز بتوانید از این امر برای تبیین دیگران استفاده کنید.

قیام به چه معنا است؟ به معنای بر خواستن و حرکت کردن که حرکت آن رو به‌جلو است. چه چیزهایی در یک اقتصاد، قیام و حرکت روبه‌جلو ایجاد می‌کند؟ تولید دانش، فرهنگ جهادی و یا ایجاد انگیزه‌ها. سه مورد از ارکان اقتصاد مقاومتی، ذیل قیام



یک اقتصاد مردمی به این معنا

نیست که دولت در اقتصاد دخالت

نمی‌کند بلکه بدین معناست که زمانی

که دولت و مردم در اقتصاد عمل

می‌کنند، شما تفاوتی میان این‌ها قائل

نمی‌شوید و یکپارچه عمل می‌کنید

توضیح داده شده است. قسمت دوم، قوام است و شما به چه چیزی قوام‌دار می‌گویید؟ افرادی که غذا درست می‌کنند، ممکن است بگویند که این غذا قوام دارد. قوام یعنی یکپارچگی‌ای که نمی‌توان اعضای آن را از هم جدا کرد. در یک اقتصاد، چه چیزهایی موجب ایجاد قوام اقتصادی می‌شود؟ یکی عدالت و دیگری اقتصاد مردمی است. یک اقتصاد مردمی به این معنا نیست که دولت در اقتصاد دخالت نمی‌کند بلکه بدین معناست که زمانی که دولت و مردم در اقتصاد عمل می‌کنند، شما تفاوتی میان این‌ها قائل نمی‌شوید و یکپارچه عمل می‌کنید، زیرا برنامه‌های اقتصادی در این راستا از یک وحدت رویه‌ای برخوردار است، بنابراین مردم و عدالت، قوام اقتصادی را پایدار می‌کند. قسمت سوم، استقامت به معنای راهی برگشت‌ناپذیر

پرونده دهم | نقشه عملیات

صالحین

است. بدین معنا نیست که وقتی به جلو رفته‌اید مسیر خود را برگردانید. چه اموری به استقامت اقتصادی کمک می‌کند؟ یکی «ضد شکنندگی» و دیگری نیز "انعطاف‌پذیری" است -که بحث‌های آن بسیار مفصل است- ضد شکنندگی یعنی این‌که اگر اقتصاد ما به مرحله‌ای رسید، دشمن با تحرکات و اقدامات اقتصادی نتواند ساختار اقتصادی ما را بر هم بزند. انعطاف‌پذیری، یعنی این‌که در اقتصادی که در جنگ اقتصادی قرار دارد، طبیعی است برای آن اتفاقاتی پیش بیاید که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به حالت اولیه خود برگردد. انعطاف‌پذیری در خود ضد شکنندگی نیز دارد، همانند بادکنکی است که به دلیل نرم بودن نمی‌ترکد و به حالت اولیه برمی‌گردد. ما نمی‌خواهیم که اقتصاد مقاومتی را ریزه‌ریز توضیح دهیم. اما به زبان ساده استقامت، مانند قیام است که در ادبیات قرآنی و در مفهوم ما نیز وجود دارد. بعداً اگر شما خواستید بدانید، که دانش‌بنیان بودن چیست و تولید چه ویژگی‌هایی دارد؟ می‌توانیم یک‌لایه عمیق‌تر شده و از متون و کتاب‌ها استفاده کنید تا این موارد را برای همه توضیح دهید.

■ اقتصاد به چه معناست

ما بسیار مختصر اقتصاد مقاومتی را توضیح دادیم. قسمت دوم بحث ما بحث مفهوم اقتصادی است. ویژگی‌های مقاومت اقتصاد مقاومتی را بیان کردیم، حالا بنده به خود اقتصاد -که چیست- اشاره‌ای می‌کنم.

از علم اقتصاد، تعاریف مختلفی می‌شود و ادبیات مفصلی دراین‌باره وجود دارد که ما سعی می‌کنیم سه کلیدواژه آن را به شما بگویم تا بتوانید از آن استفاده کنید .

تعریف اول: اقتصاد درگذشته به معنای تدبیر منزل بوده است؛ یعنی دقیق کردن امورات منزل و لازمه‌هایی که منزل نیاز دارد مانند رفع نیاز و غذا، سوخت و گرمایش، تدبیر و علم این موضوع که از آن به آن تدبیر منزل یاد می‌کردند و نام آن را اقتصاد می‌گذاشتند.

زمانی‌که جوامع، کمی پیشرفت کردند و سطح ارتباطات آنان گسترده شد و تدبیر منزل در عرصه اجتماعی، مسئله شد، تعریف اقتصاد دگرگون گشت. گفتند که اقتصاد، علم تولید، توزیع و مصرف است؛ زیرا تولید، توزیع و مصرف در عرصه اجتماع بسیار گسترده‌تر شده بود و هرکس که علم آن را داشت،

^[1] در این کارگاه سعی می‌کنیم، در مورد چند مفهوم بحث کنیم تا به جمع‌بندی برسیم

^[2] در این کارگاه سعی می‌کنیم، در مورد چند مفهوم بحث کنیم تا به جمع‌بندی برسیم

صالحین

این را علم اقتصاد بیان کرد. در آخرین و جامع‌ترین تعریف که از اقتصاد وجود دارد، می‌گویند که اقتصاد، علم انتخاب است؛ یعنی منطقی است که شما این انتخاب‌ها را انجام می‌دهید و این انتخاب‌ها می‌تواند تولیدی و مصرفی یا توزیعی باشد. یا هرگونه انتخابی که شما در عرصه‌های مالی زندگی خود انجام می‌دهید، یک منطق دارد که این منطق را اقتصاد، می‌گویند. پس اقتصاد، علم انتخاب است.

■ اقتصاد علم انتخاب

ما قصد داریم توضیح دهیم که اگر اقتصاد را علم انتخاب بدانیم، اگر بخواهیم کارهایی را در عرصه اقتصاد انجام دهیم، چه عملیاتی را باید انجام دهیم؟ در اینجا نکته‌ای است که بنده می‌خواهم، بحث‌های عملیاتی را شروع کنم و زمان‌هایی وجود دارد که وقتی می‌گویند ما باید در عرصه‌های اقتصاد مقاومتی، گام برداریم و کارهای اقتصادی انجام دهیم، شاید در ذهن ما به این امر تعبیر شود که من باید از همین الآن یک پروژه اقتصادی را شروع کنم و یا باید مغازه‌ای باز کنم و کاری تولیدی را شروع کنم که در داخل آن پول ردوبدل شود. حرف بنده این است که اگر اقتصاد را علم انتخاب بدانیم، شما اگر بتوانید کاری را انجام دهید که انتخاب آدم‌ها را تغییر دهد و یا تأثیری بگذارد، شما کار اقتصادی کرده‌اید. بنده چند مثال می‌زنم که از همین‌جا بحث اقتصاد مقاومتی شروع می‌شود. فرض کنید که ما در اقتصاد مقاومتی و جنگ اقتصادی، باید یک سری از عملیات را برای پایگاه بسیج انجام دهیم، بنده عملیاتی را مثال می‌زنم که ببینیم این عملیات، اقتصادی است یا خیر. بعضی از افراد فکر می‌کنند که عملیات اقتصادی، کار پیچیده‌ای است، اما دو یا سه مثال از یکی از عملیات اقتصادی که شما در عرصه‌های اقتصاد مقاومتی می‌توانید بزنید، این است.

وقتی داخل یک مغازه می‌روید، بلند بپرسید که این ایرانی است یا خیر تا اینکه چند نفر دیگر نیز بشنوند. بسیار ساده است، شما باید بلند بپرسید تا اینکه چند نفر دیگر نیز بشنوند. آیا این امر بر روی انتخاب شما اثر می‌گذارد یا خیر؟ پس این یک عملیات اقتصادی است هر چند این عملیات پیچیده نیست، بلکه کارهای بزرگی می‌توان انجام داد. فرض کنید شما در یک پایگاه صد نفر دارید پس باید برنامه‌ریزی کنید تا دو ماه آینده این عملیات را بچینید و اقتصاد مقاومتی را برای آنان بگویید تا توجیه شوند. از فردا کار ما این

می‌شود که به مغازه‌های محل برویم و بلند بپرسیم که آیا این کالا ایرانی است یا خیر. همین عملیات به‌اندازه‌ای اثرگذار است که اگر شما خریدی نکنید نیز اشکالی ندارد، فقط بلند بپرسید تا گوش‌های دو یا سه نفر دیگر نیز حساس شود. زمانی که این اتفاق بیفتد و تکرار شود، فروشنده نیز در زمان خرید، به ایرانی بودن مشتریان خود تأکید می‌کند و از این طریق می‌توانیم تولیدکنندگان را به این سمت سوق می‌دهیم. همین عمل ساده، یک عملیات اقتصادی راهبردی است. سعی بنده بر این است که بحث‌های خود را راهبردی کنم. نکته دوم: از این به بعد می‌توانیم قراری باهم بگذاریم که اگر کسی کالای ایرانی خرید به او «مبارک» و «قبول باشد» بگوییم. رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند که این امر جهاد و یک کارزار بزرگ است و ایشان گفته‌اند، هرکس در این راستا اقدامی انجام دهد، کاری جهادی انجام داده است. پس آیا این «قبول باشد» گفتن ما بر روی منطق انتخاب دیگران، اثر می‌گذارد یا خیر؟ پس این امر یک عملیات اقتصادی است و امکان این وجود دارد که عملیات اقتصادی، بسیار پیچیده نباشد اما ممکن است اثرگذار باشد.

در بحث‌های تربیت اقتصادی، بحث بر سر این است که سعی بر این باشد، کالای ایرانی خریداری شود و بنده باید در اینجا دلایل خرید کالای ایرانی را نیز به دلیل کاربردی بودن، توضیح دهم.

⬅️ دلایل خرید کالای ایرانی

برای خرید کالای ایرانی چند دلیل وجود دارد، اما برای خرید کالای خارجی یک دلیل بیشتر وجود ندارد و دلیل آن نیز کیفیت است. اما برای خرید کالای ایرانی چند دلیل داریم: ۱- اگر کالای داخلی بخرید به تولیدکننده داخلی نیز کمک می‌کنید که این امر موجب افزایش کیفیت و همچنین تولید ملی قوی می‌شود. افزایش کیفیت این است، زمانی که شما کالایی کم‌کیفیت را خریداری می‌کنید، یک مازاد درآمدی برای آن فروشنده ایجاد می‌شود که در اثر آن می‌تواند تحقیقات خود را گسترده کند. اغلب تولیدکنندگان ما پولی برای تحقیقات کافی ندارند تا کیفیت کارهای خود را بالا ببرند. زمانی که شما کالای کم‌کیفیت داخلی می‌خرید، به سرمایه‌گذاری برای بالا بردن کیفیت کالا کمک می‌کنید.

وقتی داخل یک مغازه می‌روید،

بلند بپرسید که این ایرانی

است یا خیر تا اینکه چند نفر

دیگر نیز بشنوند. بسیار ساده

است، شما باید بلند بپرسید تا

اینکه چند نفر دیگر نیز بشنوند

نکته بعدی این‌که، ما در خرید کالای ایرانی باید دو کار را انجام دهیم، بعضی از افراد می‌گویند که ما باید ضرری را برای خود بخریم، ضرر ما در خرید کالای کم‌کیفیت است، در این صورت زندگی خود ما چه می‌شود. در ابتدا باید بگوییم که جهاد بدون تحمل ضرر محدود، امکان ندارد. غیرُ لَفْصَرَر از دایره جهاد خارج می‌شود و شما حتماً نباید این ضرر کوچک را انجام دهید اما اگر خواستید که کار جهادی کنید، ممکن است ضررهای کوچکی نیز داشته باشد. ضمن این‌که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: «جهاد مصرف‌کننده، خرید کالاهای داخلی است» همان‌طور که جهاد تولیدکننده نیز افزایش کیفیت است و تولیدکننده حتی اگر پول نیز نداشته باشد، باید کیفیت کالای خود را بالا ببرد. بعضی از افراد اذعان دارند که این امر باید به تولیدکننده گوشزد شود نه اینکه به ما بگویند. ما می‌گوییم که خیلی خوب، اگر رهبر معظم انقلاب به ما فرموده بودند که تنها شما با خرید کالای داخلی، جهاد کنید بروید و به تولیدکنندگان چیزی نگفته بودند، ما حق اعتراض داشتیم، اما ایشان که به مصرف‌کننده و تولیدکننده، هر دو تذکر داده‌اند. بنابراین برای ما تکلیف وجود دارد که ما باید این کار را انجام دهیم.

■ هر کالای ایرانی را بخریم؟

نکته بعدی این‌که آیا ما باید همیشه این کار را انجام دهیم؟ بنده در مورد کیفیت نیز نکته‌ای را باید عرض کنم، این‌که می‌گویند کالای ایرانی بی‌کیفیت است، مگر امکان چنین امری وجود دارد؟ ما در صحبت‌های خود گاهی الفاظی را به کار می‌بریم که از

روی منطق انتخاب دیگران است که ما را درگیر جنگ نرم اقتصادی دشمن می‌کند. نکته مهم دیگر این است که خود آمریکایی‌ها در تحقیقات خود به این امر دست یافته‌اند که احتمال تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران بسیار کم است. نزدیک به یک‌چهارم احتمال دارد که آن‌ها موفق شوند اما به یک نقطه امید بسته‌اند و آن، این است که بتوانند از طریق اذهان افراد، ما را نسبت به اقتصاد ناامید کنند. تشویش اذهان نیز به این صورت است که جنس ایرانی بی‌کیفیت است. آیا ما انصاف به خرج می‌دهیم؟ خیر، دشمن بر روی همه این موارد حساب باز کرده است. ضعف‌ها و بی‌سوادی اقتصادی خود ما نیز از همین موارد است.

از ثبات اقتصادی نیز برای شما مثالی بیاورم که

اگر خانم‌های ایرانی سبد مصرفی

خود را در دو هفته از یک مرغ

به دو مرغ برسانند، بلایی بر سر

اقتصاد کشور می‌آید که یک بمب

اتمی نیز توان این کار را ندارد

صالحین



جنگ نرم دشمن در کجا کار می‌کند. در بی‌بی‌سی، در خبرگزاری‌ها یا در اذهان خود ما؟ در بسیاری از موارد نیازی به کار دشمن نیست. در همین خصوص می‌گویند که مرغ گران شده است پس به‌جای یکی، دو تا بخرید. اگر خانم‌های ایرانی سبد مصرفی خود را در دو هفته از یک مرغ به دو مرغ برسانند، بلایی بر سر اقتصاد کشور می‌آید که یک بمب اتمی نیز توان این کار را ندارد. هیچ سیستم توزیعی در دنیا نمی‌تواند پاسخ این تقاضا را بدهد. تنها به دلیل نداشتن یک سواد اقتصادی است پس شما باید قیمت‌ها را به‌صورت نسبی حساب کنید نه اسمی. این نیز یک نکته عمیق در مورد سواد اقتصادی است.

■ ضرورت تربیت اقتصادی

بنده ضرورت تربیت اقتصادی را نیز در همین‌جا عرض خواهم کرد؛ زمانی که ما می‌گوییم، بحث تربیت اقتصادی لازم است و باید بر روی آن کار شود، نظر ما این است که یک بسیجی از اقتصاد چه باید بداند؟ در گذشته فکر می‌کردیم که تنها خود اقتصاد است، اما در اینجا می‌خواهیم این موارد را گسترده‌تر کنیم. قسمت اولی که باید یک بسیجی بداند، عقاید اقتصاد، قسمت دوم احکام اقتصادی و سوم اخلاق اقتصادی و قسمت چهارم سواد اقتصادی است. هرکدام از این موارد چیست؟ عقاید اقتصادی این است که نوجوان و یا جوان ما چه زمانی باید نسبت به برکت اعتقاد

همین موارد موجب شکست ما در جنگ نرم از دشمن است. زمانی که ذهنیت ما عوض شد و فکر کردیم که اقتصاد ما ضعیف است -درحالی‌که ضعیف نیست- باعث می‌شود که انتخاب‌ها و منطق انتخاب ما نیز تغییر کند. بنده مثالی از سواد اقتصادی می‌زنم. در اقتصاد، قیمت‌ها را نسبی نه به‌صورت اسمی حساب می‌کنند. قیمت اسمی؛ یعنی همان قیمت ریالی که بر روی هر کالایی می‌گذارند؛ به‌عنوان مثال، مرغ کیلویی هفت هزار تومان. اما در اقتصاد، قیمت‌های اسمی مبنا نیست و قیمت نسبی معنا است؛ یعنی این‌که شما اگر می‌خواهید بدانید که مرغ گران شده است یا خیر، نباید به خرید امروز که ۵ هزار تومان بوده و فردا هفت هزار تومان شده است، نگاه کنید، باید ببینید که قیمت مرغ نسبت به برنج چقدر تغییر کرده است.

■ خانم‌های ایرانی پیشگام اقتصاد مقاومتی

به نظر شما در حال حاضر قیمت مرغ نسبت به گذشته گران شده یا ارزان شده است؟ گران شده است. در قبل ۵ هزار تومان بوده و در حال حاضر هفت هزار شده است. سؤال دوم این‌که آیا ما الآن مرغ بیشتر مصرف می‌کنیم یا در قبل بیشتر استفاده می‌کردیم؟ در این سؤال مکث کردید؛ یعنی می‌تواند ارزان هم شده باشد، زمانی که مرغ در سبد مصرفی ما زیادت‌ر شود، معنای آن این است که به نسبت بقیه کالاها ارزان شده است. بنده با بیان این مثال، می‌خواهم بگویم که

صالحین

داشته باشد و رزاقیت الهی در کجای زندگی او وجود دارد، اگر به رزاقیت الهی معتقد باشد دیگر کلید اقتصاد کشور را در دست دیگران نمی‌داند بلکه اعتقاد دارد که رزق ما از جای دیگری تأمین می‌شود و مدل تفکر ما متفاوت است. پس رزاقیت، برکت، تقوا و توکل در کجا است؟

■ **ضرورت آشنایی با احکام اقتصادی**

این اولین موردی است که ما باید از اقتصاد باید بدانیم و نکته دوم احکام اقتصاد است، که شامل حلال‌ها و حرام‌ها می‌شود. آیا ما تمام احکام اقتصادی را می‌دانیم و نسبت به معامله‌ها و اعمالی که انجام می‌دهیم، آگاهی لازم را داریم؟ در بسیاری از مواقع، بسیاری از کارها از نظر مذهبی حلال نیست، اگر شما به دوست خود پولی قرض بدهید و از آن چیزی اضافه بگیرید، آیا این به معنای ربا نیست؟ نکته بعدی این است که شما در قرض دادن به فرد قرض نمی‌دهید که بیشتر از آن را از وی بگیرید بلکه به خداوند قرض می‌دهید: «یُقْرِضُ اللَّهُ»، یعنی ما به خدا قرض می‌دهیم که این نیز یک نکته مهم است. همین امر در جهاد اقتصادی نیز وجود دارد، زمانی که شما کالای داخلی

می‌خرید، طرف حساب شما مغازه‌دار یا تولیدکننده نیست، بلکه طرف حساب شما خداوند است و شما با خداوند معامله می‌کنید. پس شما نباید سود خود را از وی بخواهید، در قبال خرید کالای ایرانی نیست شما باید این باشد که عرصه را برای خدا باز کنید. ما همیشه به دنبال جهاد می‌گردیم. رهبر معظم انقلاب عرصه را بازکرده است، زمانی که شما در زمان خرید کالای ایرانی نیت کنید و اگر خواستید نیز به کسی تذکر دهید، در این صورت شما می‌جنگید و جهاد اقتصادی می‌کنید. پس نکته بعدی احکام اقتصادی است که چه معاملاتی باید صورت گیرد. قسمت بعدی، اخلاق اقتصادی است و شما باید کار کردن را از صمیم قلب دوست بدارید و این امر برای شما ارزش باشد. رهبر معظم انقلاب در جلسه اخیر هیئت دولت فرمودند که بر روی فرهنگ کار، تلاش کنید و بسیاری از افرادی که ما با آن‌ها مشکل داریم -و این مشکل نیز صحیح است- همین ژاپنی‌ها هستند. اقتصاد آنان بسیار قوی است، آن‌ها در آیین خودشان کار را عبادت می‌دانند. کار عبادت است و ما این امر را حتی بیشتر از آن‌ها می‌دانیم. ما در این زمینه بیشتر از آن‌ها



اگر تولیدکننده‌ای کم‌کاری کند ممکن است شما با بی‌رحمی تمام بگویید که خوب نیست و ما آن را نمی‌خواهیم، اما اگر تیم ملی ببازد، نمی‌گویند که بروید و طرفدار یک تیم دیگری شوید

حدیث و تأکیدات دینی داریم. پس چرا نباید این را عبادت بدانیم. کار عبادت است و ما نیز باید از بیکاری بیزار باشیم. این اخلاق اقتصادی است. زمانی‌که با یک تولید ایرانی مواجه می‌شوید -چون یک مسلمان درست کرده است- باید آن را دوست داشته باشید و کاری به کیفیت آن نداشته باشید. شما فوتبالیست را بیشتر دوست دارید یا تولیدکننده؟ شاید فوتبالیست بسیار محبوب باشد اما تولیدکننده، خط مقدم جهاد اقتصادی است و اگر تولیدکننده‌ای کم‌کاری کند ممکن است شما با بی‌رحمی تمام بگویید که خوب نیست و ما آن را نمی‌خواهیم، اما اگر تیم ملی ببازد، نمی‌گویند که بروید و طرفدار یک تیم دیگری شوید. باید بر روی کالاهای داخلی تعصب داشته باشیم. اخلاق اقتصادی باید تنظیم شود.

■ **برای هم کار کنیم و ببخشیم**

تفغر از بیکاری در این روایت نیز وجود دارد: جوانی به پیامبر مراجعه کرد و گفت که من کار ندارم، ایشان گفتند که از چشم من افتاده‌ای. ما در فرهنگ جهاد اقتصادی نباید در همه جا پول را وسط کار بیاوریم. باید برای هم کار کنیم و ببخشیم. از لحاظ عاطفی میان ما و جامعه فاصله‌های زیادی وجود دارد. یکی این است که برای بخشش و بی‌دریغ کار نمی‌کنیم و تا کسی می‌گوید که کاری را انجام بدهید، می‌گوییم که چقدر می‌دهید؟ ماهیت کار کردن این است، زمانی که کار می‌کنید خوشحال هستید و وقتی که شما خوشحال شوید، آرامشی بر شما حاکم می‌شود و خداوند نیز روزی را می‌رساند و وقتی شما کار را شروع می‌کنید، کلید را بر در رزق می‌اندازید. نگویید که چون پول نداده‌اید به دنبال کار من، رزقی وجود ندارد در صورتی که خداوند می‌فرماید: از جایی که حساب نمی‌کنید به

لالایی، رسانه یک مادر در خانواده است. بنابراین عملیات فرهنگی ممکن است امر پیچیده‌ای نباشد

شما می‌دهم. شاید نظر شما این باشد که اگر این کار را شروع کنم، از کجا معلوم است که پول آن را به من بدهند. ما می‌گوییم که شما کار خود را شروع کنید و نگویید که پول آن از کجا می‌آید در صورتی که خداوند فرموده است که از جایی که حساب نمی‌کنید به شما می‌دهم. این نیز یک نکته از اخلاق اقتصادی است. قسمت آخر نیز سواد اقتصادی است که بنده یک مثال نیز بیان کردم. شما اگر اقتصاد را به‌صورت صحیح بفهمید، انتخاب‌هایتان نیز درست می‌شود. بنده سؤالی دارم که آیا شما با سندهای بالادستی انقلاب اسلامی در عرصه انقلاب آشنا هستید یا خیر؟ آیا شما این موارد را می‌شناسید، شما باید سیاست‌ها را مانند شعر بخوانید، اگر کسی بتواند از این سیاست‌ها شعری دربیاورد ما به او یک جایزه خوبی خواهیم داد.

یکی از تاکتیک‌های فرهنگی قدیمی، این بوده است که مفاهیم را در قالب بیت شعر درمی‌آورند که انتقال آن راحت‌تر باشد و حتی کودکان بتوانند، راحت‌تر بخوانند. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی، تولید ملی و دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه را مانند شعر بخوانید و فرهنگ جهادی که اگر به‌صورت شعر باشد، می‌تواند این‌ها را بهتر بیان کند. سواد اقتصادی، سندهای بالادستی را می‌شناسد و می‌داند. پس سواد اقتصادی نیز باید تقویت شود و ما باید بحث خود را جمع‌بندی کنیم.

ما جنگ اقتصادی را بسیار مختصر تبیین کرده و اقتصاد مقاومتی را با این سه کلمه، «قیام، قوام و استقامت»، تبیین کردیم. مفهوم اقتصاد بیان شد، اقتصاد علم انتخاب است و تربیت اقتصادی نیز تبیین شد. این چهار عرصه بسیار مهم است. زمانی که این چهار عرصه را به کسی بدهید، منطق انتخاب آنان متفاوت از دیگران می‌شود. منطق انتخاب ما در انقلاب اسلامی با کشورهای دیگر یکسان نیست که مثال‌های آن نیز مفصل است.

■ **چگونه گفتمان‌سازی کنیم؟**

در بخش آخر نیز چند مورد از عملیات گفتمان‌ساز داخلی را مثال زده‌ایم؛ یکی، بلند پرسیدن ایرانی بودن کالا است. شما نیز برای پایگاه خود از این موارد مثال‌ها بزنید و فکرهای خود را بیان کنید و با اعضای پایگاه خود هماهنگ کنید که در این ماه یک عملیات تنظیم مصرف را انجام دهید که این امر نیز بسیار مهم است. ما حساب کرده‌ایم اگر ده میلیون بسیجی داشته باشیم و هرکدام در یک سال به‌اندازه یک‌میلیون تومان به‌جای خرید کالای خارجی، کالای داخلی بخرند، اتفاق بزرگی خواهد افتاد؛ هر چند ممکن است بعضی از افراد بگویند این یک میلیون تومان زیاد است، پس وضع شما خوب است. شما در طول یک سال ممکن است، یک گوشی بخرید با یک کت‌وشلوار یک‌میلیون تومان می‌شود. اگر ده میلیون بسیجی به‌جای یک‌میلیون تومان کالای خارجی در یک سال، یک‌میلیون تومان کالای داخلی بخرند یک‌سوم واردات سال ۸۹ کم می‌شود که این امر یک عملیات اقتصادی بزرگ است. عملیات تنظیم مصرف، یک عملیات اقتصادی بزرگ است به‌خصوص در پایگاه‌های ما که در شهرها زندگی می‌کنیم و شاید در پایگاه‌های روستایی راحت‌تر بتوان کارهای تولیدی را راه انداخت و ما نیز باید کارهای تولیدی را راه بیندازیم. حتی اگر شده در خانه خود یک کارگاه تولیدی ساده برپا کنیم. شما باید بدانید تولیدکننده چه می‌کند؟ باید تولید انجام دهید، خود شما باید لباس بدوزید و هر چیزی را که می‌توانید درست کنید، شما باید با تولید انس بگیرید و آن را دوست داشته باشید. هر چند شاید تولید کالای شما به فروش نرسد اما شما باید تولید و تولیدکنندگی را دوست داشته باشید. ممکن است شما در پایگاه خود در ظرف یک ماه در میان کل اعضای پایگاه ۵۰ هزار تومان پس‌انداز کنید و بگویید تابه‌حال اخلاق پس‌انداز کردن نداشته‌ایم و می‌خواهیم داشته باشیم و این خود عملیات بزرگی است. ممکن است شما صد بسیجی داشته باشید و به صد مغازه منطقه توصیه کنید که این موارد را سؤال کنند، سپس این صد بسیجی در مغازه‌ها بچرخند یعنی هر مغازه با صد نفر آدم مواجه شود و فروشنده وقتی به خرید می‌رود می‌گوید که این افراد پوست ما را کنده‌اند، آیا این عملیات و این امر به‌صورت یک‌دفعه یک منطقه را تکان نمی‌دهد؟ هر چند کوتاه‌مدت است. بعضی‌ها نیز می‌گویند که عملیات فرهنگی بلندمدت است. اگر

صالحین

درست کار کنیم، عملیات فرهنگی در کوتاه‌مدت نیز جواب می‌دهد. به‌عنوان‌مثال مادری که به فرزندش لالایی می‌گوید، آیا می‌تواند مفاهیم جهاد اقتصادی را به فرزند خود بگوید؟

■ **لالایی مادران رسانه اقتصاد مقاومتی**

بنده در اینجا به نقلی از حضرت زهرا (س) این بحث را خاتمه می‌دهم. شما حتماً لالایی ایشان به امام حسن (ع) را که می‌خوانده است، شنیده‌اید: «اشبه اباک یا حسن و خلق أُنّا خلق الحسن». ای حسن به پدرت شبیه شو از گردن حق طناب را بردار. چه مفاهیم بلندی در لالایی کودک نهفته است، به نظر بنده شما می‌توانید فرزندان خود را با فرهنگ جهاد و با هزینه کردن برای امام زمان (عج) بار بیاورید. من فکر می‌کردم که آیا این لالایی برای کودک است؟ خیر، زمانی که شما برای کودک لالایی می‌خوانید، پدر خانواده و فرزندان دیگر گوش خود را تیز می‌کنند که مادر به کودک چه می‌گوید. به نظر بنده لالایی، رسانه یک مادر در خانواده است. بنابراین عملیات فرهنگی ممکن است امر پیچیده‌ای نباشد. ■

📖بی‌نوشت:

۱-نقشه جنگ اقتصادی صفحه ۱۸



صالحین



بزرگ و سنگینی جهت کمک به انجام اقتصاد مقاومتی دارد.

بسیج برای توسعه و اجرایی شدن این امر، می‌تواند در تبیین و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی از جمله: استفاده از کالاهای داخلی و اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ کار و تلاش، روح خودباوری و خوداتکایی، حمایت از تولید ملی و عدم مصرف کالای خارجی و مردمی کردن اقتصاد نقش اساسی را ایفا کند.

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که بسیج دارای ویژگی‌ها و برتری‌هایی نسبت به سایر ارگان‌ها و سازمان‌های دیگر می‌باشد که در صورت بهره‌گیری از آن می‌تواند نقشی جدی و مؤثر در تحقق اقتصاد مقاومتی داشته‌باشد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، حضور طیف وسیعی از توده‌های عمومی تا قشرهای تخصصی می‌باشد.

بسیج از گروه‌های مختلفی از جمله: زنان خانه‌دار، اساتید، کارمندان، کارگران، پزشکان، روحانیون، طلاب، دانشجویان، هنرمندان و ورزشکاران، مهندسين و اصناف تشکیل شده‌است.

طرح شجره طیبه صالحین، به عنوان یکی از وظایف اصلی نیروی مقاومت بسیج می‌باشد که با تدوین یک نظام تربیتی منسجم و مبتنی بر مبانی و اصول تربیت دینی، در حال حاضر یکی از بهترین و موفق‌ترین روش‌های تربیت نیروی انسانی و کادرسازی به شمار می‌رود که توانسته است نقش محوری و بی‌بدیلی در اشاعه تفکر ناب بسیجی ایفاء کند.

نظام تربیتی صالحین، تنها به جلسات حلقه محصور نمی‌شود بلکه محور آن، مسئولیت‌پذیری و ارتباط نزدیک و صمیمی سرگروه با اعضای گروه است که بیشتر در فضایی خارج از آن جلسات شکل گرفته و به صورت ارتباطی صمیمی و محبت آمیز انجام می‌گیرد. در همین میدان‌های عمل است که سرگروه سعی می‌کند، خلقیات ناپسند را برطرف نماید و در جهت تقویت صفات نیکوی مرتبی گام بردارد.

در همین راستا، این نظام تربیتی می‌تواند نقش بسیار مهمی در فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی داشته باشد. در ادامه چند راهکار عملیاتی برای حلقه‌های صالحین در مساجد، عنوان شده‌است.



نهاد خانواده، مهم‌ترین و اثرگذارترین نهاد در شکل‌دهی رفتار اقتصادی افراد جامعه است. رمز موفقیت ترویج رفتار بهینه و صحیح اقتصادی در حلقه صالحین، تعامل مناسب میان سرگروه و خانواده متربیان می‌باشد

«»»»» < ۱-اصلاح الگوی مصرف و صرفه‌جویی

اصلاح الگوی مصرف به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است. این امر سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها گشته و زمینه‌ای برای گسترش عدالت، در جهت خنثی کردن توطئه‌های دشمن است.

سرگروه‌های حلقه‌های صالحین به عنوان تاثیرگذارترین افراد در کنار والدین، می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد نگرش و رفتارهای درست مصرف متربیان داشته باشند. بیان مثال‌ها و مصادیقی از اسراف در جامعه، ذکر آیات، احادیث و روایات، بازنمایی عمل و رفتار معصومین(ع) و غیره در جلسات، برگزاری مسابقات مختلف انشاء و مقاله نویسی، برنامه‌های هنری و ادبی با موضوع صرفه جویی، عدم اسراف و الگو بودن خود در این زمینه، در واقع به نقش تاثیرگذار سرگروه در مدت زمان طولانی، بهاء داده و منشاء خیر و برکت در جامعه می‌باشد.

«»»»» < ۲-اردوهای جهادی

اردوهای جهادی حلقه‌های صالحین، از جمله مواردی است که با هدف رفع محرومیت و مظلومیت از مردم، در راستای آموزش و فرهنگ‌سازی میان مردم و توانمندسازی روستاها و مناطق محروم، می‌توانند نقشی مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی داشته‌باشند.

در طی این اردوها، خدمت رسانی به مناطق محروم، تقویت کار گروهی، تقویت حس خودباوری و

اعتماد به نفس، غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان، تذکر و همیاری به یکدیگر در پیمودن پلکان رشد و کمک به سایرین برای ساختن فضای فرهنگی و مذهبی محیط با هدف ایجاد روحیه سازندگی و امید در مردم منطقه ایجاد می‌گردد.

«»»»» < ۳-هر حلقه یک محصول

حمایت از تولید ملی و تقویت فرهنگ کار از مؤلفه‌های پیشرفت یک جامعه است و یکی از معیارهایی است که جامعه توسعه‌یافته را از جامعه غیر توسعه‌یافته متمایز می‌کند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «اگر ما به توفیق الهی، با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، بتوانیم مسئله تولید داخلی را آن‌چنان که شایسته آن است، رونق بخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهند ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئلهٔ تولید ملی است».

در بسیاری از کشورهای مختلف جهان بنگاه‌های کوچک، نقش بالایی در تولید ثروت و درآمد ناخالص ملی دارند؛ در چین بسیاری از محصولات در بنگاه‌های کوچک، تولید و در منازل مونتاژ می‌شوند. در این کشور، تولید منحصر به کارخانه‌ها و تولیدی‌های بزرگ نیست بلکه هر شخصی می‌تواند در خانه خود، با توجه به مکان و بودجه، یک محصول تولید نماید و درآمدزایی بسیاری داشته‌باشد. شعار رشد اقتصادی در کشور چین، بیابید هر خانه را کارخانه کنیم، می‌باشد. اما با کمی تأمل به این نکته پی می‌بریم که شبکه عظیم تربیتی صالحین، دارای نیروی انسانی فراوان و کارا می‌باشد که با سپری کردن یک‌سری دوره‌های آموزشی، این نیروی عظیم به راحتی می‌تواند در جهت فعالیت‌های تولیدی آماده شود. اگر تصور شود که هر حلقه می‌تواند یک تعاونی اقتصادی باشد، آنگاه با کمترین امکانات و منابع می‌تواند سهم بسیاری در تولید کالا، جهت استفاده در داخل و خارج از کشور داشته‌باشد. فعالیت‌هایی مانند: صنایع دستی، تهیه غذا، کیف و کفش، تولید محصولات کشاورزی، پرورش انواع پرندگان، پرورش ماهی آکواریومی، منسوجات و غیره از جمله محصولاتی می‌باشند که می‌توانند در این حلقه‌ها تولید شوند.

صالحین

«»»»» < ۴-خرید کالاهای ایرانی

از آنجا که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی درون‌زا و حامی سرمایه و کار ایرانی می‌باشد؛ فرهنگ خرید کالا و خدمات حتی الامکان باید ناظر به خرید محصولات ایرانی باشد. در این صورت سرگروه باید استفاده از کالاهای داخلی را در زندگی خود الگو قرار دهد و در مناسبت‌های مختلف، اعضای حلقه خود را به حمایت از کالای بومی و داخلی ترغیب نماید. زیرا تدریس عملی سرگروه – رفتار عینی او در کنار آموزش تئوری مفاهیم – می‌تواند الگویی تعیین کننده برای متربیان خود باشد. استفاده از تبلیغات مفید، آموزش صحیح و مداوم به اعضای حلقه، التزام به خرید کالاهای ایرانی در مساجد، ایجاد امتیازها و جوایز، جهت خرید کالاهای داخلی و تهیه بروشورهای آموزشی مربوط به استفاده از کالاهای ایرانی، می‌تواند از عوامل تأثیرگذار جهت تشویق متربیان برای استفاده از کالای ملی باشد.

«»»»» < ۵-تعامل با نهاد خانواده

نهاد خانواده، مهم‌ترین و اثرگذارترین نهاد در شکل‌دهی رفتار اقتصادی افراد جامعه است. رمز موفقیت ترویج رفتار بهینه و صحیح اقتصادی در حلقه صالحین، تعامل مناسب میان سرگروه و خانواده متربیان می‌باشد، به خصوص مادران که نقش محوری در این موضوع را دارند. مرتبی زمانی‌که متوجه شود، خانواده و سرگروه به عنوان الگوهای تربیتی، پیشرو در اجرای اقتصاد مقاومتی هستند، سعی می‌کند رفتار خود را با رفتار الگوهای تربیتی خود تطبیق دهد. در این راستا سرگروه‌های حلقه‌های صالحین با برگزاری کلاس‌های آموزشی و دعوت از اساتید مطرح در حوزه اقتصادی، می‌توانند به چگونگی ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی از جمله استفاده از فرهنگ تعمیر به جای تعویض،- چگونگی کاهش هزینه‌های ناشی از مصرف حامل‌های انرژی در منزل- تشویق خانواده به کاهش خرید کالاهای تجملی و لوکس، فرهنگ تغذیه سالم، چگونگی پس‌انداز صحیح، سرمایه‌گذاری و ... کمک نمایند. 🇮🇷

📄بی‌نوشت:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی(۱۳۹۳/۰۱/۰۱)
۲. سخنان رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۱/۱

صالحین



ترویج کالای ملی و ایرانی

۲۶ راهکار عملیاتی برای حلقه‌های صالحین، مدارس و پایگاه‌های بسیج

یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در چند سال گذشته، در حوزه اقتصاد و مباحث مربوط به آن از حماسه اقتصادی و اقتصاد مقاومتی گرفته تا فرهنگ اقتصادی، مدیریت جهادی، جهاد اقتصادی و... است. اموری که همگی هم به مقوله اقتصاد و هم فرهنگ برمی‌گردند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که رهبری تأکید جدی بر آن دارند و از منظر اقتصادی نیز مانند یک شاه‌کلید عمل می‌کند، مقوله تولید ملی و مصرف کالاهای داخلی است. امری که صرفاً جنبه اقتصادی محض ندارد و قطعاً در مباحث فرهنگی و تربیتی جامعه نیز گنجانده می‌شود.

یکی از جایگاه‌های مهم و تأثیرگذار در ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی و مشخصاً فرهنگ مصرف کالای داخلی، مدارس هستند. معلمان، دانش‌آموزان و والدین که قشری عظیم از جامعه را تشکیل می‌دهند،

در راستای حمایت و ترویج کالای ایرانی نقش بسیار پررنگ و حائز اهمیتی دارند. جالب آنجاست که حلقه‌های صالحین و مدارس از جنبه‌هایی، اشتراکات زیادی دارند و آن، آموزش و پرورش به معنای واقعی آن است. دانش‌آموزان در مدارس، علوم مختلف را کسب می‌کنند تا بتوانند در آینده آن را به کار برند. آنان زیر نظر معلم یا معلمانی به امر تعلم و فراگیری علوم مشغول می‌شوند. در حلقه‌های صالحین نیز متربیان

چونان دانش‌آموزان توسط مربی تحت آموزش و تعلیم قرار می‌گیرد. ویژگی برجسته‌ای که حلقه‌های صالحین دارد و این ویژگی در نظام آموزش و پرورش کنونی کمتر به چشم می‌خورد، کاربرد و عملی کردن دانش است. فرآیندی که ذیل مباحث تربیتی تعریف می‌شود؛ یعنی عملی کردن بینش‌های فرد به رفتارهای مطلوب و مورد نظر. مثلاً در حلقه‌های صالحین ذیل آموزش به امر به معروف، عملاً سعی در کاربردی شدن این مفهوم و تعمیم آن در محله، شهر و اطراف خود دارد. در مدرسه این مهم کمتر به چشم می‌خورد. البته این ویژگی را می‌توان در مدارس نیز عمومیت بخشید؛ چراکه اغلب افراد در حلقه‌های صالحین از همین قشر یعنی دانش‌آموز هستند.

با همه این تفاسیر، جهت آشنایی لازم مربیان در حمایت و ترویج کالای ایرانی، راهکارها و نمونه‌هایی کاربردی در این راستا، ارائه می‌شود و امید است مربیان

به یاری متربیان و بسیجیان محترم با مطالعه و کاربرد عملی آن در راستای تحقق این امر در حقیقت کشور را یاری کنند و بتوانند سهمی بسزا در پیش‌برد این مهم داشته باشند:

راهکارهایی برای متربیان در خصوص حمایت و ترویج کالای ایرانی:

۱- نظرخواهی

برای مقدمه مربیان گرامی از بچه‌های حلقه صالحین در این مورد نظرخواهی کند و این موضوع را در یک یا چند جلسه مورد بررسی قرار دهند.

۲- آگاهی‌بخشی

می‌توان یک قسمت از تابلو اعلانات مسجد و پایگاه را به معرفی کالای ایرانی اختصاص داد؛ همچنین سایت‌هایی که به معرفی کالای داخلی می‌پردازند، به‌عنوان نمونه پایگاه اینترنتی به آدرس (www.tolidemelli.com). این مسئله جهت آن است که بعضی از مردم واقعاً نمی‌دانند چه جنسی ایرانیست و یا خارجی.

• مربیان گرامی مدنظر داشته باشند که ترویج کالاها و تبلیغات برای کالای ایرانی نباید عرصه‌ای باشد برای دغل‌بازی‌ها و منفعت‌طلبی‌های عده‌ای سودجو.

۳- امتیازات ویژه برای خریداران کالای ایرانی
مربیان به همراه متربیان و یا با بزرگ‌ترهای مسجد می‌توانند فروشگاه‌هایی را که کالای داخلی عرضه

می‌کنند، شناسایی کرده و پس از صحبت با آن‌ها در مورد این مهم از آن‌ها بخواهند کسانی که از پایگاه یا مسجد مورد نظر معرفی می‌شود به آن‌ها حداقل ۵٪ تخفیف دهند و یا مواردی دیگر مانند فروش اقساطی و

۴- تقدیر از فروشندگان محصولات ایرانی
می‌توانند برای فروشگاه‌هایی که جنس ایرانی می‌فروشند از طرف پایگاه یا مسجد و یا محل سکونت تقدیرنامه‌ای آماده کرده و تقدیم آن فروشگاه کنند.

۵- ترغیب کاسبین محل به فروش محصولات ایرانی

می‌توان کاسب‌های مسجدی را ترغیب به فروش کالای مصرف داخلی کنند؛ این امر می‌تواند توسط امام جماعت با همکاری مربیان و متربیان قبل و یا بعد از نماز صورت گیرد.

۶- تجهیز به‌های ایرانی

بعضی از مساجد و پایگاه‌ها در جهت تأمین تجهیزات برای دختران در خانواده‌های کم‌بضاعت فعالیت دارند که می‌توان از این مورد نیز جهت ترغیب به مصرف و خرید کالای ایرانی استفاده کرد.

۷- نذورات ایرانی به‌جای خارجی

مثلاً مساجدی هستند که در آن‌ها به جهت جمعیت زیاد، چای مصرف زیادی دارد. پس چه بهترست تبلیغ

و ترغیب برای چای ایرانی باشد و از مردم خواسته شود تا برای نذورات خودشان به‌جای چای خارجی، چای ایرانی خریداری کنند.

۸- جایزه‌های ایرانی

در میان مساجد و پایگاه‌ها و بسیجیان و حلقه‌های صالحین، گاهی وقت‌ها دیده می‌شود که برای مسابقاتی که تدارک دیده‌اند، جایزه‌ها کاملاً خارجی خریداری می‌شود. در این میان هم می‌توان از کالای داخلی استفاده کرد. مسابقه ایرانیست و در ایران و میان ایرانی‌ها اما هدیه خارجی!

۹- ترغیب خرید کالای ایرانی با پوستره‌های جذاب

استفاده دائمی از طرح‌های تبلیغی جذابی که خرید کالاهای ایرانی را تبلیغ و غرور ملی ما را بیدار می‌کنند، در تربیون مساجد و پایگاه‌ها ضروریست؛ به‌عنوان نمونه از پایگاه اینترنتی «ایام» می‌توان بهره برد.

۱۰- برجسته کردن نقش زنان

زنان بازوی اصلی عرصه مصرف خانواده‌ها هستند. از زنان مسجدی که هیچ کالای خارجی نمی‌خرند و برای دور زدن بازار انبوه کالاهای خارجی ایده‌هایی دارند، تقدیر کنید و ایده‌هایشان را برجسته و به دیگران منتقل کنید. شاید یک ستون از نشریه پایگاه و مسجد را بتوان به معرفی این ایده‌ها اختصاص داد.

صالحین

۱۱- معرفی کالاهای ایرانی

کالاهای پر مصرف را لیست کنید و ببینید برای هر کدام در جهت ترویج کالاهای ایرانی از دستتان چه کارهایی برمی‌آید. نمونه چنین اقدامی مرکز «بچه‌های آفتاب» است که چند صد اسباب‌بازی کاملاً ایرانی را شناسایی و عرضه می‌کند؛ می‌بایست این‌گونه مراکز را به مردم معرفی کرد.

۱۲- بیان احکام مصرف کالای صهیونیستی

احکام مصرف کالاهای صهیونیستی را برای مردم بازگو کنید و کالاهای صهیونیست را به مردم معرفی کنید. برای این کار می‌توان از روش‌های هنری استفاده کرد (هستند سایت‌هایی که پوستره‌های معرفی کالاهای اسرائیلی را طراحی و برای دانلود قرار داده‌اند).

۱۳- تقدیر از زوج‌های جوان

از زوج‌های جوان محل که همه کالاهای اساسی منزلشان را ایرانی خریده‌اند، تقدیر کنید. برای این برنامه می‌بایست در محله و حتی شهر تبلیغات کرد تا همه بدانند که چنین کارهایی تقدیر دارد؛ به‌ویژه در جو اجتماعی‌ای که خرید جنسی خارجی یک افتخار شده و بهانه کیفیت هم خیلی راحت توجیه‌کننده است.

۱۴- فراخوان خاطره‌نویسی

می‌توان در پایگاه، مسجد، مدرسه و محل، یک فراخوان خاطره داد و خاطرات سختی‌های خرید جنس



صالحین

ایرانی را جمع‌آوری کرد و یا اگر دوربین در اختیار هست، رفت و با یک یا چند خانواده مصاحبه کرد و مستندی تهیه کرد برای سختی‌های حمایت از کالاهای کشور خودمان.

۱۵- رصد و مطالبه‌گری

دستگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی که توصیه رهبر برای عدم خرید کالاهای خارجی را جدی نگرفته‌اند را به مردم معرفی کنید؛ مثلاً خبر توزیع کیف خارجی در فلان همایش دولتی را منتشر کنید. همین کار می‌تواند باعث حساسیت بیشتر متولیان در خریدهایشان بشود.

۱۶- استفاده از مستندهای اقتصادی

در این سال‌ها مستندهایی تهیه شده که پیشرفت کشورمان را در عرصه تولید نشان می‌دهد، یا خاطرات و زندگی‌نامه افرادی که خودشان را وقف تولید و سازندگی کرده‌اند را به تصویر کشیده است؛ هر چند کم ولی هست. می‌توان این‌ها را در پایگاه‌های مختلف (سایت) پیدا کرد و برای بچه‌های حلقه مسجدی‌ها پخش کرد یا به مردم محل هدیه داد. نمونه‌های آن را می‌توان از پایگاه‌های «برنامه ثریا»، «جشنواره فیلم عمار»، «گروه راز»، «گروه سفیر» یا «مؤسسه آرمان» یافت.

۱۸- حمایت از تولیدکنندگان محلی

اگر تولیدکننده‌های خوبی را در محله یا شهرتان می‌شناسید، حتماً برای حمایت از آن‌ها تلاش کنید به‌ویژه اینکه کالای تولیدی آن‌ها، مشابه خارجی هم در بازار داشته باشد.

۱۹- افتتاح‌های باشکوه

اگر کسانی خانه‌هایی بسازند که همه وسایل و مصالح بکار رفته در آن ایرانی باشد، می‌توان افتتاح این خانه را به یک مراسم باشکوه تبدیل کرد.

۲۰- تبلیغات محیطی

تراکت‌هایی تهیه کنید که می‌شود در معابر عمومی مانند نانوائی و ایستگاه‌های اتوبوس نصب کرد. در بعضی سایت‌ها مثل سایت «تریبون» برخی از این نمونه‌ها وجود دارد. خود بچه‌ها می‌توانند متناسب با فرهنگ و شرایط منطقه کارهای بهتری تولید کنند.

۲۱- برپا کردن نمایشگاه

کار بر روی فرمایشات رهبر معظم انقلاب و امام راحل (ره) و هر چیزی که امید را به دل مردم

بیاورد و انگیزه حرکت را در مردم ایجاد کند، از نان شب هم واجب‌تر است. نمایشگاه‌هایی با موضوعات هویت‌بخش از دستاوردهای کشور تولید شده است، برپایی این‌گونه نمایشگاه‌ها را مقدمه اصلی کارهای فوق‌الذکر قرار دهید. به‌عنوان نمونه نمایشگاه دست برتر در «سایت شجر»، دستاوردها در «سایت دستاوردها» و ما می‌توانیم در «سایت ایام» و... را می‌توانیم نام ببریم.

۲۲- آموزش تگه‌داری از وسایل

برای نگهداری بهتر وسایل، روش کار با وسایل ایرانی را به مردم آموزش دهید. این کمک شما باعث آن می‌شود که عمر وسیله افزایش پیدا کند و در درازمدت افزایش رضایت مردم را در پی خواهد داشت.

۲۳- برگزاری تئاترهای تأثیرگذار

می‌توان یک تئاتر ویژه طراحی کرد و در پایگاه، مسجد و محل سکونت اجرا کرد و استفاده از کالای داخلی را به این روش برای مردم خصوصاً بچه‌ها جا انداخت؛ چراکه این‌گونه روش‌ها اثربخشی فوق‌العاده‌ای بر روی بچه‌ها و کودکان دارد. از مربیان و متریبانی که در این زمینه ایده‌هایی دارند حمایت و تقدیر کنید.

۲۴- لوازم خودرو

مسجدی‌ها و خانواده‌هایشان یک جامعه بسیار بزرگ هستند که خیلی از آن‌ها خودرو دارند. تعمیرگاه‌های خودرویی که قطعات ایرانی را استفاده

می‌کنند تبلیغ و ترویج و توصیه کنید. این کار در حمایت از کارگر و صنعت ایرانی نقش بسزایی دارد. کفایت این کار را جدی بگیریم.

۲۵- مقایسه‌های آماری

همه سعی کنیم به‌تدریج با برخی مقایسه‌های آماری جذاب یا روش‌های هنری، مصرف کالاهای لوکس را برای مردم به یک منکر تبدیل کنیم. مثلاً مقایسه میزان واردات کالاهای تزئینی خارجی با وضعیت صنایع‌دستی در ایران که البته می‌توان مثلاً از برخی کانون‌ها مثل کانون‌های استان اصفهان در این زمینه کمک گرفت.

۲۶- مبارزه فرهنگی همه‌جانبه با قاچاق

در بحث مبارزه با پدیده قاچاق کالا می‌توان با این پدیده مبارزه فرهنگی کرد. مربیان و متریبان خود می‌توانند الگویی برای این کار باشند. مثلاً از خرید و حمایت کالایی که به گونه قاچاق در بازار عرضه می‌شود امتناع ورزند و ضمن آگاه نمودن سایرین از دوستان و همسایگان و آشنایان، از این پدیده سرطانی، آنان را از حمایت و خرید این‌گونه کالاهای مضر اقتصادی بر حذر دارند. برای این کار می‌توان از ترغیب و تشویق به گونه نقاشی و کاریکاتور و پیام‌های فرهنگی در مساجد و در تابلو اعلانات و دیگر موارد استفاده کرد. ■

